اطلاعات

سه شنبه ۷ آبان ۱۳۹۲ - ۲۳ ذیحجه ۱۴۳۴ - ۲۹ اکتبر ۲۰۱۳ - شماره ۲۵۷۲۵ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

شیوه کنونی اجرای هدفمندی یارانه‌ها مخرب است

* وزیر تعاون، کار و رفاه: هدفمندی یارانه‌ها بدون توجه به تجربه کشورهای پیشرفته بود
* رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس: ایرانیان مقیم خارج، افغانی‌های ساکن ایران ملاکین بزرگ و مالکان خودروهای گران‌قیمت باید از دریافت یارانه نقدی حذف شوند

صفحه ۱۴

سیدحسن نصرالله: پرونده ٤ دیپلمات ربوده شده ایرانی باید گشوده شود

* مکتب مقاومت نخواهد پذیرفت که مسأله زندانیان و پیکرهای شهدا به حال خود رها شود
* تحولات اخیر ثابت کرد که سوریه راه حل نظامی ندارد
* عربستان به دلیل تحقق نیافتن اهدافش در سوریه بسیار ناراحت است

صفحه ۱۶

رئیس جمهوری در کنگره سراسری خانه کشاورز:

قدم به قدم مشکلات را از پیش‌رو برمی‌داریم



رئیس جمهوری به برگزیدگان و پیشکسوتان بخش کشاورزی لوح تقدیر اهدا کرد

* ۵۶ درصد امنیت غذایی کشور وابسته به واردات است
* اراضی کشاورزی برای خانه‌سازی بی‌رحمانه تخریب شده است
* در سفره امروز ایرانیان آثار موادغذایی از آمریکای لاتین و آفریقا گرفته تا آسیای دور مشاهده می‌شود
* پیش از این با درآمد سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار بخش‌های مختلف و از جمله کشاورزی احیا نشد
* دولت با همه توان خود برای احیای کشاورزی به عنوان یک رسالت ملی گام برخواهد داشت
* دکتر کلانتری دبیرکل خانه کشاورز: با تداوم برداشت‌های بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی تا ۲۵ سال آینده جمعیت کشور آب آشامیدنی هم نخواهند داشت
* نیمی از جامعه دچار سوء‌تغذیه است
* برای داشتن امنیت غذایی در آینده نیازمند دگرگونی در استراتژی‌های کنونی بخش کشاورزی هستیم
* وزیر جهاد کشاورزی: تشکل‌ها باید خودشان واردات نهاده‌ها را انجام دهند

برای اجرای پروژه‌های عمرانی و شهرسازی بی‌رحمانه اراضی کشاورزی و باغات کشور تخریب شده است.

از مجموع ۱۰۰ درصد نیاز غذایی کشور فقط ۴۴ درصد توسط تولیدات داخلی تامین می‌شود و ۵۶ درصد امنیت غذایی ایران به واردات از اقصی نقاط دنیا وابسته است.

بقیه در صفحه ۴

در مراسم معارفه وزیر علوم

مجید انصاری: دانشگاه‌ها به کمک دولت بیایند

* در این دوره باید بر توسعه کیفی، ایجاد استحکام بین علم، اقتصاد، تولید و صنعت تمرکز شود

* فرجی دانا وزیر علوم: در دوره دو ماهه سرپرستی وزارت علوم توسط دکتر توفیقی نشاط به دانشگاه‌ها برگشت
* دکتر توفیقی: از دکتر روحانی تشکر می‌کنم که وزیران پیشنهادی علوم را از میان منتخبین کارگروه انتخاب کرد و دکتر فرجی دانا یکی از بهترین‌ها بود

معاون پارلمانی رئیس جمهور گفت: دولت دست خود را برای حل مسائل اقتصادی به سمت دانشگاهها و مراکز علمی دراز کرده است.

به گزارش مهر، حجت الاسلام والمسلمین مجید انصاری معاون پارلمانی رئیس جمهور دیروز در مراسم تودیع و معارفه وزیر علوم، انتخاب دکتر فرجی دانا را تبریک گفت و افزود:

بقیه در صفحه ۳

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

مردم از دستاوردهای انقلاب و دولت منتخب حفاظت می کنند

* شهامت دولت یازدهم برای فعال کردن دیپلماسی پویا ستودنی است
* بدون تعامل سازنده با جهان، نمی‌توان ادامه مسیر داد

صفحه ۲

وزیر خارجه: حادثه سراوان نمادی از گسترش افراط گری در منطقه است

* وزارت امور خارجه بسیج شده است تحرکات لازم را برای برخورد با این اقدام غیرانسانی انجام دهد
* برای حفظ امنیت کشور خود ناگزیریم به برقراری امنیت در منطقه کمک کنیم

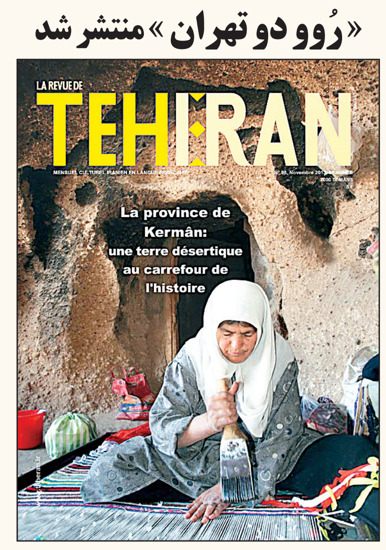
صفحه ۲

جمعیت استان تهران از مرز ۱۲/٤ میلیون نفر گذشت

* مدیرکل ثبت احوال استان تهران: در هر ساعت ۲۱ نوزاد در استان تهران متولد می‌شود
* ۱۱ درصد طلاق‌ها در یکسال اول ازدواج صورت می‌گیرد
* ۱۵ ساله‌های تهرانی از آذرماه صاحب کارت هوشمند ملی می‌شوند

صفحه ۲

نود و ششمین شماره ماهنامه فرانسوی زبان «رُوو دو تهران» منتشر شد



نود و ششمین شماره ماهنامه فرانسوی زبان «رُوو دو تهران» Revue de Téhéran، وابسته به موسسه اطلاعات، در هشتاد و چهار صفحه منتشر شد.

پرونده این شماره به معرّفی استان تاریخی و فرهنگی کرمان می‌پردازد.

«نگاهی به تاریخ کرمان»، «جیرفت، تمدّنی نهفته در دل تاریخ»، «آثار تاریخی و ثروت طبیعی استان»، «تنوّع و تحمّل فرهنگی کرمان»، «ارگ بم»، «روستای سنگی و خانه‌های غاری میمند»، «صحرای شهداد»، «فرش کرمان» و «ادبیات کهن و جدید کرمان» عناوین مقالات این بخش است.

در بخش دوّم طی مقاله جامعی به موضوع امام‌شناسی در فرهنگ شیعه پرداخته شده است. همچنین در ادامه مقالاتی در موضوعات ادبی و هنری ارائه شده است.

علاقمندان می‌توانند مطالب و مقالات تایپ شده خود را در موضوعات مرتبط با ایران و اسلام به زبان فرانسه برای بررسی و چاپ در ماهنامه، به آدرس روزنامه اطلاعات یا نشانی الکترونیکی mail@teheran.ir ارسال و پیشنهادهای خود را با شمارهٔ تلفن ۲۹۹۹۳۶۱۵ یا با مراجعه به سایت مجله به آدرس www.teheran.ir مطرح کنند.

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم - قاسم زاده

فصل بهانه تراشی!

دولت یازدهم به دلایل و علت‌های گوناگون در جاده‌ای هموار و صاف حرکت نمی کند. در همین دو ماه گذشته معلوم شد که مسیر مدیریت برای رئیس جمهور سنگلاخ است و البته اینجا و آنجا در این سنگلاخ مین گذاری نیز شده است. فعلا دولت در فصل بهانه تراشی‌هایی قرار گرفته است که صدای هیاهوی آن در این مسیر سنگلاخ به صدای انفجار مین‌ها می‌ماند.

بسیاری از آنها که در هشت سال دولت آقای احمدی‌نژاد از حامیان او و برخی از علاقه‌مندان وفادار شناخته شده‌اند واقعیت شکست در انتخابات ریاست جمهوری را هر چند تلخ دریافته‌اند، تلخ‌تر آنکه دولت برآمده از این انتخابات نه تنها نمی‌خواهد مسیر گذشته را ادامه دهد و یا در برابر شرکاء دولت گذشته تمکین کند بلکه شروع کار خود را بر نقد مدیریت گذشته نهاده است و مردم هم می‌خواهند که از کارنامه هشت ساله دولت آقای احمدی‌نژاد پرده‌برداری منطقی و واقعی انجام پذیرد. مردم به‌خوبی دریافته‌اند که اگر گذشته تصحیح نشود و فصل جدیدی از مدیریت کلان در کشور کلید نخورد، همچنان کشور در بیراهه طی مسیر خواهد کرد. رأی مردم در انتخابات رأی تغییر بود، تغییر در شیوه مدیریت گذشته که در درون کشور بحران مالی، اقتصادی و اجتماعی را ثمر داده است و در روابط خارجی و بیرونی، انزوای کشور در جامعه بین‌المللی محصول آن است.

آقای روحانی به مردم وعده داده است بعد از صد روز گزارشی کامل از گذشته و میراثی که او در دولت جدید از آن دارد ارائه خواهد داد. این وعده موجب شده است تا اینجای کار رقبای دولت جدید به‌جای پذیرش مسئولیت ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های گذشته، اولاً چنان جلوه می‌دهند که انگار روحانی چند سالی است رئیس جمهور است و وزرای دولت او نزدیک به یکسال است که مشغول کارند. ثانیاً به‌جای نقد گذشته هر گام دولت جدید از طریق رسانه‌های در اختیار دولت‌مداران هشت ساله گذشته به بهانه‌های گوناگون اشتباه و غلط تفسیر می‌گردد، آنهم در ضرباهنگ علنی کردن مشکلات عمومی کشور و بالا بردن سطح مطالبات مردم از دولت جدید!

بهانه‌تراشی از سوی رقبای دولت و کسانی که حامیان دولت آقای احمدی‌نژاد بودند کلید واژه نقد بر دولت جدید شده است. روحانی به نیویورک رفت و یکباره تحول در سیاست خارجی ایران شهره آفاق شد. در پرونده انرژی اتمی که در بن‌بست مانده بود روزنه‌ای از گشایش و حل اختلاف‌ها براساس نتیجه بُرد - بُرد ظاهر شد. به‌جای تمجید از این حرکت بهانه‌تراشی‌ها با محور مکالمه تلفنی رئیس جمهور با اوباما و یا نشست ظریف وزیر خارجه با جان‌کری وزیر خارجه آمریکا و بالاخره چرا نشست ژنو محرمانه بوده است؟ چنان فضای خبری و سیاسی داخل را فرا گرفت که در اوج این بهانه‌تراشی‌ها دولت در مقام پاسخگویی برای عذرخواهی به گوشه سیاسی - تبلیغی رانده شد! چند هفته از مسیر این ماجرا که خوراک کنش‌ها و واکنش‌های داخلی بود، حالا دولت را با محور «همه امور کشور را معطل سیاست خارجی کرده‌اند!» که موجب «بی‌عملی در کارهای اجرایی» و «یا کم‌عملی در وظایف قوه مجریه» شده است، متهم می کنند! با همین محور که چرا آقای روحانی همه تخم‌مرغ‌های مدیریتی خود را در سبد سیاست خارجی قرار داده است! و از وزارت خارجه با عنوان قوه وزارت خارجه قلم می‌چرخانند و در محافل اعتراض می کنند تا موضوعیت بهانه‌تراشی زنده بماند! بهانه‌تراشی در ظاهر از سر دل‌سوزی است اما در باطن تا آنجا پیش آمده است که اولاً کسی یادی از گذشته نکند تا بگوید این قلم‌ها آن روزها چه می کردند؟ و چه فریادهای تمجید و تأیید سر می‌دادند که آنقدر قطعنامه علیه ایران صادر کنید تا قطعنامه‌دان شما پاره شود! ثانیاً کسی باید پاسخ دهد که در هشت ساله گذشته درآمد نفتی دولت احمدی‌نژاد چه میزان بوده و این درآمدها چگونه هزینه شده است؟ کسی باید به مردم گزارش دقیق و رسمی دهد که آیا واقعاً دولت آقای احمدی‌نژاد ۶۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته و بر سر حق‌الناس ۶۰۰ میلیاردی چه آمده است؟ کسی باید پاسخگوی این آمار رسمی از سوی وزیر اقتصاد باشد که دیروز گفت: «از مجموع منابع ۲۱۰ هزار میلیارد تومانی که برای سال جاری پیش‌بینی می کنیم تا انتهای سال ۱۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد وصول شود، در حالی که هزینه‌های جاری و کاملا ضروری دولت ۱۲۸ هزار میلیارد تومان است. یعنی اگر هزینه‌های عمرانی دولت صفر شود و بدهی‌های دولت به پیمانکاران طرح‌های عمرانی پرداخت نشود، باز هم با ۲۸ هزار میلیارد تومان کسری مواجه خواهیم شد!» طیب‌نیا وزیر اقتصاد اضافه کرد: «البته باید به این مسأله کسری تراز مالی هدفمندی یارانه‌ها که سالانه ۴۲ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی به خانوارها پرداخت می کنیم نیز اضافه شود. منابع ناشی از افزایش نرخ حامل‌های انرژی ۲۸ هزار میلیارد تومان است.»

هر یک از وزارتخانه‌ها و نهادهای دولت در مدت دو ماه که مسئولیت یافته‌اند در حوزه وظایف کاری خود فعال شده‌اند و بهانه‌تراشی جدید که وزارت خارجه چنان شده است یا رئیس جمهور همه کارها را زمین نگذاشته تا روابط خارجی به سامان برسد و پرونده انرژی هسته‌ای حل و فصل گردد، این شعارها بهانه‌تراشی و فرار از گذشته است. راهی نیست باید از گذشته رمزگشایی شود و مردم بدانند که بر سر «حق‌الناس» در هشت سال گذشته در کشور چه آمده است؟ زیرپای دولت بهانه نتراشیم، مشکلات بزرگتر از این حرف‌ها است. یک بار هم شده به جای رقابت و بازی سیاسی، رفاقت همکاری برای حل مشکلات کشور و مردم را انتخاب کنیم. نه این دولت و نه هیچ فرد و دولتی قادر به حل این همه مشکلات پیچیده و تودر توی باقی‌مانده از گذشته در کوتاه مدت نیست و نخواهد بود. عزم ملی و دوری جستن از بهانه‌تراشی‌ها و هموارسازی سنگلاخ، مسیری است که لاجرم دولت روحانی باید طی کند. اگر خواهان ایرانی آباد و آزاد هستیم. به جای بهانه‌تراشی، مشکلات گذشته را تراش‌کاری کنیم تا شاید از مسیر «اعتدال» به افق «امید» دست پیدا کنیم.

اخبار کوتاه

پیام های تبریک روحانی به مناسبت روز ملی اتریش و ترکمنستان

رئیس جمهوری در پیام های جداگانه ای فرا رسیدن روز ملی اتریش و روز استقلال ترکمنستان را به دولت و ملت این کشورها تبریک گفت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، در پیام تبریک رئیس جمهوری به هانس فیشر، رئیس جمهوری اتریش، آمده است: امیدوارم در پرتو تلاش های مشترک مسئولین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اتریش، شاهد افزایش همکاری های میان دو کشور در سطوح دوجانبه و بین المللی و در تمامی زمینه‌های مورد علاقه طرفین باشیم. دکتر روحانی همچنین در پیام تبریکی به قربانعلی بردی محمد اف، رئیس جمهوری ترکمنستان به مناسبت روزملی ترکمنستان، ابراز امیدواری کرددر پرتو عزم و اراده مسئولین جمهوری اسلامی ایران و کشور ترکمنستان، روابط دوستانه و توام با حسن همجواری فیمابین در تمامی زمینه ها و در چارچوب منافع دو ملت بیش از پیش توسعه یابد.

معاون وزیر خارجه پاکستان حادثه تروریستی سراوان را محکوم کرد

معاون وزارت خارجه پاکستان در دیدار علیرضا حقیقیان، سفیر ایران در اسلام آباد ضمن ابراز تاسف و همدردی با دولت و ملت ایران؛ حادثه تروریستی حمله اشرار مسلح به نیروهای مرزبانی کشورمان را محکوم کرد.

به گزارش ایرنا؛ به دنبال پیگیری های وزارت خارجه ایران درباره شناسایی عناصر و عوامل مقصر در اقدام تروریستی اخیر در منطقه مرزی سراوان که با حمله گروهک های تروریستی تعدادی از نیروهای مرزبانی کشورمان به شهادت رسیدند، حقیقیان سفیر ایران در اسلام آباد با معاون وزارت خارجه پاکستان دیدار و گفتگو کرد.

مسرور جون جوا، معاون وزارت خارجه پاکستان در امور کشورهای آسیای مرکزی در این دیدار؛ به حقیقیان اطمینان داد که ارگان های ذی ربط و امنیتی پاکستان و دولت ایالت بلوچستان در جنوب غربی این کشور؛ تلاش خود را برای شناسایی عوامل مقصر در این حادثه تاسف بار و همچنین مقابله با این نوع اقدامات تروریستی به عمل خواهند آورد.

حقیقیان ضمن تشریح وقایع انجام گرفته توسط عوامل شرور و تروریستی در منطقه مشترک مرزی سراوان که تعدادی از نیروهای مرزبانی کشورمان در آن به شهادت رسیده و یا مجروح شدند؛ خواستار شناسایی و استرداد عوامل تروریستی در اسرع وقت از سوی دولت پاکستان به کشورمان شد.

سفیر ایران؛ همکاری های مرزی میان دو کشور ایران و پاکستان را در تامین امنیت مرزها برای دو طرف ضروری دانست.

نخست وزیر مصر: روابط با تهران در چارچوب منافع کشورهای عربی است

نخست وزیر مصر گفت که روابط کشورش با ایران در چارچوب منافع کشورهای حوزه خلیج فارس و عرب است.

به گزارش ایسنا، حازم الببلاوی در حاشیه سفر به امارات در کنفرانس خبری که از سوی شبکه عربی اسکای نیوز پخش شد، گفت که امنیت و ثبات در منطقه خلیج (فارس) امنیت و ثبات مصر به شمار می رود و کشورش هرگز اجازه نخواهد داد به امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس آسیبی وارد شود.

بنابر گزارش العالم، وی درباره روابط قاهره با تهران هم گفت که هر "کانال" (ارتباطی) که مصر با ایران باز می کند، در چارچوب منافع کشورهای عربی و کشورهای حوزه خلیج فارس است.

وزیر خارجه: حادثه سراوان نمادی از گسترش افراط گری در منطقه است

وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به حادثه چند روز قبل در منطقه مرزی سراوان، اعلام کرد که قصد دارد در این ارتباط با وزیر خارجه پاکستان به صورت تلفنی گفتگو کند.

به گزارش ایسنا، محمدجواد ظریف همچنین این حادثه را نمونه‌ای از تروریسم بین‌المللی و نمادی از گسترش افراط گری در منطقه دانست و اطمینان داد که وزارت امور خارجه بسیج شده است تحرکات لازم را برای برخورد با این اقدام غیرانسانی انجام دهد.

ظریف در مطلبی که شامگاه یکشنبه در صفحه فیسبوک خود در این ارتباط نوشته، آورده است:

تعدادی از دوستان به درستی در مورد شهدای سراوان تذکر داده بودند. در ابتدا این ضایعه دردناک را به خانواده‌های عزیز این شهدای بزرگوار و به همه مردم بزرگ ایران تسلیت عرض می کنم.

راستش قصد داشتم در گزارش فردایم به این موضوع بپردازم. چون برنامه‌ریزی کرده‌ایم که فردا صبح تماس تلفنی با وزیر امور خارجه پاکستان در مورد این جنایت هولناک تروریستی داشته باشم. دیروز هم تمامی وزارت امور خارجه بسیج شده بود تا تحرکات لازم را برای برخورد با این اقدام غیرانسانی که نمونه‌ای از تروریسم بین‌المللی و نمادی از گسترش افراطی گری در منطقه است را انجام دهد. دوستانی که نسبت به پیگیری موضوعاتی مثل سوریه و افغانستان انتقاد می کنند، باید به این نکته توجه کنند که حادثه دردناک سراوان یک نمونه از نتایج گسترش افراط گرایی در منطقه است. افراط و تروریسم مرز نمی شناسد. در جهان امروز امنیت قابل تفکیک نیست و لذا برای حفظ امنیت کشور خود ناگزیریم به برقراری امنیت در منطقه کمک کنیم.

وزیر امور خارجه کشورمان همچنین در مطلبی دیگر با اشاره به دیدار و گفتگوی خود با اخضر ابراهیمی، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در مورد سوریه، ابراز امیدواری کرد که با چنین همکاری‌هایی بتوان جلو خونریزی‌های سوریه را گرفت.

به گزارش ایسنا، محمدجواد ظریف همچنین به برخی برخوردهای داخلی با مسائل سیاست خارجی کشور اشاره کرد و افزود: در روزهای گذشته شاهد تحولات مختلفی بودیم. مهرورزی‌های فراوانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به بنده و سیاست خارجی حتی در معابر عمومی پایتخت شد! که البته نگرانی زیادی از آن نیست. خوشحالم که مردم و مسئولین عالیرتبه کشور از سیاست خارجی حمایت می کنند و در این دو روز هم تأییدهای محکم و مجددی از این حمایت‌ها را دریافت کردم.

وی در بخش دیگری از مطلب خود، به اتفاقات روز عید غدیر که با واکنش هایی از سوی رسانه‌ها و البته وزارت اطلاعات همراه بود اشاره کرد و مطالب بیان شده از سوی وزیر اطلاعات از جمله این که "خداوند از پایمال شدن حق خود اگر سهوی و غیرعمدی باشد گذشت می کند اما از پایمال شدن حق مردم حتی اگر سهوی هم باشد نمی گذرد"، را شروع خوبی برای برخورد سازنده با برخی رفتارها نظیر آنچه در روز عید غدیر اتفاق افتاد، دانست.

ارزیابی مثبت عراقچی از دیدار با مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

سید عباس عراقچی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه کشورمان عصر روز دوشنبه در مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با یوکیا آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش ایسنا در این دیدار رضا نجفی، نماینده دائم ایران در آژانس و حمید بعیدی‌نژاد، مدیرکل سیاسی وزارت خارجه عراقچی را همراهی می کردند. عراقچی درباره محتوای دیدارش با یوکیا آمانو گفت که "در این دیدار درباره ادامه همکاری‌ها با آژانس و ارائه رویکرد جدید ایران در مذاکره با آژانس و حل و فصل ابهام‌ها و سئوال‌ها میان دو طرف گفتگو کردم."

وی گفت: در این دیدار گفتگوهای بسیار مفیدی با آقای آمانو داشتم.

معاون وزیر خارجه ایران افزود: در مذاکره با آمانو همچنین تاکید شد که جمهوری اسلامی ایران علاقه مند است همکاری های خود را با آژانس را وسعت بخشد.

عراقچی ادامه داد: در مذاکره با مدیر کل آژانس همچنین آمادگی ایران را برای پاسخ به تمام



سوالات و ابهام های آژانس در یک دوره کوتاه اعلام کردیم.

وی در عین حال تصریح کرد: این امر مستلزم آن است که ایران و آژانس با رویکرد جدید و نگاه به جلو پیش بروند.

عراقچی، پیش از دیدار با مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم در جمع خبرنگاران گفت: اکنون زمان آن این است که "رویکرد جدید" برای حل سئوالات موجود میان ایران و آژانس به کار برده شود و هردو طرف به همکاری بیشتر در آینده متمرکز شوند.

وی ادامه داد: بازرسان آژانس باید نقشی بر عهده داشته باشند که تضمین کنند که ماهیت برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است و صلح آمیز باقی می‌ماند. البته برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است و برای همیشه صلح آمیز خواهد ماند. دیدار این دیپلمات ارشد ایران و عضو تیم مذاکره‌کننده هسته ای با مدیر کل آژانس در حالی انجام گرفت که دور تازه مذاکرات ایران و آژانس هم عصر دیروز در مقر آژانس آغاز شد. ایران و آژانس تاکنون ۱۱ دور مذاکره برای رسیدن به چارچوبی برای حل و فصل ابهام‌ها و سئوالات باقی‌مانده آژانس درباره فعالیت‌های هسته ای کشورمان در دو سال گذشته انجام داد ند، اما این مذاکرات تاکنون به توافق بر سر مدالیته‌ای برای همکاری در زمینه مذکور منجر نشده است. همچنین، قرار است پس از مذاکرات فنی و کارشناسی ایران و آژانس که به گفته رضا نجفی رئیس هیات مذاکره‌کننده ایرانی دو روزه خواهد بود، مذاکرات کارشناسی ایران و ۱+۵ در مقر سازمان ملل فرداوپس فردا در وین برگزار شود.

بر اساس توافق میان ایران و ۱+۵ در مذاکرات ژنو که ۲۳ و ۲۴ مهرماه به انجام رسید، بنا شد هیات‌های کارشناسی دو طرف پیش از مذاکرات بعدی (۱۶ و ۱۷ آبان) با یکدیگر مذاکره کنند تا ابعاد پیشنهاد جدید ارائه شده به ۱+۵ بیشتر مورد بررسی قرار گیرد و نقاط اشتراک و اختلاف‌نظر روشن شود.

جمعیت استان تهران از مرز ۱۲/٤ میلیون نفر گذشت

مدیرکل ثبت احوال استان تهران از صدور کارت هوشمند ملی برای ۱۵ ساله ها از ماه آینده خبر داد.

به گزارش ایسنا، سید احمد قشمی، درباره زمان اجرای طرح کارت ملی هوشمند برای تهرانی ها گفت: زیرساخت‌های اجرای این طرح فراهم شده به طوری که در زمان انتخابات برای تمامی فرمانداران و بخشداران کارت‌های هوشمند صادر شده است که در فاز نخست آن که از آذرماه آغاز خواهد شد، این کارت‌ها برای کسانی که وارد ۱۵ سال می‌شوند صادر خواهد شد و همزمان با کارت هوشمند ملی شناسنامه ۱۵ ساله‌ها هم تعریف خواهد شد.

قشمی ادامه داد: در مراحل بعدی بر اساس برنامه‌ای که سازمان خواهد داشت نسبت به فراخوان سایر گروه‌های سنی یا خانوارها برای صدور کارت ملی اقدام خواهیم کرد. وی درباره این که آیا برنامه‌ای برای ادغام کارت سلامت و سایر کارت‌های شناسایی با کارت ملی وجود دارد یا نه پاسخ داد: مقرر شده با توجه به ظرفیت و فضای الکترونیکی که در کارت ملی تعبیه شده کارت ایثارگری و کارت سلامت هم در کارت ملی دیده شود. ضمن آن که کارت‌های ملی هوشمند دارای اثر انگشت، امضای دیجیتالی و عکس اسکن شده است.

بهره برداری از پایگاه اطلاعات اسناد هویتی

مدیرکل ثبت‌احوال استان تهران با تشریح آمار چهار واقعه تولد، فوت، ازدواج و طلاق در شش ماهه نخست در استان تهران گفت: ۱۱ درصد از طلاق‌های ثبت شده در یکسال اول صورت گرفته و میانگین سن ازدواج مردان تهرانی ۲۹ و دختران ۲۴ سال ثبت شده است.

قشمی با بیان این که پایگاه اطلاعات اسناد هویتی از اول آبان ماه فعالیت خود را شروع کرده است، گفت: تمامی اسناد هویتی جمعیت استان تهران وارد فضای مجازی شده و از اول آبان ماه بهره‌برداری آن آغاز شده است. وی با بیان این که ۹۵ درصد از اسناد سجلی تهرانی‌ها اسکن شده و در پایگاه اطلاعات جمعیتی کشور و استان بارگذاری شده است، گفت: دسترسی الکترونیکی و ماشینی ادارات ثبت‌احوال از اول آبان ماه با هدف خدمت‌رسانی به شهروندان آغاز شده و از این پس تمامی شهروندان تهرانی بدون مراجعه به محل تولد خود می توانند خدمات ثبت احوال را دریافت کنند.

وی تاکید کرد: تمامی فرایندهای صدور شناسنامه برای نوزادان، بزرگسالان و غیره به طور کامل الکترونیکی و آنلاین انجام می شود.

قشمی با بیان این که پس از ۹۵ سال که از عمر ثبت احوال کشور می گذرد خدمات ثبت احوال از حالت سنتی خارج شده است، اظهار داشت: حدود ۴۰ درصد از مردم تهران مهاجر هستند و محل تولدشان مربوط به سایر شهرهای کشور است و با خدمت جدیدی که سازمان ثبت احوال ارائه می کند افراد نیازی به مراجعه به محل تولد خود برای دریافت خدمات سجلی و هویتی ندارند.

جمعیت استان تهران

قشمی با بیان این که جمعیت استان تهران در روز تا پایان شهریور ماه امسال ۱۲ میلیون و ۴۱۳ هزار و ۴۶۱ نفر ثبت شده است، درباره ولادت شش ماهه نخست امسال گفت: در شش ماهه نخست امسال ۹۳ هزار و ۳۹۵ واقعه تولد در تهران رخ داده است که از این تعداد ۴۸ هزار و ۱۳۲ مورد تولد نوزادان پسر و ۴۵ هزار و ۱۶۳ واقعه مربوط به تولد نوزادان دختر بوده است و نسبت جنسی تولد نشان می دهد به ازای هر ۱۰۰ ولادت دختر ۱۰۷ ولادت پسر رخ داده است.

به گفته وی میزان موالید در استان نسبت به شش ماهه نخست سال گذشته ۲,۳ درصد افزایش یافته است که این آمار در شهر تهران افزایش ۳,۹ درصدی را نشان می دهد.

به گفته وی بر اساس آمار ثبت شده در شش ماهه اول امسال در هر ۲۴ ساعت ۵۱۸ نوزاد در تهران متولد شده است و در هر ساعت تولد ۲۱ نوزاد به ثبت رسیده است.

وی ادامه داد: بیشترین تولد نوزادان ثبت شده مربوط به مادرانی است که سن آنها ۲۵ تا ۲۹ سال است و در این گروه سنی مادران ۳۲ هزار و ۷۸۸ تولد نوزاد به ثبت رسیده است.

وی درباره فراوانی نام‌ها هم گفت: در شش ماهه نخست امسال ۱۵ نام انتخاب شدند که دارای بیشترین فراوانی بودند. اسامی امیرعلی، محمدطاها، امیرحسین، علی، ابوالفضل، پنج اسم با فراوانی بالا در پسران و اسامی فاطمه، زهرا، نازنین زهرا، ریحانه و النا اسامی با فراوانی دختران است.

قشمی درباره ثبت نوزادان چند قلو هم گفت: در سال گذشته ۶۰۳۱ نوزاد چندقلو داشتیم که از این تعداد ۲۹۰۱ مورد دوقلو، ۱۱۲۲ مورد سه قلو، هفت مورد چهار قلو و یک مورد پنج قلو بوده است و در شش ماهه نخست امسال ۱۵۹۰ مورد دوقلو، ۷۳ مورد سه قلو، یک مورد چهارقلو به ثبت رسیده است.

مدیرکل ثبت احوال استان تهران درباره آمار مرگ و میر استان در شش ماهه نخست امسال گفت: ۲۶ هزار و ۱۸۱ واقعه فوت در شش ماهه نخست امسال به ثبت رسیده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش ۴,۴ درصدی را نشان می دهد و در شهر تهران این آمار با ثبت ۲۱ هزار و ۵۶۰ واقعه فوت نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش ۳,۸ درصدی را نشان می دهد.

تغییر نام و نام خانوادگی

وی در باره تغییر نام خانوادگی گفت: بر اساس ماده ۹۹۷ قانون مدنی، نام‌های خانوادگی که نامناسب باشند اجازه تغییر دارند که در شش ماه اخیر نام‌های خانوادگی همانند «حسین‌زاده زورگذران خوش قلب»، «ترمه باف ساکن شیراز»، «قصاب زاده چرندابی»، «شکرالله نژاد درازکلاء»، «خرکچی»، «سبزی خشک»، «زاید»، «زیغ»، «فلفلی»، «جمعه»، «آج»، «حمامی» برخی از نام‌های خانوادگی بودند که تغییر یافتند.

وی درباره تغییر نام هم گفت: با توجه به این که تغییر نام به شورای عالی ثبت احوال به استان‌ها تفویض اختیار شده برای سهولت در تصمیم‌ها لیست نام‌های قابل تغییر برای دختران و پسران تهیه شده و در اختیار ادارات و دفاتر پیشخوان قرار گرفته است لذا برای تغییر نام هم نیازی به مجوز استان نیست.

به گفته قشمی در شش ماهه اول امسال ۲۱۰۶ مورد تغییر نام در استان صورت گرفته است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: مردم از دستاوردهای انقلاب و دولت منتخب حفاظت می کنند



آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش رؤسای واحدهای علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، گفت: مردم ایران به آن مرحله‌ای از هوشیاری رسیده‌اند که در جزر و مدهای سیاسی، خود، انقلاب و دستاوردهای آن را حفظ کنند.

وی با تمجید از شعور بالای سیاسی مردم در انتخابات اخیر گفت: مردم که دریچه‌ای برای امیدواری انقلاب باز کرده‌اند، از دستاوردهای آن محافظت و از دولت منتخب حمایت می کنند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر اهمیت روابط جهانی در دنیای کنونی گفت: نمی‌توان در دنیای معاصر بدون تعامل سازنده و دیپلماسی فعال به مسیر خود ادامه داد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شهامت دولت یازدهم را برای فعال کردن دیپلماسی پویا، ستودنی دانست و گفت: افراطیون همه هنر خود را برای جلوگیری و مانع تراشی در کارهای دولت به کار می‌برند و عقلا باید هوشیار باشند که منطق اداره جامعه در شرایط فعلی، سیاست خارجی مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت است.

رئیس هیأت‌مؤسس و هیأت‌امنای دانشگاه آزاد اسلامی با اشاره به شرایط آموزش عالی در سال‌های اول پس از پیروزی انقلاب گفت: در جلسات رؤسای قوا به این نتیجه رسیدیم که باید با کمک مردم، رکود علمی و دانشگاهی کشور را بشکنیم.

وی با تشریح فضای انقلابی آن زمان که فعالیت بخش خصوصی را نوعی ارتداد می‌دانستند، به جلسه‌ای با امام(ره) اشاره کرد و گفت: پس از ارائه گزارشم در مورد ضرورت تحصیل جوانان علاقه‌مند به علم و دانش با هزینه‌های خانواده‌ها، ایشان فرمودند: «هر کمکی از دست من بربیاید، انجام می‌دهم.»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان خاطراتی از امام که در دو مقطع یعنی تأسیس دانشگاه آزاد و آغاز به کار حزب جمهوری اسلامی از وجوه امام کمک کردند، گفت: هر دو کمک ایشان برکت‌های زیادی برای جامعه داشت و هنوز هم دارد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در ادامه سخنان خود با بیان اهمیت استفاده از امکانات مردمی در جامعه اسلامی و توطئه‌هایی که در سال‌های اخیر برای جلوگیری از حرکت توسعه‌ای مجموعه بزرگ دانشگاه آزاد انجام شد، گفت: دانشگاه آزاد، ظرفیت بسیار بالایی برای توسعه علم و دانش در جامعه ایجاد کرده است که می تواند با ارتقای کیفی خود، باعث تعالی علمی کشور تا سال‌های طولانی و حتی همیشه باشد. رئیس هیأت امنای دانشگاه آزاد توجه به مقاطع تکمیلی را از ضرورت‌های جامعه در شرایط فعلی دانست و گفت: دلسوزان می توانند همت خود را برای تقویت علم و دانش در جامعه نشان دهند.

در آغاز این دیدار، دکتر حمید میرزاده، سرپرست دانشگاه آزاد هم با ارائه گزارشی از فعالیت‌ها و برنامه‌ها، این دانشگاه را بزرگترین دستاورد فرهنگی انقلاب اسلامی دانست و گفت: توسعه کیفی در رأس برنامه‌های مدیریت دانشگاه است.

وی افزود: هر کوششی که منجر به توسعه کیفی و کمی امور پزشکی جامعه شود، در دانشگاه آزاد اسلامی مورد حمایت خواهد بود.

دکتر لاریجانی، قائم‌مقام رئیس دانشگاه آزاد در علوم پزشکی هم با ارائه گزارشی گفت: ۶۰ درصد مسائل آموزش پزشکی و ۴۴ درصد مسائل پزشکی جامعه در مجموعه دانشگاه آزاد انجام می‌شود.

وی افزود: مسائل پزشکی در مجموعه دانشگاه چالش‌هایی دارد که توجه به رفع و کم کردن آن‌ها از ضرورت‌های استفاده از ظرفیت‌های آن است.

دکتر ایرج فاضل، نماینده وزیر بهداشت و آموزش پزشکی در شورای عالی نظام پزشکی هم دانشگاه آزاد را شجره طیبه خواند و با اشاره به مخالفت‌های تأسیس و توسعه آن گفت: سلامت و آموزش از مسائل اساسی برای توسعه پایدار جامعه است و دانشگاه آزاد اسلامی بهترین دستاورد انقلاب برای این دو کار است.

پیشرفت صنایع غذایی باعث افتخار کشور است

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین پیش از ظهر دیروز در دیدار نخبگان صنایع غذایی ایران، با گرامیداشت یاد مرحوم دکتر هدایتی، پدر علم تغذیه، بر نقش وی در بهبود غذای مردم تأکید کرد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در این دیدار که اعضای انجمن صنایع غذایی، اعضای اتحادیه‌های صنفی تغذیه و برگزیدگان تولیدکننده صنایع غذایی حضور داشتند، تلاش برای تأمین غذا به عنوان یکی از ضرورت‌های زندگی انسان‌ها را ستود و گفت: کسانی که برای چرخه غذای مردم کار می کنند، قابل احترامند.

وی توجه به سلامت، قوت، تازگی و ماندگاری غذا را مهم دانست و گفت: پیشرفت صنایع غذایی باعث افتخار کشور در قطع وابستگی به دیگران است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به سؤالی که «چه پیامی به برگزارکنندگان و حاضران در بیست و یکمین کنگره ملی صنایع غذایی ایران دارید؟»، گفت: تأمین اساسی‌ترین نیاز کشور، سعادتی است که نصیب شما شده است و اگر با نگاه عبادی و برای جلب رضایت خدا و خلق کار کنید، خیر و برکتتان زیاد خواهد شد.

وی افزود: حلقه واسط رساندن نعمت‌های خداوند به مردم باید به کیفیت و نقش غذای سالم در سلامتی انسان‌ها توجه داشته باشد.

در آغاز این دیدار، دکتر حسینی، رئیس انجمن صنایع غذایی ایران، آقای صادقیان مدیر گروه صنعتی تک ماکارون و ستاره کویر و مهندس ابراهیمی از گروه لبنی صبا گزارشی از برنامه‌ها و فعالیت‌های خود ارائه کردند. دکتر حسینی درباره بیست و یکمین کنگره ملی صنایع غذایی ایران گفت: این کنگره با حضور سه هزار نفر و در سه سالن تخصصی در شیراز برگزار می‌شود.

نامه خادم امام به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

خادم امام راحل برخی اظهارات منتسب به وی در مورد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تکذیب کرد.

به گزارش جماران، وی در نامه‌ای خطاب به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نوشت:

بسمه تعالی

حضور سرور گرامی جناب حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (دامت توفیقاته)

اینجانب حاج عیسی جعفری به استحضار می‌رساند که راجع به حضرتعالی در خصوص آمدن شما به جماران، در زمان حضرت امام گفته‌ام که ایشان شما را نزدیک خود در جماران آورد؛ جهت مشاوره در خصوص کارهای مملکتی و هرگونه صحبتی غیر از این راجع به شما از قول من گفته‌اند تکذیب می‌کنم و من همچون سابق ارادتمند شما هستم.

عیسی جعفری

تارنمای خبری نیوزمکس آمریکا خبرداد:

احتمال معذرت خواهی آمریکا از ایران برای کودتای ۲۸ مرداد

تارنمای خبری نیوزمکس آمریکا در گزارشی، به احتمال معذرت خواهی رئیس جمهوری آمریکا بابت کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران پرداخت.

این تارنمادرگزارش خودنوشت که بانزدیک شدن اوباما به گفتگو با ایران، مذاکراتی درواشنگتن حول این محور درحال وقوع است مبنی براین که که آیادولت آمریکا به زودی یک معذرت خواهی رسمی درموردکودتای ۲۸ مرداد درایران خواهد کرد یاخیر.

این گزارش همچنین می افزاید:اگر این اتفاق رخ بدهد،پرسش بعدی این است که آیا این معذرت خواهی برای حاکمان فعلی ایران معنی دارد یا خیر. اوباما ماه گذشته درسخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در اقدامی اذعان داشت که آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد و برکناری دولت مصدق نقش داشته است.وی با اشاره به عدم اعتماد ایران به آمریکا، گفت که این عدم اعتماد ریشه های عمیق دارد. با در نظر گرفتن این سخنان، رئیس جمهور آمریکا بلندپایه ترین مقام این کشور به شمار می رود که تا کنون به دست داشتن "سیا" در این کودتا اذعان کرده است. درسال ۲۰۰۰ میلادی هم مادلین آلبرایت، وزیر امورخارجه وقت آمریکا دخالت این کشور درکودتای ایران را تائیدکرده بود.

پس از گفتگوی تلفنی اوباما با حسن روحانی، پیش بینی ها در مورد این که آمریکا ممکن است به طور رسمی از ایران در این مورد معذرت خواهی کند، افزایش یافت. استفن کینزر، نویسنده کتاب تمامی مردان شاه مربوط به کودتای ایران و استاد دانشگاه براون آمریکادراین باره گفته بود:اما در تاریخ آمریکا ، معذرت خواهی ها محدود هستند و نمی توان هیچگاه در مورد موضوعی، به طور محدود معذرت خواهی کرد. وی معتقد است که این کودتا یک اشتباه بود و این اشتباه ربطی به کشمکش غرب با اتحاد جماهیر شوروی نداشت،بلکه بیشتر مربوط به تلاش مصدق برای ملی کردن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ بود.

کینزر افزود:این کودتا واکنش آمریکا به مشکلات اقتصادی و ترس های راهبردی خود بود که بیشتر آنها نیز بزرگنمایی شده بودند.مصدق به هیچ وجه کمونیست نبود و علاقه ای به کمونیسم نداشت،بلکه ازحزب توده تنفر داشت و یک میهن پرست واقعی بود.

وی در ادامه با اشاره به معذرت خواهی آمریکا از مردم هاوایی در سال ۱۹۹۳ درموردبرکناری نظام پادشاهی این کشور در قرن ۱۹، گفت:آمریکایی ها باید معذرت خواهی های متفاوتی بکنند.

وی افزود:همچنین نباید مانند دیوید کامرون، نخست وزیر انگلیس این کار را انجام بدهیم که درسال ۲۰۱۰ درمورد آتش گشودن سربازان به تظاهرکنندگان در لاندندری در سال ۱۹۷۲، از ته قلب،آن واقعه را محکوم و معذرت خواهی کرد. وی معتقد است: معذرت خواهی های ما اما و اگرهای زیادی دارد،اگر می خواهیم دری به سوی ایران باز شود،باید هر دو واقعه کودتای ۲۸ مرداد و گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا در ایران در سال ۱۳۵۸ به رسمیت شناخته شوند.

توصیه‌های آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی به مسئولان برای حل مشکلات شهر قم

آیت‌الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی گفتند: زمینه افزایش حضور زائران در شهر قم باید فراهم شود.

به گزارش ایرنا، ایشان دیروز در دیدار رئیس و اعضای شورای اسلامی شهر قم، بر حل مشکلات زائران در قم تأکید کردند و گفتند: در این میان شورای شهر و شهرداری قم با همکاری سایر دستگاه‌ها علاوه بر حل مشکلات زائران، زمینه افزایش حضور بیشتر زائران در این شهر را هم فراهم کنند.

آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی همچنین گفتند: آب شهر قم باید در همه مناطق کیفیت یکسانی داشته باشد و آب شیرین برای همه مناطق تأمین شود.

ایشان در ادامه سخنانشان، ساماندهی ورودی‌های شهر قم را ضروری دانستند و افزودند: ورودی‌های شهر قم از ابتدا هم مقداری ظاهری زننده داشت که باید ساماندهی و زیباسازی شود.

این مرجع تقلید همچنین با بیان این‌که کارهای خوبی آغاز شده است، افزودند: این کارها باید تا بهره‌برداری کامل، ادامه داشته باشد. آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی با اشاره به این‌که شورای شهر قم باید برای حل مشکلات مردم گام بردارد، خطاب به حاضران جلسه گفتند: در تلاش خود برای عمران و آبادانی شهر قم موفق باشید و عنایت حق تعالی هم نصیب شما شود.

در پیامی به همایش ادبی سوختگان وصل

رئیس جمهوری :مادران شهدا اسوه های صبر و صلابت هستند

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهوری در پیامی به یازدهمین همایش ادبی سوختگان وصل «آب و آینه» که در راستای نکوداشت مادران معظم شهدا و با محوریت ادبیات و شعر دفاع مقدس برگزار می شود، بر ضرورت پاسداشت مقام مادران شهدا تاکید کرد.

متن پیام دکتر روحانی که توسط دکتر حسام‌الدین آشنا، مشاور فرهنگی رئیس‌جمهوری در مراسم افتتاحیه این همایش قرائت شد، به شرح زیر است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

می‌روم مادر که اینک کربلا می‌خوانَدم

از دیار دور یار آشنا می‌خوانَدم

قصه خونین عشقم من که نسل عاشقان

بعد از این در برگ برگ لاله‌ها می‌خوانَدم

این ابیات درخشان زبان حال بسیاری از رزمندگان اسلام بود، در وداع با عزیزترین عزیزان: مادر.

همه ما نیک می‌دانیم به سادگی نمی‌توان به مقام والای آنان که به فرموده امام شهیدان «در قهقه مستانه‌شان و در شادی وصلشان عند ربهم برزقون هستند» پی برد اما به بیان خواجه شیراز:

گرچه وصالش نه به کوشش دهند

آن قدر ای دل که توانی بکوش

چاره‌ای نیست جز آن که به قدر وسع خود بکوشیم تا به عظمت روحی و معنوی کسانی پی بریم که جان خود را فدا کردند تا سعادت دنیوی و اخروی ما را تضمین کنند. آیا در این راه هیچ‌کس می‌تواند بهتر از مادری که ادب و معرفت به «ثارالله وابن ثاره» را با لالایی‌های شبانه در گوش جان فرزند خود زمزمه کرده است، به ما یاری رساند؟

درود و سپاس همه ما تقدیم به مادرانی که در تربیت فرزندان صالح به بانوی دو عالم فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) و در صبر و صلابت به زینب کبرا (سلام‌الله علیها) اقتدا کردند؛ دو اسوه جاودان که چراغ راه تاریخ و بشریت هستند. دست همه برگزارکنندگان این همایش ادبی را به گرمی می‌فشارم و امیدوارم این همایش لایق این برگ‌های زرین تاریخ این سرزمین باشد.

حسن روحانی

دولت در پی اجرایی کردن طرح تحول و توسعه شرق کشور است

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری ، در دیدار مجمع نمایندگان خراسان رضوی، مشهد را شهری استثنایی توصیف کرد و گفت: مشهدالرضا با همه شهرهای دیگر کشور تفاوت دارد؛ چرا که حرم مطهر امام رضا(ع) در آنجا قرار دارد و افتخاری از این بالاتر در کشورمان نداریم؛ همه رحمت‌های الهی از ناحیه بارگاه ملکوتی امام هشتم به کشور می‌وزد و هر چه داریم از آنجاست.

وی اظهار داشت: اگرچه لطف همه ائمه اطهار(ع) و به ویژه امام عصر(عج) همواره شامل حال ملت ایران بوده است اما معتقدم آنکه همیشه لطفش ما را نجات داده امام هشتم بوده و واقعا هر کاری برای مشهدالرضا و زائرین امام انجام دهیم باز هم کم است.

روحانی با اشاره به مشکلات مربوط به تامین بودجه عمرانی گفت: علی رغم مشکلات تامین بودجه جاری کشور دولت تلاش دارد تا حد ممکن بودجه عمرانی کشور را تامین کند تا فعالیت‌های عمرانی اجرایی شود.

رئیس جمهوری راه حل اساسی رفع مشکلات اقتصادی را تلاش برای ارتقای منابع درآمدی کشور بیان کرد و اظهار داشت: تحریم اکنون مشکلی اثرگذار و گلوگاه‌هایی ایجاد کرده است که با وجود سختی عبور از آنها، تلاش داریم گرفتار آن نشویم، اگرچه غیرممکن نیست.

دکتر روحانی با تاکید بر این که تبیین این مشکلات به معنای آن نیست که نمی‌شود آنها را حل و فصل کرد، گفت: همه تلاش دولت این است که این مشکلات تحریم را از راه حل‌های عزتمندانه حل و فصل کند و اگر می‌خواستیم غیر از این باشد خیلی سریع‌تر و بدون این همه رفت و آمد و مذاکره، کار تمام می‌شد.

رئیس جمهوری اضافه کرد: همه این جلسات و بحث‌ها برای این است که بتوانیم حقوق ملت‌مان را حفظ کنیم و اگر قید عزتمندانه برای توافق و حل مشکلات مهم نباشد خیلی ساده و در یک جلسه می‌شود کار را تمام کرد.

دکتر روحانی تصریح کرد: طبیعی است که به این ترتیب رسیدن به توافق و حل و فصل مشکلات زمان‌بر می‌شود و البته امیدوارم تا پایان امسال بتوانیم اولین گام را در حل مشکلات برداریم.

وی تاکید کرد: حصول این مهم فقط با پشتیبانی و کمک همه یعنی مردم، مجلس و هدایت‌ها و حمایت‌های مقام معظم رهبری امکانپذیر است و هر چه پشتوانه ما در داخل قویتر شود ،در مذاکرات قدرتمندانه‌تر پیش می‌رویم.

رئیس جمهوری با اشاره به این که بخشی از مشکلات موجود ریشه در بی تدبیری دارد، افزود: البته دولت به دنبال این است که در برنامه‌ریزی‌ها برای حل این مشکل چاره‌اندیشی کند. بنده و مجموعه دولت به این نتیجه رسیدم که باید از اقتصاد کلان شروع کنیم و از ورود بخشی و موضعی به اقتصاد پرهیز کنیم.

دکتر روحانی مشکل دیگر کشور را کم‌آبی برشمرد و اظهار داشت: امسال به خاطر این که بارندگی‌ها خیلی دیر شروع شده است، به طور متوسط نسبت به سال‌های قبل نیز عقب هستیم؛ اگرچه کم آبی مشکلی اساسی و مربوط به همیشه تاریخ ایران است، اما استفاده بی رویه از آب های زیرزمینی و ساخت سدهای بدون مطالعه و بی حساب و کتاب، باعث ایجاد مشکلات فعلی دریاچه ارومیه، زاینده رود و امثال آن است.

وی خاطرنشان کرد: نظر به اهمیت موضوع کم آبی از معاون اول خواستم تا اولین جلسه شورای عالی آب را برگزار کند و امروز جلسه دیگری به ریاست بنده تشکیل خواهد شد تا راهکارهای خرید آب از خارج، شیرین کردن و استفاده از آب دریاهای کشور یا ممانعت از خروج آب از مرزها مورد بررسی قرار گیرد.

رئیس جمهوری با اشاره به این که حدود ۹۰ درصد مصرف آب کشور در بخش کشاورزی صورت می گیرد، گفت: باید با استفاده از راهکارهای علمی، روش‌های بهره‌وری صحیح‌تر از آب در بخش کشاورزی عملیاتی و فراگیر و برای تامین منابع طرح‌های در حال اجرا در این بخش چاره‌ای اندیشیده شود.

دکتر روحانی به طرح تحول و توسعه شرق کشور اشاره کرد و افزود: طرح اولیه تهیه شده برای این منظور مورد تائید دولت است؛ راه آهن مهمترین بخش از این طرح است که به لحاظ توسعه ، ارتقای امنیت و ایجاد ارتباطات بین‌المللی در منطقه شرق کشور موثر خواهد بود و به دلیل بزرگی و عظمت این طرح وزیر راه وشهرسازی شخصا پیگیر عملیاتی و اجرایی شدن آن است.

در این جلسه که دومین نشست از سلسله دیدارهای دکتر روحانی با مجامع استانی نمایندگان مجلس است، نمایندگان شهرستان‌های مشهد، نیشابور، سبزوار، خواف، قوچان، گناباد، تربت حیدریه، تربت جام، کاشمر، چناران و طرقبه، گناباد، فریمان و درگز ضمن بیان مسایل و مشکلات حوزه های انتخابیه خود، در نامه‌ای رئوس مشکلات مربوط به استان خراسان رضوی را به رئیس‌جمهوری تقدیم کردند.

تاکید رئیس جمهوری بر حمایت از بازار سرمایه

هیات وزیران عصر یکشنبه به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی، رئیس جمهوری تشکیل جلسه داد.

در این جلسه، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار گزارشی از عملکرد بازار سرمایه در ماه های اخیر به هیات دولت ارایه کرد.

بر اساس این گزارش، ارزش بازار بورس تهران نسبت به ابتدای سال، ۱۱۳ درصد رشد را نشان می دهد و این بیشترین ارزش بازار سهام در تاریخ بورس ایران است.

همچنین ارزش معاملات بورس تهران نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۴۸۰ درصد رشد نشان می دهد. تعداد دفعات معاملات هم در سال جاری نسبت به دوره مشابه سال گذشته بیش از سه برابر افزایش یافته است.بر اساس این گزارش انتظارات مثبت به آینده، افزایش سودآوری بنگاه‌های بورس، تضعیف سفته بازی در بازارهای رقیب و سیاست‌های حمایتی دولت از بازار سرمایه از مهم‌ترین موضوعات اثرگذار بر رشد بازار سرمایه بوده است. رئیس جمهوری با مثبت خواندن حضور مردم در بازار سرمایه بر حمایت از این بازار تاکید کرد.

معاون رئیس جمهوری: باید از مشارکت و خدمات متخصصان ایرانی مقیم خارج بهره‌بگیریم

جانشین رئیس جمهوری در شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور با بیان این‌که نگاه رئیس جمهوری به موضوع و نهاد مسئول امور ایرانیان خارج از کشور تلفیقی از نگاه «وظیفه محور» و «فرصت محور» است، بر بسترسازی ارتباط ایرانیان داخل و خارج از کشور و تلاش در جلب مشارکت هموطنان مقیم برای تحقق منافع ملی تاکید کرد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی دبیرخانه شورای عالی، دکتر محمد شریعتمداری در جمع مدیران دبیرخانه و دبیران کارگروه‌های شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور، افزود: بسیاری از پزشکان و مهندسان ایرانی مقیم خارج هیچگونه نیازی مادی به ارتباط با داخل کشور ندارند و فقط به خاطر عشق و علاقه به وطن، متمایل به حفظ و تقویت ارتباط با میهن و سرزمین مادری و خدمت رسانی به وطن خود هستند و این وظیفه ماست که با جلب مشارکت آنان و فراهم آوردن زمینه‌های اعتماد متقابل، از مشارکت و خدمات آنان بیش از بیش کشور را بهره‌مند سازیم.

وی با بیان این که اکثر کشورهای دنیا که دارای جمعیت مهاجر در خارج هستند، سازمان‌های بزرگ و موسساتی را مامور پیگیری امور و صیانت از حقوق شهروندان خود در خارج کرده‌اند، ادامه داد: ایران هم با دارا بودن جمعیت بالای اتباع مقیم خارج، باید متولی و سازمانی چون دبیرخانه شورای عالی برای رسیدگی به امور آنان در زمینه‌های گوناگون داشته باشد.

شریعتمداری با طرح پیشنهادهایی به منظور جلب مشارکت نخبگان و اندیشمندان ایرانی خارج از کشور، گفت: ایجاد مرکز ملی همکاری‌های علمی و فن‌آوری ایرانیان مقیم، تقویت شبکه مجازی ایرانیان خارج از کشور و تاسیس موزه و نمایشگاه دائمی از آثار ایرانیان فکور و اندیشمند و مخترعان و مکتشفان ایرانی مقیم خارج از جمله طرح‌های پیشنهادی است که باید عملیاتی شود.

رئیس مجلس: «ابن شهر آشوب» از ستون های فکری تشیع است

"ابن شهر آشوب ساروی" فقط متعلق به یک شهر یا استان و کشور نیست، بلکه به عنوان یکی از ستون های فکری جهان تشیع، تعلق به جهان اسلام و تشیع دارد و نام این شخصیت در تاریخ ایران به ثبت رسیده است".

به گزارش خانه ملت، دکترعلی لاریجانی رئیس مجلس بااعلام این مطلب در دیدار با آیت الله طبرسی نماینده ولی فقیه در استان مازندران، فلاح استاندار، شجاعی کیاسری نماینده مجلس و اعضای کنگره بین المللی ابن شهر آشوب ساروی اظهارداشت:ابن شهر آشوب ساروی یکی از شخصیت های برجسته علم و فقاهت بوده که متأسفانه تا کنون به خوبی به جامعه معرفی نشده است و برگزاری این کنگره اقدام مناسبی برای معرفی این عالم مازندرانی به جامعه است.

وی افزود: اگر از نظر تاریخی بخواهیم بررسی کنیم، از بدو تولد تفکر اسلامی که مصادف با قرن ششم میلادی است ، در اروپا یک انجماد فکری و عقب افتادگی فرهنگی را شاهد هستیم و این روند تا قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی ادامه داشت و جز در برخی مباحث مانند حقوق در دیگر ابعاد آنها هیچ رشدی دیده نمی شود.

رئیس مجلس تصریح کرد: درست در همان زمان جهان اسلام علمای بسیاری به خودش دید اما متأسفانه بعد از یک رشد چشمگیر، درگیر یکسری مسائل و جنگ ها و درگیری هایی شدیم که این عوامل سبب شد که اروپا ترقی یافته و بتواند علمای ما را به حاشیه ببرد .

وی به اعضای کنگره توصیه کرد تا برخی از آثار مهم ابن شهر آشوب و سایر علما را با کلامی ساده که مناسب برای استفاده جوانان و دانشجویان باشد، تهیه کنند.

کنگره بین المللی ابن شهر آشوب ساروی ۲۹ و ۳۰ آبان در ساری و یک روز در قم برگزار می شود.

برگزاری همایش گفتمان مهدویت با محوریت آثار آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

همایش «گفتمان مهدویت» با محوریت آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی در دانشگاه آزاد تبریز برگزار می‌شود.

حجت‌الاسلام علی پوریافر مسئول هماهنگی همایش گفتمان ولایت در گفت‌وگو با فارس در تبریز اظهار کرد: همایش «گفتمان مهدویت» با محوریت آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی هفتم آبان در تالار استاد شهریار دانشگاه آزاد واحد تبریز برگزار می‌شود.

وی افزود: آیت‌الله سیدمحمد حسینی قزوینی مدیر شبکه ماهواره‌ای ولایت به عنوان سخنران ویژه در همایش «گفتمان مهدویت» سخنرانی خواهد کرد و حجت‌الاسلام ملایی و ربانی به عنوان کارشناسان مهدویت حضور خواهند داشت.

پوریافر ادامه داد: پاسخ به شبهات اینترنتی، عصر ظهور و وقایع آخرالزمان، انتظار و وظایف منتظر و تبیین باورداشت مهدویت محورهای اصلی این همایش است.

مسئول هماهنگی همایش گفتمان ولایت شفاف‌سازی و شکاف مسائل مربوط به مهدویت برای مردم و ویژه دانشجویان را از اهداف برگزاری این همایش خواند و بیان داشت: امروزه فرقه‌ها، گروه‌ها و عرفان‌های کاذب نسبت به موضوع مهدویت تعبیرهای ویژه‌ای دارند که باید موضوع مهدویت حقیقی و نوع کج‌فهمی از مهدویت در دنیا برای جوانان تبیین شود.

وی تصریح کرد: در کنار این همایش نمایشگاه گفتمان مهدویت با همکاری بنیاد موعود و مؤسسه انتشارات مسجد جمکران و مرکز تخصصی مهدویت برگزار و اقدام به عرضه کتاب، نرم‌افزار، محصولات فرهنگی در عرصه مهدویت خواهند کرد.

مسئول هماهنگی همایش گفتمان ولایت تصریح کرد: همچنین مسابقه پیامکی با موضوع مهدویت از کتاب گفتمان مهدویت نوشته حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی بین دانشجویان در کنار این همایش برگزار خواهد شد.

پوریافر یادآور شد: کتاب‌ها و نرم‌افزار به منظور معرفی آثار، کتاب و تالیفات حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی منتشر شده است.

پوریافر خاطرنشان کرد: نخستین همایش گفتمان مهدویت با هماهنگی نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌های سنندج در استان کردستان برگزار شده است.

رونمایی از کتاب‌های «مروارید خلیج‌فارس» و «گفتارهای ایران‌شناسی»



رونمایی از کتاب مروارید خلیج فارس با حضور حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد حجتی کرمانی

سرویس فرهنگی، هنری: به پاس شصت سال مطالعات و تحقیقات ایران‌شناس نامدار، استاد احمد اقتداری دیروز در شرکت تعاونی ناشران و کتابفروشان تهران از کتاب مروارید خلیج‌فارس رونمایی شد.

به گزارش خبرنگار ما در این مراسم کتاب گفتارهای ایران‌شناسی ترجمه استاد کیکاووس جهانداری هم رونمایی شد.

استاد محمد ابراهیم باستانی پاریزی در پیامی به این مراسم نوشته است: «بسیار آرزومند بودم در مجلسی که برای بزرگداشت استاد عزیز و مؤلف گرانقدر، حضرت آقای دکتر احمد اقتداری فراهم آمده است به قدم خود حضور یابم و به زبان خود تشکر کنم. اما چه توان کرد:

فرشته‌ای است بر این بام لاجوردانـدود
که پیش آرزوی عاشقان کشد دیوار



دکتر مهدی محقق

یک سفر کوتاه ناگزیر مرا از حضور در این مجلس نورانی بازداشت و اینک ناچارم مراتب سپاس خود را اگر نه به زبان خویش ـ بل با زبان قلم ـ که گاهی از زبان سرخ نیز گویاتر است ـ به استاد بزرگ دکتر اقتداری مؤلف کتاب‌های گرانقدر خلیج‌فارس و بحر عمان تقدیم کنم و هم زبان با حاضران در مجلس، توفیق بیشتر او را از خداوند درخواست دارم.

دکتر منوچهر ستوده نیز در پیامی به این مراسم آورده است:

«جناب آقای احمدخان اقتداری باقی مانده خانان و حکمرانان قدیم‌تر، امامقلی خان که مسئولیت جزایر و بنادر ایران را در دوران صفویه داشت از اجداد ایشان‌اند و اینان نسل بعد نسل امور بنادر و جزایر جنوب ایران را اداره می کردند. در بالای یکی از کوه‌های گراش، خرابه‌های قلعه قدیمی این خاندان تا امروز به جای است. پدرش را از این کار کنار گذاشتند و مرکز به اداره امور جنوب ایران پرداخت.

آقای احمد اقتداری که محل را برای اقامت خود تنگ دید، روی به طهران آورد و در دانشکده حقوق به ادامه تحصیل پرداخت. در این وقت است که بنده با ایشان آشنا شدم و تا امروز نزدیک به ۶۰ سال است که بار این دوستی را به سرمنزل مقصود خالصاً می‌برم و امیدوارم که به همین وضع ادامه یابد.

سال‌های اولیه که به گردش روزهای جمعه می‌پرداختیم، حدود گشت ما از دامنه‌های کوههای توچال تجاوز نمی کرد. کم‌کم از این حد تجاوز کردیم و به دره‌های پشت آن رفتیم و پای از حدود سابق بیرون گذاشتیم و به سراسر خاک وطن سری زدیم. شرح تعدادی از این سفرها در کتاب گلگشت مرحوم ایرج افشار آمده است.

آقای اقتداری با اقتدای بر ما در جاده چالوس زمینی خرید و خانه‌ای ساخت که بعدها آن خانه را به مرحوم مهدی کمالیان فروخت و با پول فروش آن در چهارراه اسلامبول دارالوکاله‌ای تهیه کرد و چندی در این دارالوکاله مشغول کار شد و بیشتر به امور اقتصادی بنادر و جزایر جنوب می‌پرداخت. بازماندگان آقای کمالیان این خانه را تا به امروز در اختیار دارند.

آقای اقتداری کتب و آثار نوشته خود را وقف بر دائره المعارف بزرگ اسلامی کرد و تا امروز در این مؤسسه آمد و رفتی دارد.»

در این مراسم کرمی که هردو کتاب،به کوشش و خواستاری و اشراف او به چاپ رسیده است، گفت:من بیش از یک دهه سابقه شاگردی جناب اقتداری را دارم. سال ۱۳۸۵ وظیفه مند شدم که مجموعه ای از پژوهش های ایران شناسی را برای چاپ آماده کنم،که امروز به ایشان تقدیم خواهد شد.وی افزود:من برای ایجاد این کتاب، شیوه تدوین جشنواره را به کار بردم.دو منظور از این کار داشتم،یکی برای سپاس از جناب اقتداری و دیگر برای خدمت به فرهنگ ایران.

در بخش دیگری از مراسم،دکتر مهدی محقق درباره سابقه برگزاری مراسم بزرگداشت گفت:برگزاری مجالس تکریم جدید است و پنجاه سال پیش چنین نبود. همیشه عکس این بود.اهل علم مورد حسادت جاهلان قرار می گرفتند..ملاصدرا صاحب کتاب اسرار عقلیه در آغاز کتابش می نویسد انگار هرکس در دریای جهالت باشد او را عالم می دانند و افرادی که علم ندارند دشمن علم و عالمان هستند. حاج ملاهادی سبزواری می گوید زمانه قحطی حکمت است و کمبود باران یقین از ابرهای رحمت و افراد جاهل مجالی به افراد عالم نمی دهند.نظایر آن در دوران ما هم هست.

می گویند میرزا طاهر تنکابنی را به مدرسه اش راه ندادند.در دوره دیگر وزیر مملکت در شورای دانشگاه گفته بود:دبیران بروند بیرون که منظورش استاد همایی بود.مابابد کاری بکنیم تا احترام به اهل علم نهادینه شود.به گونه ای نباشد که افراد چاپلوس به عنوان عالم شناخته شوند و کسی مانند اقتداری در منزل بنشیند و کتاب‌های ارزنده ای را به فرهنگ عرضه کند.خود من از پیشگامان جلسات تکریم بودم که در سال ۱۳۵۵ در دانشکده ادبیات برای استاد همایی مراسم بزرگداشت گرفتم.ما تکریم از بزرگان را بعدها در انجمن مفاخر فرهنگی به تعداد ۱۰۶ بزرگداشت نامه برگزار کردیم.

علی اشرف صادقی نیز گفت:زمانی در دانشکده ادبیات محمد تقی مدرس رضوی همایی، بدیع الزمان فروزانفرو دکتر خانلری و دکتر معین درس می‌دادند و من افتخار تلمذ داشتم.سید حسن تقی زاده و علامه مینوی هم در دانشکده الهیات بودند.زمانه دگر گون شد و آنها رفتند و بعدها افرادی آمدند که از انها فروترند.

ناصر تکمیل همایون هم گفت:خداوند در کشور ما وضعی بوجود آورد که عده ای چون ایرج افشار و زریاب خویی و دانش پژوه واقتداری و ستوده جمع شدند و کارهایی کردند که به قول احسان نراقی فقط ایرج افشار به اندازه یک وزارتخانه ارزش داشته است.

من اگر کتاب های اقتداری نبود کتاب خلیج فارس را نمی توانستم بنویسم.

شاخص ترین مجموعه آثارعکاسان معاصر ایران در گالری پردیس ملت

۳۶عکاس برجسته ایرانی به دعوت گالری پردیس ملت و نمایشگاه گردانی مهدی مقیم نژاد نمایشگاه « به روایت عکاسان معاصر ایران » را برپا می کنند .

ازعصر شنبه ۱۱ آبان جاری ، گالری پردیس ملت با حمایت «موسسه تصویر شهر شهرداری تهران» حدود ۷۲ اثر از شاخص ترین مجموعه عکس های جمعی از هنرمندان پیشرو این عرصه را به تماشای عمومی می گذارد .

نمایشگاه «به روایت عکاسان معاصر ایران» ساعت ۵ بعداز ظهر شنبه ۱۱ آبان در گالری پردیس ملت افتتاح می شود و علاقه مندان می توانند همه روزه تا ۲۲ آذر از ساعت ۱۱ تا ۲۱ از این نمایشگاه واقع در خیابان ولیعصر،بزرگراه نیایش ، روبه روی کردستان سینما گالری پردیس ملت،طبقه ۲ دیدن کنند.

تجلیل از مقام علمی دکتر علی موسوی گرمارودی در سرای اهل قلم



سرویس فرهنگی، هنری: مراسم تجلیل از مقام علمی دکتر علی موسوی گرمارودی، شاعر و مترجم، دیروز با حضور دکتر غلامعلی حدادعادل، علیرضا قزوه، محمدرضا عبدالملکان، محمدعلی بهمنی و جمعی از بزرگان عرصه شعر و ادب در سرای اهل قلم برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ضمن تشکر از برگزارکنندگان این مراسم گفت: «سابقه آشنایی من با دکتر علی موسوی گرمارودی بیش از ۵۰ سال است، اواخر دبیرستان و اوایل دانشگاه که بودیم، آقای گرمارودی که چهار سال از بنده بزرگتر هستند، معلم بودند و ما با هم حشر و نشر داشتیم.»

وی افزود: «ایشان هنرهای بسیار دارند و به چندین هنر آراسته‌اند، اما من می‌خواهم به یک جنبه از تأثیرگذاری ایشان اشاره کنم که همان تأثیر ایشان بر فضای نیروهای متدین اهل شعر و ادب آن روزگار است.»

حداد عادل در ادامه گفت: «در شرایطی که فضای جامعه از شعر نو و شاعران نوپرداز پر بود، شاعران نوپرداز عموماً اعتقادات دیگری داشته و مارکسیسم و سوسیالیسم و ماتریالیسم و غرب‌گرایی بر آن فضا غلبه داشت. در آن فضا موسوی گرمارودی شاعری بود که در جمع جوانان متدین و در فضاهای دینی، شعر امروزی با مضمون و محتوای اسلامی، دینی و شیعی می گفت و شعرش از نظر کلام از دیگران کم نداشت. امروز میدان باز شده است و شاعران درجه اول وارد میدان شده‌اند، اما در آن روز و روزگار، اوضاع خیلی با امروز فرق داشت.»

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ادامه گفت: «نکته مهم، کلام فاخر اوست. شعر او احیای سبک خراسانی است. طنین سبک خراسانی با چاشنی و نمک شعر و مضامین امروزی در شعر او به گوش می‌رسد، او در انواع شعر طبع‌آزمایی کرده است ولی موسوی شاعر قصیده است، یعنی میدان اصلی فعالیت او قصیده و از این جهت ممتاز است.»

سیدعباس صالحی، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز، ضمن حضور در این مراسم گفت: «برای من افتخار است که در نخستین روزهای خدمت به عرصه فرهنگ، در جلسه‌ای حضور دارم که برای تجلیل از استاد بزرگوار موسوی گرمارودی برگزار می‌شود. نسل ما که در دهه ۵۰ و ۶۰ پرورده شدیم، به کسانی همچون موسوی گرمارودی افتخار می کردیم و حضور این قبیل اشخاص به ما احساس امنیت می‌داد. او برای ما یک نوستالژی بزرگ و خوب است که همچنان حفاظت شد و ماند.»

وی ضمن تشکر از برگزارکنندگان و حاضران در این مراسم گفت: علی موسوی گرمارودی را از زاویه‌های متعدد می توان تفسیر کرد. او شخصیت ترکیبی قابل توجهی دارد. وی ترکیبی از سنت آموزشی حوزه و دانشگاه است. نکته دوم، ترکیب سه خصوصیت خلاقیت، پرکاری و تنوع در وی است و سوم اینکه گرمارودی ترکیب فرهنگ اسلامی و ایرانی است، او به خوبی از بن‌مایه‌های فرهنگ ایرانی و اسلامی استفاده کرده است.»

صالحی افزود: «نکته مهم در مورد گرمارودی، توجه وی به دو نوع مخاطب عام و خاص است. ایشان هم آثاری برای کودکان و نوجوانان دارند و هم آثاری نخبه‌گرایانه.»

وی در پایان افزود: «آخرین نکته، توجه ایشان به دو حوزه فعالیت‌های فرهنگی و مدیریت فرهنگی است. من به عنوان یک ناظر بیرونی حس می‌کنم عمر گرانقدر ایشان در هر دو حوزه موفق بوده است.»

در این مراسم علی شجاعی صائین، مدیرعامل خانه کتاب گفت: دکتر گرمارودی غیر از برجستگی‌هایی که در همه آثارشان می‌شناسیم، شخصیت انسانی و قلب سلیمی دارند که باعث شد ما از ایشان تقاضا کنیم اجازه دهند تا چنین مراسمی برگزار شود.»

وی افزود: «شخصیت فرهنگ‌سازی مثل دکتر گرمارودی، چنان بلند است که نمی تواند در چنین جلساتی آن‌طور که باید مورد تجلیل قرار گیرد. ایشان آخرین باری که خدمتشان بودم، مژده دادند که به زودی ترجمه نهج‌البلاغه را نیز عرضه خواهند کرد.»

درادامه‌این‌مراسم، حجت‌الاسلام والمسلمین کوشا، پژوهشگر قرآنی، مقاله‌ای را که با عنوان «ظرافت‌ها و زیبایی‌های ادبی و هنری در ترجمه قرآن دکتر گرمارودی» نوشته بود، خواند و افزود: دکتر گرمارودی از سلسله سادات و در محیطی علمی و در خانواده‌ای عالم، مجتهد و توسط استادان بزرگ و نامدار به ویژه در حوزه علمیه مشهد، قم و تهران تربیت شده‌اند، طبیعی است که شخصیت والای موسوی گرمارودی ویژگی‌های خاص خودش را داشته باشد.

وی درخصوص ویژگی‌های ترجمه‌های استاد گرمارودی افزود: «اول فارسی‌گرایی به دور از افراط، دوم به‌کارگیری زبان فارسی در سراسر اثر، سوم تطابق ترجمه با متن، چهارم انتخاب معادل‌های جدید و ابتکاری، پنجم مؤخره یا پی‌نگاشت عالمانه و بیان نکات لازم.»

درادامه‌این‌مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین مهدوی راد، قرآن پژوه نیز گفت: «آقای گرمارودی هم فکر روشن، هم ادب بحث و هم آینده‌نگری عمیقی داشتند. ایشان به لطافت حق را نگاه می کردند.»

همچنین علیرضا قزوه، شاعر، نیز در مراسم تجلیل از دکتر علی موسوی گرمارودی گفت: «ایشان از جمله مفاخر ما هستند که در خط ولایت ماندند. راه درستی که طاهره صفارزاده رفت، استاد گرمارودی هم رفت.» استاد کامران فانی، از استادان کتاب‌شناسی نیز در این مراسم گفت: درست است که قدر استاد گرمارودی آن‌طور که شایسته است، شناخته نشد، ولی باید گفت که ایشان روزنامه‌نگار برجسته‌ای هم هستند و مجله «گلچرخ» را سال‌ها دست تنها اداره کردند.

وی افزود: «نقشی که آقای گرمارودی در نشان دادن فرهنگ تشیع داشت، راه تازه‌ای را گشود. معمولاً در شعر نو این‌گونه مفاهیم مطرح نمی‌شد، ولی ایشان این مفاهیم را به شعر نو وارد کردند.»

در ادامه این مراسم عارف خرمشاهی پسر استاد بهاءالدین خرمشاهی شعری از پدرش در تهنیت ترجمه استاد گرمارودی از نهج‌البلاغه خواند و در پایان علی موسوی گرمارودی ضمن تشکر از همه شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان این مراسم، گفت: «من هنوز یک دانشجوی ساده هستم و خودم را در خور این همه تعریف نمی‌دانم. امیدوارم این سنت در مورد آن‌هایی که صاحب قدر هستند هم ادامه پیدا کند.»

وی افزود: در حال حاضر در حال نگارش زندگی‌نامه‌ام هستم و همچنین کار دیگری زیر چاپ دارم که ادای احترام به حضرت زهرا(س) است که زندگی‌نامه ایشان است. همچنین دو کتاب در نشر هرمس زیر چاپ دارم که به گزین‌های مشفقی بخارایی است. من این شاعر را در تاجیکستان کشف کردم و نسخه‌هایش را همان جا یافتم. قوت شعر او از عبید زاکانی بسیار بیشتر است.»

وی در پایان بخشی از زندگی‌نامه خود را که مربوط به زمان شاگردی وی نزد ادیب نیشابوری بود، برای حضار خواند. در پایان این مراسم از مقام علمی دکتر علی موسوی گرمارودی تجلیل به عمل آمد.

برگزاری نشست علمی فرهنگی ایران و کویت با حضور وزیر ارشاد



نشست علمی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و کویت با حضور علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و اعضای هیات ادبا و فرهیختگان کویتی برگزار شد.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "علی جنتی" دوشنبه در این نشست که در محل وزارت ارشاد برگزار شد گفت: این هیات جمعی از فرهیختگان علمی فرهنگی کویت هستند که به دعوت جمهوری اسلامی به ایران سفر کرده‌اند. وی افزود: حضور هیات های علمی، فرهنگی وهنری دو کشورمی تواند به تقویت روابط فرهنگی ایران و کویت کمک کند. به گفته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بطور قطع برگزاری این نشست‌ها می تواند در تقویت روابط سیاسی نیز تاثیر مثبتی داشته باشد. در ادامه این نشست اعضای هیات ادبا و فرهیختگان کویتی نیز گزارشی از وضعیت علمی و فرهنگی کشورشان ارائه کردند.

آنها ضمن ستودن وضعیت علمی فرهنگی وهنری جمهوری اسلامی ایران خواستار ارتباط هرچه بیشتر میان اصحاب فرهنگ و هنر و رسانه دو کشور شدند.

وزیر فرهنگ و ارشاداسلامی نیز در ادامه این دیدار از آمادگی ایران برای انتقال تجربیات خود در زمینه های علمی، فرهنگی و هنری به کشور کویت شد.

قدردانی از شاعران پیشکسوت در سومین جشنواره سراسری شعر انقلاب

سرویس فرهنگی ـهنری: اختتامیهٔ سومین جشنواره سراسری شعر انقلاب در سه بخش شعر آزاد، شعر کلاسیک و بخش پژوهش و مقالات و با تقدیر از حسین اسرافیلی و محمدرضا عبدالملکیان چهارشنبه ۸ آبان ساعت ۱۶ در تماشاخانه مهر حوزه هنری برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، در نشست خبری که به همین منظور برگزار شده بود، علیرضا قزوه مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری با یادی از امیرحسین فردی که داستان انقلاب به کوشش وی شکل گرفته است، گفت: تأکید بر کلمهٔ «انقلاب» و حفظ ارزشهای انقلاب در ادبیات، از تأکیدات امیرحسین فردی بود، اینکه شعر و داستان را با ویژگی‌های انقلاب تطبیق دهیم و از انقلاب و تفکرات امام(ره) دور نشویم.

قزوه با بیان اینکه ادبیات انقلاب در سه دههٔ اخیر حرکت خوبی داشته است، گفت: اکنون به جایگاهی رسیده‌ایم که ادبیات انقلاب در شُرف تبدیل شدن به سبکی ادبی در ادبیات ایران است و این تبدیل شدن، با تلاش و تجربهٔ همهٔ شاعران و نویسندگان چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن رخ داده است که همواره آثارشان در خط بیداری بوده. از آثار شاعرانی چون نیما، اخوان، سهراب و فروغ و نویسندگانی مانند جلال آل‌احمد و از تفکر کسانی مانند علی شریعتی و امام(ره) ادبیاتی بیرون آمد که می‌توان از آن به عنوان ادبیات بیداری و سبک جمهوری اسلامی یاد کرد.

قزوه افزود: ویژگی‌های ادبیات انقلاب در هیچ دوره‌ای از تاریخ ادبیات ما نبوده است. یکی از آن ویژگی‌ها ارتباط با دفاع مقدس و یا آئینی بودن این ادبیات است و به قدری شاخص و نو است که در هیچ دورهٔ دیگری نبوده.

مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری با اشاره به اینکه ادبیات انقلاب در برنامه‌ها، جشنواره‌ها و همایش‌های دیگری هم موردتوجه قرار گرفته است، گفت: در کنار این همایش‌ها در دانشگاه‌ها نیز پژوهشگران و دانشجویان به ادبیات امروز ایران، شعر آئینی، شعر دفاع مقدس و شعر انقلاب گرایش پیدا کرده‌اند و رساله‌های بسیاری که از این طریق و در این زمینه نوشته شده، پشتوانه‌ای برای شعر انقلاب است و در واقع آن را به ثبت می‌رساند. قزوه گفت: کسانی مانند طاهره صفارزاده، قیصر امین‌پور و سلمان هراتی شاعران شاخص در نسل اول پس از انقلاب هستند و جایزه‌هایی با عناوین این شاعران تعیین شده است و به این ترتیب اینها دارند ثبت می‌شوند و سبک‌شان به عنوان یک سبک ادبی در تاریخ ادبیات ما ثبت می‌شود و جوانان در خط فکری آنها گام برمی‌دارند.

قزوه اضافه کرد: ادبیات ما در مسیری قرار گرفته که به بالاترین درجهٔ غنی‌سازی به لحاظ کمّی و کیفی رسیده است و با پشتوانه عمیقی که از سرزمین فردوسی و حافظ و سعدی داشته، شاعرانی به وجود آمده‌اند که شعرشان شعر آزادی است و تمامی زیبائی ادبی و محتوا را در این آثار می‌توان دید. شعر قیصر امین‌پور، طاهره صفارزاده و سلمان هراتی شعر آزاد و بی‌پرواست و به هیچکس بدهکار نیست و شعر مردم و انقلاب است.

او با بیان اینکه انقلاب اسلامی از حیث مردمی‌بودن تفکر بزرگان انقلاب و شهدایی که داده‌اند از تمامی انقلاب‌های دیگر دنیا شاخص‌تر است، گفت: این انقلاب، انقلابی فرهنگی است و از این نظر است که کنگره شعر انقلاب برای ما مهم است. شعر انقلاب یک شعر پرطپش، با پشتوانه و آینده‌دار است و در این جشنواره نیز سلامت داوری حاکم است و داوران به آثار نام‌های برجسته نگاه نمی‌کنند.

قزوه در بخش دیگری از سخنانش خبر داد که در اختتامیهٔ این جشنواره از دو نفر که در شعر انقلاب تأثیر داشته و از سویی سابقهٔ حضور مستمر در این زمینه داشته‌اند تقدیر خواهد شد و این دو نفر را حسین اسرافیلی و محمدرضا عبدالملکیان معرفی کرد و در ادامه گفت: پیشنهاد می کنم که در دورهٔ بعد جشنواره از چهره‌های شاخص شعر فارسی‌زبانان کشورهایی مانند افغانستان و تاجیکستان هم تجلیل و تقدیر شود.

او گفت: در همایش‌ها همواره باید به سمتی برویم که شاعران جوان کشورهای فارسی‌زبان هم در این نوع جشنواره‌ها و همایش‌ها شرکت کنند چون اگر ما سراغ آنها نرویم، کسانی با فرهنگ بیگانه به سراغ آنها می‌روند.

علی داوودی، دبیر هنری جشنواره شعر انقلاب هم در این نشست با بیان اینکه آثار برگزیدهٔ این جشنواره با اعمال سختگیری‌های بسیار و طی چند مرحله داوری انتخاب شده‌اند، به آمار آثار و شاعران این جشنواره پرداخت و گفت: تعداد آثار رسیده ۵۱۴ اثر بود. داوودی تعداد داوران جشنواره سوم شعر انقلاب را ۱۵ نفر اعلام کرد و گفت: بخش شعر کلاسیک را ۶ داور، بخش شعر نو را هم ۶ داور و بخش پژوهش را ۳ داور قضاوت کرده‌اند.

او تعداد برگزیدگان سومین جشنواره شعر انقلاب را که در اختتامیه معرفی خواهند شد، ۱۸ نفر اعلام کرد و در ادامه گفت: امسال به دلیل اینکه حوزه هنری کودک و نوجوان تأسیس شده و به طور مستقل به فعالیت می‌پردازد بخش شعر کودک و نوجوان را از بخش‌های این جشنواره حذف کرده‌ایم و از سال گذشته بخش پژوهش به جشنواره اضافه شده است و دلیل پائین‌بودن آمار این جشنواره هم برمی گردد به بخش حذف شدهٔ جشنواره و دیگر اینکه این جشنواره هر ساله برگزار می‌شود.

مجید انصاری: دانشگاه‌ها به کمک دولت بیایند



بقیه از صفحه اول

مطمئنا حضور دکتر فرجی دانا نقطه عطف و جهشی برای فعالیت های علمی در دانشگاه‌های کشور خواهد بود.

وی ادامه داد: من از رئیس جمهور نه به عنوان معاون پارلمانی بلکه به عنوان یک شهروند به خاطر این انتخاب سپاسگزارم .

وی افزود: فرجی دانا دارای سوابق ارزشمند علمی و مدیریتی است. در دولت خاتمی نیز در مقطعی قرار بود دکتر فرجی دانا سمت وزارت علوم را داشته باشد. از طرف خودم، دولت و رئیس جمهور از مجلس به خاطر رای اعتماد به این فرد فرهیخته تشکر می کنم.

انصاری بااشاره به خدمات دکتر توفیقی افزود: دکتر توفیقی با توجه به فعالیت هایی که در دولت آقای خاتمی داشت در این مدت، معلم اخلاق و عمل بود وی افزود: این مراسم، مراسم معارفه است نه تودیع بلکه مراسم معارفه دکتر فرجی دانا است و تقدیر از دکتر توفیقی. چرا که ما معتقدیم علما بازنشسته ناپذیر هستند. تجربه نشان داده است عالمان تا آخرین لحظه در سنگر علم و تعلیم حضور جدی دارند .

معاون پارلمانی رئیس جمهور افزود: امروز خط مقدم برنامه ریزی و عملیاتی در کشور وزارت علوم و دانشگاه ها هستند و فرماندهان این خط مقدم وزیران علوم، بهداشت و روسای دانشگاه های بزرگ مانند آزاد و پیام نور و معاونت علمی و فناوری رئیس جمهوری هستند.

وی عنوان کرد: در برنامه ارزیابی برنامه توسعه سوم و چهارم بسیاری از بخش ها عقب بودند تنها بخشی که از برنامه ها جلو بود دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور بودند .

انصاری افزود: توسعه دانشگاه ها در این مدت بسیار خوب بوده به طوری که در بسیاری از جاها ما با ظرفیت مازاد مواجه هستیم.

معاون پارلمانی رئیس جمهور تاکید کرد: فکر می کنم در این دوره باید بر توسعه کیفی تمرکز شود همچنین بر ایجاد استحکام بین علم، اقتصاد، تولید و صنعت برنامه ریزی شود. وی گفت: دانشگاه ها و وزارت علوم برای برون رفت از مشکلات باید به کمک دولت بیاید.

انصاری ادامه داد: به لحاظ ساماندهی اقتصادی در وضعیت بهتری قرار داریم در هر عرصه ای که ورود می کنیم با موانع و مشکل مواجه می شویم. برون رفت از بیماری مزمن اقتصادی که هم اکنون زیر بار سنگین بهمن نقدینگی به مرز ۶۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده مشکل است.

وی افزود: کسری شکننده بودجه عمومی نیز عدم امکان تخصیص حتی یک درصد از بودجه مصوب به طرح‌های عمرانی را ایجاد کرده است. در این شرایط اندیشه بلند و فعالیت‌های تحقیقاتی دانشگاهی می تواند به دولت کمک کند. دولت دست خود را به سمت دانشگاه ها و مراکز علمی دراز کرده است.

بازگشت نشاط به دانشگاه‌ها

رضافرجی داناوزیرعلوم هم در این مراسم با بیان این که استقلال دانشگاه‌ها دستپخت فکر ناب توفیقی است، گفت: دوره دو ماهه گذشته در وزارت علوم دوره برگشت نشاط به فعالیت دانشگاه‌ها بود.

وی گفت: توفیقی بهترین دوران مدیریت در وزارت علوم را در دوران اصلاحات داشته است. وی افزود: در آن زمان رئیس دانشگاه تهران بودم که توفیقی به عنوان وزیر علوم سیاست‌های روشن ، رو به جلو و تعالی‌بخشی داشت که به دانشگاه‌ها نشاط داد و دانشگاه را مسئول کرد تا پاسخگو باشد.

فرجی دانااضافه کرد:استقلال‌دانشگاه‌ها دستپخت فکر ناب توفیقی است و دوره ۷۱ روزه سرپرستی وی بر وزارت علوم دوره بازگشت نشاط به دانشگاه‌ها است.

وی گفت: من در فرصت مطالعاتی یک ساله بودم و پس از بازگشت تغییر را بهتر از شما که به صورت تدریجی در جریان بودید مشاهده کردم.

وزیر علوم ادامه داد: جان تازه‌ای در کالبد دانشجویان دمیده شد که تشکر من از توفیقی در پاسداشت حرمت عالمی است که عمر خود را صرف علم کرده است و در مسیر حرکت با هم بار سنگینی که بر دوش داریم به پیش می‌بریم.

وی افزود: وزارت علوم به عنوان پیشران توسعه علم و فناوری خواستار ارزش‌های علم و عالم است.

تشکر توفیقی از روحانی

دکتر جعفر توفیقی سرپرست سابق وزارت علوم هم با بیان این که فرجی دانا یکی از بهترین انتخاب‌هاست، گفت: از روحانی تشکر می کنم که گزینه‌های وزارت علوم را از میان منتخبین کارگروه انتخاب وزیر علوم انتخاب کرد.

وی اظهار داشت: فرجی دانا یکی از بهترین انتخاب‌هایی بود که در این مقطع می‌توانست انجام شود.

وی افزود: از دکتر روحانی متشکرم که به‌رغم مشکلاتی که سر راه بود، خود را ملتزم دانست که نامزدهایی را که کارگروه ما حدود سه ماه پیش برای وزارت علوم به وی معرفی کرد، برای این سمت انتخاب کند.

وی با بیان این که بعد از ۲۴ خرداد ماه به دستور روحانی مسئولیت کارگروه انتخاب وزیر علوم را به عهده گرفتم، تصریح کرد: ما در نهایت پنج نامزد را معرفی کردیم و مکانیزم انتخاب ما هم فراگیر و مبتنی بر نظرات دانشگاهیان، نخبگان انجمن‌های علمی بود. توفیقی خاطرنشان کرد: دکتر روحانی نیز به ترتیب از نفر اول کارگروه افراد را برای این سمت انتخاب کرده و با توجه به موانعی که وجود داشت به دکتر فرجی دانا رسیدیم که یکی از منتخبین کارگروه هستند.

توفیقی با بیان این که دکتر فرجی دانا در شرایط سختی مسئولیت وزارت علوم را قبول کرده است، اظهارداشت: با توجه به تجربه و تسلطی که وی دارد می‌تواند در این عرصه موفق باشد، چرا که بنده با شناختی که از وی از دوستی در دانشگاه شیراز و در کارهای مدیریتی از سال ۷۶ تا ۸۴دارم، وی دارای زندگی مدیریتی و علمی بسیار قابل قبول، قوی و شناخته شده است که با سیاست‌هایش این مسیر را به خوبی طی خواهد کرد.

وی با تشکر از رئیس جمهور، تصریح کرد: از روحانی متشکرم که به من اعتماد کرد و در شرایطی که برایش آسان هم نبود ۷۱ روز پیش مسئولیت سرپرستی وزارت علوم را به من پیشنهاد داد.

سرپرست سابق وزارت علوم خاطرنشان کرد: زمانی که روحانی خواست حکم سرپرستی را به من بدهد با توجه به این که درک روشنی از شرایط داشتم به او گفتم که نگرانی از بابت معرفی وزیر نداشته باشید، هر چند که اختیار در دست او بود، اما بنده هم اعلام آمادگی کردم که هر وقت مصلحت دید هر کسی را که خواست به عنوان وزیر معرفی کند.

وی با بیان این که خدمت کردن در نظام جمهوری اسلامی نعمت است، گفت: مهم نیست که این خدمت کجا باشد، چرا که هرجا باشد خدا به ما این توفیق را داده که با این روحیه به جامعه خود خدمت کنم و مهم‌ترین دغدغه‌ام این بود که روحیه امید و نشاطی را که بعد از انتخابات در جامعه حاکم شده بود در دانشگاه‌ها عملیاتی کنم.

سرپرست سابق وزارت علوم با بیان این که ابتدا سعی کردم به نارضایتی‌های انباشته شده دانشگاهیان توجه کنم، تصریح کرد: وجود نارضایتی در دانشگاه نفی رضایتمندی و نقاط مثبت نیست، همان طور که مقام معظم رهبری در ابتدای کار دولت جدید توصیه کرد که نقاط ضعف و قوت دولت‌های قبلی را شناسایی کرده و در این مسیر گام بردارم، بنابراین حرکت رو به بهبود این است که بتوانیم این چرخه را حفظ کنیم.

وی با بیان این که تصمیماتی که در این مدت گرفته شد درباره نارضایتی دانشگاهیان بود، گفت: اولین اقدام عملی ما این بود که اگر کسی فکر می کند حقی از او در دانشگاه ضایع شده به ما بگوید تا آن را برطرف کنیم. چنانچه برخی دانشگاه‌ها نیز با مشکلاتی مواجه بودند.

سرپرست سابق وزارت علوم با بیان این که باید نوعی مدیریت سیستمی و یک پارچه در دولت ایجاد شود، تصریح کرد: تجربه ما این بوده که در نظام‌های مختلف کشور جزیره‌ایی عمل می کنیم، اما باید همه نظام‌های سیاسی ، اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... از نظر مسئولیت‌ها با هم ادغام شود. هر چند که منظور من این نیست که به بیراهه می‌رفتیم، بلکه باید بازبینی و اصلاح صورت گیرد.

توفیقی اظهار داشت: تا جایی که می‌توانیم باید فرایندهای تصمیم‌گیری در نظام آموزش عالی کشور را در کارهای اجرایی به سمت دانشگاه‌ها سوق دهیم.

به طوری که اختیارات کارهای اجرایی از دولت به سمت وزارت علوم، از وزارت علوم به سمت دانشگاه‌ها و از دانشگاه‌ها به سمت دانشگاهیان باشد. اما در بحث سیاست‌گذاری باید عکس این روند شکل بگیرد.

وی خاطرنشان کرد: یکی از مشکلات ما این است که فرایندهایی که آن‌ها را مدیریت می‌کنیم، مانند فرایند جذب هیات علمی، پذیرش دانشجو و ... تمرکزگرایی می‌شود. این مسائل دانشگاه‌ها را کلافه می‌کند، چرا که دانشگاه‌ها باید احساس کنند در نظام تصمیم‌گیری جایگاه مشخصی دارند نه این که کارها را دیگران برایشان انجام می‌دهند.

سرپرست سابق وزارت علوم با بیان این که باید به سمت عزت سازمانی برویم، گفت: وزارت علوم باید کارآفرین باشد نه این که کار دانشگاه‌ها را انجام دهد.

نمی توانیم به هر بهانه‌ایی اختیار را از دانشگاه‌ها بگیریم، چرا که این مدیریت ناپایدار است، بنابراین باید به گونه‌ای رفتار کنیم که همه احساس توانمندی کنند.

وی با تاکید بر این که انسان‌های تحقیر شده نمی توانند منشاء هیچ تحولی باشند، تصریح کرد: اگر همه امکانات را به دانشگاه‌ها بدهیم در صورتی که دانشجو احساس تحقیر شدن کند هیچ پیشرفتی نخواهیم کرد، بنابراین یکی از مهمترین بحث‌ها ایجاد عشق و علاقه به کار در میان دانشگاهیان است.

موضوعی که ما در دفاع مقدس نیز با آن روبرو بودیم . به طوری که عشق به انقلاب با دست خالی دفاع مقدس را جلو برد

شب هوشنگ ابتهاج برگزار شد



صد و سی و هفتمین شب از شبهای مجله بخارا به بزرگداشت ه.ا.سایه (هوشنگ ابتهاج) اختصاص داشت که با همکاری مؤسسه فرهنگی هنری ملت، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار و گنجینه پژوهشی ایرج افشار غروب یکشنبه ۵ آبان ۱۳۹۲ در کانون زبان فارسی و با حضور پوری سلطانی، محمدرضا شفیعی کدکنی، شهرام ناظری، داریوش طلایی، یلدا ابتهاج ، محمد افشین وفایی و پیامی از محمود دولت آبادی برگزار شد.

علی دهباشی در ابتدای این نکوداشت، از حاضران خواست تا فاتحه‌ای برای زنده یاد ایرج افشار بخوانند که اگر امروز در قید حیات بود بی‌شک از حاضران در این جمع بود .

سپس نوبت به محمد افشین وفایی به عنوان نخستین سخنران این مراسم رسید تا چنین بگوید:

نقش ما گو ننگارند به دیباچهٔ عقل
هر کجا نامهٔ عشق است نشان من و توست

پیش از این که سایه را از نزدیک بشناسم، یعنی حدود هفت سال پیش، تنها شعرش را می‌شناختم اما در این سال‌ها که توفیق داشته‌ام به لطف استاد شفیعی کدکنی محضرش را از نزدیک درک کنم دریافتم که شاعری یکی از حسن‌های اوست. سایه همچون شعرش پاک و منزه است.

دغدغه‌اش انسان و انسانیت است. تعهدی که در شعر و زندگی‌اش داشته جز به انسان نبوده است. به گمان من اگر به جریانی گرایش داشته جز به برقراری عدالت میان انسان‌ها نمی اندیشیده است.

جستجویی بوده که برای عدالت و برابری میان آدمیان انجام داده است. تحولات اجتماعی را دنبال می‌کرده و دغدغهٔ تغییر جهان داشته است.

در بخشی دیگر از این مراسم، پیام محمود دولت آبادی خطاب به سایه توسط علی دهباشی قرائت شد:

آقای ابتهاج عزیز و ارجمند

بخت یار نبود تا درمحضر جناب شما باشم، ببینم‌تان وسلام کنم ؛همچنین دوستانِ گرامیِ حاضر در آن جمع خاصّ را، و این عمیقاً به تأسّف دچارم می‌کند.

پس ضمن درود قدرشناسانه به شما پیشانی تان را از همین دوسلدورف می‌بوسم و ارادت هنرجویی خود از شما را بیان می‌دارم و می گویم که من، محمود، نه فقط با غزل‌ها و مهربانی‌هایتان همیشه با شما بوده‌ام، بلکه هرکجا بوده و باشم ،حافظ به سعی سایه ، بر دیدهٔ چشمهای من بوده است و هست .

«دیدنِ روی تو را دیده ی جان بین باید
وین کجا مرتبهٔ چشم جهان بینِ من است.»

با احترام، محمود دولت آبادی
چهارم آبان ماه نود و دو ـ دوسلدورف

سپس شهرام ناظری پس از اشاره به نحوهٔ آشنایی‌اش با سایه و خاطراتی که با او داشته ، با آواز خود و با خواندن ابیاتی از سایه به این شب شوری دیگر افزود.

و پس از آن علی دهباشی بخشی از متن دکتر شفیعی کدکنی را دربارهٔ‌شعر سایه قرائت کرد:

در طول چهل و اندی سال دوستی از نزدیک و خوشبختانه بسیار نزدیک، هرگز ندیدم که او هنرمند راستینی، از مردم زمانه ما را به چشم انکار نگریسته باشد، در میان صدها دلیلی که به عظمت او می‌توان اقامه کرد همین یک دلیل بس که او بر چکاد بلندی ایستاده که نیازی به انکار دیگران ندارد و این موهبتی است الهی. باز هم از همان فرمول دشمن تراشانهٔ خودم استفاده می‌کنم و می گویم: متجاوز از نیم قرن است که نسل های پی در پی عاشقان شعر فارسی حافظه‌هایشان را از شعر سایه سرشار کرده‌اند .

و امروز اگر آماری از حافظه‌های فرهیختهٔ شعر دوست در سراسر قلمرو زبان فارسی گرفته شود، شعر هیچ یک از معاصران زنده نمی تواند با شعر سایه رقابت کند. بسیاری از مصرع‌های شعر او در حکم امثال سایره درآمده است و گاه گاه در زندگی بدان تمثل می‌شود. از همان حدود شصت سال پیش که در نوجوانی سرود:

روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید
حالیاَ چشم جهانی نگرانی من و توست

تا به امروز که غمگنانه با خویش زمزمه می‌کند :

یک دم نگاه کن که چه بر باد می دهیم
چندین هزار امید بنی‌آدم است این

بسیاری از این سخنان او حکم امثال سایره به خود گرفته‌اند. دیر زیاد آن بزرگوار خداوند...

و سرانجام نوبت هوشنگ ابتهاج بود تا با دوستداران خود سخن بگوید. در پایان پرتره سایه کار فخرالدین فخرالدینی در تابلویی به وی اهدا شد.

دوره آموزشی نشانه‌شناسی اجتماعی در شهر کتاب

دوره آموزشی نشانه‌شناسی اجتماعی باتدریس فرزان سجودی در پنج جلسه در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود.

به گزارش مهر، نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از رویکردهای معاصر در حوزه نشانه‌شناسی است که به جای نشانه بر نشانه‌سازی و در نتیجه بر فرآیند معناپردازی در بستر اجتماع و فرهنگ تأکید دارد. در نشانه‌شناسی اجتماعی نشانگی نزد انسان اساسا پدیده‌ای اجتماعی است و دارای منابع، نقش ها، بافت‌ها و تاثیرات اجتماعی.

در دوره آموزشی نشانه‌شناسی اجتماعی، به پایه‌های نظری نشانه‌شناسی اجتماعی و مفاهیم بنیادی آن، و سپس به اختصار به دستاوردهای مهم و نشانه‌شناسان شاخص اجتماعی در حوزه‌های مختلف پرداخته می‌شود. آشنایی با مبانی نشانه‌شناسی نیز برای شرکت‌کنندگان این دوره الزامی است.

این دوره آموزشی روزهای شنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۲ برگزار می‌شود و آغاز آن از شنبه دوم آذر خواهد بود. علاقه‌مندان به حضور در این دوره آموزشی تا ۲۰ آبان فرصت دارند برای ثبت نام، در ساعات اداری به مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنند.

رونمایی از سردیس استاد محمدتقی شریعتی در مزینان



سبزوار ـ خبرنگار اطلاعات: سردیس استاد محمدتقی شریعتی مزینانی در زادگاهش روستای مزینان از توابع شهرستان داورزن رونمایی شد.

این سردیس در شمال شهر مزینان و در میدانی به همین نام نصب شده است.

به گفته رئیس شورای اسلامی شهر مزینان، ساخت میدان استاد محمدتقی شریعتی مزینانی پدر دکتر علی شریعتی ۳ سال به طول انجامید و با کمک خیران مزینانی و علاقه‌مندان از سردیس رونمایی شد. ساخت این سردیس ۱۵۰ میلیون ریال هزینه در بر داشته است که تمام آن توسط خیرین و دهیاری مزینان تامین شده است.

همایش بزرگداشت آخوند کاشانی در کاشان برگزار می‌شود

سرویس شهرستانها ـ همایش بزرگداشت علامه ملامحمد آخوند کاشانی ۹ و ۱۰ آبان در آستان مقدس حضرت علی‌بن امام محمدباقر(ع) در مشهد اردهال و مصلای بقیهٔ‌الله الاعظم(عج) کاشان برگزار می‌شود.

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان گفت: تمهیدات لازم برای حضور گسترده قشرهای مختلف مردم به ویژه نخبگان در این همایش اندیشیده شده است. محمد مهدی صباغی افزود: شامگاه پنجشنبه ۹ آبان نیز برای بزرگداشت علامه محمد آخوند کاشانی مراسمی در روستای «جوشقان استرک» زادگاه این فقیه عالیقدر برگزار خواهد شد.

ضرورت گسترش همکاری های اقتصادی برای ایجاد بازار مشترک کشورهای اسلامی

چهاردهمین نمایشگاه تجاری کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اسلامی(OIC) دیروز با حضور معاون اول رئیس جمهوری، وزیر صنعت ، معدن و تجارت و رئیس اتاق بازرگانی ایران در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران افتتاح شد.

به گزارش خبرنگارما، ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری های اسلامی توانمندی های صنعتی و تولیدی خود را در این نمایشگاه به معرض دید بازدیدکنندگان گذاشتند.

مهندس اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در مراسم آغاز به کار این نمایشگاه ارزش کل تجارت خارجی کشورهای اسلامی را در سال ۲۰۱۲ حدود ۴ هزار و ۱۲۵ میلیارد دلار عنوان کرد و گفت: در بین ۵۰ کشور کمتر توسعه یافته دنیا ۲۲ کشور عضو سازمان کشورهای اسلامی حضور دارند. این کشورها با مشکلات متنوعی از جمله سوء تغذیه، بدهی خارجی کلان و ناتوانی در تامین نیازهای اساسی خود مواجه هستند که بر این اساس، توسعه بازرگانی بین کشورهای اسلامی می تواند در کاهش اختلاف درآمد بین اعضا و ایجاد اشتغال و توسعه صنعتی موثر باشد.

وی افزود: میانگین درآمد سرانه کشورهای اسلامی ۵ هزار و ۵۰۷ دلار حسب برابری قدرت خرید بوده است که این موضوع اختلاف شدید بین درآمد سرانه را نشان می دهد.

معاون اول رئیس جمهوری تصریح کرد: مشکلات اقتصادی کشورهای اسلامی با همکاری و هماهنگی بین آنها می تواند برطرف شده یا کاهش یابد، این در شرایطی است که براساس پیش بینی آینده پژوهی، کشورهای جهان در سال‌های آتی با بحران‌های سه گانه انرژی، آب و مواد غذایی مواجه هستند که بر این اساس، باید برای کشورهای اسلامی شرایطی فراهم شود که بتوانند از منابع مشترک یکدیگر بهره‌مند شوند.

وی خاطرنشان کرد: عمده کشورهای اسلامی از اراضی قابل کشت برخوردارند، لذا کشورهای نیازمند مواد غذایی می توانند از طریق سرمایه گذاری در کشورهای بهره مند، از مواد غذایی پایدار برخوردار شوند.

مهندس محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت ، معدن و تجارت هم در این مراسم با بیان این که تحریم های اقتصادی میلیاردها دلار به داد و ستد فیمابین کشورهای اسلامی زیان وارد کرده است ، گفت : تحریم‌های ناجوانمردانه و ظالمانه کشورهای سلطه گر بر کشورهای اسلامی مغایر با منشور ملل متحد، اخلاق اسلامی و تجاری است .

وی گفت: کشورهای اسلامی می توانند با سرمایه گذاری در منابع طبیعی ، معادن ، جاذبه های توریستی و اجرای طرح های تولید صادراتی به توسعه اقتصادی و افزایش تجارت سایر کشورهای اسلامی کمک کنند.

وی با بیان این جمله که جمهوری اسلامی ایران همواره علاقه مند به توسعه روابط تجاری و اقتصادی خود با کشورهای اسلامی بوده و در اغلب نمایشگاه ها شرکت می کند، تاکید کرد: دولت ایران به عنوان یکی از هشت کشور اسلامی عضو سازمان D۸ بسیار علاقه مند است که سایر کشورهای اسلامی هم به این پیمان ملحق شوند تا اهداف آن که همانا تحکیم موقعیت اقتصادی کشورهای اسلامی در اقتصاد بین‌الملل است ، محقق شود.

از نظر نامبرده، همکاری بین اتحادیه های اسلامی منطقه ای ، ایجاد مناطق تجارت آزاد و اتحادیه های گمرکی با عضویت کشورهای اسلامی مستقر در یک محدوده جغرافیایی سنگ بنای تشکیل بازار مشترک اسلامی خواهد بود .

وی در ادامه اجرای کامل موافقتنامه تعرفه های ترجیحی ، تقویت منابع مالی و اعتباری بانک توسعه اسلامی ،ایجاد صندوق های مشترک، تسریع در یکسان سازی مقررات استاندارد ، گمرکی و اسناد تجاری در کشورهای اسلامی ، پافشاری کشورهای اسلامی برای برگزاری مجدد اجلاس دور دوحه که منجر به افزایش مبادلات منجر می شود را خواستار شد .نعمت زاده همچنین گفت که بانک توسعه صادرات ایران در صدد برگزاری کنفرانس اگزیم بانک (بانک صادرات واردات) بین کشورهای اسلامی در آینده ای نزدیک است که این امر به توسعه مناسبات میان کشورهای اسلامی کمک بسیاری خواهد کرد .

در این مراسم همچنین دکتر محمد نهاوندیان رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران با بیان اینکه ۲۳ درصد جمعیت جهان متعلق به کشورهای عضو سازمان همکاری های اسلامی است، سهم این کشورها از تولید و تجارت جهانی را به ترتیب ۹ و ۵,۵ درصد اعلام کرد و گفت : ۷۰ درصد منابع جهان از آن کشورهای عضو همکاری های اسلامی بوده و وظیفه بخش خصوصی بکارگیری این منابع است .به اعتقاد رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران، پیوند دولت و بخش خصوصی در بسیاری از کشورهای اسلامی قوی، عمیق و دو سویه نیست . از سوی دیگر،همچنین هنوز کشورهای اسلامی در زمینه صدور روادید فیمابین، زمینه تسهیل سفر را برای اتباع خود فراهم نکرده اند .هنوز نتوانسته ایم ویزای اسلامی را برقرار کنیم ، ارتباط مستقیم بانکی میان کشورهای اسلامی وجود ندارد و از سویی حتی ارز مورد قبول همه هم نداریم .رئیس اتاق ایران با بیان این که باید سهم دولت ها و بخش خصوصی در توسعه اقتصادی میان کشورهای اسلامی مشخص شود، گفت : خواسته بخش خصوصی این کشورها این است که دولت های آنها فضا را برای تعامل و همکاری اقتصادی فراهم کرده و هر روز بهبود بخشند .وی معتقد است تجهیز و مدیریت منابع جزو وظایف بخش خصوصی است و برای اینکه دولت‌ها و بخش خصوصی وظایف خود را به خوبی انجام دهند ، باید اتاق ها به ویژه اتاق اسلامی ، ملی و محلی به عنوان نقطه پیوند و ربط فعال تر شود. تا زمانی که اتاق ها توانمند نشود، نمی توان خلاء میان بخش های خصوصی را رفع و به تقویت روابط آنها با سازمان های بین المللی اقدام کرد .این مقام مسئول در ادامه بر ضرورت تقویت و توانمندسازی حضور بانوان بازرگان مسلمان در میان کشورهای اسلامی تاکید کرد و گفت: حضور این بانوان در صحنه تولید، تجارت ملی و بین المللی بسیار مهم است و باید مورد حمایت قرار گیرد .

طرح جدید دولت برای شاغلان و بیکاران

طرحی از سوی دولت در حال نهایی شدن است که تمامی بیکاران و شاغلان کشور را پوشش خواهد داد و با استفاده از منابع بیمه بیکاری رونق اشتغال را به همراه دارد.

علی اکبر لبافی معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفتگو با فارس با اشاره به طرح بیمه بیکاری توأم با کارورزی اظهار داشت: در این خصوص نظرات استان‌ها اخذ و اصلاحات این طرح نهایی شده است و برای ارسال به دولت نیاز به تایید وزیر تعاون، کار و رفاه دارد.

وی با بیان اینکه این طرح همه شاغلان کشور را دربرمی گیرد، تصریح کرد: این طرح جایگزین طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران مجلس خواهد بود که به دلیل مخالفت شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته است.

نامبرده افزود: یکی از ضعف‌های طرح مجلس این است که چالش‌های بازار کار را رفع نمی کند و برای جایگزین شدن طرح جدید، نظرات کارشناسی زیادی مطرح شد و درنهایت، طرح جدید، جایگزین طرح بیمه بیکاری مجلس شده است.

وی با تأکید بر اینکه طرح جدید بیمه بیکاری توأم با کارورزی به زودی به دولت ارسال خواهد شد، بیان داشت: تبعات طرح قبلی و مزیت‌های طرح کنونی با رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در میان گذاشته شده و نمایندگان آمادگی دارند تا پس از ارسال به مجلس ،این لایحه در دستور کار قرار گیرد.

به گفته لبافی این طرح تمامی شاغلان دستگاه‌های دولتی و کارگران اعم از پیمانی، رسمی و قراردادی را دربرمی گیرد و کارفرمایان و خویش‌فرمایان که بیمه خود را می پردازند را هم تحت پوشش قرار خواهد داد . پیش‌بینی می شود این طرح حدود ۱۴,۵ میلیون نفر بیمه‌پرداز کشور را دربربگیرد.

وی یادآور شد: پرهیز از کمک‌های مالی مستقیم و بلاعوض به بیکاران به منظور ساماندهی بازار کار و جلوگیری از پراکندگی منابع مدنظر است و اکنون ۳ هزار میلیارد تومان در ماه برای بیکاران پرداخت می‌شود که با تمرکز این منابع می‌توان تولید را رونق بخشید و اشتغال را توسعه داد و دیگر مقرری‌بگیر و کارجوی بیکار وجود نداشته باشد.

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تأکید کرد: این طرح، چالش عرضه و تقاضای نیروی کار که بیشتر آن ناشی از آموزش‌های مهارتی است را برطرف و درنهایت منابع موجود را برای حمایت از بیکاران در زمینه ایجاد اشتغال و توانمندسازی نیروی کار هدایت می کند.

ظرفیت تولید کاغذ در کشور افزایش می یابد

ظرفیت تولید شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران به ۳۲۵ هزارتن خواهد رسید.

ابوالفضل روغنی گلپایگانی مدیرعامل شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران با بیان این مطلب گفت: در حال حاضر دو ماشین با ظرفیت تولید ۱۷۵ هزار تن کاغذ در این شرکت فعال است و در صورت راه اندازی خط سوم با ظرفیت ۱۵۰ هزار تن، ظرفیت این شرکت به ۳۲۵ هزار تن خواهد رسید.

وی روند واردات، نصب و راه اندازی انواع ماشین آلات و تجهیزات این خط را در یک برنامه ریزی سه ساله عنوان کرد و افزود: این خط بدون برداشت چوب از جنگل و در قالب بازیافت انواع کاغذ و کارتن باطله راه اندازی خواهد شد.

رئیس جمهوری: قدم به قدم مشکلات را از پیش‌رو برمی‌داریم

بقیه از صفحه اول

به گزارش خبرنگار ما، دکتر حسن‌روحانی رئیس جمهوری در مراسم افتتاح چهارمین کنگره سراسری خانه کشاورز با اعلام این مطالب گفت: با اینکه برای تشکیل خاک هزاران و حتی میلیون‌ها سال زمان نیاز است، اما برای اجرای طرح‌های مسکن، شهرسازی، جاده و پروژه‌های عمرانی با خاک آماده به کشت کشور بی‌رحمانه و ناجوانمردانه رفتار شده و تخریب شده است.

وی افزود: در شهرسازی‌ها جانمایی به درستی صورت نگرفته و باغ‌ها و طبیعت به بدترین شکل ممکن تخریب شده است؛ قصوری که به سالیانه سال زمان برای جبران نیاز دارد.

روحانی از ضرورت به کارگیری تدبیر، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای بخش کشاورزی و به خصوص آب خبرداد و یادآور شد: از حیث منابع آب و نزولات در مضیقه قرار داریم و اگرچه بخش خصوصی ممکن است به سرمایه‌گذاری در این حوزه راغب نباشد اما لازم است تشکل‌ها و خیرین به میان بیایند.

وی از سیل واردات محصولات کشاورزی در سالیان اخیر انتقاد کرد و گفت: می‌توان سفره‌ها را از دسترنج ملل دیگر پر کرد، اما روح و جان غذایی را نمی‌پذیرد که به واسطه آن، کشاورزی دیگر سرزمین‌ها آباد شود.

به گفته رئیس جمهوری، در سفره امروز ایرانیان آثار موادغذایی از آمریکای لاتین و آفریقا گرفته تا آسیای دور مشاهده می‌شود و به این شکل ارزهای کشور به پای واردات صرف شده است.

وی خاطرنشان ساخت:در سال‌های گذشته وقتی که سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد ارزی داشتیم، دیدیم که نتوانستیم به واسطه این حجم درآمد، بخش‌های مختلف کشور و از جمله کشاورزی را احیا کنیم.

نامبرده تصریح کرد: در دوره دولت قبل بود که آبهای زیرزمینی افت شدید کرد، زمین‌های زراعی شور شد و دریاچه زیبای ارومیه و زاینده‌رود خشکید و هامون و کارون بحرانی شدند.

وی با بیان اینکه باید از ستیز با طبیعت دست برداریم، گفت: این دولت در زمانی که مسئولیت را بر عهده گرفت، با آمار و ارقام دهشتناکی روبرو شد و اولین آثار این معضل را با دکتر عیسی کلانتری مرور کردیم.

وی خاطرنشان ساخت: مثلاً در مورد گندم یک بخش به ما می‌گفت ۱۳ میلیون تن گندم تولید کرده‌ایم، دستگاه دیگری می‌گفت باید ۷/۵ میلیون تن گندم وارد کنیم و سومی می‌گفت باید ۱۰/۵ میلیون تن گندم از منابع خارجی خریداری شود. به هر حال در شرایطی که فروش نفت، کشتی، کشتی‌رانی، بیمه کشتی و حمل و نقل و عملیات بانکی تحریم است، ناگزیریم ۷ میلیون تن گندم وارد کنیم و در مورد سایر نهاده‌ها هم باید واردات گسترده‌ای صورت بگیرد تا با مشکلات متعدد مواجه نشویم.

دکتر روحانی در ادامه به فقدان کود شیمیایی در انبارها آن هم در آستانه کشت پائیزه اشاره کرد و گفت: متاسفانه دولت قبلی برای تدارک این نهاده قدمی بر نداشته بود. ما هم که به دنبال خرید کود به پتروشیمی‌ها مراجعه کردیم، گفتند دولت قبل ۱۳۰۰ میلیارد تومان بدهکار است و باید آن را ابتدا بپردازید.

در مجموع دولت ما وارث بدهی و مشکلات متعدد برجا مانده از دولت قبل شده است.

وی اضافه کرد:دولت یازدهم بنا را بر قوت قلب بخشیدن به کشاورزان بنا نهاده است و در این رابطه قیمت خرید تضمینی محصولات را از همان ابتدای سال زراعی اعلام کرده و اقدامات متعددی برای تامین کود شیمیایی از منابع داخلی و خارجی به عمل آوردیم.

علاوه بر این ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار به بیمه محصولات کشاورزی مازاد بر ۱۵۰ میلیارد تومان قبلی تخصیص یافته است. گرچه هنوز به ۱۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار دیگر هم نیاز داریم.

رئیس جمهوری از دیگر اقدامات انجام شده از زمان تشکیل دولت خود به اختصاص یک خط اعتباری ۵۰۰ میلیون‌دلاری از بانک مرکزی برای تامین کود شیمیایی، انجام اقدامات لازم برای واردات ۳۰۰ هزار تن کود فسفاته، تامین خط ارتباطی به میزان ۷۵۰ میلیارد تومان از بانک کشاورزی و تخصیص ۳۰۰۰ میلیارد تومان تسهیلات از محل صندوق توسعه اشاره کرد و گفت: رفع بخشی از موانع موجود از جمله واردات هدفمند، توسعه بخش تحقیقات و تربیت نیروی متخصص، تخصیص تسهیلات و ماشین آلات لازم و اعمال مکانیزاسیون بر عهده دولت است. در واقع رویکرد ما باید به گونه‌ای باشد که کشاورزی‌مان مکانیزه شود زیرا در دنیای امروز دیگر کشاورزی سنتی قابلیت رقابت ندارد.

از سوی دیگر هدفمان نباید فقط تامین بازار داخل باشد و باید برای دستیابی به بازارهای هدف برنامه‌ریزی کنیم.

روحانی همچنین گفت: کشاورزان آگاه ما کار و رسالت بزرگی بر دوش دارند و من در همین‌جا اعلام می‌کنم دولت با همه توان خود برای احیای کشاورزی به عنوان یک رسالت ملی گام بر خواهد داشت.

وی افزود: به همین دلیل امروز شورای عالی آب به ریاست رئیس جمهوری تشکیل می‌شود و از آن پس این شورا به صورت منظم برگزار و فعال خواهد شد. هفته آینده هم اولین شورای عالی محیط زیست به ریاست رئیس جمهوری تشکیل خواهد شد.

معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری هم با بیان اینکه دولت در تامین امنیت غذایی جامعه به کشاورزان امیدوار است، گفت: مطالبات و توقعات این بخش در لایحه بودجه ۹۳ و قانون برنامه پنجم منعکس خواهد شد.

به گزارش ایسنا، محمدباقر نوبخت با بیان اینکه چشم امید دولت به کشاورزان است، اظهار کرد: جمعیت حدود ۷۶ میلیونی ایران نیازمند انرژی غذایی است که باید از محصولات کشاورزی تولید شده در این بخش تامین شود.

وی افزود: مطالعه برنامه چهارم نشان می‌دهد که ضریب وابستگی از ۲۶ به ۴۵,۵ درصد در فاصله سال‌های ۸۳ تا ۸۸ افزایش یافته است، افزود: این بدان معناست که خودکفایی به ۴۴ درصد کاهش یافته و دولت تدبیر و امید که بر رفاه و تامین امنیت غذایی جامعه تاکید زیادی دارد، این هدف را جز از صنعت کشاورزی محقق شده نمی‌داند.

بنابراین گزارش، دکتر کلانتری به عنوان دیگر سخنران در این مراسم خطاب به ریاست جمهوری گفت: دولت شما در شرایطی که تورم بالای ۳۵ درصد در کشور نهادینه شده، نقدینگی موجود از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده و بیش از ۳۰ درصد بیکاری به خصوص در میان فارغ‌التحصیلان داریم و همچنین میزان بدهی‌های به ارث رسیده به ۱۸۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته و با درهای بسته خارجی و تحریم‌ها مواجه هستیم، عهده‌دار کشور شده‌اید.

وی افزود: دولت فعلی در حالی آغاز به کار کرده است که رشد اقتصادی منفی بوده و کشور طی ۸ سال گذشته بیش از ۱۰۰ سال درآمد نفتی ایران درآمد در اختیار داشته است.

نامبرده ادامه داد: کشاورزان امیدوارند پس از تحمل انبوهی از مشکلات و بی‌تدبیری‌ها با کلید تدبیر شما شرایط رو به بهبود بگذارد.

وی تصریح کرد: اوضاع کشاورزان هم مانند اقتصاد کشور است. منابع تولید تحلیل رفته، منابع آب و خاک شور شده، بهره‌وری تولید کاهش یافته و هزینه‌ها کمر شکن شده است. دبیرکل خانه کشاورز خاطرنشان ساخت: تا زمانی که شما در راه شعارهای انتخاباتی خود گام بر می‌دارید اطمینان می‌دهیم از برنامه‌ها و فعالیت‌های شما حمایت کامل به عمل آوریم.

دبیرکل خانه کشاورز همچنین در بخش دیگری از سخنان خود افزود: اگربرداشت‌های بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی به همین روال پیش رود تا ۲۵ سال دیگر ۶۰ میلیون نفر جمعیت کشور از تشنگی می‌میرند.وی همچنین با اشاره به تاریخ گفت: سومری‌ها و مادها در این کشور به دلیل شوری آب و خاک در آن زمان و نبودن امکان تولید غذا از بین رفتند و اگر فکری برای وضع آب کشور نکنیم، در ۳۰ سال آینده بیم آن می‌رود قوم آریایی هم از بین برود.

کلانتری با بیان اینکه موضوع خشکیدگی دریاچه ارومیه را در نامه‌ای به مقام معظم رهبری نوشته است، گفت: خشکیدگی دریاچه ارومیه، باتلاق‌های گاوخونی، بختگان، جازموریان همه هشدار جدی نه فقط برای بخش کشاورزی بلکه تمدن ایرانی است.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به وضع کشاورزی کشور اشاره کرد و گفت: پارسال ۵۵ درصد نیاز غذایی کشور در کالاهای اساسی از خارج وارد شد.

وی گفت: براساس آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران ۵ دهک جامعه دچار سوء تغذیه هستند و موضوع مهمتر اینکه به دلیل فقدان توزیع عادلانه، ثروت بیش از ۷۵ درصد درآمد کشور دست ۲۵ درصد افراد جامعه است.

وزیرجهاد کشاورزی به عنوان دیگر سخنران این مراسم گفت: تشکل ها باید خودشان واردات نهاده‌ها را انجام دهند و اگر سودی هم از این طریق به دست می‌آید، نصیب مجموعه تولید شود.

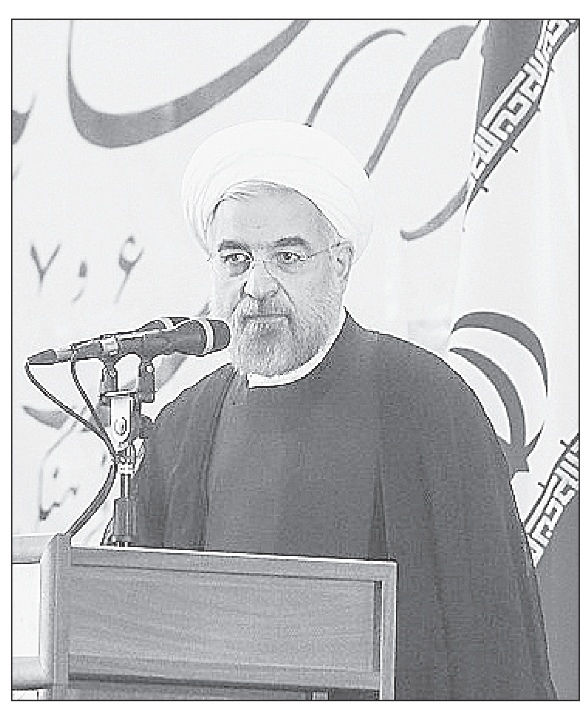
محمود حجتی اظهار داشت: بسیاری از مشکلات تولیدکنندگان ناشی از شرایط اقتصادی است که به تولیدکنندگان تحمیل می‌شود.ازاین رو دولت باید سیاست‌های مناسبی برای خنثی کردن آنها داشته باشد.

وی ادامه داد: تولیدکنندگان درهرشرایطی اقدام به تولید می‌کنند. اما محصول خارجی که با حمایت‌های بیش از اندازه از سوی کشور تولیدکننده همراه است، رقابت‌پذیری محصول داخلی را از بین می‌برد و در این موقع دولت باید تعرفه مناسبی تعریف کند.

حجتی در خصوص اعتراض برخی کشاورزان برای مالکیت زمین‌هایشان از سوی منابع طبیعی گفت:متاسفانه طرحی که در مجلس به تصویب رسیده است، باعث می‌شود از این به بعد کشاورزان همواره اجاره‌نشین دولت باشند، این قانون سرمایه‌گذاری بلندمدت و جلب سرمایه در بخش کشاورزی را کاهش می‌دهد.

وزیر جهاد کشاورزی همچنین از نهایی شدن قانون انتزاع وظایف بازرگانی بخش کشاورزی خبر داد و گفت: قانون تمرکز وظایف بخش کشاورزی که پیش از این به دولت ابلاغ شده بود، بنا به دلایلی متوقف ماند که در کارگروهی از دولت مطرح و با کمک وزارت صنعت، معدن و تجارت و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری آیین نامه اجرایی آن در حال تدوین است. محمود حجتی در حاشیه این کنگره در پاسخ به سوال یکی از کشاورزان برای اقدامات وزارت جهاد کشاورزی در زمینه بیمه کشاورزان گفت: مسئول بیمه کشاورزان، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است که در این زمینه با وزیر کار مذاکراتی انجام شده است، اما این وزارتخانه با مشکل کمبود منابع مواجه است که تلاش می شود تا منابع لازم برای بیمه کشاورزان تامین شود.

گزارش خبرنگار ما حاکی است، در ادامه این مراسم با حضور رئیس جمهوری و دکتر عیسی کلانتری دبیرکل خانه کشاورز از ۸ نفر از برگزیدگان و پیشکسوتان از جمله دکتر یوسف قریب فعال در حوزه اطلاع‌رسانی تقدیر به عمل آمد.



نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۹۷/۷۴ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۷/۸۶ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۵/۲۴ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۳۵۱ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۶۲۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۶۷۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۴۹۲۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۹۳۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۹۴۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹۸۸۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۲۳۵ تومان
دلار آمریکا (نرخ بانکی)	۲۴۸۱/۷ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر بانکی)	۳۰۱۰ تومان
یورو (نرخ بانکی)	۳۴۲۷ تومان
یورو (نرخ غیر بانکی)	۴۱۳۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ بانکی)	۴۰۱۶/۳ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر بانکی)	۴۸۵۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۶۷۵/۷ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۸۲۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

ایران در اجلاس جهانی سران جامعه اطلاعاتی ۲۰۱۴ شرکت می کند

سرپرست معاونت توسعه شبکه ملی اطلاعات از آمادگی کمیته ملی جامعه اطلاعاتی برای حضور تاثیر گذار ایران در اجلاس جهانی سران جامعه اطلاعاتی (۲۰۱۴)، که اوایل سال آینده در شرم‌الشیخ مصر برگزار خواهد شد، خبر داد.به گزارش تسنیم، علی اصغر انصاری با اشاره به این موضوع اظهار داشت: با برگزاری کارگاه‌های تخصصی و تدوین گزارش ملی در نظر داریم حضور موثری را در اجلاس جهانی سران جامعه اطلاعاتی به هم رسانیم.

وی گفت: درصدد هستیم تا پیش از آغاز این اجلاس، سمیناری در کشور برگزار کنیم، تا ضمن آن راهکارهای دستیابی به دستاوردها و نتایجی که در این اجلاس پیگیری می‌شود، مورد بررسی قرار دهیم.

نامبرده گفت: در گزارش اخیراجلاس که به تازگی انتشار یافته، فعالیت‌های سازنده ایران و سازمان فناوری اطلاعات به صورت مثبت ارزیابی شده و مورد توجه مجامع جهانی قرار گرفته است.

ایران خودرو قیمت ۲محصول خود را افزایش می دهد

گروه صنعتی ایران خودرو از احتمال بالارفتن بهای محصولات خود خبر داد.

مهندس هاشم یکه زارع مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو دیروز از افزایش قیمت تندر ۹۰ و انواع پژو حداکثر به میزان ۵ درصد براساس گفته وزیر صنعت، معدن و تجارت خبر داد و گفت: این دو خودرو به دلیل ارزبری با افزایش قیمت احتمالی مواجه خواهند شد.وی افزود: البته تمام تلاش ما این است که خودروها با افزایش قیمت زیادی در بازار مواجه نشوند، اما به دلیل تغییر نوع ارز از مبادله ای به آزاد برای انواع خودروها احتمال افزایش قیمت برای این دو محصول وجود دارد.

رشد ۲۴/۱ درصدی بازار بیمه در ۶ ماه

بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران از رشد ۲۴/۱ درصد بازار بیمه کشور در شش ماهه اول سال جاری خبر داد.

به گزارش روابط عمومی بیمه مرکزی بر اساس آخرین آمارهای موجود از فعالیت ۲۵ شرکت بیمه مستقیم که از سوی اداره تحلیل های آماری بیمه مرکزی اعلام شده است، این شرکت‌ها در نیمه اول سال جاری حدد ۷۶/۴ هزار میلیارد ریال حق بیمه تولید کردند که در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۲۴/۱ درصد رشد نشان می‌دهد.سهم بخش غیردولتی از تولید حق بیمه‌ها طی این مدت ۵۳/۷ درصد و بیمه ایران به عنوان یگانه شرکت بیمه دولتی در بازار ۴۶/۳ درصد بوده است. براساس این گزارش، ۴۲/۷ درصد حق بیمه‌های تولیدی به رشته بیمه‌های شخص ثالث و مازاد و ۲۱/۵ درصد حق بیمه‌های تولیدی به رشته بیمه درمان اختصاص دارد.

چهارمین مزایده بزرگ الکترونیک برگزار می‌شود

مدیرعامل سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی از برگزاری چهارمین مزایده الکترونیکی اموال منقول این سازمان در سطح کشور خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان اموال تملیکی، اردشیر محمدی در سمینار آموزشی سامانه مزایده الکترونیک (سما) با اعلام این خبر افزود: سازمان اموال تملیکی به عنوان یک سازمان دولتی پیشرو در برگزاری مزایده‌های الکترونیک، چهارمین مزایده سراسری اموال منقول را به صورت الکترونیکی برگزار می کند.

بررسی عوامل ایجاد گرد و غبار و راهکارهای مبارزه با آن- بخش دوم و پایانی

شهرهای غبارگرفته را چگونه می‌توان نجات داد



* در هر محلی که رفت و آمد صورت می‌گیرد، فرسایش خاک موجب معلق و پخش شدن خاک در هوا می‌شود و پدیده گرد و غبار را به همراه می‌آورد

* سهیل سلمانی- مهندس شیمی کاربردی: در یک روز گرم در تهران تا ارتفاع یک متری از آسفالت خیابان، هُرم تبخیر مواد را می‌بینید که چنین آسفالتی منبع تولید آلاینده‌ها است

* در کشورهای پیشرفته، روی آسفالت، یک لایه روکش محافظ می‌کشند، تا مواد آن بخار نشود و بالا نیاید

* در یکی از استان‌ها گفتند ما الان برای تامین آب خودمان هم بودجه نداریم، چه برسد به کنترل ریزگردها!

مدتی پیش محمدهادی حیدرزاده، مدیرکل محیط زیست استان تهران، در پی افزایش آلودگی هوا، از توقف فعالیت کارخانه‌های آسفالت و معادن شهرهای اطراف تهران خبر داد. وی علت افزایش آلاینده‌ها در تهران را گرد و غبار محلی دانست و از مردم و به ویژه گروه‌های آسیب پذیر مانند کسانی که بیمارهای قلبی و ریوی دارند، خواست به اطلاعیه‌های مرکز پایش آلودگی هوای این اداره کل توجه جدی داشته باشند و فعالیت‌های خود را در محیط‌های باز، به حداقل برسانند.

هر سال در چنین روزهایی، اخبار ناخوشایند مشابهی از آلودگی هوا به گوش می‌رسد، در تهران، دود و دم و آلاینده‌های گوناگون، نفس مردم را می گیرد و در بسیاری دیگر از شهرها گرد و خاک و غبارهایی که «ریزگرد» نامیده می‌شود؛ واژه‌ای که به قول محمد طالب حیدری، مدیرکل هواشناسی استان کردستان، صرفا یک واژه زیبا است، درحالی که گویا نیست و به هیچ وجه، عمق این فاجعه زیست محیطی را نشان نمی‌دهد.در سال‌های اخیر، مسئولان، حرف‌های زیاد و متفاوتی زده و کارهایی انجام داده اند، اما مشکل ریزگردها همچنان به قوت خود باقی است و این نشان می‌دهد که اقدام موثری صورت نگرفته و راهکارهای موقت و گاه شگفت انگیزی مانند آب پاشیدن بر روی شهر به وسیله بالگرد یا نصب پنکه و دودکش‌های بزرگ برای جابه جا کردن ذرات معلق، در حد شوخی باقی مانده است. معضل آلودگی هوا، مثل توپ در میان سازمان‌های مرتبط پاسکاری می‌شود و هر سازمان، دیگری را متهم به عدم همکاری می کند. شاید دلیل اصلی حل نشدن مشکل هم همین باشد، چون نه مساله آلاینده‌ها و ذرات معلق و نه ریزگردهای منطقه و نه دیگر مسایل زیست محیطی، مسایل تازه‌ای نیستند که برای اولین بار و آن هم در کشور ما اتفاق افتاده باشند و بی تردید ما کارشناسان و دانشمندان دلسوزی درکشور داریم که برای حل آنها، راهکارهای مناسب داشته باشند. بسیاری از آلودگی‌های زیست محیطی با پیشگیری‌ها و توجهات ساده، می‌توانند کمتر شوند و در این زمینه، علم متخصصان داخلی به اضافه الگو قرار دادن تجربه موفق کشورهای دیگر می‌تواند مشکل گشا باشد.

کنترل گرد و غبار و فرسایش خاک

به غبارهایی که حاصل برخاستن خاک ناشی از وزش باد است، «گرد و غبار صحرایی» گفته می‌شود. این دسته از غبارها در مناطق فاقد تردد مانند تپه‌ها و خاکریزها، صحراها، پارک‌های جنگلی و مناطق حفاظت شده وجود دارد.

دسته دیگری از غبارها، حاصل فرسایش خاک است که به واسطه تردد به هوا بلند می‌شود، مثل محل‌های پیاده روی در مناطق طبیعی، محل تردد خودروها در جاده‌های خاکی و مناطق نظامی.

بحث کنترل فرسایش خاک بسیار وسیع‌تر و پرکاربردتر از کنترل غبار است. هر محلی که دارای رفت و آمد باشد، دچار سایش و در نتیجه فرسایش خاک می‌شود. این سایش باعث معلق شدن و پخش خاک در هوا شده و پدیده گرد و غبار را باعث می‌شود.

در کشورهای پیشرفته دنیا برای کنترل این دو معضل، از مواد پلیمری مخصوصی استفاده می‌شود که روی سطوح می‌پاشند تا مانند روکش از آنها محافظت کند. به این منظور، مواد پلیمری را با نسبت معین با آب رقیق می کنند و در سطح خاک به میزان مشخص و به طور یکنواخت می‌پاشند و بعد از تبخیر آب و انجام پیوند، سطح خاک به شکل پیوسته درآمده و از حالت گرد بیرون می‌آید و دیگر بر اثر وزش باد، پخش نمی‌شود.

از این مواد بر روی سطوح آسفالت شده و بتون نیز می‌توان استفاده کرد تا علاوه بر بالا بردن عمر مفید آنها، از تبخیر و انتشار مواد تشکیل دهنده شان، که اغلب در دسته آلاینده‌ها قرار می گیرند نیز جلوگیری کنند.

نسل سوم پوشش سطح

بی‌تردید متخصصان کشورمان هم می‌توانند موادی را تولید کنند تا با استفاده از آنها، به میزان قابل توجهی از فرسایش خاک و گرد و غبار و آلودگی هوا کاسته شود. اما متاسفانه این متخصصان نه تنها از حمایت و توجه برخوردار نمی‌شوند، بلکه چنین جملاتی می‌شنوند: «وظیفه سازمان ما بستن است، نه باز کردن!»، «اگر ماده شما بهتر است، چرا این قدر ارزان است؟»، «بودجه نداریم»!

یکی از کارشناسان در این رابطه به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: به ما گفتند نان آسفالت سازان را آجر نکنید، در حالی که ما کاری به تولیدکنندگان آسفالت نداریم و حتی می‌توانیم کیفیت کار آنها را بهتر کنیم تا آب به داخل کارشان نفوذ نکند باعث یخ زدگی و شکستگی اش نشود و عمرش را بیشتر کند. اما گویی همین بالا بردن عمر آسفالت در ایران، جرم است!

وی می‌افزاید: ۲۰ سال پیش، ارتش آمریکا تحقیقات مربوط به پروژه‌ای را آغاز کرد که پیشرفت بزرگی در صنعت روکش سطح به حساب می‌آید. در آن هنگام ارتش آمریکا به روکشی نیاز داشت تا وقتی به کشورهای دیگر می‌رود و بتون و آسفالت در اختیار ندارد، از آن به عنوان زیرساخت برای احداث پایگاه نظامی، جاده یا فرودگاه صحرایی استفاده کند.

از طرفی در فرودگاه‌های نظامی وقتی هواپیمایی می‌نشیند یا بلند می‌شود، گرد و خاکی که تولید می‌کند می‌تواند عمر هواپیما را کاهش دهد. بنابراین در تولید این روکش باید از موادی استفاده می‌شد که همزمان، کار تثبیت خاک را نیز انجام دهد.

از آنجا که روکش‌های تولید شده، چند منظوره و سازگار با محیط زیست بود، چند سال بعد مصارف شهری هم پیدا کرد، به طوری که در حال حاضر با آن بزرگراه و جاده و اماکن تفریحی می‌سازند و از آنجا که این روکش‌ها، تنها روکش زیست محیطی دنیاست، در آمریکا مالیات آسفالت و بتون چند برابر بالا رفت تا این روکش تولید شود؛ نسل سوم روکش سطح بعد از بتون و آسفالت!

روکش‌های زیست محیطی در ایران

مهرداد سبقتی- دکترای مدیریت بین المللی و سهیل سلمانی- مهندس شیمی کاربردی، به دلیل دغدغه‌هایی که برای محیط زیست داشتند، تصمیم گرفتند در ایران نیز از روکش‌های زیست محیطی استفاده کنند اما درست وقتی در مرحله انتقال فناوری و مواد به ایران بودند، تحریم‌ها تشدید شد. مهندس سلمانی فرمول محصول را با توجه به مواد موجود در ایران تغییر داد و در واقع آن را بومی سازی کرد، به شکلی که در حال حاضر به شکل مستقل در کشور خودمان قابل تولید است.

وی درباره ویژگی‌های این نوع از روکش سطح می گوید: این ماده قدرت تثبیت خاک برای جاده سازی را دارد و از این رو می تواند در کنترل گرد و غبار نیز موثر واقع شود.

ما به سازمان محیط زیست مراجعه کردیم و گفتیم این محصول زیست محیطی، مناسب آن دسته از پارک‌های جنگلی، شکارگاه‌ها، روستاهای نمونه گردشگری و اماکن تاریخی است که آسفالت، هم به لحاظ زیبایی و هم به لحاظ آلودگی، خرابشان می‌کند. ما می‌توانیم در این مناطق جاده‌هایی با رنگ طبیعی خاک بسازیم که عمر بیشتری به نسبت آسفالت دارد، مواد آن بی رنگ است،آب پایه (حلال آن آب است) و ضدآب است.

آنها ما را به بخش‌های آب و خاک فرستادند و در نهایت گفتند حداکثر کاری که ما می‌توانیم انجام دهیم این است که شما را به هیات‌های عراقی معرفی کنیم تا محصولتان را به آنها بفروشید و دیگر خودتان می‌دانید و آنها! در مواردی به استانداران مراجعه کردیم. در یکی از استان‌ها گفتند ما الان برای تامین آب خودمان هم بودجه نداریم، چه برسد به کنترل ریزگردها!

حتی از کشورهای عربی آمدند و محصول ما را دیدند و با نمونه آمریکایی مقایسه و درخواست خرید کردند. از روی عرق ملی گفتیم تا در ایران از این ماده استفاده نکنیم، آن را به کسی نمی‌دهیم اما مثل این که در نهایت مجبوریم با کشور دیگری همکاری کنیم!

تهران، شهری به رنگ سیاه!

مهندس سلمانی می گوید: یکی از دلایل آلودگی هوای تهران این است که در دره قرار گرفته است و هوای دم کرده‌ای دارد. الان اجرای پروتکل VOC (استانداردسازی مواد تولید شده) در اروپا و آمریکا اجباری است. طبق پروتکل یاد شده، آنچه که با جو در تماس است، حق استفاده از حلال را ندارد، حتی رنگ ترافیکی حلال پایه. در شهرهای صنعتی وقتی شما از یک سری حلال‌های مخصوص استفاده کنید، سقف آسمان کوتاه می‌شود، بخارات نفتی و شیمیایی به حالت حباب، روی شهر را می‌پوشاند(مثل شانگهای چین)، در نتیجه باران اسیدی می‌شود و تنفس سمی. شما در یک روز گرم در تهران تا ارتفاع یک متری از آسفالت خیابان، هُرم تبخیر مواد را می‌بینید. این آسفالت منبع تولید آلاینده‌ها است و آبی که از آن رد می‌شود نیز آلوده است.

این کارشناس شیمی می‌افزاید: تهران را از بالا نگاه کنید، کاملاً سیاه رنگ است. سقف‌ها همه ایزوگام و کف خیابان‌ها، آسفالت است. هوا بخارات سمی دارد و به دلیل سیاه بودن مواد، گرم‌تر می‌شود.

در حال حاضر در آمریکا به جای ایزوگام سقف و آسفالت، از مواد زیست محیطی استفاده می‌شود. در آمریکا اجبار وجود دارد که در اماکن عمومی، مشکلات آسفالت را برطرف کنند. روی آسفالت، یک لایه روکش می‌کشند که مواد آن بخار نشود و بالا نیاید. ما همین کار را در بوستان جوانمردان انجام دادیم، لایه نازکی روی آسفالت آنجا کشیدیم و آن قسمت در گرمای مرداد ماه سال گذشته، ۱۵ درجه با قسمت کناری اش، اختلاف دما پیدا کرد. تاثیر زیست محیطی این میزان اختلاف دما کم نیست.برای پارک پرندگان هم طرح احداث جاده دادیم. اول گفتند مگر می‌شود با خاک، جاده ساخت؟ ما دو جاده ۱۰۰ متری برای نمونه ساختیم. همه تاییدش کردند. مدتی بعد دیدیم روی آن قسمت آسفالت ریخته‌اند و رفته اند! جاده دیگری زدیم و گفتیم بهتر است ماشین آلات زنجیردار از روی آن رد نشود، زیرا برای این شرایط آزمایش نشده است. چند روز بعد، در بارندگی شدید پارسال تهران، به آنجا سر زدم. دیدم رد زنجیر روی روکش مانده است و معلوم بود که مخصوصا برای تست کار با ماشین‌های سنگین روی آن رفته اند. خوشبختانه هیچ اتفاقی برایش نیفتاده بود، اما گفتند صبر کنید یک زمستان هم بگذرد و مقاومت آن در برابر سرما را ببینیم، گفتیم باشد.

بعد از مدتی دیدیم روکش را با بیل مکانیکی کنده اند. گفتند می‌خواهیم لوله بکشیم!یک بار می‌گویند می‌توانی موادت را بپاشی، خودت بپاش! می گویم من تولیدکننده هستم و پاشیدنش کار من نیست.

یک بار می‌گویند این مواد از آنجا که مانع نفوذ خاک و آب می‌شود، می‌تواند باعث وقوع سیل شود که هزینه‌های به مراتب بالاتری دارد. اما می‌توان با محاسبه و ایجاد تغییرات لازم در فرمول،مقدار ماده اسپری شده را طوری در نظر گرفت که امکان نفوذ آب به زیر خاک را هم بدهد یا مناطقی را اسپری نکرد تا در آنجا آب نفوذ کند و مشکلی به وجود نیاید. بسته به کاربرد مواد، می‌توان محصول را تغییر داد و حتی کاری کرد که مانند کود، بتواند به تقویت گیاهان منطقه هم کمک کند.

جلوگیری از انتشار گرد و خاک

مهندس سلمانی به عنوان نمونه‌ای دیگر از مشکلات آسفالت در کشورمان، شهر مشهد را مثال می‌زند و می گوید: چند سال پیش قرار شد مشکل رنگ ترافیکی مشهد را بررسی کنیم. از فرودگاه که بیرون آمدیم، دیدم آسفالت برق می‌زند، حتی می‌شد پلاک ماشین را در آسفالت براق خواند! یک دستمال کاغذی روی آن انداختم و برداشتم، چرب شد. فهمیدم که مشکل از رنگ نیست و از آسفالت است.

باران که ببارد، آمار تصادفات روی چنین آسفالت لیزی چند برابر می‌شود. در نهایت چند تکه از آن آسفالت برای ما کندند و به تهران فرستادند تا مشکلاتش را آزمایش و بررسی کنیم. اینها مشکلی نیست که کسی نداند.

همه می‌دانند، راه حل هم دارد. درست است که قیر یک کالای استراتژیک است و اگر استفاده نشود، باید آن را در دریا بریزیم، اما باید مشکلات آسفالت را حل کنیم. موادی که به عنوان روکش زیست محیطی روی آسفالت به کار می‌رود، به دلیل انعطاف مناسب و نفوذ ناپذیری نسبت به آب (بعد از خشک شدن) دارای عمر مناسب است. به دلیل سمی نبودن و نداشتن حلال، کاملا دوستدار محیط زیست است و هیچ منعی برای استفاده در مناطق طبیعی ندارد، ضمنا چون غیر قابل اشتعال و غیر خورنده است، برای استفاده در تمامی مناطق صنعتی و عمرانی و نظامی هم مناسب است.

در مناطقی که دارای زیر ساخت مناسب است و احتیاجی به روکش ندارد، ولی به واسطه تردد و حرکت افراد و یا وسایل نقلیه، گرد و خاک در آنها ایجاد می‌شود، می‌توان با استفاده از چنین موادی، ضمن جلوگیری از انتشار خاک در هوا، محل مورد نظر را بسته به کاربردش تقویت و ضد آب ساخت.در محیط‌های صنعتی و فضاهای معادن نیز که راه‌های دسترسی به آنها عموما خاکی است و بر اثر تردد دچار گرد و خاک فراوان می‌شود و مشکلات عمده‌ای به وجود می‌آورد، می‌توان از این مواد استفاده کرد.

ویژگی‌های روکش سازگار با محیط زیست

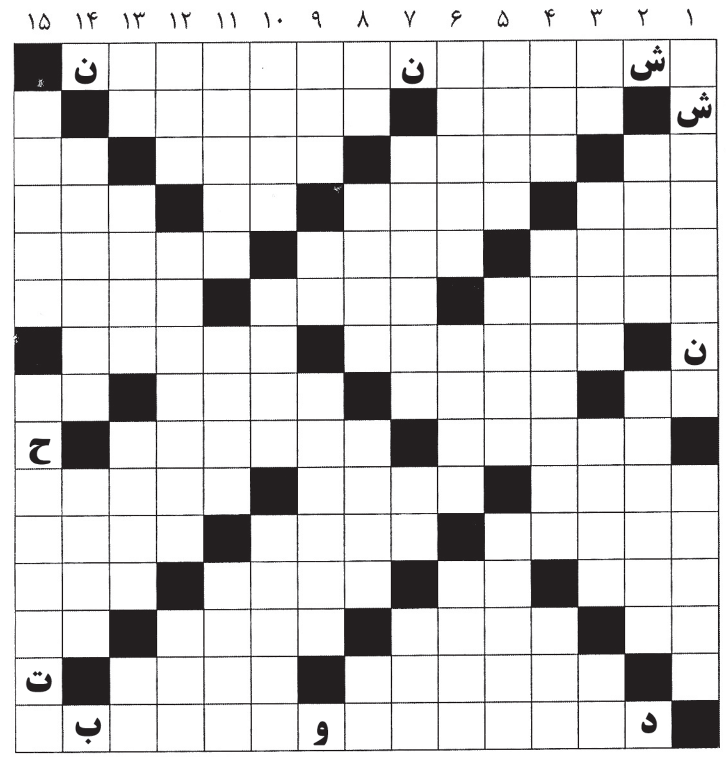
رنگ و روکش طبیعی، بهترین و زیباترین نوع روکش معابر عمومی به حساب می‌آید که می‌تواند کاربردهای زیادی مانند علامت گذاری، نوشتن بر روی کف معابر، جدا کردن خط اتوبوس، خط مخصوص دوچرخه و علائم هشدار دهنده و راهنما داشته باشد. در حال حاضر ما این علائم را بر کف خیابان‌های تهران مشاهده می‌کنیم، ولی پاک شدن آنها به مرور زمان، هزینه زیادی را در این خصوص به شهرداری تحمیل می‌کند که برای بر طرف کردن این مشکل، می‌توان از رنگ‌هایی با ماندگاری بیشتر استفاده کرد.سازگاری با محیط‌زیست، ماندگاری طولانی به دلیل عدم امکان نفوذ مایعات، عدم جذب حرارت خورشید، سرعت بالا و تنوع روش در اجرا، ماندگاری رنگ به دلیل استفاده از رنگ‌های طبیعی، مقاومت در برابر ترک خوردگی و شکستگی، قابلیت اجرا در تمامی سطوح، تنوع در طرح و رنگ، عدم تخریب محیط زیست، استفاده از مصالح کاملا طبیعی، عدم ایجاد بخارات سمی و آلودگی هوا، عدم نفوذ مواد سمی به آب‌های زیرزمینی، گرم نشدن سطح معابر و محیط اطراف و در مقایسه با موارد مشابه، عدم تخریب بستر رودخانه‌ها در مقایسه با تهیه آسفالت و بتون، کم کردن مصرف انرژی به دلیل سرد بودن مواد مصرفی در حین اجرا، کاهش مصرف انرژی در روند حمل و نقل مصالح به علت حجم کم مواد اولیه و غلظت مواد، امکان استفاده از رنگ‌های طبیعی (سوده سنگ‌های رنگی) برای خط کشی و علائم بدون نیاز به حلال‌های نفتی و امکان بازیافت کامل از معابر تخریب شده در محل بدون گرم کردن، از ویژگی‌های فناوری روکش آسفالت است که به تائید انجمن متخصصان محیط زیست ایران نیز رسیده است.

ارمغان زمان فشمی

جدول

۲۲۱۱۷

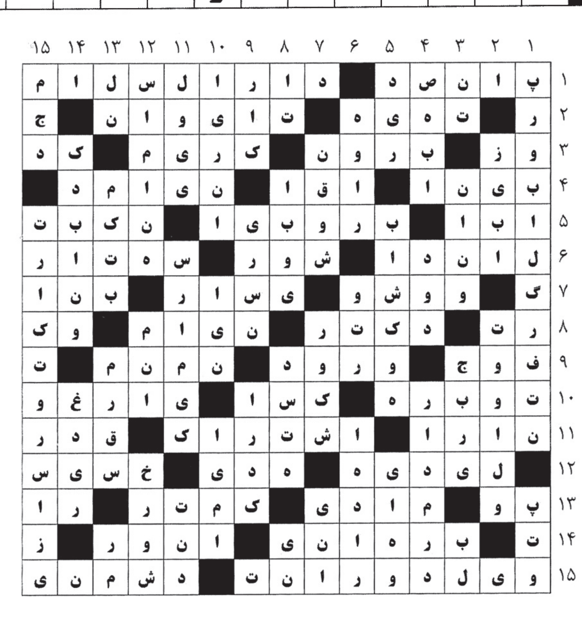
طراح: غلامحسین باغبان



افقی:
۱ـ کنایه از ناز و افاده!
۲ـ یاخته ـ فرقه بنیادگرای مسیحی
۳ـ گرما ـ مقابل خروج ـ طلبکار ـ حرف جهت شمال بر روی نقشه
۴ـ چین و چروک ـ رواديد ـ تازه ـ ماری بزرگ و بی‌زهر
۵ـ خاتون و خانم ـ علم غیر اکتسابی ـ خار شتر
۶ـ کیمیا ـ از اشعه‌ها ـ راه وارد شدن
۷ـ والاترین ـ در امانت روا نیست
۸ـ حرف انتخاب ـ نام سابق شهر طارم ـ ارتباط ـ نشانه جمع
۹ـ از آثار «ژان پل سارتر» ـ قدرت و نفوذ
۱۰ـ دوستی ـ ماشین جنگی ـ قوس قزح
۱۱ـ شهری در آذربایجان شرقی ـ هر چیز ستون مانند ـ پدر شعر نو
۱۲ـ میوه آتشین ـ نام ترکی ـ لحافدوز ـ وسیله کشاورزی
۱۳ـ درخت زبان گنجشک ـ سخن ـ ماه نو ـ ضمیر چهارم
۱۴ـ بازیگر سینما ـ فرزند چهار پایان
۱۵ـ پدر علم فیزیک ایران

عمودی:
۱ـ دفاع از کسی در برابر انتقادات ـ سپاسگزار
۲ـ کت بلند و مشکی مردانه ـ سلسله بنی امیه
۳ـ سیلی ـ شایسته‌تر ـ جای کم‌ژرف رودخانه ـ کارتن باز نشده
۴ـ برنج ساده ـ اذیت کردن ـ جزیره یونان در دریای مدیترانه
۵ـ پوست بزغاله ـ پایه کارمندی ـ وزنه ورزشی
۶ـ نویسنده آمریکایی «نهنگ سفید» ـ آدم آهنی ـ همیشه
۷ـ دستگاه اعلام خطر سرقت در خودرو ـ بالای فرنگی ـ از اجزای وضو
۸ـ یازده ـ جمع اشاره به دور ـ خواننده آوازهای ایرانی ـ زمینه موسیقی
۹- از رنگ‌های اصلی ـ دریا ـ منفجر شده
۱۰ـ نوعی پارچه ـ عبوس ـ مخترع «زیردریایی»
۱۱ـ کدخدا ـ خشک ـ پیروز
۱۲ـ هر یک از اداره‌های ستاد ارتش ـ ورم کردن ـ ابریشم ناخالص
۱۳ـ شبیه ـ حضور داشتن ـ محکم ـ مکان
۱۴ـ معلق ـ کبوتر دشتی
۱۵ـ خانه‌ها ـ رمانتیک

حل جدول ۲۲۱۱۶



هستی و چیستی اندیشه سیاسی



گفتگو با دکتر علی رامین

سیدمسعود رضوی بخش اول

محقق و مترجم برجسته، آقای دکتر رامین، در حوزه‌های گوناگون پژوهشی فعالیت دارد و آثار مفیدی در دایرةالمعارفها، تاریخ و فلسفه هنر نوشته است. در حیطه فلسفه سیاسی، چند کتاب مرجع به قلم او ترجمه و منتشر شده؛ از جمله «تأملاتی در حکومت انتخابی» اثر جان استوارت میل، «آزادی و سازمان» اثر برتراند راسل و «خداوندان اندیشه سیاسی» که با اشراف شادروان دکتر حمید عنایت، منتشر شد. دکتر رامین در گفتگوی زیر که پیشتر در ماهنامه «اطلاعات حکمت و معرفت» به چاپ رسیده، جنبه‌های دقیقی از فکر و علم سیاست را بازگو کرده است.

***

برای شروع بحث، نظرگاه خودتان را در تعریف و حدبندی فلسفه سیاسی بفرمایید تا تفاوتها و تمایزهای اصطلاحاتی همچون فلسفه سیاسی، علم سیاست، نظریه سیاسی و اندیشه یا فکر سیاسی را به درستی بدانیم و بحث را باتوجه به همین تمایزها دنبال کنیم.

این توضیحات مشکل است و نیاز به مقدمات فراوان دارد؛ اما من سعی می‌کنم منظور شما را برآورده سازم. ابتدا از «اندیشه سیاسی» شروع می‌کنم. هنگامی که انسان در جامعه زندگی می‌کند، با روابط اجتماعی سروکار پیدا می‌کند و مسائلی که در اطرافش می‌گذرد، علاقه‌اش را برمی‌انگیزد. از جمله مسائل مهمی که برای هر انسان، در هر رده و پایگاهی، مطرح و قابل توجه است، مسائل سیاسی جامعه است و به طور طبیعی در فرصتهایی که پیش می‌آید، درباره آنها فکر می‌کند. بنابراین هر شهروند علاقه‌مند به مسائل عمومی جامعه، دارای اندیشه سیاسی است و درباره مسائلی که پیش می‌آید، به تفکر و تعمق می‌پردازد. البته درجه تفکر و تعمق در افراد مختلف با ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی گوناگون متفاوت است. ولی «فلسفه سیاسی» کاری جدی‌تر و حرفه‌ای‌تر است که به وسیله افرادی دنبال می‌شود که برای آن، پروردگی لازم را یافته‌اند.

فلسفه سیاسی که کار فلاسفه سیاسی است، معمولاً به صورت رساله‌های مدون و منظمی ارائه می‌شود. فیلسوف مقدمات خود را می‌پردازد و سپس با نظمی منطقی از آنها نتیجه‌گیری می‌کند. حاصل تأملات و احتجاجات فیلسوفان سیاسی معمولاً در قالب نظریه‌های سیاسی ارائه می‌شود؛ ولی بسیاری از مورخان و صاحب‌نظران از روی مسامحه، نظریه سیاسی را با فلسفه سیاسی یکی می‌گیرند، و در بسیاری از مراکز آموزشی فلسفه سیاسی با عنوان تاریخ نظریه‌های سیاسی یا آشنایی با نظریه‌های سیاسی تدریس می‌شود.

اما «علم سیاست» که در فارسی با صیغه جمع (یعنی علوم سیاسی) مصطلح است، از آنها متفاوت است. حوزه علوم سیاسی هرگونه مطالعه و پژوهش درباره عملکرد نهادهای سیاسی موجود یا چگونگی عملکرد آنها در گذشته را شامل می‌شود. مطالعه تطبیقی قوانین اساسی کشورها، دیپلماسی و روابط بین‌الملل و سازمانهای بین‌المللی و مسائل مربوط به سیاست داخلی هر کشور و نیز موضوعات مربوط به جامعه‌شناسی سیاسی، مکانیسم انتخابات و غیره همه در حوزه علوم سیاسی قرار می‌گیرد.

همچنین لازم است که به تفاوت بین فلسفه سیاسی و تئولوژی (یا علم کلام) سیاسی اشاره کنیم. «تئولوژی سیاسی» به بحث و بررسی و استدلال درباره مفاهیم، آموزه‌ها و تعالیم سیاسیِ برگرفته از کتب آسمانی و وحی الهی می‌پردازد، در حالی که فلسفه سیاسی صرفاً به آنچه در دسترس ذهن بشر است، مربوط می‌شود. علوم سیاسی به مفهوم کلی، یعنی عنوان رسمی رشته‌ای خاص در دانشگاه، همه موضوعات فوق را دربرمی‌گیرد.

برخی صاحب‌نظران معتقدند با پیشرفت علوم اجتماعی که علم سیاست را نیز در بر می‌گیرد، اطلاعات و آگاهیهایی حاصل شده که دیگر جای چندانی برای فلسفه سیاسی و نظریه پردازی درباره سیاست باقی نگذاشته است. بنابراین فلسفه سیاسی را معرفتی رو به افول می‌بینند.

نگرشی که فلسفه سیاسی را در حال افول دانسته از دو منبع و مشرب مایه می‌گیرد که یکی پوزیتیویسم و پوزیتیویسم منطقی است و دیگری مشرب تحلیل زبان. پوزیتیویسم با آگوست کنت آغاز می‌شود که در قالب قانون مراحل سه‌گانه وی طرح می‌شود. کنت می‌گوید همه رشته‌های معرفتی ما به ترتیب از سه حالت نظری گذر می‌کند: ربانی یا تخیلی، مابعدالطبیعی یا فلسفی، و سوم علمی یا اثباتی. در مرحله نهایی که اثباتی (پوزیتیو) است، کنت می‌گوید که ذهن، جستجوی تصورات مطلق، مبدأ و مقصد عالم و علل پدیدارها را کنار می‌نهد و اهتمام خود را مصروف مطالعه قوانین آنها می‌کند؛ یعنی روابط ثابت توالی و تشابه آنها را بررسی می‌کند.

به تصور کنت علوم فیزیک و شیمی و زیست‌شناسی و سایر علوم طبیعی به این مرحله رسیده‌اند و او امیدوار بود که علوم اجتماعی هم از دو مرحله مابعدالطبیعی و فلسفی گذر کند و به مرحله اثباتی (پوزیتیو) برسد. آرمان او این بود که علم جامعه یا جامعه‌شناسی به قطعیت علم فیزیک برسد و نوعی فیزیک اجتماعی به وجود آید. مشرب کنت بسیاری از متفکران نیمه دوم قرن نوزدهم و دو سه دهه آغاز قرن بیستم را تحت تأثیر قرار داد.

پوزیتیویست‌های منطقی گروه دیگری (از جمله کارناپ و اشلیک) بودند که از اندیشه‌های هیوم، کنت و ارنست ماخ الهام گرفتند و در سالهای ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم در شهر وین «حلقه وین» را تشکیل دادند. این گروه بر این عقیده بودند که رشته‌های معرفتی از دو حالت خارج نیستند: یا گزاره‌های مربوط به علوم تجربی‌اند که تحقیق‌پذیر هستند و یا گزاره‌های همان‌گویانه‌اند که به روابط ریاضی و منطق صوری مربوط می‌شوند. هر نگرشی که نتواند در قالب دو گزاره اشاره شده صورت‌بندی شود، بی‌معناست و تمامی مابعدالطبیعه و بخشهای عمده‌ای از فلسفه نظری را بی‌معنا و در نتیجه بی‌حاصل دانستند.

بنابراین، این خوش‌خیالی به وجود آمد که روشهای علوم طبیعی را بتوان در علوم انسانی و اجتماعی به کار گرفت و تجربه‌پذیری و تحقیق‌پذیری و کلیت و قطعیت علوم طبیعی را در معارف انسانی به وجود آورد و بدین وسیله مناقشات فکری و فلسفی را حل و فصل کرد. برخوردهای نظری و تجربی دانشوران و متفکران بعدی، ضعفهای این نگرشها را به خوبی نشان داد و پوپر با ارائه نظریه ابطال‌پذیری خود وجهه غیرعملی موضع پوزیتیویست‌ها و پوزیتیویست‌های منطقی را به نحوی مؤثر آشکار کرد. با این همه در دو سه دهه‌ای که پوزیتیویسم منطقی در اروپا و آمریکا باب روز شد، فلسفه سیاسی نیز تحت‌تأثیر قرار گرفت و همچون معرفتی زوال‌یابنده نگریسته شد.

مشرب تحلیل‌گران زبان چه تأثیری داشته است؟

ابتدا اجازه دهید به این نکته اشاره کنم که عمده نظریه‌های سیاسی دارای سه مؤلفه‌اند: فلسفی، علمی و ایدئولوژیک. هر نظریه مهمی را که در نظر بگیرید، مثلاً اصالت فرد، اصالت جامعه، اصالت ملت، اصالت آزادی، دمکراسی و بسیاری دیگر دارای این سه مؤلفه‌اند. برای مثال فیلسوفی که نظریه‌ای درباره اصالت فرد (اندیویدوآلیسم) می‌پروراند، ابتدا یک پیش‌فرض فلسفی را درباره سرشت و طبیعت آدمی و رابطه انسان و اجتماع اختیار می‌کند و این پیش‌فرض را مقدمه و نقطه آغازین راه خود قرار می‌دهد، سپس از داده‌های تاریخ، جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی و حتی زیست‌شناسی، پزشکی و جانورشناسی و غیره بنا به دید و نگرش خود بهره می‌گیرد. و نهایتاً در بخش ایدئولوژیک همه ملاحظات مربوط به اخلاق، دین، اعتقادات، خوبها و بدها و ملاحظات و داوریهای ارزشی دخالت می‌یابند.

البته نقش آن مؤلفه‌های سه‌گانه در نظریه‌های سیاسی مختلف یکسان نیست. نظریه‌هایی مانند نظریه‌های سیاسی هگل و مارکس، بخشی از یک دستگاه فلسفی فراگیرند که می‌خواهد همه تاریخ بشر را توضیح دهد و غیبگویانه مسیر آینده تحولات جوامع انسانی را معین کند.

فلسفه تحلیل زبان، که ویتگنشتاین یکی از بزرگترین بانیان آن است، به تعبیری فلسفه را از آسمان به زمین می‌آورد و همه مجادلات و مناقشات اسکولاستیک و منازعات مابعدالطبیعی را ناشی از ابهامات زبانی می‌داند. این مشرب فکری بر مؤلفه فلسفی نظریه‌های سیاسی نیز تأثیر گذاشت و سطح کار فلاسفه سیاسی را به روشن کردن مفاهیم رایج سیاسی و بررسی روشهای تحقیق علوم سیاسی فروکاست. البته نباید از یک سو نقش «مکتب رفتارگرایی» ـ که در چند دهه اخیر در میان دانشمندان علوم سیاسی جاذبه‌های زیادی داشته است ـ و از سوی دیگر نقش «مکتب عمل‌گرایی» را در سست کردن گرایشهای فکری نسبت به مسائل سیاسی، از نظر دور داشت.

بسیاری از کتابهای سیاسی که در نیم‌قرن گذشته نوشته شده و موردپسند عموم قرار گرفته‌اند، درباره رویدادها و وقایع اتفاقیه بوده‌اند و نویسندگان سعی کرده‌اند که به گزارش اطلاعات و داده‌های سیاسی بپردازند. بنابراین مایه‌های فکری و فلسفی کتابهای پر سروصدا در زمینه مسائل سیاسی بسیار قلیل بوده است.

آیا پوزیتیویست‌ها در پی آن بودند که علوم اجتماعی فارغ از داوریهای ارزشی و ملاحظات اخلاقی به وجود آورند؟ تا چه حد در این راه به موفقیت رسیدند؟

پوزیتیویست‌ها به دنبال آن بودند که علوم اجتماعی را بر طبق الگوی علوم طبیعی بپرورانند؛ یعنی همان‌گونه که گزاره‌های علوم طبیعی بیان امور واقع است، یعنی به شکل صدق و کذب آنها را به تجربه می‌توان دریافت، در علوم اجتماعی، و از جمله علم سیاست، می‌توان همان روش تحقیق علوم طبیعی را در پیش گرفت و متون این سنخ از دانش انسانی را بر پایه واقعیات و فارغ از هرگونه داوریهای ارزشی و اخلاقی پدید آورد؛ ولی واکنش برخی متفکران و به ویژه اصحاب فلسفه علم که درباره معرفت‌شناسی و مسائل مربوط به روشهای تحقیق در علوم مختلف پژوهش می‌کردند، دو واقعیت را در برابر موضع پوزیتیویست‌ها نشان داد: یکی آنکه علوم طبیعی ـ که در میان آنها فیزیک نظری بالاترین مقام را به لحاظ استواری معرفت علمی به دست آورده است ـ قطعیتی را که در قرن نوزدهم دارا بودند، از دست دادند.

ادامه دارد

قطب‌الدین شیرازی

دکتر مهدی محقق ـ مدیر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران ـ دانشگاه مک گیل و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

اشاره: قطب‌الدین شیرازی یکی از علمای ایرانی قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است که نقش مهمی در گسترش حکمت و فلسفه، علوم طبیعی، پزشکی و هنر خود داشت. وی علاوه بر پزشکی، بر علوم دیگری چون ریاضی، فلسفه، علوم ادبی، دین شناسی، موسیقی، فنون شعبده به چیرگی شگفت‌انگیزی دست یافت. او مدتی در شهرهای سیواس و ملطیه به قضاوت اشتغال یافت و در زمانی دیگر از طرف تکودار، ایلخان مغول به سمت سفارت، همراه اتابک پهلوان به مصر نزد ملک قلاوون الفی اعزام شد. آرامگاه وی در مقبرةالوزرای چرنداب تبریز است. در سال ۱۳۹۰ سالگرد تولد قطب‌الدین از طرف ایران و سازمان یونسکو جشن گرفته شد. نوشتار زیر از استاد دانشمند آقای دکتر محقق در همین باره است.

قطب‌الدین شیرازی و شرح حال خودنگاشت او

قطب‌الدین ابوالثّناء محمود بن مسعود بن مصلح کازرونی شیرازی، حکیم و فیلسوف و عارف توانا، پزشک و منجّم و نورشناس برجسته، قاضی‌القضاه عالم به فقه و حاکم به عدل از نوادر روزگار است که در سال ۶۳۰ در شهر شیراز به دنیا آمد و در سال ۷۱۰ در شهر تبریز رخت از این جهان بربست و در گورستان چرنداب مدفون گردید. ابن الفوطی او را با اوصاف: «صاحب الأخلاق النّبویّه و العلوم الالهیّه و النّفس الشّریفه و الهمّه المنیفه و السّخاء و الکرم» می‌ستاید و ابن حجر عسقلانی او را با عبارات زیر توصیف می‌کند: «وکان إذا صنّف کتاباً صام و لازم السّهر و مسودته مبیّضه، وکان یخضع للفقراء و یُلازم الصّلاه فی الجماعه» و ابوالفداء درباره او می‌گوید: «وکان اماماً مبرّزاً فی عده علوم مثل الرّیاضی و المنطق و فنون الحکمه و الطّبّ و الاصولین».

دانشمندان از او به عنوان «علاّمه» یا «شارح علامه» یاد می‌کنند که به حق سزاوار چنان لقب و مرتبتی است:

علاّمه العلماء و اللّج الّذی
لاینتهی و لکلّ لجّ ساحلٌ

او با استعداد قوی و ذهن وقّاد خود از دوران کودکی به کسب علم و دانش پرداخت. نخست از محضر درس پدر و عمّ خود و سپس از محضر علما و دانشمندان فارس برخوردار شد و آنگاه برای استفاده از بزرگان همزمان مسافرتهای فراوان به اقطار عالم کرد. شاهان و امرا و حکام از خراسان تا آذربایجان و از فارس تا آسیای صغیر و از عراق عجم تا عراق عرب مقدم او را گرامی می‌داشتند و در تحریر و تدوین آثار ارزنده، او را یاری و مساعدت می‌نمودند که مقدمه‌های آثارش این حقیقت را تأیید می‌کند.

در محضر خواجه نصیر

او در مراغه به حضور خواجه طوسی رسید و از محضر او استفاده فراوان برد و خواجه چنان مفتون استعداد و قریحه او شد که او را «قطب فلک وجود»

> **قطب شیرازی: به جانب شهر دانش و کعبه حکمت و حضرت علیّهٔ بهیه قدسیّه و درگاه سنیّهٔ زکیّهٔ فیلسوفیّه استادیه نصیریّه (خواجه نصیرالدین طوسی) روی آوردم که برخی از دشواریها را گشود و برخی دیگر باز برجای ماند...**

نامید و موجب معرفی او به هلاکو شد. در جوین در مدرسه‌ای که شمس‌الدین جوینی بنا کرده بود، با نجم‌الدین کاتبی قزوینی آشنا شد؛ گذشته از حضور در درس او، درسها را برای شاگردان اعاده و تکرار می‌نمود. در قزوین نزد شیخ علاءالدین طاووسی درس فقه خواند. مدتی در قونیه ـ از بلاد آسیای صغیر ـ اقامت کرد. در زمانی که بزرگانی همچون صدرالدین قونوی و جلال‌الدین محمد بلخی (رومی) در آنجا ساکن بودند، قطب‌الدین نزد قونوی کتاب جامع‌الاصول در علم حدیث را خواند.

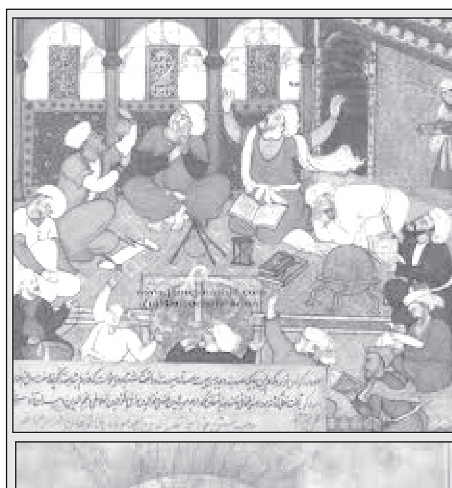
پس از وفات صدرالدین در سال ۶۷۳، قطب‌الدین از طرف شمس‌الدین جوینی متقلّد شغل قضاوت در سیواس و ملطیه گردید و در همین زمان به تدریس فقه اشتغال ورزید. با خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مناقضات و منافسات داشت و طعنه‌ها و کنایه‌ها درباره یهودی بودن اجداد او می‌زد؛ از جمله آنکه وقتی رشیدالدین تفسیری بر قرآن می‌نوشت، قطب‌الدین گفت: «بنابراین من هم باید بر تورات شرح بنویسم» و در هنگام افتتاح مسجدی در ربع رشیدی، قطب‌الدین گفت: «عیب این مسجد آنکه قبله‌اش انحراف به سوی مغرب دارد» و مقصودش این بود که به سوی بیت‌المقدس است!

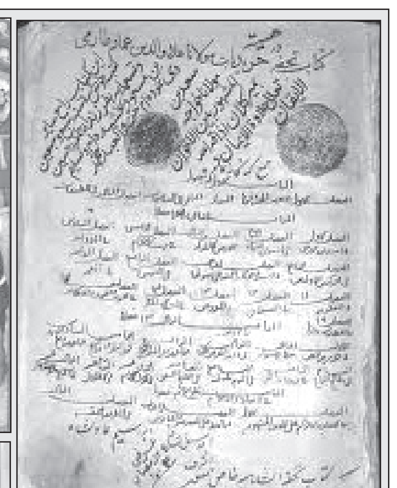
و در همین سفرها به حضور دو تن از مشایخ صوفیّه رسید: یکی نجیب‌الدین علی بُزغش شیرازی ـ از مریدان شهاب‌الدین سهروردی عارف ـ و دیگری محیی‌الدین احمد بن علی، از مریدان نجم‌الدین کبری که با دست همین محیی‌الدین خرقه در بر کرد و تا آخر عمر آن را به همراه می‌داشت.

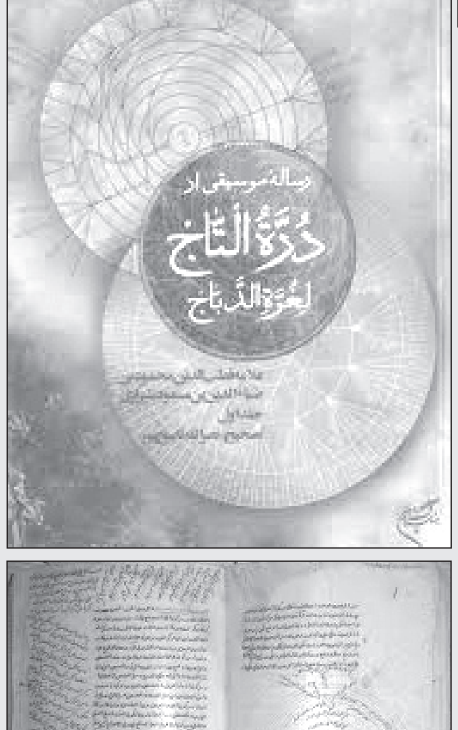
آثار علمی

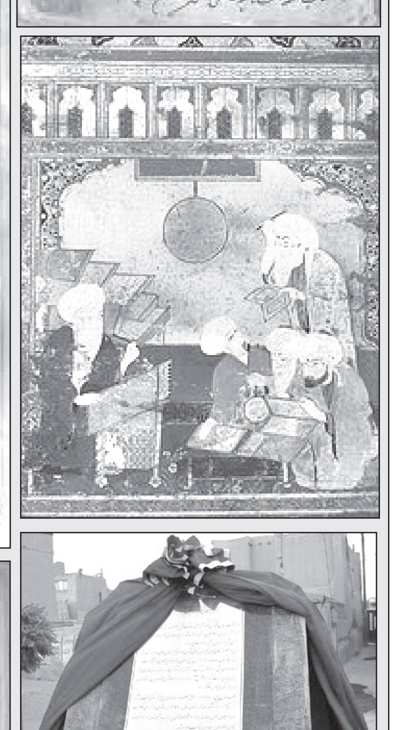
قطب‌الدین آثار فراوان و برجسته‌ای از خود به یادگار گذاشت که از مهمترین آنها می‌توان کتابهای زیر را نام برد: نهایه الإدراک فی درایه الأفلاک (در هیئت و نجوم)، شرح کلّیات قانون از ابن سینا (در علم پزشکی)، درّه التّاج لغرّه الدباج (به زبان فارسی در فلسفه)، شرح حکمه‌الاشراق سهروردی.

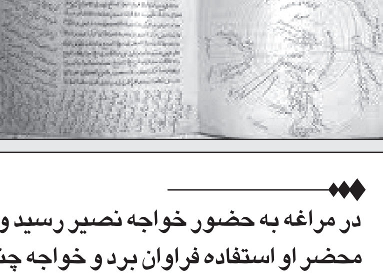
برای آگاهی بیشتر از شرح احوال و آثار و سفرها و حوادث زندگی او می‌توان به منابع زیر مراجعه کرد: مقدمه مرحوم سیّد محمد مشکوه بیرجندی بر کتاب درّه التّاج، تهران ۱۳۲۰، و نیز مقاله ملاّ قطب شیرازی، مرحوم مجتبی مینوی در یادنامه ایرانی مینورسکی باهتمام ایرج افشار از انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۸، و همچنین مقاله قطب‌الدین شیرازی ریاضی‌دان و منجّم زبردست ایرانی از دکتر ابوالقاسم قربانی در مجلّه راهنمای کتاب جلد یازدهم، و بالاخره فصلی که دکتر جان والبریج تحت عنوان زندگی و زمان قطب‌الدین در کتاب حکمه الاشراق: قطب‌الدین شیرازی و سنّت اشراقی فلسفه اسلامی نوشته که در سال ۱۹۹۲ در دانشگاه هاروارد آمریکا چاپ شده است. در این منابع می‌توان منابع مهم دیگر که می‌تواند برای شرح حال تفصیلی و بررسی آثار او مفید باشد بدست آورد.

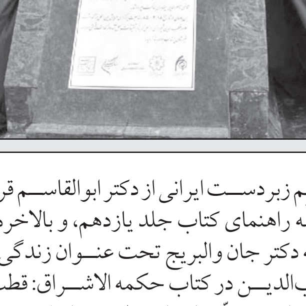












شرح حال خودنوشت

آنچه بیش از همه مهم می‌نماید، شرح حالی است که خود قطب‌الدین از خود در آغاز شرح کلّیات قانون ابن سینا یاد کرده است که خلاصه آن چنین است:

«من از خاندانی بودم که به صناعت پزشکی مشهور بودند و آنان با دم عیسایی و دست موسایی خود به علاج مردم و اصلاح مزاج آنان می‌پرداختند. در آغاز جوانی، به تحصیل این فن و فراگیری مجمل و مفصّل آن شایق شدم، شب بیداری را بر خود واجب و راحتی و خواب را بر خود حرام ساختم تا آنکه کتابهای مختصر در پزشکی را فرا گرفتم و درمانهای متداول را مشاهده کردم و در همه مطالبی که به پزشکی وابسته است ممارست نمودم و همه این کوششها تحت ارشاد و راهنمایی پدرم، امام همام ضیاءالدین مسعود بن مصلح کازرونی بود که در این فن به اجماع اقران، بقراط زمان و جالینوس اوان خود بود.

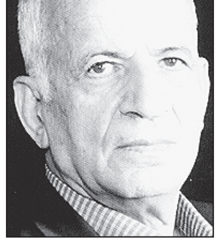
وقتی من در پزشکی به حدس صائب و نظر ثاقب در درمان بیماران مشهور شدم، پس از وفات پدرم (خدایش رحمت کناد) در مقام پزشک و چشم‌پزشک، در بیمارستان مظفری شیراز به خدمت پذیرفته‌شدم، در حالی که بیش از چهارده سال از عمر من نمی گذشت و مدت ده سال به همان سمت باقی ماندم و همچون سایر پزشکان جز در موارد درمان به

> **در مراغه به حضور خواجه نصیر رسید و از محضر او استفاده فراوان برد و خواجه چنان مفتون استعداد و قریحه او شد که «قطب فلک وجود» نامیدش. دانشمندان از او به عنوان «علامه» یا «شارح علامه» یاد می‌کنند که به حق سزاوار چنان لقب و مرتبتی است**

مطالعه و علم نمی‌پرداختم.

و برای آنکه به غایت قصوی و درجه علیا در این فن برسم، به خواندن کتاب کلّیات قانون ابن‌سینا نزد عم خود، سلطان حکیمان و پیشوای فاضلان، کمال‌الدین ابوالخیر بن مصلح کازرونی، پرداختم و سپس، آن را نزد شمس‌الدین محمدبن احمد حکیم کیشی و شیخ شرف‌الدین زکی بوشکانی که هر دو مشهور به مهارت در تدریس این کتاب بودند، ادامه دادم.

از آنجا که این کتاب از دشوارترین کتابهایی است که در این فن نگاشته شده است و مشتمل بر لطایف حکمی و دقایق علمی و نکته‌های غریب و اسرار عجیب است، هیچ یک از مدرسان آن‌گونه که باید از عهده تدریس و تفهیم کتاب بر نمی‌آمدند و شرحهایی هم که بر کتاب نوشته شده بود، وافی و کافی برای رسیدن به مقصود نبود؛ زیرا شرح امام علامه فخرالدین محمدبن عمر رازی فقط جرح بعض بود، نه شرح کل و کسانی هم که از او پیروی کرده و برکتاب شرح نوشته بودند، همچون امام قطب‌الدین ابراهیم مصری و افضل‌الدین محمدبن نامور خونجی و رفیع‌الدین عبدالعزیز بن عبدالواحد جیلی و نجم‌الدین ابوبکر بن محمد نخجوانی، برآنچه فخرالدین گفته



بود چیزی نیفزوده بودند.

کعبه حکمت

تا اینکه به جانب شهر دانش و کعبه حکمت و حضرت علیّه بهیه قدسیّه و درگاه سنیّهٔ زکیّهٔ فیلسوفیّه استادیه نصیریّه (= خواجه نصیرالدین طوسی) روی آوردم که برخی از دشواریها را گشود و برخی دیگر، باز برجای ماند؛ زیرا احاطه به قواعد حکمت در شناخت این کتاب کافی نیست، بلکه شخص باید ممارست در قانون علاج در تعدیل مزاج داشته باشد.

سپس برای هدف خود، به خراسان و از آنجا به عراق عجم و عراق عرب و سپس به بلاد روم مسافرت کردم و با حکیمان این شهرها و پزشکان این بلاد بحثها و گفتگوها درباره دشواریهای کتاب داشتم و آنچه را آنان می‌دانستند فرا گرفتم؛ هر چند که در بلاد روم نادانسته‌های کتاب بیش از دانسته‌ها بود.

ناچار دست کمک به سلطان مصر، ملک منصور قلاوون دراز کردم و در سال ۶۸۱، نامه‌ای به او نوشتم که در این باره مرا مدد رساند. در نتیجه، به سه شرح کامل از کلیات قانون دست یافتم که نخستین، از فیلسوف محقق علاءالدین ابوالحسن علی بن ابی الحزم قرشی معروف به ابن نفیس، و دومین، از طبیب کامل یعقوب بن اسحاق سامری متطبّب، و سومین، از طبیب حاذق ابوالفرج یعقوب بن اسحاق منطبّب مسیحی معروف به ابن قف بود و نیز، به کتابهایی دیگر مربوط به قانون دست یافتم؛ از جمله، پاسخهای سامری به ایرادهای طبیب فاضل نجم‌الدین بن المفتاح بر برخی از مواضع کتاب و نیز، تنقیح القانون هبت‌الله ابن جمیع یهودی مصری که رد بر شیخ است، و برخی از حواشی عراقیّه که امین‌الدوله ابن تلمیذ بر حواشی کتاب قانون نوشته است و نیز، کتاب امام عبداللّطیف بن یوسف بغدادی که گفتار این جمیع را در تنقیح القانون رد کرده است.

شروع شرح

هنگامی که این شروح را بررسی و مطالعه کردم، حلّ بقیه کتاب بر من آسان شد، چنان که موضع اشکال و محل قیل و قال باقی نماند و اطمینان یافتم که منابعی را که گرد آورده‌ام، نزد کسی دیگر در عالم یافت نمی‌شود. لذا تصمیم گرفتم که شرحی بر کتاب بنویسم که دشواریهای کتاب را حل کند و نقاب از چهره معانی آن بگشاید و اعتراضات شارحان را پاسخ گوید و در این شرح، متن را با شرح ممزوج ساختم تا آنکه اصل کتاب از زواید و اضافات ممتاز باشد.

و گذشته از خلاصه شروحی که یاد شد، از «اختیارات حاوی» رازی که ابن تلمیذ گردآورده است و بستان الاطبّاء ابن مطران و فصول طبیّه که از مجلس شیخ استفاده شده است و شمار المسائل الطبیّه ابوالفرج عبدالله بن طیّب و اجوبه المسائل که ابن بطلان در دعوه الاطبّاء آورده است و همچنین، از قراضه طبیعیّات و نوادر المسائل و کتب جالینوس در تشریح و شرح ابن ابی صادق نیشابوری بر منافع الاعضاء جالینوس و خلق‌الانسان ابوسهل مسیحی استفاده کردم و در سال ۶۸۲ شرح را آغاز کردم و آن را به سعدالدوله والدین علی ساوی تقدیم داشتم و به همین مناسبت این کتاب را نزهه‌الحکماء و روضه‌الاطبّاء، نامیدم که موسوم به التّحفه السّعدیّه است تا با این اسم، تیمّن و با این رسم تفأل جسته باشم.»

---

*نقل از مقدمه شرح حکمه‌الاشراق سهروردی از علامه محمودبن مسعود کازرونی معروف به قطب‌الدین شیرازی به اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق؛

انتشارات موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران ـ دانشگاه مک گیل، تهران ۱۳۸۰

ترجمه شرح حال از روی نسخه خطی التحفه السّعدیه (شرح کتاب القانون ابن‌سینا) موجود در کتابخانه بادلیان آکسفورد، شماره ۲۶۳HANT صورت گرفته است.

«واژه سازی»، سرپلِ «پیاده سازی»

امیررضا پوررضایی

امروز دیگر این گفته با تعجب شنونده مواجه نمی‌شود که بستر رشد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، فرهنگ و رشد فرهنگی است. در زمینه رشد فرهنگی حرف بسیار است؛ چرا که رشد فرهنگی به خودی خود اتفاق نمی‌افتد و یک پیش‌نیاز مهم دارد و آن فرهنگ رشد فرهنگی است. به عبارت دیگر، رشد فرهنگی از جنس رفتار است. پس مثل همه رفتارها نیاز به فرهنگ دارد.

اگر در بین تعریفهای متعددی که از هوش وجود دارد، بپذیریم که هوش «قدرت تطبیق با محیط» است، این تعریف درک عدم تطبیق وضعیت موجود با وضعیت بهتر یا وضعیت ایده‌آل را در خود خواهد داشت و به عنوان یک پیش آگاهی به ما می‌گوید که وضعیت ما در حالت مطلوب نیست و ما می‌توانیم آن را بهتر کنیم. باز هم اگر نظر آن گروه از رفتارشناسان و دانشمندان را بپذیریم که معتقدند هوش انواع بسیاری دارد، به نظر می‌رسد یکی از مهمترین انواع هوش، هوش فرهنگی خواهد بود. هوش فرهنگی به معنای درک اینکه وضعیت فرهنگی ما با مطلوب و ایده‌آل تطبیق دارد یا نه و چگونگی پیمودن این فاصله با به کار بستن گفته‌های آن صدای درونی که آن را فرهنگ رشد فرهنگی می‌خوانیم.

رشد فرهنگی در محل فرهنگهای مضاف، مثل فرهنگ ترافیک، فرهنگ آپارتمان نشینی، فرهنگ روابط اداری، فرهنگ کار و تولید، فرهنگ مصرف آب و... خود را نشان می‌دهد؛ اما از نیازهای مهم برای دستیابی به این فرهنگ رشد فرهنگی که لازمه رشد فرهنگی است، داشتن زبان مشترک در داخل جامعه نخبگان و در مرحله بعد بین جامعه نخبگان با کلان جامعه است.

گفته‌ها و یافته‌هایی هر چند مهم، و هر چند مفید، اگر در ذهن یک نفر باشد از جنس جریان سیال ذهن است و تا قابلیت مفهوم بودن برای دیگران را نیابد، حتی در یک دایره از نخبگان همفکر، قابل بحث و تبادل نظر نیست. در مرحله بعد نیز این زبان و ادبیات منظوررسان و روشنگر است که خواهد توانست مفاهیم و یافته‌های تازه افکار تیز و نقاد را به جامعه برساند و دیده‌گشا و کارساز گردد.

پس علوم انسانی و علوم اقتصادی برای رشد، نیاز به بستر و زیرساخت فرهنگی بسیار گسترده دارد. ما نمی‌توانیم با علومی مثل اقتصاد و مدیریت، مثل علوم محض یا علوم تجربی، یعنی مثل ریاضیات و پزشکی برخورد کنیم. پزشکان زمانی که در موارد تخصصی با هم صحبت می‌کنند، زبانشان برای ما کاملا نامفهوم است. هیچ اشکالی هم ندارد؛ چرا که آن مفاهیم در همان دایره تخصصی کاربرد دارد و برای خودشان مفهوم است. اما بستر پیاده‌سازی علومی مثل اقتصاد یا مدیریت، اجتماع است. رشد این گونه علوم، اسباب و لوازمی دارد که لازم است باسواد و کم سواد آن را بفهمد و بپذیرد و در آن مشارکت کند، تا رشد حاصل شود. پس لازم است که به زبانی قابل فهم برای آنها باشد.

نقش واژه‌یابی و واژه‌سازی

افکار تازه، جوانه‌هایی هستند که تازه روییده‌اند. سرشار از احساس هستند، حتی اگر در حوزه‌های علمی باشند. برای انتقال این مفاهیم که گرچه علمی است ولی از دل برخاسته است، به واژگانی نیاز است که دلنشین باشد. یافته‌های جدید، به ویژه در حوزه علوم انسانی برای پیدا کردن عمق و گسترش اجتماعی، نیازمند نثر و زبان معیار از یک سو، و واژگانی منظوررسان و رسا، از سوی دیگر هستند تا قابلیت جامعه‌پذیر شدن پیدا کنند و از طریق زبان به ذهن راه یابند. نثر معیار اهمیت بسیاری دارد که هیچ شکی در آن نیست؛ اما در این نوشته ما برآنیم که اهمیت و نقش واژه‌یابی و واژه‌سازی را بررسی کنیم.

از سوی دیگر حجم زیادی از انتقال علم به زبان ما، از طریق ترجمه انجام می‌شود. این موضوع اهمیت واژه‌یابی و واژه‌سازی را بیش از پیش ساخته است؛ چرا که علم و فناوری در هر جامعه‌ای تولید شود، می‌توان مطمئن بود به فراخور آن، فرهنگ و زبان رشد داشته است. اما در جامعه‌ای که بخش عمده فناوری و علوم وارداتی هستند، اهمیت واژه‌سازی بسیار است. البته این مهم تنها به زبان محدود نمی‌شود و لازم است برای ایجاد بستر پیاده سازی یک مفهوم در اجتماع، علاوه بر زبان رسا، از بیان قابل قبول در فرهنگ اجتماعی موجود نیز غافل نبود.

به عبارت دیگر اگر در جامعه‌ای موتور محرکه اصلی سود است، فرهنگ است، اخلاق است و... لازم است تکیه بر همان اولویت اجتماعی در انتقال این مفهوم جدید نیز صورت بگیرد. در جامعه‌ای که ارزش غالب سود بیشتر است، هر چه دلیل و منطق بیاوریم که این پیشنهاد اخلاقی است، در پیاده شدن آن نقش تعیین‌کننده نخواهد داشت. در تمام جوامع، منطق غالب، ترکیبی از انگیزه‌های متفاوت است که به صورت نسبتاً دائمی، به ویژه جوامعِ در حال توسعه، در حال تغییر است. یکی از مهمترین شناختهایی که در انتقال مفاهیم لازم است، میزان سهم هریک از عوامل (نظیر اخلاق، سود، حیثیت اجتماعی، احساس مفید بودن، انگیزه‌های حرفه‌ای و..) در کل منطق موجود است و در مرحله بعد، بالا بردن سهم ارزشهای والاتر در شکل گیری منطق اجتماع، به کمک کار فرهنگی.

مردمی که نتوانند برای یک مفهوم جدید، در زبان مادری خود، برابری شایسته و منظور رسان بیابند یا بسازند، نخواهند توانست در پیاده سازی آن در آینده میان‌مدت موفق باشند. برای تفریح هم که شده بیایید این جمله را با زبان فارسی امروز و اواخر قاجار، در کنار هم بخوانیم:

«برنامه امروز دانشجویان دانشکده، بازدید از کارخانه است.»

«الیوم طلبه‌های فکولیته پروگرام دارند به معاینه فابریکا بروند.»

یادم نیست مقایسه این دو جمله را کجا دیدم یا شنیدم، ولی به خوبی به یاد دارم که تکان خوردم.

اصلا نمی‌خواهم بگویم فرهنگستان زبان و ادب فارسی یا بزرگان ادبیات در طی این هفتاد هشتاد سال که از بنیانگذاری فرهنگستان می‌گذرد، آنچه معادل‌سازی نموده‌اند بی عیب و نقص بوده، ولی می‌خواهم بگویم کاری که انجام داده‌اند، خدمتی بسیار ارزشمند و گرانبهاست. خدمتی که اگر انجام نگرفته بود، به نظر می‌رسد بسیاری از توفیقات دیگری که امروز به آنها رسیده‌ایم هرگز حاصل نمی‌شد.

زبان و تفکر

زبان علاوه بر اینکه یک قرارداد اجتماعی و انتقال دهنده مفاهیم است، یک کارکرد درون ذهنی بسیار مهم دارد و آن اینکه یکی از ابزارهای بسیار مهم تفکر است. اگر به تجربه‌های شخصی نیز مراجعه کنیم، خواهیم دید که ما قبل از اینکه هر احساس یا رفتاری را تجربه کنیم، آن را به خود گفته‌ایم. به عنوان مثال اگر کسی حرف ناخوشایندی به ما بزند، اول به خودمان می‌گوییم که او به من توهین کرد، بعد عصبانی می‌شویم. بعد می‌گوییم که باید جوابش را بدهم و متعاقب آن پاسخی می‌دهیم یا به خود می‌گوییم هوا خیلی خوب است، بعد از آن لذت می‌بریم و خلاصه اینکه همه کارها به این ترتیب است. با در نظر داشتن همین مکانیزم می‌توان از خیلی رفتارها و احساسات ناخوشایند جلوگیری کرد و در مقابل، بسیاری احساسات خوب را تجربه کرد.

بنابراین شرط لازم برای پیدا کردن رشد فکری، زبانی چالاک، شفاف و کارآست تا بتوان با آن اندیشید و در مراحل بعدی، فکرها را آن گونه که هست، با دیگران در میان گذاشت. علاوه بر موارد بالا، ابزار مدیریت زبان است و مدیریت جزء جدایی‌ناپذیر رشد و توسعه. به عبارت دیگر خروجی اندیشه‌های مدیر و آنچه به عنوان مدیریت مشهود است، یا گفته و نوشته می‌شود. هر چه این زبان، بین مدیریت‌کننده و مدیریت‌شونده از یک سو، و بین مشاوران و اندیشمندان با مدیران، از سوی دیگر، دارای مفهوم مشترک و خالی از هر گونه برداشت چندگانه باشد، کار برای همه ساده‌تر و احتمال خطا از همه سو کمتر خواهد بود.

بسیاری معتقدند که سیاستمدار برجسته باید سخنران خوبی هم باشد. بسیاری معتقدند که مدیر برجسته لازم است مذاکره‌گر توانایی هم باشد. اگر این گفته‌ها را تا حدی بپذیریم، معلوم می‌شود که نه تنها رشد فرهنگی، که رشد و توسعه در همه ابعاد آن وامدار رشد زبان است.

روزگاری در جامعه ما تفاخر زبانی، به کار بردن واژه‌های عربی بود. این دوره تا اواخر قاجاریه ادامه داشت. در اواخر دوره قاجار تفاخر زبانی به کار بردن واژه‌های فرانسوی شد. این ادامه داشت تا اواسط دوره پهلوی دوم که پراندن کلمات انگلیسی جای آن را گرفت. امروزه این تفاخر زبانی با به کار گرفتن کلمات تازه رایج شده فارسی انجام می‌شود و به کار بردن کلماتی همچون: بهینه، راهبرد، برون‌رفت، مردم‌سالاری و... نمونه‌ای از آن است. مدیران که عمدتاً افرادی برونگرا هستند، علاقه دارند از این کلمات در گفته‌ها و نوشته‌هایشان استفاده کنند. شایسته است تا حد ممکن در این راستا تلاش شود و کلماتی هرچه ساده‌تر و منظور رسان‌تر ساخته شود تا علاوه بر غنای زبان فارسی، برای جمع تحت مدیریت این مدیران نیز مفهوم گفته‌ها و کلمات به کاربرده شده مدیر، روشن باشد و کارکنان را در فهم و پیاده‌سازی دقیق منظور مدیرانشان به زحمت نیندازد.

استاد بهاءالدین خرمشاهی، حافظ شناس و استاد مسلم واژه‌پردازی، واژگانی نظیر «یارانه» و «راهبرد» را ساخته‌اند و از ذهن و زبان ایشان در زبان ما رایج شده است. امروز مردم ما وقتی واژه یارانه را می‌شنوند، درمی‌یابند که قرار است پدیده‌ای به آنها یاری برساند؛ ولی آیا کسی از بدنه جامعه، بدون پرسش می‌فهمید «قانون هدفمندسازی سوبسیدها» چه کاری قرار است انجام دهد؟ به نظر شما جامعه‌ای که بگوید و بشنود «مدیریت راهبردی» به آینده‌اش امید بیشتری هست یا جامعه‌ای که بگوید و بشنود «استراتژیک منیجمنت»؟

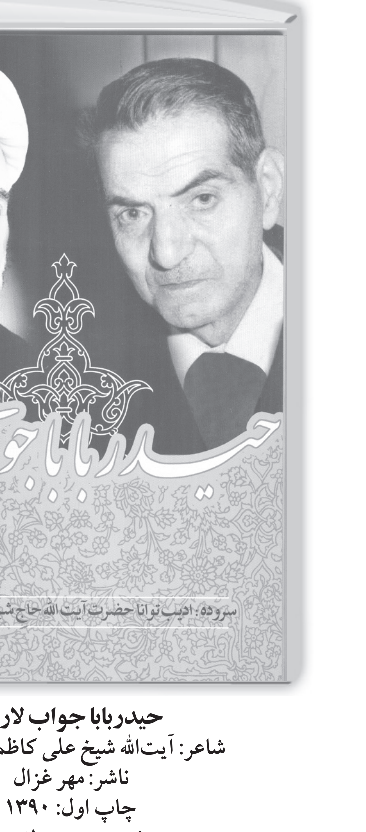
بسیاری از واژه‌هایی که امروز کاربرد اقتصادی و حتی عمومی پیدا کرده‌اند، واژگانی هستند که از علوم نظامی وارد زبان شده‌اند. واژه «استراتژی» ریشه یونانی دارد (sterategos) و در آن زمان و آن زبان، به معنای لشکر و فرمانده بود و امروز معنی آن تحول یافته و شاید بتوان درباره معنای امروز آن گفت: آگاهیهای منظمی است که نحوه به خدمت گرفتن تواناییها را برای رسیدن به اهداف مورد نظر نشان می‌دهد.

در عنوان این مقاله از یک اصطلاح نظامی استفاده شده که چه بسا در مواقع زیادی کارگشا باشد و در فضای اقتصادی بتوان آن را به کار برد. چرا که در فضای کسب و کار بسیاری مواقع باید ابتدا «سر پل» زد و مدتها آن را حفظ کرد تا شرایط برای پیشرفت حاصل شود. «سرپل زدن» یا «سرپل»، به معنای منطقه مشخصی از ساحل دشمن است که چنانچه تصرف و نگهداری شود، استمرار پیاده شدن افراد و تجهیزات را تامین می‌کند.

در فعالیتهای اقتصادی نیز لازم می‌شود در بسیاری مواقع ابتدا به نتایج کوچک یا بخش کوچکی از بازار دست یابیم و پس از آن مدتها بدون اینکه در فکر گسترش باشیم، تمام تلاشمان را به حفظ همان دستاورد اندک معطوف کنیم و بعد از مدتی که این بخش از موفقیت ما تثبیت شد، برای به دست آوردن موفقیت‌های جدید با تکیه بر همان پیروزی کوچک اولیه، اقدام نماییم. این دقیقاً همان مفهوم «سرپل زدن» در ادبیات نظامی است.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد یکی از اصلی‌ترین گامهایی که لازم است در راستای بومی‌سازی، پیاده‌سازی و بهره‌مندی از علوم انسانی پیشرفته انجام شود، معادل‌یابی و معادل‌سازی برای این مفاهیم در زبان فارسی است. این امر کاری پیچیده و در توان افرادی است که تسلط‌های چندگانه بر مفاهیم علمی، زبان فارسی، شناخت جامعه مخاطب، زبان مبدأ، و از همه مهمتر استعداد واژه‌سازی داشته باشند. معادلهایی که جامعه به راحتی آن را به کار بگیرد و با فهم راحت آن فقط توان خود را صرف پیاده‌سازی نمایند و ذهن و زمانشان صرف فهمیدن و چرایی مطالب نگردد.

معرفی کتاب



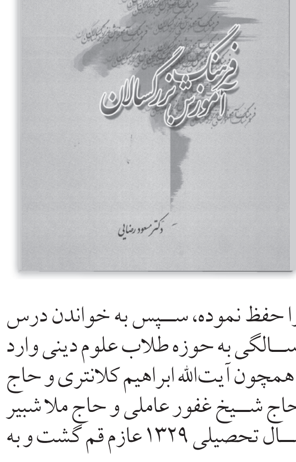
حیدربابا جواب لاری
شاعر: آیت‌الله شیخ علی کاظمی اردبیلی
ناشر: مهر غزال
چاپ اول: ۱۳۹۰
۵۰ص ـ ۱۰۰۰۰تومان

اثر حاضر جوابیه آیت‌الله شیخ علی کاظمی اردبیلی به کتاب حیدربابای شهریار است که در هفتاد و هشت بند تهیه و تنظیم شده است.

در آغاز این کتاب آمده است: «اینجانب تابستان سال ۱۳۲۸ به خاطر یک ضرورتی از قم به اردبیل آمده بودم که همه دوستان به ولایت یا ییلاقات رفته بودند. در میان آن همه گرمای سوزان و گوشه طاقت فرسای تنهایی انیس من تنها کتاب حیدربابای آقای شهریار بود که کمی آلام مرا تسکین می‌داد ... و من جوابیه حیدربابا را در بلده طیبه قم در آغوش آن همه گرمای سوزنده و گوشه محنت ابد تنهایی تابستان همان سال ۳۸ شروع نمودم و در تاریخ مرداد ۱۳۴۳ یعنی ۴۸ سال پیش در شهر اردبیل به پایان رساندم. لیکن جز مقداری از دوستان بسیار نزدیکم کسی از این امر مطلع نبود تا امروز که این جوابیه در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد...»

آیت‌الله حاج شیخ علی کاظمی در اول تیر ماه ۱۳۱۴ شمسی در اردبیل متولد شد.

در پایان شش سالگی تلاوت و قرائت قرآن مجید را به اتمام رسانده، مقداری از آن را حفظ نموده، سپس به خواندن درس فارسی اشتغال ورزید. در ۱۲ سالگی به حوزه طلاب علوم دینی وارد شد و از محضر اساتید بزرگی همچون آیت‌الله ابراهیم کلانتری و حاج حسین محمد صادق معیری و حاج شیخ غفور عاملی و حاج ملا شبیر مدرس استفاده نمود و در اول سال تحصیلی ۱۳۲۹ عازم قم گشت و به تحصیل پرداخت.....

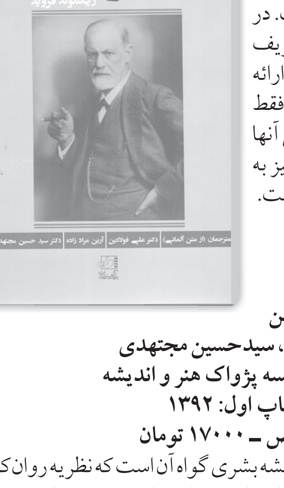


فرهنگ آموزش بزرگسالان
تألیف و ترجمه: دکتر مسعود رضایی
ناشر: بنیاد دانشنامه نگاری ایران
چاپ اول: ۱۳۹۱
۲۷۴ص ـ ۱۲۰۰۰تومان

امروزه آموزش بزرگسالان در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی کشورهای مختلف، از جمله ایران جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده و در نظام آموزش رسمی و غیررسمی گنجانده شده است، به گونه‌ای که علاوه بر ارائه آموزش‌های غیررسمی به بزرگسالان توسط سازمان‌های مختلف، در تحصیلات دانشگاهی و آکادمیک نیز رشته آموزش بزرگسالان دارای ارزش و اهمیت بسیاری گشته است. خیل عظیم علاقه‌مندان به این رشته از یک سو و گسترده شدن دامنه واژگان این حوزه از سوی دیگر انگیزه مولف از تدوین کتاب حاضر است.

چارچوب اصلی این کتاب براساس «فرهنگ بین‌المللی آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم» نوشته پیتر جارویی، از پژوهشگران شناخته شده حوزه آموزش بزرگسالان است. علاوه بر کتاب مذکور، در این فرهنگ از منابع فارسی و انگلیسی معتبر، از جمله دایرةالمعارف بین‌المللی آموزش بزرگسالان نیز استفاده شده است.

این کتاب دارای ۳۶۰۴ مدخل است که به صورت انگلیسی ـ فارسی و فارسی ـ انگلیسی منتشر شده است. در بخش انگلیسی ـ فارسی تعریف و توصیف اصطلاحات مهم ارائه شده، اما در بخش انگلیسی فقط واژه‌ها و معادل انگلیسی آنها آورده شده و هر دو بخش نیز به صورت الفبایی تنظیم شده است.



ضمیر ناآگاه
تألیف: زیگموند فروید
ترجمه: علی فولادین، آرین مرادزاده، سیدحسین مجتهدی
ناشر: مؤسسه پژواک هنر و اندیشه
چاپ اول: ۱۳۹۲
۲۰۴ص ـ ۱۷۰۰۰ تومان

تاریخ تحلیلی تحول اندیشه بشری گواه آن است که نظریه روان‌کاوی یکی از تاثیرگذارترین نظریه‌ها بر دانش روان‌شناسی و رشته‌های در تعامل با آن، چون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، هنر، ادبیات، فلسفه، تاریخ و ... می‌باشد.

چنانچه بخواهیم محوری‌ترین یافته علمی بنیانگذار روان‌کاوی، زیگموند فروید را نام ببریم، بی‌گمان مفهوم «ضمیر ناآگاه» است، که یکی از افق گشاتری یافته‌های روان‌کاوی است، چه روان‌پژوهان را برای شناختی ژرف‌تر و کاراتر از ساختار روان انسان بسیار یاری‌گر بوده است.

مهمترین نوشتار فروید در راستای تبیین دقیق و عالمانه این مفهوم، مقاله «ضمیر ناآگاه» (۱۹۱۵) می‌باشد، که اکنون برای نخستین بار ترجمه فارسی این اثر از زبان اصلی‌اش، آلمانی در اختیار دانش پژوهان و مشتاقان روان‌کاوی قرار می‌گیرد.

در این کتاب ابتدا فروید ضمیر ناآگاه را تعریف کرده و در ادامه به مباحث زیر پرداخته است: ترجمه ضمیر ناآگاه، چند معنایی ضمیر ناآگاه و دیدگاه جایگاه شناسانه، احساس‌های ناآگاهانه، گفتار مایه و پویش پی‌رانش، چگونگی‌های ویژه نظام ضمیر ناآگاه، آمیزش هر دو نظام، به رسمیت شناختن ضمیر ناآگاه.

۷۲ صفحه از کتاب حاضر به زبان فارسی و بیش از ۱۰۰ صفحه به زبان‌های آلمانی و انگلیسی اختصاص یافته است.

کنکاشی پیرامون نرخ سود بانکی

اشاره
آنچه در پی آمده است گزارشی درباره باید ها ونبایدهای نرخ سود بانکی و چگونگی تعیین آن است که موضوع چندی پیش یک مناظره تلویزیونی بود و بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم و پایانی آن را می خوانید

***

این کارشناس بازار سرمایه با بیان اینکه در نظام بانکداری غیر اسلامی اینگونه نیست، ادامه داد: در نظام بانکداری غیر اسلامی بانک با شخصیت حقوقی خود از مردم پول می‌گیرد و وکیل نیست. اما در بانکداری اسلامی کشور ما بانک از طرف سپرده‌گذاران وکیل است و باید منافع را عادلانه رعایت کند، بر این مبنا این بحث مطرح است که وقتی سپرده بلندمدتی باز می‌شود، بانک باید آن را به سمت تولید ببرد و اجازه ندارد با آن به خرید و فروش دلار بپردازد یا در سپرده‌های قرض‌الحسنه باید منابع حاصل از سپرده‌گذاری صرف امور قرض‌الحسنه شود. اگر قانون اجازه می‌دهد به جای دیگری برود، باید قانون را اصلاح کنیم.

غلامحسن نتاج در ادامه با بیان اینکه بانک مرکزی تعیین نرخ سود را آزاد گذاشته است، گفت: بانک خصوصی و بانک دولتی با هم توافق کرده‌اند که بین ۱۷تا ۲۳درصد نرخ سود باشد.

وی ادامه داد: نرخ سود سالانه ۲۳درصد است و در حال حاضر کل بانک‌ها بر این اساس عمل می‌کنند. البته بانک‌ها علاوه بر این روزشمار هم به سپرده گذاران می‌دهند. این نرخ سود علی الحساب است و علاوه بر آن ۵/۲درصد حق الوکاله است که از تسهیلات دریافت می‌شود.

مدیرعامل بانک مهر اقتصاد با تاکید بر اینکه بانک‌ها باید تلاش کنند تا هزینه‌های خود را در این ۵/۲ درصد مدیریت کنند، اظهار داشت: در چند سال اخیر بانکی دیده نشده است که مابه التفاوت نرخ سود علی الحساب و قطعی را پرداخت کند.

دیانی در ادامه با واکنش به این موضوع بیان کرد: بانکی را سراغ دارم که سال گذشته ۹۹.۰۶درصد نسبت به سرمایه خود سود داشته است.وی با تاکید بر اینکه در ایران سرمایه سالاری مرسوم است، بیان کرد: در حال حاضر ما ارزان‌ترین نرخ دستمزد را داریم و متاسفانه کارفرمایان شرمنده نیروهای کار خود هستند.

این تولید کننده لوازم خانگی با بیان اینکه هزینه‌های مالی برای کارفرمایان به شدت افزایش یافته است افزود: اگر یک بنگاه اقتصادی بخواهد خود را سرپا نگه دارد و بخواهد ۳۰درصد بهره به بانک‌ها بپردازد، باید ۶۰تا ۷۰درصد سود کرده باشد.

وی با بیان اینکه اولویت اصلی رئیس جمهوری رونق تولید است، افزود: با فشاری که نظام بانکی بر اساس مسائل مختلف دارد و متاسفانه سود به سپرده گذاران می‌دهد، اگر مردم از این سپرده ها بهره‌مند می‌شدند، دلمان خوش بود.

دیانی تاکید کرد: آمار و ارقام نشان دهنده این موضوع است این پول‌ها و سپرده‌ها جمع و وارد بخش‌های مختلف مانند ارز شد. حتی در بخش صنعتی هم وارد بخش هایی شد که منابع ارزان قیمت دارند.

رجالی با اشاره به اینکه متاسفانه بانک‌ها هیچ کدام بخشنامه‌های ابلاغی بانک مرکزی را اجرا نمی‌کنند، افزود: بانک مرکزی در ۹۲/۱/۲۶ابلاغیه ای را صادر کرد که بر اساس آن باید با ۳۰درصد دریافت ال‌سی آزاد شود.

وی گفت: حتی یک بانک‌هم این بخشنامه را برای شعب خود ابلاغ نکرد . اگر تولید از بین برود، دود آن به چشم جوانی می رود که بیکار است و فساد این جوان و فساد عدم تولید گریبان گیر آنهایی می‌شود که این کار را کردند.

این تولید کننده ادامه داد: اگر سپرده گذاری در مقطعی سود خوبی برد، دلخوش نباشد. چرا که اگر جوان بیکار شود، همه آسیب می‌بینند. چرا که این جوان برای تشکیل زندگی در مرحله اول نیازمند کار است. وقتی یک کارفرما مجبور شود ۳۰درصد از نیروی کار خود را اخراج کند، چه کار می‌توان کرد.

دیانی در ادامه این مناظره با تاکید بر اینکه سیستم بانکی به هیچ عنوان هماهنگی لازم برای اجرای بخشنامه‌های بانک مرکزی را ندارد، گفت: دولت گذشته تاکیدزیادی بر تک نرخی کردن نرخ سود سپرده‌های بانکی داشت، اما نه تنها این امر اجرایی نشد، بلکه مشکلات متعددی را برای سیستم اقتصاد کشور به وجود آورد.

وی اضافه کرد: در حال حاضر با توجه به اصلاحیه متعددی که برای بانکداری پیشنهاد و مورد تصویب قرار گرفته، باید بگویم نه مجلس و نه دولت هیچ کدام تاکنون نتوانستند اصلاحات لازم را در این بخش انجام دهند.

مظاهری هم با بیان این مطلب که برخی اقدامات در کشور باعث شد تا افزایش تورم در جامعه به‌وجود آید گفت: دولت گذشته اعتقاد داشت که افزایش نقدینگی به هیچ وجه منجر به افزایش نرخ تورم نخواهد شد. در حالی که این سیاست با تاخیر در چند سال بعد اثرات نامناسب خود را بر نرخ تورم کشور ایجاد کرد.

وی اضافه کرد:در حال حاضر کشور چوب ندانم کاری دولت گذشته را می‌خورد. چرا که با افزایش نقدینگی، تورم هر ساله افزایش پیدا می‌کند.

رئیس کل اسبق بانک مرکزی یکی از علل افزایش نقدینگی در کشور را حفظ مالکیت بانکهای دولتی به سپرده‌گذاری‌های مردم دانست و گفت: هم راستای این امر سهامداران بانک خصوصی هم خود را مالک سپرده‌گذاری‌های موجود در این بانکها دانسته و این امر را باید علت‌العلل مشکلات بانکی در کشور دانست.

شاهین شایان آرانی تاکید کرد: واقعیت آن است که بانکداری یک صنعت است که آن را نمی‌توانیم از علم اقتصاد جدا کنیم. در صنعت بانکداری هزینه جمع‌آوری پول باید لحاظ شود و در این زمینه باید واقعیت‌های اقتصاد مورد توجه قرار گیرد.وی ادامه داد: وقتی تورم کشور ۴۰درصد است نمی‌توانیم با ۲۰درصد هزینه پول مردم را جمع‌آوری کنیم. به این ترتیب بانک با کسری نقدینگی مواجه خواهد شد.این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به اینکه تورم را نمی‌توان از معادله مذکور دور کرد، افزود: افزایش تورم تقصیر بانک نیست. شاید نقدینگی اضافه از سوی بانک‌ها صرف نقل و انتقالات در بازارهای اقتصادی و در نتیجه باعث بروز تورم شود، اما عامل اصلی تورم کنونی جامعه بانک‌ها نیستند.

وی با اشاره به اینکه حاشیه سود برخی از بانک‌ها بیش از حد بوده است گفت: این حاشیه سود باید کنترل شود. در حال حاضر حاشیه سود ۱۰درصد و در بعضی مواقع ۱۲تا ۱۳درصد است .این در حالیست که حاشیه سود شامل همه هزینه‌ها باید بین ۶تا ۷درصد باشد.

شایان آرانی با اشاره به اینکه این مسئله نظارت بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار را نیاز دارد، گفت: باید یک فضای رقابتی برای بانک‌ها ایجاد شود تا آنهایی‌که نمی‌توانند در این فضا فعالیت کنند، از چرخه صنعت بانکداری حذف شوند.

دیانی در ادامه با بیان اینکه در افزایش نرخ سود بانکی به هیچ عنوان سود به جیب سپرده گذاران نمی‌رود، افزود: بانک‌های خصوصی اکثر منابع خود را به شرکت‌های زیرمجموعه خود ارائه می دهند.البته حرف بنده در تمام سیستم بانکی عمومیت ندارد. اما باید بگویم بانک‌ها بیشتر تمایل دارند ارائه تسهیلات را به سهامداران و گروه خاصی از مشتریان خود ارائه کنند.

وی افزود: علی رغم اینکه در قانون، سهام داران نباید بیش از ۵درصد سهام بانک‌ها را در اختیار داشته باشند ،اما متاسفانه هستند بانک‌های خصوصی که بیشترین سهام را در اختیار افرادی خاص قرار داده و فقط به آنان تسهیلات ارائه می‌کنند.

نامبرده اضافه کرد: در حال حاضر سیستم بانکی بیشتر با ورود به بازار ارز و مسکن کار تجاری انجام می‌دهد تا اینکه منابع لازم را در اختیار بخش های متقاضی از جمله تولیدکنندگان قرار دهد.

وی با بیان این مطلب که نخست باید تمرکز زیادی را بر اصلاح سیستم بانکی و نظارت بر تغییر ساختار آن انجام داد، اظهار داشت: پس از اتخاذ سیاست‌های مناسب در این حوزه باید به فکر تنظیم سود سپرده گذاران باشیم.

رجالی در ادامه با بیان این مطلب که نرخ سود بانکی باید معادل تغییرات نرخ تورم در کشور باشد، اظهار داشت: نباید نرخ سود بانکی کاهش یابد بلکه باید با مدیریت بهینه بین دو نرخ مذکور تصمیم مناسبی را اتخاذ کنیم.

وی با اشاره به اینکه تفاوت نرخ سود و تورم باید به تولیدکنندگان و سپرده گذاران تعلق گیرد، افزود:متاسفانه هم اکنون سپرده گذاران هیچ سود و منفعتی از تغییرات نرخ سود کسب نکرده و فقط عده‌ای سهامدار و گروه خاص از این تغییرات نرخ سودهای کلان را دریافت می‌کنند.

در ادامه طهماسب مظاهری در واکنش به صحبت‌های رجالی با اشاره به اینکه نمی‌توان سود تسهیلات را اندک و سود مناسبی را در اختیار سپرده گذاران با تغییرات نرخ تورم داد، گفت: نباید به تنهایی از درآمد بانک‌ها و درآمد حاصل از صادرات برای حمایت از تولید و صنعتگران استفاده کرد. بلکه باید رابطه معقولی را بین سود و نرخ تورم ایجاد و در این میان تصمیم مناسبی را به کار گیریم.

وی بیان کرد: در دولت خاتمی نرخ تورم ۱۱درصد و سود بانکی ۲۴درصد بود که در آن برهه انتقاداتی مبنی بر افزایش نرخ سود بانکی مطرح می‌شد.

به اعتقاد مظاهری باید بین نرخ سود بانکی و نرخ تورم رابطه درستی ایجاد شود.

رجالی در ادامه صحبت‌های خود با ارائه این پیشنهاد که می توان به جای واریز یارانه نقدی به مردم، این منابع را در اختیار صنعتگران و تولید کنندگان قرار داد، گفت: نرخ بهره بانکی را به صورت منطقی تعیین کنید تا صنعتگران و تولید کنندگان بتوانند به فعالیت اقتصادی خود ادامه دهند.

دیانی هم در واکنش به اظهارات رجالی ضمن بیان این مطلب که من مخالف این پیشنهاد هستم، بیان کرد: دولت هم اکنون با کسری بودجه روبرو است و نمی‌تواند این گونه پیشنهادات را اجرایی کند.به اعتقاد بنده سیستم‌بانکی باید با سیاستی مناسب منابع بانکی رابه سمت رونق تولید هدایت کند.

در ادامه این مناظره شایان آرانی با اشاره به اینکه متاسفانه به نوعی در حوزه اقتصاد دچار آزمون و خطا شدیم و کشور تبدیل به یک آزمایشگاه شده بود که در نهایت تبعات بسیار بدی را بوجود آورد،گفت: اگر نظام بانکداری اسلامی را اجرا کنیم و تعدیل نرخ‌ها را هم به همراه نظارت به اجرا درآوریم و در نهایت روحیه اسلامی بودن را بر صنعت بانکداری حکمفرما کنیم، در نهایت بین ۶ ماه‌تا یک سال سختی خواهیم داشت و پس از آن اقتصاد کشور به حالت آرامش بازخواهد گشت.

در ادامه طهماسب مظاهری رئیس کل اسبق بانک مرکزی گفت: در دوره‌ای که مسئولیت داشتم، بحث کاهش تورم مطرح بود و به ۱۱درصد رسید و باید به تناسب این کاهش، سود بانکی هم پایین می‌آمد. در نهایت بانک مرکزی قانع شد که سود بانکی را ۱۶درصد تعیین کند. در حالیکه پیش از آن این سود ۲۴درصد بود.

وی اظهار داشت: بانک مرکزی اگر بخواهد به سپرده‌های قانونی سود بدهد باید درآمد داشته باشد که یکی از بهترین کارها این است که سپرده قانونی را کم کنیم.

نتاج با تاکید بر اینکه حرکت اقتصادی کشور به سمت خصوصی‌سازی است، بیان کرد: خصوصی سازی بانک‌ها به این معنی است که عملیات بانکی را بدون ربا بپذیریم.یعنی اگر یک ریال توسط سهامداربانک خصوصی آورده شود ۱۲ریال از طریق جذب، سپرده می‌گیرد . کاری که الان در حال انجام است.

وی ضمن اشاره به اینکه باید بپذیریم که خصوصی سازی حرکت اقتصادی کشور است، افزود: باید زمینه فعالیت به گونه ای فراهم شود که به سمت خصوصی سازی واقعی حرکت کنیم. اینکه بیان شده بود زمینه نرخ تسهیلات باید کمتر از نرخ سود سپرده باشد. باید به سمتی پیش رویم که تسهیلات به بخشی داده شود که سود آوری دارد.

مدیرعامل مؤسسه مالی اعتباری ادامه داد: بر اساس پژوهش‌ها مشخص شد ۵۵شاخه سود آور به ۱۰شاخه کاهش یافته که این میزان با اصلاح نرخ ارز به ۱۸شاخه افزایش یافت.

وی با تاکید بر اینکه برخی از شاخه‌های تولید در اقتصاد زیان ده هستند، بیان کرد: توقع تولید کنندگان این است که ضمن تهیه منابع با نرخ دلخواه، تسهیلات را هم با نرخی که خود تعیین می‌کنند، دریافت کنند که چنین چیزی در اقتصاد فعلی مورد پذیرش نیست.

نتاج با تاکید بر اینکه زمینه فعالیت بانک‌های خصوصی باید فراهم شود، گفت: نرخ سود تسهیلات را اگر پایین‌تر از نرخ سود سپرده‌ها تعیین کنیم، تجربه شکست‌خورده قبلی تکرار خواهد شد.علی محمد رجالی کارآفرین نمونه و نماینده تولید کنندگان در ادامه مناظره گفت: سودی که تولید باید بپردازد، بیش از ۱۵درصد اگر باشد تولید پا نمی‌گیرد.

وی گفت: من ۵۱کارخانه دیگر هم دارم که به آنها مواد می‌دهم تا چرخ اقتصاد آنها بچرخد. تا آنجا بتوانیم با مصرف کنندگان و مشتریان خودمان تعامل داریم. تمام این ۵۱کارخانه می گویند ما از بورس نمی‌خواهیم مواد اولیه بخریم . می‌خواهیم به طور مستقیم از تولیدکننده بخریم. دولت قبلی می‌گفت خیر باید مواد اولیه خود را از بورس بخرید.

این فعال اقتصادی و صادرکننده اضافه کرد: مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌هایم را از دولت می‌گیرم و هیچ راهی ندارم جز اینکه فاکتوری را که به من ارائه می‌شود، پول آن را پرداخت کنم منتها وقتی که خودم پول ندارم مجبورم از بانک‌ها تسهیلات بگیرم.

وی با بیان اینکه بانک‌ها می‌گویند چون خصوصی شده‌ایم می‌توانیم در سال ۹۲درصد سود ببریم، آمار دارم از شبکه بانکی که تا ۹۲درصد منافع داشته است. سئوال من این است چرا باید اصل ۴۴قانون اساسی در بانک‌ها اجرا شود و آنها حق داشته باشند تا ۹۲درصد منافع ببرند اما اگر تولید کننده بیش از ۱۷درصد سود ببرد، سازمان حمایت تولیدکننده و مصرف‌کننده پدر هر دو آنها را در می‌آورد.

وی افزود: ما می‌خواهیم تولید را حمایت کنیم و جامعه را بسازیم تا در نهایت فساد را کم کنیم. بانک‌ها فقط جیب خودشان را پر می‌کنند. علت کاهش تولید و تورمی که در حال حاضر در کشور وجود دارد، نظام بانکی و عوامل خارجی بوده است. اگر نظام بانکی اصلاح شود و با دنیا تعامل داشته باشیم، همه این مشکلات برطرف می‌شود.

رجالی تاکید کرد: سیستم بانکی همه چیز را از تولید کننده گرفته است در حال حاضر به غیر از خانه، بانک، زمین ما را گرفته و تنها آنها نتوانسته‌اند شناسنامه تولیدکنندگان را بگیرند. چرا بانک‌ها منابع مالی را به صورت دستوری به اشخاصی دادند که نه پدرش را می‌شناسند و نه مادرش را .همان فرد ظرف ۳سال تبدیل به یک مولتی میلیاردر شده است. چرا تسهیلات ۲،۳، ۵و ۱۰هزار میلیارد تومانی را به ۴نفر داده‌ایم؟ در حالیکه ۱۵۰هزار کارخانه‌دار در کشور داریم که به آنها به سختی تسهیلات پرداخت می‌شود.

وی خطاب به دولت گفت: ما به شما اعتقاد داریم و معتقدیم که انشاالله دولت تدبیر و امید می تواند موفق عمل کند. اما اگر می خواهید صنعت و تولید پا بگیرد اولا باید نرخ بهره بانکی تعدیل شده و دوم باید مالیات بر تولید حذف شود.



تهرانی‌ها چقدر از بحران آبی کشور خبر دارند؟

در حالی که برخی نقاط کشور در بحران تأمین آب مصرفی به سر می برند، برخی هموطنانمان در کلانشهرهایی چون تهران از مصرف بی رویه آب ابایی ندارند؛این در حالی است که در سال آبی گذشته در تهران ۴۱۷ میلیمتر بارش اتفاق افتاده و در سال جاری به ۲۸۳ میلیمتر کاهش یافته است که به دلیل ادامه روند توقف بارندگی‌ها، وضع ذخیره آب پشت سدهای استان تهران نامناسب تر شده است.

باید خاطرنشان کرد در چند ماه اخیر بارانی در تهران نباریده و از این رو ذخیره آبی سدها تعریف چندانی ندارد.به طوری که در سال گذشته ۶۵۰ میلیون مترمکعب آب در پشت سدها ذخیره شده بود که با افت ۲۵۰ میلیون مترمکعبی در امسال به ۴۰۰ میلیون مترمکعب کاهش یافته است.

این در حالی است که متاسفانه در صورت ادامه روند مصرف شهروندان تهرانی، حدود ۴ میلیون نفر در فصل پاییز امسال در سامانه شرق تهران که تقریبا از ولیعصر شروع می شود و تا سه راه افسریه ادامه خواهد داشت،دچار مشکل افت فشار آب خواهند شد.

از این رو دست اندرکاران معتقدند مهمترین اقدامی که می‌توان در این زمینه انجام داد، مدیریت مصرف آب خواهد بودو در این زمینه این مشترکان تهرانی هستند که می توانند با ۲۰ درصد صرفه‌جویی در مصرف فعلی، جلوی تکرار دوباره افت فشار و قطعی را بگیرند.

به گزارش تسنیم، متوسط روزانه مصرف آب در تهران در ۴ماهه سرد سال به حدود ۲۰۰تا ۲۵۰لیتر به ازای هر نفر می رسد. اما در فصول گرم سال این رقم به ۳۰۰تا ۳۵۰لیتر افزایش می یابد.این رویه متداول سالهای گذشته در تابستان سال جاری با اندکی تغییر مواجه شد. به طوری که در فصل گرمای امسال با افزایش کم سابقه دمای هوا در پایتخت، مصرف آب رکورد سرانه ۴۰۰لیتری را به ثبت رساند.این درحالی است که در حال حاضر متوسط مصرف روزانه آب در جهان به ازای هر نفر ۱۵۰لیتر در روز است. این موضوع نشان می دهد مصرف آب مردم تهران به ۲.۵برابر متوسط جهانی رسیده است.

در این زمینه یک تحقیق میدانی از ۱۰۰نفر از شهروندان تهرانی که ۱۸نفرآنها با فاصله سنی ۱۵تا ۲۵سال، ۲۲نفر در فاصله سنی ۲۵تا ۳۵سال، ۳۱نفر در فاصله سنی ۳۵تا ۴۵سال، ۱۶نفر در فاصله سنی ۴۵تا ۵۵سال و ۱۳نفر در بازه سنی بیش از ۵۵سال بودند، در مورد مصرف آب انجام شد.

۱۹نفر از این ۱۰۰نفر اذعان داشتند که از وجود بحران آبی در کشور اطلاع داشته و تلاش می کنند خود و خانواده شان در مصرف آب صرفه جویی کنند. ۳۲نفر لزوم مصرف درست آب را نکته مورد توجه خود و خانواده شان ذکر کردند. اما از ضرورت داشتن کاهش صرفه جویی آب در وهله کنونی و وجود بحران آبی در کشور اطلاع نداشتند. ۲۲نفر میزان مصرف خود و خانواده شان را در حد نرمال و طبیعی دانستند و عنوان کردند همیشه دولتمردان برای جلوگیری از ایجاد مشکل در تأمین آب کشور از وجود بحران آبی دم می زنند و بحران فعلی مورد تأکید هم از استراتژی های مدیریتی بوده و به این شدت وجود خارجی ندارد. ۲۷نفر هم مصرف آب در حد نرمال را از وظایف شهروندی دانسته و مصرف بی رویه را در هر زمان دلیلی برای ایجاد بحران آبی ذکر کردند. اما از وجود بحران در وضع تأمین فعلی آب کشور اطلاعی نداشتند.

۶۴نفر از جامعه آماری این گزارش، برآورد رقمی از میزان مصرف روزانه آب خود و خانواده شان نداشتند. ۱۹نفر برآورد میزان مصرف روزانه هر فرد در خانواده شان را بین ۱۰۰تا ۲۰۰لیتر در روز و ۱۷نفر بین ۲۰۰تا ۳۰۰ لیتر در روز عنوان کردند.

۲۶نفر مصارفی چون شستن اتومبیل، آبیاری کوچه و خیابان ، آبیاری باغچه حیاط و جلوی در خانه با شیلنگ آب را از مصارف معمول و روزانه خانواده خود ذکر کردند و اذعان داشتند که این مصارف در زمره مصارف طبیعی خانواده قرار دارد. ۳۲نفر عنوان کردند که چنین مصارفی جزو آمار همیشگی مصرف آب خانواده‌شان نیست.

اما گاهی در صورت لزوم اقدام به استفاده از شیلنگ برای آبیاری کوچه، خیابان، باغچه و شستن اتومبیل می کنند. ۴۲نفر هم استفاده از سطل و دقت در مصرف آب برای چنین مصارفی را به عنوان الگوی مصرف نهادینه شده در خانواده شان نام بردند.

بازگشت بانک صادرات به تالار شیشه‌ای

نمـاد معاملاتی بانک صادرات پس از تصویب افزایش سـرمایه باز شد.

در ابتـدای معاملات بورس تهران نماد معاملاتی بانک صادرات ایران پس از تشـکیل جلسه هیات مدیره مبنی بر تصویب افزایش سرمایه، بدون محدودیت نوسـان قیمت و با اسـتفاده از مکانیزم حراج تک قیمتی آماده انجام معامله شد.

بـه این ترتیب نماد معاملاتـی بانک صادرات کـه از روز ۱۶ مهر با قیمت ۲۲۴ تومانی بسـته شده بود، پس از تصویب افزایش سرمایه با رشد ۱۴درصدی و قیمت ۱۰۲ تومانی به تالار شیشه ای برگشت.

این شـرکت با افزایش سـرمایه ۱۵۲ درصدی تـا ۵۷,۸ هزار میلیارد ریالی از محل اندوخته مواجه شده است. این در حالی است که پیش بینی سـود هر سهم ۱۰۹ ریال بر اسـاس سرمایه جدید اعلام شده و شرکت در شش ماه ۵۵ ریال را پوشش داده است.

علاوه بر بانک صادرات، نماد معاملاتی شرکت بیمه پارسیان هم پس از برگـزاری مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مبنی بر انتخاب اعضای هیات مدیره، با محدودیت نوسان قیمت آماده انجام معامله شد.

در این بین نماد معاملاتی شـرکتهای ساپاآذین، سیمان سفید نی ریز، پتروشیمی فارابی، جام دارو، فولاد کاویان با توجه به نبود کشف قیمت در روز معاملاتی قبل (بدون محدودیت نوسـان قیمـت) آماده انجام معامله شدند.

صدور مجوز فعالیت صندوق سرمایه‌گذاری

سـازمان بـورس و اوراق بهـادار، مجوز فعالیـت یکصدو دهمین صندوق سـرمایه‌گذاری را با " نام صندوق سـرمایه‌گذاری مشترک دماسنج " صادر کرد.

به گزارش ایسنا، صندوق سرمایه گذاری مشترک دماسنج با موفقیت در پذیـره نویسـی اولیه و با جمع آوری مبلـغ ۱۰ میلیارد ریال و ثبت نزد مرجع ثبت شرکتها ، مجوز فعالیت خود را از سازمان بورس دریافت کرد.

اشـخاص حقیقـی ۹۹,۵۱۵ واحد و اشـخاص حقوقـی ۴۸۵ واحد سـرمایه‌گذاری صندوق سرمایه‌گذاری مشترک دماسنج را در پذیره نویسی اولیه خریداری کردند. این صندوق از نوع صندوقهای در سـهام با تقسـیم سـود ۱۵ درصد سـالیانه اسـت.ارکان ایـن صندوق شـامل مدیر، ضامن نقدشوندگی، متولی و حسابرس است. شرکت کارگزاری بورسیران(سهامی خاص) مدیر صندوق بوده و به‌صورت مشـترک با شـرکت سرمایه‌گذاری صنایـع ایران ضمانت نقدشـوندگی صندوق را بر عهـده دارند. همچنین موسسـه حسابرسی شراکت، متولی و موسسه حسابرسی رهیافت به عنوان حسابرس این صندوق هستند.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	٧٢٢١٥/٤	٧٢٢٣٦/٢	٧١٨٦٦/٩	١٤/٤	٠/٠٢٠
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	٣٥٧٨	٣٥٧٨	٣٥٥٣/٣	٩/٥	٠/٢٧
شاخص آزادشناور	٨٣٢٢٢/٣	٨٣٢٢٢/٣	٨٢٧٩٦/١	٢٠٢/٢	٠/٢٤
شاخص بازاراول	٥٤٦٥٠/٩	٥٤٦٥٠/٩	٥٤٣٣٩	٢٠٦/٦	٠/٣٨
شاخص بازاردوم	١٣٣٤٩٩/٨	١٣٤٥٥٨/٦	١٣٣١٠٢/٩	(١٠٢٠/٢)	(٠/٧٦)
شاخص صنعت	٦١٢٣٤/٧	٦١٥٠٤/٨	٦١١٧٠/٢	(٢٧٤/٤)	(٠/٤٥)

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (دوشنبه ۹۲/۸/۶)

مجموع حجم معاملات	٥٧٤/٢٩١/١٠٤ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	٢/٧٣٧/٦٨١ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	٧٣٥٥٠ معامله
ارزش بازار	٣/٥٢٢/٩٩١ میلیارد ریال

رکورد معاملات بورس انرژی شکسته شد

در رینـگ داخلـی بازار فیزیکی بـورس انرژی ۵۰۰۰ تن آیزوریسایکل پالایش نفت اصفهان، معامله شد.

بـه گزارش ایسـنا، در معاملات بـورس انرژی در رینگ داخلی بازار فیزیکی شـرکت پالایش نفت اصفهـان ۵۰۰۰ تن آیزوریسـایکل را بـه قیمت پایه هـر کیلوگـرم ۲۳۰۱۳ ریال عرضه کـرد. در جریان معامـلات ۴۸۸۰ تن از این محموله به ارزش بیش از ۱۰۷ میلیارد ریال به فروش رفت. با انجام این معامله رکورد ارزش معامـلات روزانه بورس انرژی جابجا شد.همچنین در بازار مشـتقه (تابلو برق) هم خرید و فـروش بـرق در قالب قراردادهای سـلف موازی اسـتاندارد طبق روال روزانه و بی وقفه پیگیری شد. براساس این گزارش ارزش این بازار هم به ۷ میلیارد و ۲۶۰ میلیون ریال بالغ شد.

با رشد چشـمگیر حجم معاملات امروز بورس انرژی در دو بازار فیزیکی و مشـتقه، مجموع ارزش معاملات به ۱۱۵ میلیارد ریال رسید.

گزارش ۶ماهه شرکت های بورسی ایراد دارد



در حـال حاضـر گـزارش شـش‌ماهه برخی شـرکتها واقعی نیسـت و با سـود های پیش بینی شده بازی می کنند.

غلامحسین دوانی، حسابدارس معتمد بـورس در گفتگو با ایسـنا درباره گزارش شش ماهه شرکتهای بورسـی گفت: گزارش شش ماهه برخـی شـرکتها اشـکال دارد و بازدهی شرکتها واقعی نیست.

وی افـزود: اگر یک شـرکت نفتی یا پتروشیمی سود ۱۹ تومانی اعلام کند،سـپس سود ۲۲۰ تومانی اعلام کرده و ناگهان سود خود را به ۵۲۰ تومان افزایش دهد، شک نکنید که نوعی تقلب است و مدیران هم سهمی در آن داشته اند.

این حسـابرس پیشکسـوت بورس با بیان اینکه شـفاف بودن، درسـت بودن، به موقـع بودن و با کیفیـت بـودن به اطلاعاتـی گفته می شـود که در سرنوشت شرکت یا سهم موثر اسـت،اضافه کرد: در حال حاضر در بورس با سـودهای پیش بینی شده بازی می کنند.

وی با ذکـر مثالـی ادامه داد: اگـر شـرکت بزرگی کـه در حال حاضر سـود ناچیـزی اعلام کرده، بعد از مدتی سـود خـود را تغییر دهد، کلاهبرداری و تقلب صورت گرفته و این در حالی است که همه از تقلـب گریزان هسـتند زیرا پای خودشان هم گیر است.

همچنین یک کارشـناس بازار سـرمایه با بیان اینکـه دلیل اصلی رونـد منفـی پتروشـیمی‌ها، خبر افزایش نرخ خوراک اسـت گفت: نمادهای حاضر در گروه پالایشـی در حـال اصـلاح قیمت بـوده و همچنین ترسـی در بازار به واسطه شـایعه افزایـش نرخ بهـره بانکی وجود دارد.

کامـران صدیقیـان در گفتگو با فارس، با اشـاره بـه روند بازار سـهام در معاملات اظهار داشـت: پتروشیمی‌های گازی با خبر افزایش نرخ خوراکشان به ۱۳ سنت تحت تاثیر منفی قرار گرفته‌اند.

وی ادامه داد: در گروه پالایشی اخبار منفی وجود ندارد، اما به دلیل آنکـه طی هفته‌های اخیـر افزایش چشـمگیری در قیمت سـهام آنان به وجود آمد، کـه در حال اصلاح هستند.

ایـن کارشـناس بازار سـهام بـا تاکید بر اینکه در شـرایط منفی بازار، اکثر گروه‌ها با کاهش قیمت مواجه می‌شـود، گفت: این شرایط پایدار نیسـت و طی روزهای آینده به ثبات باز خواهد گشت.

وی همچنین با اشاره به شایعه افزایـش نرخ بهـره بانکی تصریح کرد: بازار سـهام نسـبت بـه این اخبار، هوشمند است و در صورت اعمال افزایش نـرخ بهره بانکی به ۲۵ درصد، ترس خروج نقدینگی‌ها از بازار سـهام به بـازار پول وجود دارد.

وی ادامـه داد: در گروه‌هـای خودرویی ، گزارش‌های شش‌ماهه انتظـار بـازار را بـرآورده نکرد و سـرمایه‌گذاران با نگاه منفی نسبت بـه آن اقدام می‌کنند، به عنوان مثال در گزارش‌های شـش ماهه پارس خودرو و سـایپا بـه ترتیب ۱۳۵ و حدود ۲۵ تومان زیان اعلام شـده است.

صدیقیـان تاکیـد کـرد: در گروه‌هـای قندی هم بازار شـاهد صف خریـد اسـت؛ در این گروه همواره در شرایط منفی بازار، شاهد روند مثبت آنان هستیم.

وی همچنیـن بـا اشـاره بـه شـرایط گروه بانکـی تصریح کرد: این گروه نسـبت به سایر گروه ها شـرایط متعادل‌تری را طی می‌کند، امـا نمادهایی در ایـن گروه وجود دارد که با سـقف منفی هم معامله می‌شود.

بـه گـزارش فـارس؛ اخیـرا مدیرعامـل بانک صـادرات ایران درباره مصوبه مربـوط به صندوق ضمانت سـپرده‌ها گفته بود که در حال توافق برای اجرای آن هستیم.

صدیقیـان در پاسـخ بـه این سؤال که روند اصلاحی بازار تا چه زمانی ادامه خواهد داشـت، گفت: این روند چند روزی دوام نمی‌آورد و در صورت پایین‌تر آمدن قیمت‌ها بازار به جذابیت گذشـته خود باز می‌گردد و همین امر موجب رشـد مجدد بورس خواهد شد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۳۵,۵۰۰	۶,۰۶۱
بانک تجارت	۳,۰۱۶	۳۶۸
ح . البرزدارو	۱۰,۰۰۰	۵۰۱
لیزینگ رایان سایپا	۲,۰۳۰	۹۰
معادن باقق	۲۲,۱۵۲	۸۵۲
گلتاش	۲۶,۴۱۶	۱,۰۱۶
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۱,۴۸۲	۵۷
دارویی رازک	۱۷,۱۰۹	۶۵۸
جام‌دارو	۱۵,۰۰۳	۵۷۷
ایران مرینوس	۱۱,۴۴۱	۴۴۰
البرزدارو	۱۱,۳۹۰	۴۳۸
سیمان قائن	۷۹,۰۰۳	۳,۰۳۸
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۳,۱۴۷	۱۲۱
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۷,۱۷۹	۲۷۶
شکرشاهرود	۸,۴۸۰	۳۲۶
پلاسکوکار	۲,۰۲۹	۷۸
سیمان ایلام	۷,۸۳۰	۳۰۱
پارس پامچال	۲۰,۲۴۱	۷۷۸
لامیران	۴,۰۵۹	۱۵۶
خدمات‌انفورماتیک	۱۶,۹۴۰	۶۵۱
نوردوقطعات فولادی	۳,۲۲۷	۱۲۴
سازه پویش	۱۴,۷۸۷	۵۶۸
فروسیلیس ایران	۸,۱۷۵	۳۱۴
ساپاآذین	۱,۲۵۰	۴۸
تامین ماسه ریخته‌گری	۴,۸۱۸	۱۸۵
پست بانک ایران	۹,۳۵۰	۳۵۹
سپنتا	۶,۲۵۲	۲۴۰
بانک ملت	۲,۵۵۳	۹۸
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲,۰۵۸	۷۹
فولاد خراسان	۹,۱۹۸	۳۵۳
داروسازی امین	۷,۸۶۹	۳۰۲
سیمان بجنورد	۵,۹۶۸	۲۲۹
شیشه همدان	۶,۱۲۵	۲۳۵
سخت آژند	۲,۸۶۷	۱۱۰
صنعتی آما	۶,۴۶۴	۲۴۸
کاشی وسرامیک حافظ	۳,۰۲۴	۱۱۶
تهران شیمی	۹,۰۹۸	۳۴۹
تولیدی کاشی تکسرام	۲,۴۲۵	۹۳
کمک‌فنرایندامین	۱,۳۰۴	۵۰
بیسکویت گرجی	۷,۷۹۸	۲۹۹
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۳,۲۸۸	۱۲۶
سرمایه گذاری پارس توشه	۳,۳۱۶	۱۲۷
صنایع آذرآب	۳,۰۸۲	۱۱۸
دشت مرغاب	۳,۴۷۶	۱۳۳
لنت ترمزایران	۳,۸۹۵	۱۴۹
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۲۲۹	۴۷
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۴,۱۵۸	۱۵۹
قطعات اتومبیل ایران	۱,۵۱۷	۵۸
لیزینگ‌ایران	۲,۲۷۶	۸۷
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۶۹۸	۱۰۳
کاشی الوند	۲,۷۵۱	۱۰۵
بانک پاسارگاد	۲,۱۴۹	۸۲
ایران خودرو	۲,۹۰۹	۱۱۱
گروه‌صنعتی‌سدید(هلدینگ	۲,۷۲۶	۱۰۴
بانک سینا	۲,۲۲۸	۸۵
سایپا دیزل	۹۴۴	۳۶
کارخانجات‌داروپخش	۱۸,۱۰۰	۶۹۰
فولادکاویان	۲,۱۵۲	۸۲
آهنگری تراکتورسازی ایران	۱,۷۶۰	۶۷
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲,۶۵۴	۱۰۱
کمباین سازی ایران	۱,۴۹۸	۵۷
سایپا	۱,۷۳۵	۶۶
پارس خودرو	۱,۱۳۱	۴۳
ایران خودرودیزل	۱,۰۸۰	۴۱
رادیاتور ایران	۱,۳۷۰	۵۲
چرخشگر	۱,۱۳۳	۴۳
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۵۸۱	۶۰
لیزینگ‌خودروغدیر	۱,۰۸۱	۴۱
زامیاد	۱,۳۷۶	۵۲
بانک صادرات ایران	۱,۰۶۴	۴۰
بانک‌پارسیان	۳,۴۷۰	۱۲۹
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۵,۴۶۸	۱۹۸
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۷,۳۲۰	۲۵۸
داروسازی جابرابن‌حیان	۶,۷۷۰	۲۳۶
داروسازی اکسیر	۱۶,۵۵۰	۵۵۸
گروه‌بهمن	۱,۹۴۰	۶۲
تکنوتار	۲,۷۹۸	۸۹
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۳,۵۲۰	۱۰۳
بانک انصار	۲,۳۶۰	۶۷
تولیدی‌مهرام	۶,۹۳۰	۱۹۱
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳۶,۴۴۰	۹۷۷
گروه دارویی سبحان	۶,۷۷۹	۱۸۱

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
تولیدموادا‌ولیه‌داروپخش	۱۷,۲۰۰	۴۲۶
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۴,۱۹۰	۹۹
مهرکام‌پارس	۸۹۷	۲۰
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۱,۵۹۹	۳۴
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳,۳۵۸	۶۸
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۶,۷۵۰	۱۳۵
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۲۹۰	۸۰
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۴,۷۶۹	۸۵
سرمایه‌گذاری‌ملت	۸۱۰	۱۴
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۶,۱۳۰	۱۰۱
داروسازی کوثر	۳,۵۹۹	۵۸
سیمان آرتا اردبیل	۱۹,۰۰۰	۳۰۲
کارت اعتباری ایران کیش	۱۰,۹۹۸	۱۷۳
پاکسان	۲۶,۰۰۰	۳۹۸
صنعتی بهشهر	۵۱,۰۰۰	۷۳۳
فولاد مبارکه اصفهان	۴,۵۵۰	۶۵
پتروشیمی شازند	۲۴,۰۰۰	۳۳۱
الکتریک خودرو شرق	۱,۰۴۵	۱۴
مخابرات ایران	۲,۷۶۹	۳۷
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۹۳۰	۲۳
مس شهیدباهنر	۲,۶۵۹	۳۱
کالسیمین	۸,۸۰۰	۱۰۲
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۹۱۶	۲۲
سیمان فارس نو	۵,۵۱۵	۶۰
سیمان سفیدنی‌ریز	۱۷,۸۷۴	۱۸۹
معادن‌منگنزایران	۸,۳۲۹	۷۲
ح . داده‌پردازی‌ایران	۱,۲۵۰	۱۰
پارس مینو	۶,۷۹۹	۵۳
سیمان کرمان	۸,۴۴۰	۴۵
سرمایه‌گذاری سپه	۲,۴۵۹	۱۳
ملی سرب‌وروی ایران	۲,۲۸۸	۱۱
نیروترانس	۶,۵۵۰	۲۶
کاشی سعدی	۵,۶۵۵	۲۱
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۸۸۹	۷
سالمین	۲,۷۰۰	۸
قند ثابت خراسان	۷,۰۰۰	۲۰
فنرسازی‌زر	۱,۱۳۶	۳
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۹,۹۰۰	۲۶
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۹,۵۷۹	۲۵
بانک‌اقتصادنوین	۲,۷۰۰	۵
نیرو محرکه	۱,۱۷۰	۲
رینگ‌سازی‌مشهد	۱,۲۸۲	۲
قند نیشابور	۵,۶۸۷	۸
پتروشیمی پردیس	۱۹,۲۰۰	۲۳
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۵۰,۹۸۹	۳۶
گسترش نفت و گاز پارسیان	۱۰,۶۰۰	۴
داروپخش (هلدینگ	۱۵,۱۳۰	۳
داروسازی فارابی	۱۸,۸۰۰	(۱)
پارس دارو	۲۷,۶۰۵	(۲۴)
پتروشیمی‌فارابی	۲۴,۹۹۷	(۳۴)
بانک کارآفرین	۲,۷۵۰	(۱۱)
شیشه و گاز	۷,۴۰۰	(۳۱)
محورسازان‌ایران‌خودرو	۱,۶۴۵	(۷)
شرکت ارتباطات سیار ایران	۴۵,۶۰۰	(۱۹۷)
صنایع لاستیکی سهند	۸,۵۳۰	(۴۳)
شهد	۲۴,۲۰۰	(۱۲۴)
توسعه‌معادن‌وفلزات	۸,۴۵۰	(۴۴)
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۸,۷۶۱	(۵۱)
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۵,۲۷۹	(۳۲)
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۶,۲۴۰	(۴۰)
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۳۴۰	(۹)
داروسازی اسوه	۲۲,۰۰۲	(۱۴۹)
بیمه پارسیان	۲,۵۰۳	(۱۹)
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۲,۰۷۱	(۱۶)
عمران‌وتوسعه‌فارس	۳,۰۸۹	(۲۴)
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۰۸۲	(۱۹)
داده‌پردازی‌ایران	۲,۳۲۳	(۲۲)
معدنی و صنعتی گل گهر	۱۲,۷۷۹	(۱۳۳)
سیمان دورود	۱۱,۱۹۰	(۱۱۷)
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۳,۹۳۰	(۱۴۹)
تجارت الکترونیک پارسیان	۷,۰۲۰	(۷۸)
ایران‌ارقام	۳,۰۵۱	(۳۵)
مارگارین	۱۰,۲۰۰	(۱۱۸)
پتروشیمی آبادان	۱۵,۱۰۰	(۱۷۷)
ایران ترانسفو	۴,۷۹۹	(۶۲)
نوش‌مازندران	۴,۰۰۰	(۵۵)
پارس‌سویچ	۴,۵۵۰	(۶۵)
فولاد خوزستان	۴۶,۳۰۰	(۶۶۵)
سامان گستراصفهان	۱,۵۳۰	(۲۵)
لبنیات پاک	۵,۸۵۰	(۱۰۳)
باما	۱۱,۱۴۹	(۱۹۷)
کربن ایران	۵,۴۰۲	(۹۶)

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سیمان‌هگمتان	۶,۳۵۰	(۱۱۸)
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۳,۵۰۹	(۶۶)
بیمه دانا	۱,۵۲۴	(۲۹)
قندنقش‌جهان	۹,۰۳۹	(۱۷۷)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۴۸۵	(۳۱)
سیمان‌خاش	۸,۴۴۰	(۱۸۲)
سیمان‌سپاهان	۲,۰۳۷	(۴۴)
توسعه معادن روی ایران	۳,۳۳۰	(۷۲)
تولیدمحورخودرو	۱,۳۷۴	(۳۰)
ملی صنایع مس ایران	۳,۸۵۸	(۸۶)
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۳,۰۶۰	(۷۱)
حفاری شمال	۶,۱۷۰	(۱۴۷)
صنایع شیمیایی فارس	۱۲,۰۰۵	(۲۹۵)
فولاد آلیاژی ایران	۳,۶۸۴	(۹۲)
پتروشیمی‌شیراز	۱۰,۷۴۰	(۲۷۱)
نیروکلر	۱۰,۱۲۵	(۲۵۷)
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۴,۴۰۰	(۱۱۴)
تراکتورسازی‌ایران	۳,۶۱۰	(۹۵)
سیمان کردستان	۱۴,۹۱۲	(۴۰۶)
پالایش نفت بندرعباس	۱۵,۱۸۰	(۴۱۹)
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲,۲۰۱	(۶۴)
قندهکمتان	۱۶,۰۰۵	(۴۷۲)
لعابیران	۸,۳۵۱	(۲۶۲)
سیمان داراب	۵,۰۵۱	(۱۶۰)
قند مرودشت	۲۹,۷۵۰	(۹۵۱)
قنداصفهان	۷,۵۵۲	(۲۴۶)
پالایش نفت اصفهان	۳۱,۱۲۰	(۱,۰۴۶)
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۵,۹۰۰	(۲۰۳)
سیمان خزر	۴,۷۶۰	(۱۶۵)
سیمان فارس و خوزستان	۲,۹۹۰	(۱۰۵)
آلومینیوم‌ایران	۷,۸۰۰	(۲۹۰)
پارس الکتریک	۳,۷۸۷	(۱۴۳)
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۶۳۸	(۶۲)
بیمه آسیا	۱,۳۹۰	(۵۴)
پشم‌شیشه‌ایران	۶,۴۷۰	(۲۵۲)
سرمایه گذاری پردیس	۲,۰۰۰	(۷۸)
پالایش نفت تبریز	۲۹,۰۳۹	(۱,۱۷۲)
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۸۵۰	(۷۵)
بیمه البرز	۱,۷۰۲	(۷۰)
دارویی لقمان	۴,۱۸۰	(۱۷۲)
سرمایه گذاری شاهد	۱,۷۶۸	(۷۳)
فیبر ایران	۳,۸۲۶	(۱۵۸)
کابل البرز	۲,۱۵۵	(۸۹)
کاشی اصفهان	۲,۷۵۸	(۱۱۴)
سیمان شمال	۳,۳۱۲	(۱۳۷)
آبسال	۳,۹۶۰	(۱۶۴)
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۹۰۶	(۷۹)
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۸۰۹	(۷۵)
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۲,۶۵۱	(۵۲۵)
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۵,۲۰۵	(۲۱۶)
فولاد امیرکبیرکاشان	۵,۹۹۷	(۲۴۹)
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۲,۶۰۰	(۱۰۸)
شیمی داروئی داروپخش	۸,۰۳۷	(۳۳۴)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌صنعتی‌ایران	۲,۴۳۰	(۱۰۱)
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۶,۱۵۹	(۲۵۶)
ساپاشیشه	۲,۱۱۷	(۸۸)
ذغال‌سنگ نگین طبس	۳,۶۰۸	(۱۵۰)
داملران	۱۱,۰۸۵	(۴۶۱)
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۸۸۵	(۱۲۰)
دوده صنعتی پارس	۱۳,۴۳۷	(۵۵۹)
قند شیرین خراسان	۶,۷۵۳	(۲۸۱)
حمل‌ونقل‌توکا	۶,۰۵۶	(۲۵۲)
موتوژن	۱۲,۶۱۵	(۵۲۵)
چینی ایران	۹,۳۲۳	(۳۸۸)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۶,۷۵۲	(۲۸۱)
داروسازی ابوریحان	۱۵,۸۵۸	(۶۶۰)
لامپ پارس شهاب	۱۴,۱۰۴	(۵۸۷)
کنتورسازی‌ایران	۱۳,۸۶۱	(۵۷۷)
پارس سرام	۵,۳۳۳	(۲۲۲)
سیمان صوفیان	۴,۲۷۶	(۱۷۸)
سیمان‌هرمزگان	۱۴,۳۱۷	(۵۹۶)
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۷,۲۲۹	(۳۰۱)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۶,۷۷۲	(۲۸۲)
نفت بهران	۳۸,۱۸۳	(۱,۵۹۰)
درخشان تهران	۵,۷۱۵	(۲۳۸)
خوراک دام پارس	۱۵,۴۶۳	(۶۴۴)
سیمان‌اصفهان	۳۹,۲۵۴	(۱,۶۳۵)
سیمان بهبهان	۴۳,۶۹۱	(۱,۸۲۰)
سیمان‌مازندران	۱۹,۶۳۷	(۸۱۸)
کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۸,۹۷۵	(۱,۲۰۷)
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۰,۱۰۶	(۴۲۱)
سیمان‌غرب	۸,۲۵۷	(۳۴۴)

لازمه ریشه کنی موادمخدر انجام اقدام‌های فرهنگی است

ملایر ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار ویژه ملایر گفت: مبارزه با موادمخدر به عنوان یک پدیده شوم اجتماعی، نیازمند روحیه بسیجی و جهادی همه ارگان‌ها و نهادهای اجرایی این شهرستان است.

مصطفی آزادبخت افزود: باید تمام توان خود را برای سالم‌سازی جامعه از این پدیده خانمانسوز به کار گیریم.

فرمانده نیروی انتظامی ملایر نیز از کشف یک تن و ۴۰۷ کیلوگرم انواع مواد مخدر در نیمه نخست امسال خبر داد و گفت: میزان کشفیات موادمخدر نسبت به مدت مشابه پارسال ۲/۵ درصد افزایش داشته است.

سرهنگ ابراهیم سعیدی افزود: ۶۶ طرح پاکسازی در نقاط آلوده شهرستان اجرا و در این راستا، ۵۴۷ نفر توزیع کننده، خرده‌فروش، نگهدارنده مواد، تولید و توزیع کننده و قاچاقچی عمده موامخدر دستگیر شدند.

وی همچنین از شناسایی پنج شبکه تهیه و توزیع موادمخدر در نیمه نخست امسال خبر داد و افزود: ماه گذشته ۱۹ کیلو و ۸۸۳ گرم تریاک در این شهرستان کشف و ضبط شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۱۶ درصد افزایش نشان می‌دهد.

معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری ویژه ملایر نیز از برگزاری ۱۱۰ جلسه و کارگروه آموزشی مبارزه با موادمخدر در نیمه نخست امسال خبر داد و گفت: در این زمینه ۵۵۷۰ نفر زیر پوشش این آموزش‌ها قرار گرفتند. محمد قاسم عبدلی خواستار اختصاص بخشی از جلسات انجمن اولیا و مربیان مدارس به موضوع مواد مخدر، احصاء ۱۰ رفتار خطرساز توسط آموزش و پرورش، تهیه و توزیع تراکت و بروشورهای موادمخدر در مدارس و دانشگاه‌ها شد.

دبیر ستاد مبارزه با موادمخدر ملایر گفت: ۲۲ درصد از افراد معتادی که وارد کمپ‌های ترک اعتیاد در این شهرستان می‌شوند، دوباره به مواد مخدر روی می‌آورند.

آیت قربانی فر کمبود اعتبارات، نا آگاهی خانواده‌ها درباره افراد پاک شده و نوع رفتار با آنها را از جمله مشکلات برشمرد و گفت: برای پیشگیری از رویگردانی افراد، معتاد به مواد مخدر به طور صددرصدی، باید موانع و مشکلات رفع شود.

وی با بیان اینکه شهرستان ملایر امسال نیز به عنوان پایلوت مبارزه با موادمخدر انتخاب شد، اضافه کرد: در این راستا، انتظار ما همراهی و همکاری بیشتر مدیران و مسئولان استانی به مجموعه شهرستان است.

رئیس اداره بهزیستی ملایر نیز گفت: پنج کمپ در روستاهای ازناو، اسلام‌آباد، پری، توچغار و حاجی آباد در حال انجام مراحل لازم برای اخذ مجوز قانونی هستند.

حمیدالله فارسی ادامه داد: تا پایان امسال با وجود دو کمپ دارای مجوز قانونی در ملایر، تعداد این کمپ‌ها به هفت مورد خواهد رسید.

انتصاب در بهزیستی شهری

شهری ـ خبرنگار اطلاعات: در مراسمی یوسف رضایی مدیر بهزیستی شهری سرپرست جدید مجتمع خدمات بهزیستی کورس را معرفی و منصوب کرد.

به گزارش روابط‌عمومی بهزیستی شهری، در این مراسم که با حضور کارکنان و مسئولان بهزیستی شهرستان برگزار شد از ۸ ماه تلاش فاطمه شریفی سرپرست پیشین این مجتمع قدردانی به عمل آمد و نورالدین فائقی به عنوان سرپرست جدید منصوب شد. وی پیش از این به عنوان مدیر بهزیستی بستان‌آباد در آذربایجان‌شرقی فعالیت می‌کرد.

افتتاح ایستگاه پمپاژ آب آشامیدنی اردبیل

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: ایستگاه پمپاژ آب آشامیدنی اردبیل به بهره‌برداری رسید.

کمال‌الدین پیرمؤذن نماینده اردبیل، نمین، نیر و سرعین در مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب افزود: بهره‌برداری از این نمایشگاه آبرسانی تغییر مثبتی در کیفیت آب آشامیدنی منطقه خواهد داشت و امیدواریم با تخصیص اعتبارات مناسب روند اجرا و بهره‌برداری از چنین طرح‌هایی ادامه یابد.

وی ادامه داد: با توجه به دریافت مجوز فروش اوراق مشارکت به مبلغ ۷۵۰ میلیارد ریال برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آب و فاضلاب و سایر پروژه‌های سدسازی استان، امیدواریم در سایر شهرستان‌ها نیز این پروژه‌ها با جدیت بیشتری ادامه یابد.

پیرمؤذن افزود: مجمع نمایندگان پیگیر دریافت حقابه استان از محل رودخانه قزل اوزن است تا هم کیفیت و هم کمیت آب آشامیدنی بالا رود.

تصویب ۱۷ طرح برای نجات دریاچه ارومیه در هیأت دولت

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین همایش ملی تأثیر پسروی دریاچه ارومیه بر منابع خاک و آب در تبریز برگزار شد. رئیس سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان‌شرقی در این همایش گفت: توفان نمکی، خشکی قنوات، رسوب لایه‌های نمکی، اختلال در فتوسنتز، به هم خوردن تعادل آب‌های شیرین شور و شیرین، کاهش آب چاه‌ها، سرمای بهاری به علت تغییرات اقلیمی در منطقه از تأثیرات پسروی دریاچه ارومیه بر منابع آب و خاک است.

مسعود محمدیان از جمله راهکارهای مقابله با این تأثیرات را افزایش بهره‌وری در واحد سطح کشاورزی دانست و افزود: در حوزه دریاچه ارومیه ۱۲ شهرستان و ۶۷۰ هزار هکتار زمین تحت تأثیر پسروی دریاچه قرار دارند.

وی گفت: ۲۰۴ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی شهرستان‌های ملکان، بناب، عجب‌شیر، آذرشهر، اسکو و تبریز به صورت مستقیم از دریاچه ارومیه تأثیر می‌گیرند. او با اشاره به این‌که یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی آذربایجان‌شرقی با محدودیت‌های آبی روبرو است، یادآور شد: سالانه ۵ میلیون تن محصولات کشاورزی در استان تولید می‌شود.

محمدیان با اشاره به این‌که محصولات کشاورزی استان توسط ۳۵۰ واحد بسته‌بندی و روانه بازار می‌شود، اعلام کرد: در نیمه نخست امسال ۹۶ میلیون دلار صادرات محصولات کشاورزی از استان انجام شده که نسبت به پارسال ۱۱ درصد افزایش یافته است.

رئیس مؤسسه تحقیقات آب و خاک کشور نیز در این همایش گفت: مشکل دریاچه ارومیه از معضلات کل کشور است و اگر این دریاچه در هر جای دیگر کشور بود، احتمال چنین اتفاقی وجود داشت.

حسین بشارتی با تأکید بر انجام مطالعات خاک‌شناسی در حوزه دریاچه ارومیه افزود: در آذربایجان‌شرقی ۳۵ درصد مطالعات خاک‌شناسی حوزه دریاچه ارومیه و در آذربایجان‌غربی ۵۰ درصد مطالعات انجام شده است.

بشارتی اعلام کرد: وقوع خشکسالی‌های پی‌درپی، ساخت سدها، برداشت بی‌رویه آب از رودخانه‌ها، حفر چاه‌ها، افزایش دما و کاهش میزان بارندگی از جمله عوامل اصلی پسروی دریاچه ارومیه است.

وی گفت: ۲۹ سد فعال در حوزه دریاچه ارومیه وجود دارد و ۱۶ سد دیگر در حال ساخت و ۱۷ سد هم در دست مطالعه است که حجم آب ورودی به دریاچه را کم می‌کند.

او با اشاره به این‌که حجم آب ورودی به دریاچه ارومیه تا سال ۷۵ معادل ۵ میلیارد مترمکعب بوده است، افزود: این میزان در سال‌های اخیر به ۲/۳ میلیارد مترمکعب کاهش یافته است که برای جبران این کمبود باید حداقل مقدار آب ورودی به دریاچه ارومیه ۴ میلیارد مترمکعب باشد.

وی گفت: حجم آب دریاچه ارومیه باید به ۶ تا ۷ میلیارد مترمکعب برسد تا مشکل پسروی این دریاچه برطرف شود.

او از تصویب ۱۷ طرح مختلف برای احیای دریاچه ارومیه در هیأت دولت خبر داد و افزود: یکی از چالش‌های منابع آب و خاک کشور پسروی دریاچه ارومیه است که امنیت غذایی را دچار چالش جدی کرده است.

دبیر نخستین همایش ملی تأثیر پسروی آب دریاچه ارومیه بر منابع آب و خاک در تبریز تأکید کرد: چاره‌اندیشی برای احیای این دریاچه به علت تأثیرات مخرب آن بر کشاورزی و اقتصاد منطقه ضروری است.

حسین منیری‌فرد ژئوشیمی خاک‌های شور، الگوی کشت در شرایط شور، حاصلخیزی خاک در مناطق شور، برنامه‌ریزی آبیاری مناطق و منابع آب در مناطق شور را از جمله محورهای همایش اعلام کرد و گفت: بادهای نمکی زمین‌های کشاورزی و باغی حاشیه دریاچه ارومیه را تحت تأثیر مستقیم خود قرار داده و علاوه بر آن موجب خشک شدن و یا شوری چشمه‌ها و چاه‌های کشاورزی این حوزه شده است.

مصطفی قنبری، دبیرخانه کشاورز نیز با تأکید بر این که خشک شدن دریاچه ارومیه همه سرمایه‌های کشاورزان را بر باد خواهد داد، گفت: در صورت خشک شدن دریاچه ارومیه آنچه اکنون بر سر چند روستای کنار دریاچه ارومیه آمده، بر سر همه ما خواهد آمد.

وی با اشاره به وقوع توفان نمکی گفت: هشدار می‌دهم که با خشک شدن دریاچه ارومیه فاجعه انسانی در راه است.

او با انتقاد شدید از نحوه برداشت نمک از سطح دریاچه ارومیه، گفت: برداشت نمک بصورت اصولی انجام نمی‌شود و ماشین آلات سنگین بدون هیچ ملاحظه‌ای بلورهای نمکی را شکسته و باعث می‌شوند با کوچک‌ترین وزش باد، نمک‌ها به کشتزارهای اطراف پراکنده شوند.

دبیرخانه کشاورز خواستار تعیین یک متولی واحد برای نجات دریاچه ارومیه شد و با اشاره به اقدام‌های سازمان صدا و سیما در امر اطلاع‌رسانی وضع این دریاچه گفت: صدا و سیما نتوانسته با ما همراهی کند و وظیفه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی خود را بجا نیاورده است.

عضو شورای شهر تبریز نیز در سخنانی با ابراز نگرانی از وضع بحرانی دریاچه ارومیه گفت: زمان آبیاری به روش غرقابی گذشته است و باید دولت به مدرن کردن روش‌های آبیاری کشاورزی در حوزه دریاچه همت گمارد.

رعایت نکردن شاخص‌های بهداشت دهان و دندان در مرز هشدار قرار دارد

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: ایران در زمینه رعایت نکردن شاخص‌های بهداشت دهان و دندان در مرز هشدار قرار دارد. دکتر حمیدرضا پاکشیر، رئیس یازدهمین کنگره ارتودنتیست‌های ایران در یازدهمین دوره برگزاری این کنگره گفت: یکی از شاخص‌های سلامت دندان شاخص DMFT وضع سلامت دهان و دندان است که برای گروه‌های سنی زیر ۱۲ سال در نظر گرفته شده که با معاینه و بررسی وضع دهان و دندان افراد در یک گروه سنی خاص به دست می‌آید.

او افزود: قبل از انقلاب و زمانیکه فقط هشت دانشگاه دندان‌پزشکی در کشور وجود داشت وضع خرابی دندان یک به هشت بود. در حالیکه امروز با وجود ۶۰ دانشکده دندانپزشکی وضع خرابی دندان به عدد ۵ رسیده است.

وی گفت: پیش از انقلاب فقط پنج دانشکده دندانپزشکی در ایران وجود داشت و تا چند سال پیش این آمار به ۱۸ دانشکده رسید که در ۴ و ۵ سال اخیر به یک باره با رشدی چند برابری ۶۰ دانشکده دندانپزشکی در کشور فعالیت دارند که از ۶۰ دانشکده ۳۶ دانشکده سراسری، ۱۹ دانشکده بین‌المللی و دانشکده آزاد هستند و در مجموع سالانه ۲۵۰۰ دانشجو از آنها دانش‌آموخته می‌شود.

او اضافه کرد: با احتساب خروجی دانشکده‌ها و چند هزار دندانپزشک مشغول به کار باید حداقل شاهد کاهش آمار پوسیدگی دندان کودکان بود.

پاکشیر در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه برگزاری کنگره‌ها باید با توجه به محور اصلی انجام شود، گفت: متأسفانه در کنگره‌ها کمتر به محور اصلی که همان نیازها است، توجه می‌شود و بیشتر سخنرانان و مقاله‌ها در حاشیه‌های بحث اصلی ارائه می‌شود.

رئیس یازدهمین کنگره بین‌المللی انجمن ارتودنتیست‌های ایران با تأکید بر این مطلب که وضع عدم سلامت دندان‌ها در مورد کودکان و دندان‌های شیری بسیار دیده می‌شود، گفت: کودکان به سبب آن که آینده‌سازان کشور هستند و باید افراد سالم و فعال جامعه را تشکیل دهند از نظر بهداشت دهان و دندان بسیار مهم تلقی می‌شوند.

در یازدهمین کنگره بین‌المللی انجمن ارتودنتیست‌های ایران میهمانانی از کشورهای آمریکا، انگلیس، بلژیک، آلمان و ترکیه حضور داشتند و ۳۰۰ مقاله به دبیرخانه این کنگره ارسال شده بود که از میان آنها ۱۲۰ مقاله مورد تأیید قرار گرفت که ۵۳ پوستر و ۷۶ سخنرانی در نظر گرفته شد.



انتقاد رئیس مرکز بهداشت دزفول از وضع نامناسب جاده‌های منطقه

دزفول ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس مرکز بهداشت دزفول، از وضع نامناسب جاده‌های مناطق صعب‌العبور منطقه انتقاد کرد و گفت: این امر خدمات‌رسانی پزشکی را با مشکل مواجه کرده است.

به گزارش روابط‌عمومی دانشگاه علوم‌پزشکی دزفول، بیتا چابیده افزود: اعضای تیم سلامت به‌منظور خدمات‌رسانی بعضی اوقات مجبور هستند از چهار پا استفاده کنند. او اضافه کرد: این مناطق یا فاقد جاده هستند یا جاده‌های خاکی و کم‌عرض دارند که هنگام بارندگی و ریزش کوه مسدود می‌شوند.

رئیس مرکز بهداشت دزفول افزود: حاشیه این جاده‌ها غیرایمن و بدون حفاظ بوده و دره‌های عمیقی در طول مسیر جان اعضای تیم سلامت را تهدید می‌کند به‌طوری‌که خودرو حامل گروه‌های پزشکی بارها در خطر سقوط به دره قرار گرفته است. وی گفت: تیم سلامت گاهی به دلیل قطع مسیر با موانع طبیعی چون رودخانه از وسایل ابتدایی و غیرایمن برای رسیدن به محل مأموریت استفاده می‌کند که بسیار خطرناک است.

چابیده افزود: پزشکان و ماماهای اعزامی به مناطق کوهستانی دزفول پس از طی مسیر صعب‌العبور در فضای باز یا زیر چادر و خانه‌های سنگی زیرنور چراغ نفتی و گازسوز بیماران را معاینه می‌کنند.

به گفته وی، تیم سلامت مناطق صعب‌العبور به رغم وجود مشکلات یاد شده به‌صورت هفتگی از خانه‌های بهداشت و ماهانه از مناطق صعب‌العبور دیدن می‌کند.

رئیس مرکز بهداشت دزفول از مسئولان ذیربط خواست به مشکلات مناطق صعب‌العبور رسیدگی کنند تا با ساخت جاده مناسب شاهد حوادث مشابه برای تیم سلامت و سایر ساکنان مناطق صعب‌العبور نباشیم.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

روح معنویت ازدواج گم شده است

با گم شدن روح معنویت ازدواج و کم رنگ‌تر شدن پیروی از الگوی پایدار زندگی زناشویی حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س)، سرعت طلاق ۱/۵ برابر ازدواج می‌شود و عمر نیمی از زندگی‌های مشترک به ۵ سال هم نمی‌رسد.

خرم‌آباد ـ یک شهروند

با چه شماره‌ای می‌توان اعلام انصراف کرد؟

اپراتور همراه اول بابت ارسال هر پیامک به زبان‌های مختلف بدون آنکه مشترک علاقه‌مند به دریافت آنها باشد، حدود ۲۵۰ تومان هزینه دریافت می‌دارد. لطفاً مسئولان این شرکت اطلاع‌رسانی کنند که با ارسال پیامک به کدام شماره می‌توان از دریافت پیامک‌های تبلیغاتی اعلام انصراف کرد؟

مشترک همراه اول

چرا تقلیل کار تعلق نمی‌گیرد؟

طبق بخشنامه وزارت آموزش و پرورش به معلمان مقطع ابتدایی با بیش از ۲۰ سال سابقه، تقلیل کار تعلق می‌گیرد. در حالی که مسئولان ذی‌ربط از اعطای شرایط تقلیل کار و یا پرداخت معادل ریالی آن به معلمانی مانند من که ۲۷ سال سابقه تدریس در مقطع ابتدایی را دارند، خودداری می‌کنند.

از معلمان مقطع ابتدایی

نصب سرعتکاه ضرورت دارد

نصب سرعتکاه در مهرویلای کرج، میدان معلم، ابتدای خیابان انوشیروان غربی به دلیل وجود ساختمان مسکونی ۱۲ واحدی در نبش این خیابان و سرعت بالای خودروها، ضرورت دارد.

از ساکنان مهرویلا

خطرات یک درخت برای رانندگان ناآشنا

در حالی که تعداد زیادی درخت در سطح شهر به دلایل نامعلومی قطع و یا خشک می‌شوند، شهرداری برای نگهداری از یک درخت در وسط خیابان شریفی‌منش الهیه، دور آن را سنگ‌چین کرده که همین اقدام باعث بروز مشکلات و خطراتی برای رانندگان ناآشنا به این خیابان به ویژه در شب‌ها شده است.

از ساکنان الهیه

شیره انگور را با شکر تهیه می‌کنند

در شهرستان ملایر عده‌ای سودجو به صورت تقلبی شیره انگور را با شکر تهیه می‌کنند و با قیمت نازل و سوء استفاده از نبود نظارت کافی مأموران وزارت بهداشت و درمان، به فروش می‌رسانند.

ملایر ـ بیات

پل روگذر به پارکینگ تبدیل شده است

پل روگذر خیابان کمیل واقع در بزرگراه شهید نواب صفوی به پارکینگ شبانه‌روزی کامیون‌ها و اتوبوس‌ها تبدیل شده است و دور از انتظار نیست که به دلیل سنگینی پل حادثه‌ای رخ دهد. چرا مأموران راهنمایی و رانندگی با وجود نصب تابلوی پارک ممنوع در این محل، با متخلفان قاطعانه برخورد نمی‌کنند.

از ساکنان خیابان کمیل

یک پیام با ۳ عنوان!

شرکت ایرانسل علیرغم خدمات ارزنده‌ای که ارائه می‌دهد، متأسفانه گاهی یک پیام را به ۳ عنوان مشترک گرامی، محترم و عزیز ارسال می‌دارد که جا دارد از این اقدام جلوگیری به عمل آید.

مشترک ایرانسل

معوقه سال جاری چیست؟

علاوه بر مالیات بر ارزش افزوده و عوارض که بر قبوض آب و برق درج می‌شود، اخیراً نیز مبلغی با عنوان معوقه سال جاری از مشترکان دریافت می‌شود که باید از مسئولان ذی‌ربط پرسید که معوقه سال جاری به چه معناست؟

شهروند تهرانی

رونمایی از کهن‌ترین نسخه کلیات خواجوی کرمانی

کرمـان ـ خبرنگار اطلاعات: کهن ترین نسخه کلیات کمال‌الدین ابوالعطا محمودبن علی متخلص به خواجوی کرمانی رونمایی شد.

استاندار کرمـان در آییـن رونمایـی از ایـن کتـاب گفت: دیـوان خواجوی کرمانی علاوه بر این‌کـه ادبیات و هنـر را به زیبایی در خـود جای داده اسـت، درس زندگی است.

اسـماعیل نجار افـزود: در بزرگـی و غنای اشـعار خواجوی کرمانـی همین بـس که حضرت فاطمه با همه بلندآواری به اشـعار وی استقبال داشته است.

رئیس دانشگاه شـهید باهنر کرمان نیز گفت: این نسخه حاصل کار علمی جمعی از متخصصان و پژوهشگران است.

نصـرالله گرامی افـزود: این نسـخه از دیوان خواجـو، از موزهٔ ملک گرفته شـده اسـت و نسخهٔ دیگـری نیـز در مـوزهٔ بریتانیـا نگهداری می‌شـود که بیشتر جنبهٔ هنری دارد و با همکاری مسئولان این نسـخه را نیز گرفته‌ایم و روی آن کار خواهیـم کرد تا در آینده‌ای نزدیک از آن هم رونمایی شود.



یکـی از اسـتادان ادبیـات دانشـگاه شهید باهنر کرمان نیز در این آیین نسـخه کلیـات خواجو را از نظـر قدمـت و ارزش هنری کم‌نظیر توصیف کرد و گفت: این نسخه از کلیات خواجوی کرمانی از جمله معدود نسـخه‌هایی است که هـم از نظر متن‌شناسـی و هم نسخه‌شناسی دارای ارزش است.

به گفته علیرضا هاشـمی‌نژاد این نسخه مربوط به قرن هشتم از نظر قدمت خوشنویسی از معدودترین نسخه‌ها در حوزه کرمان و نستعلیق در کشـور اسـت. او افـزود: این نسخه شخصیت بومی دارد و تمام ویژگی‌های نسـخه اصلی کلیات خواجو در عکـس برگردان آن به چاپ رسـیده و نسخه در اندازه و فرم اصل است.

یکی دیگر از استادان ادبیات دانشـگاه شـهید باهنر کرمان نیز گفت: نسـخه‌های خطی زیادی از آثـار خواجوی کرمانی به جا مانده است که در موزه‌های معتبر بریتانیا، ترکیـه، هنـد و ایـران نگهداری می‌شـوند. محمود مدبری افزود: ۳۰ هزار بیت از اشـعار خواجوی کرمان در دسـت است که بیش از نیمی از آنهـا مربوط به دیوان وی شـامل قالب‌های مختلف شعری و نیمی دیگر مربوط به «خمسـه» خواجو است.

وی اعـلام کـرد: خمسـه خواجوی کرمانـی شـامل پنج اثر اسـت که موفق‌تریـن آنها «همای همایـون» بـا ۴۴۰۰ بیـت و در چاپ‌های متعدد اسـت. این استاد دانشگاه پیشنهاد کرد که ۱۷ دی روز تولد خواجوی کرمانی به نام شعر و ادب کرمان نامگذاری شود.

جشنواره ملی داستان‌نویسی در دهلران برگزار می‌شود

دهلران ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین جشـنواره ملی داستان‌نویسی در دهلران برگزار می‌شود. ایرج رضایی سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دهلران گفت: انجمـن ادبی آفتاب دهلران با همکاری اداره فرهنگ و ارشـاد اسـلامی در راستای تقویت و ترویج هنر داسـتانی اقدام به برگزاری نخستین جشنواره ملی داستان‌نویسی با عنوان آفتاب کرده است.

وی افزود: این جشـنواره در دو بخش آزاد و ویـژه با موضوع حجاب و عفاف، سـبک زندگی ایرانی اسلامی، شعار سال، امر به معروف و نهی از منکر و ایثار و شـهادت برگزار می‌شـود. رضایی با اشـاره به جوایز بخش آزاد این جشنواره گفت: در این جشنواره در بخش آزاد به پنج اثر برگزیده جوایز نقدی اهدا می‌شود.

سرپرسـت اداره فرهنگ و ارشـاد اسلامی دهلران با اشـاره به این‌که به برگزیدگان بخش ویژه جشـنواره نیز جوایز نفیسـی اهدا خواهد شد، افزود: مهلت ارسال آثار تا ۲۰ آذر و تاریخ برگزاری جشنواره ۳ بهمن است.

رونمایی از بزرگترین تندیس سنگی در اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: بزرگترین تندیس سنگی کشور و نماد عصر عاشورا به همت شهرداری اصفهان رونمایی شد.

محمدرضا نیلفروشان مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری اصفهان با بیان این مطلب افزود: نماد عصر عاشـورا با الهام از وقایع عاشورا با هنرمندی حسـن ملانوروزی مجسمه‌ساز ساخته شده و در گلسـتان شهدا نصب شده است. او در ادامه با اشاره به ساخت تندیس سردار شهید محمود شهبازی گفت: این تندیس از نظر تکنیک ساخت و ابعاد بزرگترین تندیس سنگی ساخته شده در کشور است که در میدان جمهوری اسلامی شهر اصفهان نصب شده است.

۴۰۰ هزار نفر از نمایشگاه کتاب کرمان دیدن کردند

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: دوازدهمین نمایشـگاه کتاب کرمان به کار خود پایان داد.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان گفت: در نمایشگاه امسال ۴۲۰ ناشر شـرکت داشتند. احمد سعیدی زیربنای نمایشـگاه کتاب کرمان را ۶۰۰۰ مترمربع اعلام کرد و افزود: ۴۰۰ هزار نفر از این نمایشگاه دیدن کردند.

وی با اشـاره به برپایی سـه نمایشـگاه کتاب در شهرسـتان‌های بم بم، رفسنجان و کرمان یادآور شد: امسال یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بن کارت خرید کتاب بیش از سال گذشته در سبد کالای فرهنگی شهروندان کرمانی قرار گرفته است.

خواننده کهنسال روزنامه اطلاعات در بهشهر درگذشت

بهشـهر ـ خبرنـگار اطلاعات: کارمند بازنشـسـته شـهرداری و یکی از کهنسال‌ترین خوانندگان روزنامه اطلاعات در بهشهر درگذشت.

نصـرت‌الله میرزایی که بیش از ۸۵ سـال از عمرش می گذشـت تا هفته گذشـته هر روز شخصاً قبل از شروع کار دفتر نمایندگی و باز شدن گونی‌های روزنامه، در کنار دفتر نمایندگی اطلاعات می‌نشست و پس از دریافت روزنامه، مشـتاقانه در کنار خیابان صفحه‌های اصلی و تیترهای مهم را مطالعه می‌کرد و به منزلش می‌رفت.

وی ۳۵ سـال در بخش‌های مختلف شـهرداری بهشهر به همشهریانش خدمت کرد و ۳۰ سال مشترک روزنامه اطلاعات بود.

ایجاد مراکز مشاوره اجتماعی در یگان‌های سازمان قضایی نیروهای مسلح

سـاری ـ خبرنگار اطلاعات: مراکز مشـاوره اجتماعـی و مددکاری در یگان‌های سازمان قضایی نیروهای مسلح کشور ایجاد می‌شود.

رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح کشور با بیان مطلب بالا در بیستمین مجمع استانی پیشگیری از وقوع جرم در ساری افزود: با ایجاد این مرکز جرائم از جمله قتل، خودزنی و ضرب و جرح در سـازمان قضایی نیروهای مسـلح کاهش می‌یابد.

حجت‌الاسلام محمد کاظم بهرامی با اشـاره به اینکه پیشگیری از وقوع جرم در نیروهای مسـلح در اولویت کاری سـازمان قـرارداد افزود: حتی اگر یک جرم هم در این تشـکیلات رخ دهد باید بحث پیشـگیری از وقوع جرم را همچنان در دسـتور کار خود قرار دهیم، زیرا تعلل در این امر مهم خسارت جبران‌ناپذیری به همراه دارد. او اضافه کرد: پیشـگیری از وقوع جرم مجموعه تدابیر و اقدامات کیفری و غیر کیفری اسـت که با هدف مقابله با بزهکاری از طریق کاهش یا از بین بردن عوامل جرم‌زا و نیز اثرگذاری بر فرصت‌های پیش جنایی به کار می‌رود.

تعطیلی کارخانه سیمان سیستان به دلیل کمبود سوخت

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: کارخانه سـیمان سیستان که یکی از بزرگترین واحدهای تولیدی این صنعت در کشور است به‌دلیل کمبود سوخت مازوت تعطیل شد.

مهنـدس محمدرضـا احسـان‌فر مدیرعامل کارخانه سـیمان سیسـتان گفت: این کارخانه با سه شـیفت کاری سـال ۸۹ راه‌اندازی شـد و ۵۰۰ نفر به‌صورت مسـتقیم و ۴۰۰۰ نفر غیرمسـتقیم از این کارخانه امرار معاش می‌کنند.

به گفته وی از ابتدای امسال تاکنون ۳۵۰ هزار تن سـیمان از این کارخانه به خارج از کشور صادر شده است که در صورت تأمین سوخت موردنیاز تا پایان امسال به ۶۰۰ هزار تن خواهد رسید.

احسان‌فر گفت: با مصرف ذخیره سوخت این کارخانه که با نرخ هر لیتر ۷۰ تومان تأمین شده بود، به دلیل مقرون به صرفه‌نبودن مصرف سوخت ۲۰۰ تومانی ترجیح می‌دهیم تا برطرف‌شدن مشکل، تولید را متوقف کنیم.

وی بـا تأکید بر این‌که ارزش حرارتی یک لیتر مازوت مسـاوی ارزش حرارتی یک متر مکعب گاز است، اعلام کرد: با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها قیمت هر متر مکعب گاز با رشد ۷۰۰ درصدی از ۱۰ به ۷۰ تومان افزایش یافت در حالی که قیمت هر لیتر مازوت با رشـد ۲۰۰۰ درصدی از حدود ۱۰ تومان (۹۴/۵ ریال) به ۲۰۰ تومان افزایش یافت.

به گفته احسان‌فر با اعمال این تغییرات در نرخ گاز طبیعی و مازوت قیمت سوخت برای کارخانه‌هایی که در مناطق گازرسـانی شـده مستقر شده‌اند هفت برابـر افزایش یافـت در حالی که ایـن هزینه برای کارخانه‌هایی که در مناطق محروم و گازرسانی نشده قرار گرفته‌اند ۲۰ برابر افزایش یافته است.

وی افزود: علاوه بر تغییرات نرخ سوخت باید به این نکته نیز توجه داشت که کارخانه‌های گازسوز سـوخت خود را پای مشـعل‌ها دریافت و حداقل یک ماه بعد وجه آن را پرداخت می‌کنند در حالی که کارخانه‌های مازوت‌سوز باید ابتدا وجه سوخت خود را بـه صـورت نقدی پرداخت کـرده و علاوه بر آن هزینه‌های حمل و نقل و فرآوری مازوت که حدود ۴۰ تا ۵۰ تومان به ازای هر لیتر بر قیمت سوخت اضافه می‌شود را نیز متحمل شوند.

او اضافـه کـرد: بنابرایـن هزینه‌هـای تمـام شـده کارخانه‌های سـیمان مازوت سوز نسبت به کارخانه‌های گازسوز حداقل سه برابر است در حالی کـه محصول این دو نوع کارخانه به یک نرخ عرضه می‌شود.

بـه گفته وی کاهـش تولید و تبـع آن کاهش صادرات، کمبود سـیمان موردنیاز داخلی، از دست رفتن بازارهای صادراتی، خسارات ناشی از خاموش و روشـن‌کردن کارخانه‌هـا و همچنیـن بیکاری و بحران اجتماعی از جمله خسـارات ناشی از توقف کارخانه‌های سیمان مازوت‌سوز در کشور است.

تجهیز ۱۱۰۰ هکتار از اراضی پایاب سد ارس به سیستم آبیاری نوین

ارومیـه ـ خبرنـگار اطلاعـات: رئیـس سـازمان جهـاد کشـاورزی آذربایجان‌غربی گفـت: تاکنون ۱۱۰۰ هکتار از اراضی پایاب سـد ارس ۲ به سیسـتم نوین آبیاری مجهز شده است کـه در صورت تأمین اعتبار به مبلغ ۵۰ میلیارد ریال ۴۲۰ هکتار دیگر از اراضی شبکه مذکور و تأسیسات پمپاژ آب، تا پایان امسال به بهره‌برداری می‌رسد.

سـیدعلی مختـاری افـزود: با ساخت تأسیسـات انتقال آب توسط شـرکت آب منطقه‌ای اسـتان ۱۵۲۰ هکتار از اراضی سد ارس ۲ به سیستم آبیاری تحت فشـار مجهز می‌شـود. وی افـزود: با پایان کامل طرح، اراضی مذکور به اهالی روسـتاهای منطقه و خانواده‌های معظم شـهدا و ایثارگران جهت بهره‌برداری واگذار می‌شود.

فرماندار پلدشـت در این بازدید بـا تأکید بر تأمین اعتبار لازم برای پایان کامل طرح در اسرع وقـت گفت: در صورت عدم تأمیـن به موقع اعتبارات مالی تجهیزات و تأسیسـات سد ارس ۲ بـا فرسـودگی و افزایش هزینه‌های نگهداری تأسیسات همراه خواهد شد. طالبی افزود: با پایان کامل طرح مذکور ضمن افزایش تولیدات کشاورزی منطقه، شـاهد رونق در سـایر زیربخش‌های تولیدی منطقه و ایجاد اشتغال پایدار در شهرستان خواهیم بود.

اولویت برنامه‌های شرکت نفت و گاز مارون خوزستان، توجه به مسایل زیست محیطی است

اهـواز ـ خبرنـگار اطلاعات: مدیـرکل حفاظت محیط زیسـت استان خوزسـتان و مدیران شرکت نفت و گاز مارون در نشستی مشترک مسائل و مشکلات زیست محیطی و راهکارهای اجرای برنامه‌های زیست محیطی در شرکت نفت و گاز مارون مورد بررسی قرار دادند.

در ایـن نشسـت مدیـرکل حفاظت محیط زیست خوزستان با بیان این مطلب که تمام تلاش محیط زیست در راستای جلوگیری از ایجاد آلودگی است، افزود: سعی مجموعه محیط زیسـت بر این است تا قوانین و ضوابط زیسـت محیطی به خوبی اجرا شود.

احمدرضـا لاهیجـان‌زاده آلودگی‌هـای زیسـت محیطـی را ناشی از نادیده گرفتن حقوق طبیعت دانست و افزود: اگرچه آثار بسیاری از پیامدهای زیسـت محیطی سریع نمایان می‌شـود ولی اثرات بسیاری هم وجود دارد که در سـال‌های بعد نمایان می‌شـود از آن جمله می‌توان بـه پدیده گرد و غبار اشـاره کرد که حاصـل بی‌توجهـی بـه تالابها در گذشته است.

لاهیجان‌زاده توصیه‌های زیست محیطی اداره کل را ناشـی از تجارب گذشته دانسـت که در گذشته اتفاق افتاده است و ما می‌خواهیم از تکرار این حوادث جلوگیری کنیم.

مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان با قدردانی از توجه مدیران شـرکت نفت و گاز مارون به مسائل زیسـت محیطی و پیگیری مطالبات سـلامت کارکنان گفت: سـلامت روان در محیـط کار و تأثیر آن بر فرد و خانواده بسیار مهم است.

همچنیـن مدیرعامل شـرکت نفـت و گاز مـارون در سـخنانی بر اهمیـت حفاظت از محیط زیسـت تاکید کرد و گفـت: موضوع محیط زیسـت ارتباط نزدیک با سـلامت جسـم و جان انسان‌ها دارد و اگر در ایـن زمینه خللی وارد شـود در همه جنبه‌های زندگی نمایان خواهد شد.

حمید دریس برنامه‌های زیست محیطی در این مجموعه در اولویت کارهـای این شـرکت قـرار دارد و ما بـرای اجرای همه ایـن برنامه‌ها در قالـب کوتاه مـدت و بلند مدت برنامه‌ریزی کرده‌ایم. وی با تأکید بر اهمیت تولید نفت خواستار همکاری و ارائه رهنمودهای محیط زیست در اجرای برنامه‌های زیست محیطی در شرکت شد.

مدیرعامـل شـرک نفت و گاز مارون مهمترین برنامه‌های زیسـت محیطـی این شـرکت را اسـتفاده از دسـتگاه‌های فـراورش سـیال و جلوگیری از سـوزاندن ۵۱۰ میلیون فوت گاز دانسـت و گفت: در زمینه نمک‌زدایی نیز ۵۰ هزار بشـکه آب نمک پس از جمع‌آوری و به چاه‌های حفر شده تزریق می‌شود.

دانشگاه فرهنگ و هنر هرمزگان ظرفیتی برای شکوفایی استعدادهای هنری

بندرعبـاس ـ خبرنـگار اطلاعات: مدیرکل فرهنگ و ارشـاد اسـلامی هرمزگان گفت: دانشـگاه فرهنگ و هنر ظرفیتی مهم و بزرگ برای پرورش و شکوفایی استعدادهای هنری در هرمزگان است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین مرشدی در مراسم تجلیل از دانشجویان ممتاز و برگزیدگان جشنواره‌های فرهنگی و هنری دانشگاه علمی ـ کاربردی فرهنگ و هنر خلیج‌فارس افـزود: این ظرفیت بزرگ به دلیل برخورداری این دانشگاه از استادان هنرمند و با سابقه خدمتی درخشان و همچنین دانشجویان مستعد ایجاد شده است.

او گفت: هرمزگان دارای استعدادهای بالقوه هنری است که باید با استفاده از ظرفیت دانشگاه فرهنگ و هنر این استعدادها را به فعل تبدیل کرد.

وی خواستار ساخت یک ساختمان مجهز برای دانشگاه علمی ـ کاربردی فرهنگ و هنر خلیج فارس شـد و اظهار داشـت: جایگاه علمی دانشـجویان هنرمند باید ارتقا یابد تا جامعه از علم و هنر این دانشجویان بهره‌مند شوند.

حجت‌الاسلام مرشدی گفت: پرورش مناسـب دانشجویان هنرمند در دانشگاه فرهنگ و هنر می‌تواند این دانشجویان را به استادان برجسته هنر کشور در آینده تبدیل کند و با این حرکت علمی شاهد شکوفایی بیشتر فرهنگ و هنر در اسـتان خواهیم بود. در پایان این مراسم از دانشـجویان ممتاز سال گذشته دانشـگاه علمی ـ کاربردی فرهنگ و هنر خلیج فارس و دانشجویان برگزیده جشنواره‌ها تقدیر به عمل آمد.

فرودگاه کرمان گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ گرفت

کرمـان ـ خبرنـگار اطلاعـات: فـرودگاه بین‌المللی کرمان بـه عنوان دهمین فرودگاه کشـور موفق به دریافت گواهینامه سیسـتم مدیریت کیفیت ایزو ۹۰۰۱ شد.

مدیرکل فرودگاه‌های استان کرمان، رعایت الزامات استاندارد بین‌المللی (9001ISO-2008) را مهمترین معیار برای صدور گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ اعلام کرد و گفت: فرودگاه کرمان باتوجه به تعداد جابه‌جایی مسـافر و تأمین بستر لازم، انتخاب شـد و پس از انجـام مراحل لازم برای اثبات سیسـتم مدیریت کیفیت مورد ممیزی قرار گرفت. محمد نخعی افزود: ممیزی مرحلهٔ نخست ۲۷ شهریور به انجام رسید و موارد شناسـایی شده به فرودگاه اعلام شد. فرودگاه پس از اصلاح این موارد وارد ممیزی مرحلهٔ دوم شد که پس از موفقیت در این مرحله، گواهینامه سیستم مدیریت کیفیت را دریافت کرد.

وی یادآور شد: این گواهینامه ضمن ایجاد بستر مناسب برای ارائه خدمات بهتر به مشتریان فرودگاهی و کسب رضایتمندی، تسهیل کننده استقرار سیستم مدیریت ایمنی و نیز کسب و حفظ گواهینامه فرودگاهی ایکائو خواهد شد.

۷ میلیون واحد دامی در کنترل دامپزشکی آذربایجان‌غربی

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل دامپزشکی آذربایجان‌غربی گفت: ۷ میلیون واحد دامی در استان تحت نظارت و کنترل دامپزشکی آذربایجان‌غربی قرار دارد.

شـهرام دیلمقانی مدیرکل دامپزشکی اسـتان آذربایجان‌غربی افزود: در بخش فعالیت های دامپزشـکی در آذربایجان‌غربی صد درصد امور دارویی، ۹۵ درصد امور مایه‌کوبی دامی، و صد درصد مایه کوبی طیور، ۶۵ درصد امور آزمایشگاهی به بخش غیردولتی واگذار شده است.

وی با اشـاره به اینکه دامپزشـکی اسـتان در قالب بنگاه‌هـای زودبازده اقتصادی در ۴ سـال گذشته گام‌های مؤثری را در توسـعه حمایت و تقویت دامپزشکی در بخش غیردولتی برداشته است، گفت: این اقدام‌ها نقش مهمی در کاستن از معضلات بروز بیماری‌ها در جمعیت دام و طیور ایفا کرده است.

وی گفت: بازرسـی بهداشتی و شـرعی و نظارت بر تولید، نگهداری و توزیع ۵۲۰ هزار رأس دام و ۱۵ میلیون قطعه طیور کشـتار شـده در ۲۹ واحد کشـتارگاهی دام و طیور، نظارت و کنترل بهداشتی بر ۶۰۰۰ مرکز عرضه انواع گوشت، هشـت سـردخانه زیر صفر، ۱۷ واحد کارگاه فرآوری و بسته‌بندی فرآورده‌های خام دامی، ۶۱ مرکز جمع‌آوری شـیر، ۲۶ واحد کارخانه خوراک دام، شش کارخانه جوجه‌کشی با ظرفیت تولید ۸۶ میلیون قطعه جوجه در سال از جمله فعالیت‌های اداره‌کل دامپزشکی آذربایجان‌غربی بوده است.

دیلمقانی گفت: در ۴ سـال گذشـته با ارائه این خدمات به مردم اسـتان برای ۹۱۹ نفر اشـتغالزایی مسـتقیم و برای ۷۷۰ نفر اشتغال غیرمستقیم ایجاد شده است. او افزود: اداره‌کل دامپزشکی آذربایجان‌غربی با توجه به گستردگی محدوده فعالیت، عملکرد مطلوبی در حوزه کاهش و پیشگیری از بیماری‌های دام و طیور داشته اسـت. آذربایجان‌غربی با دارا بودن ۱۰ میلیون واحد دامی از نظر تعداد جمعیت دام در رتبه سوم کشور قرار دارد.

دلایل رویکرد جدید جهانی به پدافند غیرعامل

«۴ تا ۱۰ آبان‌ماه، هفته پدافند غیرعامل گرامی باد»

از آن جایی که بشر همواره در پی دفاع از جان و مال خود بوده است، می‌توان نخستین اندیشه‌های دفاعی را همزمان با خلقت انسان دانست. اما آن چه شیوه‌های دفاع را در طول تاریخ متحول می‌سازد، تغییر در نوع تهدیداتی است که متوجه انسان می‌شود و در نهایت زندگی اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تحول در تهدیدات تا قرن گذشته به نوعی آرام و با سرعتی قابل پیش بینی رخ می‌داد.

ولی با تحولات پر سرعت در قرن گذشته، تحول در تهدیدات نیز سرعت بی سابقه‌ای پیدا کرد. از طرفی این تحولات سریع، به همراه خود سطح تأثیرگذاری را نیز افزایش دادند که همین امر نگاه‌های جدید را با خود به همراه آورد. برکسی پوشیده نیست که رویکرد جدید به دفاع یا پدافند غیرعامل از نتایج جنگ‌های جهانی اول و دوم است.

این توجه ویژه به موضوع دفاع با بررسی تحولات و حوادث نیمه اول قرن گذشته و تفاوت‌ها در نتایج دو جنگ بزرگ اتفاق افتاده در آن قرن، قابل تشخیص و واکاوی خواهد بود. پس از پایان جنگ جهانی اول بود که مجموعه‌ای از کشورها تصمیم گرفتند با تشکیل نهادی بین المللی، رصد و کنترل تحرکات نظامی کشورها را قانونی سازند تا بتوانند از بروز جنگی دوباره و تحمیل خسارات انسانی و مالی به جهانیان، جلوگیری نمایند.

هرچند مذاکرات اولیه در این خصوص در سال‌های آغازین جنگ در چارچوب اتحاد برای پیشبرد صلح، شروع شده بود (سال ۱۹۱۵)، اما تأسیس سازمانی بین المللی با نام جامعه ملل، به سال ۱۹۲۰ بر می گردد. غافل از اینکه جامعه ملل تشکیل یافته، کمتر از ۲۰ سال زمان لازم داشت تا ناتوانی خود را در حفظ صلح و جلوگیری از وقوع جنگ، نشان دهد. لذا این مدت زمان برای راه اندازی یک جنگ جهانی دیگر توسط آلمان نازی و ایتالیای فاشیست، کافی بود.

در پی وقوع جنگ جهانی دوم و استفاده از سلاح‌های جدید و از همه مهم‌تر به کار گیری هواپیما برای مقاصد نظامی مثل بمب افکن‌ها، تلفات جنگ دوم جهانی را به مراتب از جنگ اول جهانی، وسیع تر ساخت. تعداد قربانیان غیرنظامی، خود گویای وضعیت فوق العاده نتایج جنگ بود، به طوری که آمار کشته شدگان غیرنظامی جنگ جهانی اول که کمتر از ۱۰ درصد کل کشته شدگان بود، به حدود ۷۰ درصد در جنگ جهانی دوم رسید.

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و انحلال جامعه ملل، این مرتبه سازمان ملل متحد بود که به عنوان پاسدار صلح و امنیت جهانی، تأسیس شد. طی سال‌های بعد، تشکیل اتحادهای منطقه‌ای و دو جانبه نظامی در دستور کار کشورها قرار گرفت تا ضریب امنیت کشورها را بالا برده و توان دفاعی ایشان را افزایش دهد. پیمان‌های ناتو و ورشو و بعدها پیمان‌هایی نظیر سنتو و سیتو، نمونه‌هایی از این اتحادها می‌باشند.

اما آن چه بیش از پیش خودنمایی می‌کرد این بود که تمام این اقدامات بین المللی و منطقه ای، تقریباً اکثر کشورهایی را که مستقیماً درگیر جنگ بوده‌اند و برخی از کشورهای دیگر را که حتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر جنگ نبوده‌اند را راضی نمی‌کرد؛ چرا که نگاه بدبینانه و سرشار از بی اعتمادی ناشی از عواقب دو جنگ جهانی رخ داده و ناکارآمدی جامعه ملل در جلوگیری از وقوع جنگ جهانی دوم، همه و همه این استدلال را قوی‌تر می‌کرد که بایستی سیاست‌های دفاعی متکی به خود را نیز در کنار اتحادهای دوجانبه، منطقه‌ای و بین المللی، به طور جدی دنبال کرد. بنابراین راهبردهای توانمند سازی داخلی در مقاطع زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، برای دفاع از شهروندان و حفظ تأسیسات و زیرساخت‌های حیاتی و حساس کشور برای تداوم خدمت رسانی به مردم، در دستور کار کشورها قرار گرفت.

آن چه گذشت خلاصه‌ای بود از اینکه چرا از اواسط قرن گذشته توجه به سیاست‌های دفاعی توسط کشورها، روند شتابانی را در پیش گرفته است!

شعبان بلوریان
کارشناس علوم سیاسی

شایسته‌گزینی در دولت تدبیر و امید



امروزه نیروهای انسانی متخصص و پرورش یافته، و مدیریت منابع انسانی با شیوه علمی و منطقی، عامل اصلی شکوفایی سازمان‌ها در بازار رقابت هستند. به تجربه ثابت شده است بدون شایسته‌گزینی نمی‌توان سازمان‌هایی خلاق و پویا را در سطح جامعه شاهد بود.

به بیان دیگر؛ عملکرد مثبت و راهگشای دستگاه‌های اداری و دوائر دولتی، در گروی انتصاب مدیران و مسئولان شایسته و کارآمد است و این مهم با حیات جمعی جامعه و حقوق فردی شهروندان، گره خورده است. بر این اساس، اجرای فرایند انتصاب مدیران و صاحب‌منصبان نظام اداری بر پایه‌شایسته‌سالاری‌وصلاحیت‌محوری یکی از خواست‌های اصلی مردم را در انتخابات دوریازدهم ریاست جمهوری تشکیل می‌داده است. چنانکه درک این خواست بسیار مهم و توجه به آن نیز به‌درستی از بایسته‌های محوری برنامه دولت یازدهم؛ با شعار «دولت تدبیر و امید» و مشی «اعتدال» به شمار می‌آید.

«دولت تدبیر و امید» بر این اعتقاد است که عدم توجه به این خواست از عوامل موثر در بروز انواع معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و سربرآوردن دولتی ضعیف با مختصاتی مانند: تورم، بی‌کاری، یاس و ناامیدی، پایین‌بودن رضایت شغلی، کاهش روحیه کارکنان، نبود انگیزه برای افزایش اثربخشی فرد و سازمان، عدم بروز استعدادها و کاهش بهره‌وری بازشناخته‌می‌شود.

گذشته‌ازاوصاف‌وفضایل‌اخلاقی برگرفته از تعالیم و آموزه‌های اسلامی، نظیر: تقوی، توکل، عدالت‌خواهی، تواضع، انعطاف‌پذیری، وجدان کاری، خوش‌رویی، صداقت، امانت‌داری، حقیقت‌بینی، کم‌گویی، خودسازی، خودشناسی، وفاداری، شجاعت، امیدواری، راست‌گویی و نظم‌گرایی که داشتن آن از پیش‌شرط‌های فرایند شایسته‌گزینی در نظام مردم‌سالاری دینی محسوب می‌شود، برخورداری از سایر ویژگی‌ها و امتیازات محوری ناظر بر «دانش»، «مهارت» و «قابلیت» از عوامل و شاخص‌های موثر در تحقق نظام شایسته‌گزینی به شمار می‌آید و تحقق افزایش سطح بهره‌وری کارگزاران نظام را به عنوان یکی از برنامه‌های اصلی تحول نظام اداری، تضمین می‌کند.

محورهای شایسته‌گزینی را صرف نظر از تنوع و گونه‌گونی آن، صرفا با توجه به ضرورت‌ها و نظر به راهبردهای «دولت تدبیر و امید»، می‌توان اجمالادرفهرست‌زیرشناسایی کرد و به منزله شاخص‌های لازم‌الاجرا در فرایند انتصابات کارگزاران نظام اداری در رده اعضای هیأت مدیره، مدیران ستادی و عملیاتی، مدیران عامل شرکت‌های اصلی و فرعی، و مشاغل کلیدی و استراتژیک سازمان‌ها برشمرد. هرچند موارد برشمرده فقط به بخشی از محورهای کلیدی شایسته‌گزینی اشاره دارد:

ـ تخصص، کارآمدی و تجربه
ـ اعتدال‌گرایی در اندیشه و عمل
ـ پرهیز از تفکر تکفیری و خشونت‌گرایی
ـ قانون‌گرایی و عمل بر مدار قانون
ـ قدرت تصمیم‌گیری
ـ حُسن خلق، ادب اجتماعی و مقبولیت‌عمومی
ـ حُسن سابقه در زمینه‌های اجرایی و مدیریت
ـ حُسن شهرت در تعهدکاری و التزام به انجام کار
ـ مهارت در روابط انسانی و نفوذ در دیگران
ـ مهارت در تجزیه و تحلیل وقایع
ـ توجه به نتایج کارشناسی و اجتناب از خودمحوری
ـ اعتقاد به کار گروهی و خرد جمعی
ـ مدیریت زیرمجموعه با هر نوع گرایش و سلیقه، و پرهیز از مواضع جناحی در انجام کار
ـ نقدپذیری و عقلانیت‌محوری
ـ توان سازماندهی و استقرار نظام مدیریتی
ـ قدرت برنامه‌ریزی و...

هدف از تعیین محورها و شاخص‌های شایسته‌گزینی، چنانکه گفته آمد شناسایی و انتخاب بهترین‌ها برای مدیریت سازمان‌های اداری کشور است. طبیعی است که اجرای این مهم ظرافت‌ها و حساسیت‌های خاص خود را لازم دارد و ممکن است در عمل با چالش‌هایی همراه شود و آن چنان که باید و انتظار می‌رود، به اجرا در نیاید، آن هم در شرایطی که سال‌هاست بسیاری از سازمان‌های اداری به لحاظ پاره‌ای تنگ‌نظری‌های جناحی و سوء برداشت‌های گروهی از انتصابات غلط و پی‌آمدهای زیانبار آن رنج می‌برد.

راه‌کاری ممکن برای برون‌رفت از این چالش و نیز جلوگیری از هرگونه استفاده‌های سوء و اعمال سلایق شخصی، تعیین کانون ارزیابی ویژه و کارگروه‌های بررسی انتصابات متشکل از افراد مجرب و معتمد در هر سازمان پیشنهاد می‌شود تا فرایند انتصابات مدیران و مسئولان رده بالای نظام اداری از آن رهگذر انجام پذیرد. تنها در این شرایط است که می‌توان چرخه انتصابات را در مسیر اصلی خود قرار داد و به تدریج آفت‌های آرمیده بر ریشه نظام اداری را، که در سال‌های اخیر میدان بروز و ظهور یافته است، زدود.

احمد راسخی لنگرودی

نهادهای برنامه‌ریزی و اجرایی در برابر سلامت مردم مسئولند

آلودگی هوای شهرها و به ویژه کلان‌شهر تهران آنگونه که برخی از مسئولان جلوه می‌دهند، چندان کلاف سردرگمی نیست، بلکه می‌توان آن را با مدیریتی خردگرایانه و نه شعارگرایانه حل کرد. در پیچیدگی این کلاف، هر یک از نهادها و به ویژه دولت و شهرداری نقش دارند و فقط شهرنشینان با از دست دادن سلامت و حتی جان خود باید تاوان آن را بدهند.

در این معضل، هیچ نهادی هم نه فقط حاضر به قبول مسئولیت نیست، بلکه تلاش در مقصر جلوه دادن دیگران می‌کند. بیچاره مردم که چون مرغ، آن‌ها را هم در عزا و هم در جشن‌ها سر می‌برند!

کوتاه سخن، این گروه از شهرها را مملو از مأموران راهنمایی و رانندگی کرده‌اند، حال اگر مسافری از کشور دیگری وارد شود، فکر می‌کند مملکت دچار حکومت نظامی شده است! این پلیس‌های بنده خدا و بی‌گناه، که اکثراً کادر وظیفه هستند، بدون ماسک از صبح تا شب باید هوای آلوده را به ریه‌های خود بدمند و هیچ نهادی هم دلسوز آن‌ها نیست که چه بلایی بر سر این هموطنان عزیز در می‌آید! دولت دهم هم نه تنها با شهرداری و شورای شهر همکاری‌های مفید نکرد، بلکه چوب لای چرخ آن‌ها هم گذاشت! مگر مسئولان این مملکت و خانواده‌های آنان تافته جدا بافته از مردم و ملت هستند؟ آلودگی‌های زیست‌محیطی و به ویژه هوا از ما نمی‌پرسند تو که هستی و چه مقامی داری؟ یک راست و بدون تعارف به سراغ همه می‌آیند!

پرسش این است، در کدام کشور پیشرفته و قانون‌مداری خودروی نمره شخصی و موتورسیکلت اجازه جابه‌جایی مسافر و بار را دارد؟ در حالی که در کشور و شهرهای ما، این گروه از خودروها از صبح تا شب و گاه نیمه‌شب در خیابان‌ها و حتی جاده‌ها می‌چرخند، بنزین نامرغوب داخلی و یا وارداتی را می‌سوزانند و هوا را بیش از پیش آلوده و سمی می‌کنند؟ پس جایگاه تاکسی و تاکسیرانی کجا است؟ مطابق کدام قانون این به اصطلاح «مسافرکش»های نمره شخصی و موتورسیکلت‌ها اجازه جابه‌جایی مسافر و بار را دارند؟داشتن تاکسی و راننده تاکسی بودن ضوابط و مقرراتی دارد. پس روشن است که دولت و حکومت برای پرده‌پوشی به بیکاری پنهان، کمک به قشرهای کم‌درآمد و فروش خودروهای تولید داخل با کیفیت نامطلوب و خارج از استاندارد، مانع این کار نمی‌شود. مهمتر این که بسیاری از زورگیری‌ها، قتل‌ها، تجاوزها و کیف‌قاپی‌ها توسط افراد شرور و خلاف‌کار، در پوشش همین به اصطلاح «مسافرکش»های نمره شخصی و موتورسوارها انجام می‌گیرد. جای تعجب و تأسف است که گاهی با اجرای طرح زوج و فرد کردن حرکت خودروها در سطح شهر، برخی از رانندگان شخصی با گذاشتن تابلویی بر روی سقف ماشین خود به عنوان «آژانس»، قانون‌شکنی می‌کنند. مگر نه اینکه، نه تنها تابلوی بالای سقف خودرو «آژانس» جوابگو نیست و باید بر روی درب خودروها و یا شیشه‌های جلو و عقب نشان آژانس و کد آن نوشته یا چسبانده شود؟ آیا دولت، شهرداری و پلیس راهنمایی و رانندگی در این مورد نباید چاره‌اندیشی کنند؟ شاید بهتر باشد گشت ارشاد به این موارد بپردازد و مردم را ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر کند! به هر حال، دستگاه‌ها و نهادهای برنامه‌ریزی و اجرایی، مسئول سلامت و حفظ جان مردم‌اند و باید در برابر آن‌ها پاسخگو باشند.

توانا

مبادا تالاب «قوری گول» هم بخشکد!

در سفر به آذربایجان‌شرقی، متاسفانه دیدم که تالاب «قوری گول» هم مانند دریاچه ارومیه، به احتضار افتاده است و نفس‌های آخرش را می‌کشد! پرندگان و آبزیان آشیان ساخته در آن، با مرگ ناخواسته، ناگزیر کنار آمده‌اند و به گل نشسته‌اند، چرا که لانه‌هایشان آوار شده است. از مسئولان ذی‌ربط انتظار می‌رود به خاطر پرندگان و آبزیان زبان بسته گرفتار در چنگال مرگ محتوم، این تالاب را مجموعه گزینش شده تفریحی و گردشگری قلمداد کنند و اقدام عاجلی برای حفظ آن به عمل آورند تا تقصیر مرگ ناخواسته پرندگان و آبزیان به خاک و گل نشسته تالاب، دامان‌شان را نگیرد!

باقر رشادتی

نکته‌ای درباره سرقت سیم‌های برق و دریچه‌های فاضلاب!

در یکی از روزنامه‌ها خبری تحت عنوان «جزئیات سرقت میلیاردی کابل‌های برق» از مدیرعامل شرکت توانیر نقل شده و این که از سال گذشته تاکنون معادل ۳۰۰ میلیارد ریال کابل مسی از شبکه برق کشور به سرقت رفته است و برای رفع این معضل، تعویض کابل‌های مسی را در دستور کار دارند. در بخش‌های مختلف خبری چندی پیش شبکه‌های صداوسیما این خبر بود که مجسمه حافظ را پیش از نصب در اهواز سرقت کرده‌اند! از خانه خارج شدم که به محل کارم بروم، اگر هشدار عابر دیگری نبود، در چاله فاضلاب افتاده بودم که شب قبل درپوش چدنی آن را دزدیده بودند!

و از این قبیل خبرها همواره دیده و شنیده می‌شود. سئوال این است که این نوع کالا را سارقان به چه خریدارانی می‌فروشند و در نهایت از کجا سردر می‌آورند؟

پاسخ بسیار روشن و مشخص است، این اشیای مسروقه آخرالامر به کارگاه‌های ذوب فلزات می‌رسند!

سئوال بعدی: چند واحد ذوب فلز در هر استان وجود دارد؟

پاسخ: بسیار اندک و محدود!

حال آیا کنترل این کارگاه‌ها برای ریشه‌کن کردن پدیدهٔ زشت سرقت کابل‌های مسی برق و دریچه‌های چدنی فاضلاب و امثال آن‌ها، واقعاً پیچیده و دشوار است؟

عبدالله عبداللهی

در گذرگاه زندگی

رانندگی در آغاز روز

سلامت آغاز روز، تأثیر عمده‌ای بر آرامش یا برعکس بر تنش و فشارهای روانی فرد در بقیهٔ اوقات روز دارد. از عوامل مؤثر بر این آرامش، زمان و چگونگی رسیدن افراد به محل کار و یا تحصیل خود است.

موضوع حمل و نقل در کلانشهرها امروز مسأله نگران‌کننده‌ای شده است. «افلاطون» در کتاب «جمهور» خود حداکثر جمعیت برای یک شهر را به نحوی که با بیشترین رفاه همراه باشد، ۵ هزار نفر ذکر کرده است. اما با معیارهای امروز این حداقل جمعیتی است که برای نامیدن یک منطقه به عنوان شهر، ضروری است.

شهرهای چند میلیون نفری امروز به عنوان قاعده و نه استثناء پذیرفته شده‌اند. رفت و آمد در این شهرها گاهی به صورت یک معضل در می‌آید که بر رفتارهای فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد. گرچه افزایش سریع خودروها و ناکافی بودن معابر از علل اصلی مشکلات است، اما این موضوع در صورت رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی قابل تحمل‌تر می‌شود. مشکل اصلی رانندگانی هستند که به علت مشکلات شخصیتی، حداقلی از آداب درست رانندگی و یا اطاعت از قوانین را اجراء نمی‌کنند. برای نمونه،؛ دو نفر آشنا سوار بر اتومبیل‌های خود در حال رانندگی و در حالی که شیشه‌های خودروها را پایین کشیده‌اند، با یکدیگر به رد و بدل کردن تعارف می‌پردازند و کاری هم به صف طویل اتومبیل‌های پشت سر خود ندارند. در پشت چراغ قرمز می‌بینید که ناگهان اتومبیل پشت سر شما وارد خط مخالف می‌شود تا زودتر از چهارراه عبور کند و با این کار سبب انسداد خط مخالف و گره خوردن ترافیک می‌شود. رفتارهای پیش‌بینی ناپذیر راننده جلویی، که بدون علامت به چپ یا راست می‌پیچد، همه از مصداق‌های بی‌توجهی به قواعد زندگی اجتماعی و قوانین راهنمایی و رانندگی است که آرامش شهروندان را در هم می‌ریزند. امید آنکه آگاهی از این که رعایت قوانین از سوی همه موجب سهولت رانندگی برای همه می‌شود، نقشی در کاهش تنش‌های صبحگاهی داشته باشد.

دکتر فربد فدائی ـ روانپزشک

وادی طنز

قول می‌دهم به قولی که می‌دهم عمل کنم!

قول می‌دهم قول‌های الکی ندهم، تا می‌توانم قولی می‌دهم که بتوانم به آن عمل کنم. قول می‌دهم کسی را از خود نرنجانم، حال هیچ کس را نگیرم، زیراب کسی را نزنم، اگرچه تا حالا هیچ یک از این کارها از من برنیامده است اما سعی می‌کنم از این به بعد به آن‌ها عمل کنم. قول می‌دهم برای حذف کسی چیزی ننویسم و اگر قدرتی به دست آورم از آن سوءاستفاده نکنم، چند جور امضا نداشته باشم مثل امضای اصلی، امضای سرکاری امضای دل خوش کُنک! هی مَن و مَن و مَن نکنم، یادم باشد شاید روزی مقابل وجدان عمومی و خدای خود به منّ و منّ بیفتم. از کسانی که آزردم‌شان عذر می‌خواهم. می‌خواهم خیلی کارهای خوبی بکنم اما نمی‌خواهم بگویم، شاید ریا شود! قول می‌دهم هر وقت در مجلس ختمی شرکت کردم و بازماندگان متوفّی را غرق ماچ و بوسه کردم، برای این نباشد که در اداره یا سازمانی هوایم را داشته باشند. حتی از زلزله و زلزله‌زدگان فلک زده استفاده ابزاری نکنم. هم خودم عمل می‌کنم هم به دیگران می‌گویم که پارسی را پاس بدارند. به همه می‌گویم «جایی بنشین که برنخیزانندت!» من که تجربه این موقعیت را دارم، می‌گویم چرا مسئول و نماینده و رئیس شوم که فردا ـ پس فردا یکی بیاید جایم را بگیرد و علی بماند و حوضش؟! من که این وضعیت را دیده‌ام و لمس کرده‌ام، حتماً شما هم تجربه کرده‌اید. یادتان نیست وقتی بچّه بودیم و خودمان را کلّی تحویل می‌گرفتیم و می‌رفتیم قاطی بچّه و بزرگترها و صدر مجلس می‌نشستیم، یکی می‌آمد گوشمان را می‌پیچاند و بلندمان می‌کرد و پرتمان می‌کرد بیرون؟ قول می‌دهم هیچ وقت گوش کلمات ضعیفی مثل عدل و حق و انصاف را نگیرم و از متن زندگی و اعمالم بیرون نیندازم! هیچ وقت فکر نمی‌کنم فقط من دلم به حال آدم و عالم می‌سوزد و بقیه سیب‌زمینی بی‌رگ‌اند! نمی‌دانم چرا این روزها آدم مثبتی شده‌ام هر چند ذاتاً آدم بدی نیستم اما نمی‌دانم چرا گاهی مثبت‌تر می‌شوم و همه را تحویل می‌گیرم! یک وقت فکر نکنید برای جلب رضایت آنهاست. نمی‌دانم باید با این همه مثبت‌اندیشی به خودم امیدوار باشم یا از خودم بدم بیاید؟! اصلاً قول می‌دهم هیچ وقت در هیچ انتخاباتی اعم از شهر و روستا و غیره «کاندیدا» نشوم!

آمل ـ قنبر یوسفی

ایمیل گفته‌ها و نوشته‌ها (ویژه خوانندگان) neveshteh@ettelaat.com

جاسوسان دربرابر نبرد بزرگ



■ نوشته: دان راویو ـ یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۳۴۵

چراغ‌هـــای راهنمایی با کامپیوتر کنترل می‌شـــوند، همانگونه که زهکشی‌ها، بیمارستان‌ها و هزاران سیستم غیرنظامی دیگر تحت کنترل کامپیوترها قرار دارند. جنگ سایبری هر فردی را در کشور به صورت کسی در می‌آورد که دشمن می‌تواند به او ضربه بزند و آسیب برساند.

همچنین واقعیت نگران‌کننده دیگر این است که لزومی ندارد که دشمن، یک دولت باشد.

گروه‌های تروریستی که از لحاظ مهارت در سطوح ابتدایی یا عالی هستند، می‌توانند بطور غیرمجاز وارد پایگاه‌های اطلاعاتی کامپیوتری شوند. برخی از این واردشوندگان غیرمجاز، غالباً نشانی و نحوه ورود خود را به شـــبکه‌های کامپیوتری تغییر می‌دهند. اسرائیل برای دفاع از زیرســـاخت‌هایش و زدن ضربه متقابل ممکن اســـت ناگزیر باشـــد که مشکلات ناشی از ضربه زدن به اهداف متحرک را متحمل شود.

در آینده برای اسرائیل و جامعه امنیتی اش ممکن است شمشیرهای دو لبه فراوانی وجود داشـــته باشـــد. تقریباً هرچه را که اسرائیل بدست آورده یا درست کرده است، دشمنانش نیز قصد دارند بدست آورند.

تنها چیزی که مخالفان اسرائیل ـ حداقل تاکنون ـ نتوانسته‌اند در آن با این کشور برابری کنند، سرمایه‌های اسرائیل در زمینه به‌کارگیری نیروی انسانی در زمینه مسائل امنیتی است. تحلیل گران «امان» و موساد کشورهای همسایه را به خوبی می‌شناسند. بسیاری از اسرائیلی‌ها غالباً به خاطر تبار والدین یا اجدادشـــان به زبانهای متعدد خارجی صحبت می‌کنند.

در عین حال سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی کشورهایی که دشمن اســـرائیل هستند، ظاهراً با بی‌قراری و هیجان سعی در خوشحال کردن رهبرانشان دارند.

این کار آنها به این معنی است که باید به رهبران خود همان چیزی را بگویند که انتظار شنیدنش را دارند.

ســـرویس‌های جاسوســـی کشورهای عرب نتوانســـته‌اند جامعه اســـرائیل را درک کنند. به زبان ســـاده‌تر، هیچ یک از آنها هرگز با یک یهودی ملاقات نکرده‌اند.

ســـرویس‌های جاسوســـی مزبور عمدتاً از نظام‌های دیکتاتوری نشأت می‌گیرند و نمی‌توانند نحوهٔ کار در جامعه‌ای باز و دموکراتیک را تجسم کنند. آنها تمایل دارند که درباره هر حرکت اسرائیل براساس ارزش‌های بنیادین و تجارب خود قضاوت کنند.

این مسأله طی سالها برای اسرائیل یک برتری کیفی واقعی ایجاد کرده است. اما جامعه اسرائیل در حال تغییر است.

بطور متوســـط، ســـطح تحصیلات پایین‌تر، ابتـــکار افراد کمتر، درون‌گرایی افراد بیشتر و آگاهی افراد نسبت به عقاید مردم جهان کمتر شده و جامعه اسرائیل به گونه‌ای فزاینده براثر متشنج شدن روابط بین فقیر و غنی، از هم گسسته است.

درست است که در سازمان‌های مخفی، افرادی استثنایی استخدام می‌شوند، با این حال جامعه امنیتی اسرائیل، همیشه مظهری از تمام ملّت اســـرائیل بوده است. جامعه امنیتی اسرائیل نمی‌تواند بهتر از جامعه‌ای باشد که در آن مستقر است.

ادامه دارد

امپریالیسم نفتی با محوریت دلار

نئوکان‌ها و شبکه صنعتی ـ نظامی آمریکا

■ پرفسور محسن مسرت ■ بخش چهارم و پایانی



*** اشاره**

نبایـــد اینگونه پنداشـــت که نئوکان‌ها با دور شـــدن از مراکز رســـمی حکومت، به کلی از صحنه قدرت در آمریکا حذف شده‌اند. پیوند محکم آنها با شبکه قدرتمند صنعتی ـ نظامی آمریکا سبب شده است تا به اشکال مختلف بر روند تصمیم‌گیری‌ها در بخش رســـمی حکومت تأثیربگذارند و همانگونه که ناظران آگاه مکرراً تأکید می‌کنند، این تأثیرات، عمومـــاً مخرب و ویرانگرند. وابســـتگی نئوکان‌ها به بخش صنعتی ـ نظامی آمریکا سبب شده است که اینان همواره پیگیر سیاست‌های جنگ طلبانه در جهان باشند، چرا که منافع آنان، صرفاً از محل بحران‌های خونین و دامنه‌دار تأمین و تضمین شده‌است. برای نئوکان‌ها تفاوتی نمی‌کند که جمهوریخواهان کاخ سفید را اشغال کرده باشند یا دموکراتها؛ چرا که به هر حال با استفاده از اهرم‌هایی که در اختیار دارند از طریق کنگره یا سایر نهادهای ذینفوذ، سعی در تأمین منافع خود با اعمال فشار بر دولت می‌کنند. در این بخش از مقاله، بیشتر با پدیده یاد شده آشنا می‌شویم.

***

«تاریخ قرن بیســـتم می‌بایست به ما پند داده باشد که مهم است شرایط را قبل از این که بحران به وجود آید شکل دهیم و مقابل تهدیدها زمانی دست به کار شویم که هنوز عریان نشده‌اند. تاریخ قرن گذشته به ما پند می‌دهد که باید نقش رهبری آمریکا را تثبیـــت کنیم. در حال حاضـــر ایالات متحده رقیبی ندارد. اما برنامه‌ریزی راهبردهای کلان آمریکا باید هدفش این باشـــد که ایـــن موقعیـــت پرفایده را در آینده هـــم نه تنها حفظ کند، بلکه حتی گسترش دهد. در هر صورت هستند دولت‌هایی با ظرفیت قدرت قوی که به موقعیت فعلی خود رضایت نمی‌دهند و تمایل به تغییر آن دارند. امروز این وظیفه ارتش است که از ظهور رقیب قدرتمنـــد جلوگیری کند و این بدان معنی اســـت که ما باید از مناطق کلیدی در اروپا، در شرق آسیا و در خاورمیانه دفاع کنیم و استیلای آمریکا را مستحکم نماییم.»

اگرچه حساســـیت‌های موجود در عربســـتان ســـعودی ایجاب می‌کنند که نیروهای نظامی آمریکا در آنجا به ظاهر موقتی بمانند، اما پر واضح اســـت که این یک مداخله دائمی اســـت. از دیدگاه آمریکا اهمیت این نوع پایگاه نظامی حتی اگر هر رژیم صدام حسین از صحنه خارج شود، پابرجا خواهد ماند. در دراز مدت ممکن است مشخص شود که ایران برای منافع آمریکا در خلیج‌فارس تهدید بزرگی می‌باشد، همان طور که در مورد عراق نیز چنین بود. اما حتی اگر روابط با ایران بهتر شود هم نیروهای نظامی پیشرو در خلیج‌فارس باید پابرجا بمانند، زیرا این پایگاه نظامی آمریکا با توجه به منافع درازمدت، یک عنصر کلیدی در منطقه را تشکیل می‌دهد.[12]

اگرچه این چند مورد از پندهای اسناد پروژه «قرن جدید آمریکایی» برای درک ابعاد سیاسی، امنیتی و نظامی طراحان این پروژه برای دنیا کافی نیستند، اما در همین نمونه‌ها و علیرغم اینکه ادبیات استفاده شده، سربسته فورمول‌بندی شده‌اند، به وضوح می‌تـــوان دریافت که هـــدف نئوکان‌ها حفظ و تعمیم موقعیت انحصاری ایالات‌متحده می‌باشد که البته این عمل به زعم آن‌ها باید فقط از طریق نظامی انجام گیرد و به همین مناسبت هم لازم است جلوی رقبای احتمالی آمریکا البته با افزایش قدرت و ایجاد پایگاه‌های جدیـــد نظامی و برنامه‌ریزی‌های درازمدت، گرفته شود. و باز معلوم می‌شود که دو منطقه مورد نظر نئوکان‌ها، یکی شرق آسیا یعنی چین و دیگری منطقه خاورمیانه و خلیج‌فارس است و این که آمریکا باید قبل از اینکه بحران به وجود آید (یعنی مثلاً همکاری بین کشورهای نفتی خاورمیانه و چین احساس شود) شرایط را به نفع خودش شکل دهد. در اسناد این پروژه در هیچ موردی، صحبت از ایجاد شرایط صلح نیست، اما تا بخواهید از جنگ‌های احتمالی، ایجاد پایگاه‌های نظامی در تمامی نقاط جهان، برتری قدرت نظامی در روی زمین، در آسمان در دریاها، تســـلیحات بالســـتیک با کلاهک‌های هســـته‌ای، چتر دفاعی موشک‌ها در فضا و دیگر ابزار انسان‌کشی و فروپاشی کشورها، صحبت‌ست. اگرچه در حال حاضر آمریکا بیش از ۸۳۰ پایگاه نظامی با مخارج سالیانه بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار دارد، باید به باور نئوکان‌ها، باز هم پایگاه نظامی به خصوص در شرق آسیا و آفریقا بسازد. با وجود این که آمریکا در دهه گذشته به تنهایی بیش از تمامی کشورهای دنیا مخارج نظامی داشته است، باز هم به باور نئوکان‌ها هنوز کافی نیست و لذا در اسناد پروژه، بارها بر افزایش بودجه نظامی این کشور تأکید می‌شود. اگر دولت‌های آمریکا حتی یک دهم برنامه‌های پیشـــنهادی نئوکان‌ها را پیاده کنند، آتش جنگ به همه کشورهای خاورمیانه سرایت خواهد کرد و حداقل بخش عظیمی از این منطقه، تخریب خواهد شد. این فاجعه در حقیقت با جنگ افغانستان در ۲۰۰۱ شروع شد و با جنگ عراق و فروپاشی این کشور در ۲۰۰۳ ادامه پیدا کرد و نئوکان‌ها چند روز بعد از این که جورج دبلیو بوش پسر در ماه مه ۲۰۰۳ در دل کشـــتی هواپیمابر «ابراهام لینکلن» در اقیانوس هند با اظهار دو کلمه، پایان جنگ عراق را مژده داد، پیام «اکنون نوبت ایران رسیده است» را سر دادند و درست در همان موقع مناقشه هسته‌ای غرب با ایران را به صحنه آوردند. این در حالی است که ارتش آمریکا به زودی در عراق زمین گیر شد و پروژه بعدی نئوکان‌ها به بن‌بست رسید. اما آنان تا به امروز از این هدف خود صرفنظر نکرده‌اند و تاکنون چند بار به خصوص در چند ماه آخر رئیس جمهوری بوش، درگیری برای ورود به جنگ با ایران را به اوج خود رسانیدند.

> *** هدف نئوکان‌ها، حفظ و تعمیم موقعیت انحصاری آمریکا، البته از طرق نظامی است و بر این اساس، لازم است مسیر قدرت گرفتن رقبای احتمالی، به کمک افزایش قدرت نظامی آمریکا، ایجاد پایگاه‌های جدید و برنامه‌ریزی‌های درازمدت، سد شود**

*** شـــبکه صنعتی ـ نظامی آمریکا و بحران‌ســـازی در خاورمیانه**

بیش از نیم قرن پیش «آیزنهاور» رئیس جمهور محافظه‌کار آمریکا در سخن خداحافظی خود به جانشینانش و آمریکایی‌ها نگرانی خود را درباره ظهور صنایعی که در حال ریشـــه‌دوانی به کل جامعه آمریکا بود، اعلام کرد و هشـــدار مهمی داد. «این ارتباط دولتمردان بســـیار قوی نظامی و یک غول بزرگ صنایع نظامی در تاریخ آمریکا پدیده جدیدی است. ما باید مانع از این شویم که شبکه صنعتی ـ نظامی بتواند در نهادهای دولتی، علنی یا از راه‌های پشت پرده، نفوذ غیرمسئولانه پیدا کند. ظرفیت‌های افزایش پرخطر قدرت، در موارد گوناگون موجودند و همیشه هـــم خواهند ماند، اما ما هیچگاه نباید اجازه دهیم که این اتحاد پرنفوذ، به آزادی‌های ما و دموکراسی آسیب وارد آورد. ما هیچ چیز را هرگز نباید بدیهی تلقی کنیم.»[13] اما آن طور که پیداست، این هشدار خردمندانه، نه تنها بی‌اثر ماند، بلکه تحقیقاً نظامیان و صنایـــع نظامی، موفق شـــده‌اند خـــود را در جامعه آمریکا، به عنوان عاملی همیشه قدرتمند و اجتناب ناپذیر، برای کل جامعه جا بیاندازند و نئوکانهای آمریکا را در بســـت، به وفادارترین و متعصب‌ترین متحد خود تبدیل کنند.

اما با توجه به ماهیت نظامی گری و جنگ طلبانه نئوکانها که هم شـــبکه صنعتی ـ نظامی و هم ســـرمایه مالی آمریکا یعنی آن بخش از نهادهای دولتی و اقتصاد این کشـــور را که در همه شـــریانهای اقتصادی، سیاســـی، در دانشـــگاه‌ها، در موسسات فرهنگی و هنری نفوذ کرده‌اند، نمایندگی می‌کنند، این ســـؤال مطرح اســـت که انگیزه‌های این جناح قدرتمند در آمریکا چه هستند. آیا نئوکانها از سایر آمریکاییها وطن دوست ترند، آیا آنها واقعاً از منافع کشورشان دفاع می‌کنند یا اینکه مهمترین انگیزه سیاســـی آنها قرار دادن ادامه حیات شبکه صنعتی نظامی، یعنی منافع یک جناح، به‌جای منافع ملی آمریکا و در حقیقت منافع جهان اســـت؟ شاید بررسی ریشه‌ای اینکه بودجه و منابع مالی این غول بزرگ از کجا و به چه ترتیب تامین می‌شود، بتواند به جستجوی جواب سؤال مطرح شده کمک کند. راستی چگونه ممکن اســـت در کشـــوری که برای نمونه از سال‌های ۲۰۰۰ به بعد، سالانه بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار بودجه نظامیش است، به‌طوری که این بودجه حدود ٤ درصد از درآمد ناخالص ملی را ببلعد، هیچ نوع بحث انتقادی جدی درباره بودجه‌اش در احزاب یا در رسانه‌های ارتباط جمعی آن قابل مشاهده نباشد؟ دولت که به‌جای خود، اپوزیسیون هم که ممکن است به همه نوع موارد بودجه دولت انتقاد داشته باشد، اکثراً از رشد کم بودجه نظامی اظهارنگرانـــی می‌کند. علت عمده ایـــن بی‌تفاوتی برگزیدگان سیاسی در آمریکا، به باور نویسنده این است که دولت‌های این کشور برای تامین کسری بودجه، به‌طور سیستماتیک از سیاست «دولت بدهکار» پیروی می‌کنند، اما همانطور که در بالا توضیح داده شـــد، این سیاست فقط در کشوری امکان‌پذیر است که از موقعیت انحصاری پول جهانی برخوردار باشد و بتواند با چاپ بدون کنترل، پول بخش بزرگی از کسری بودجه خود را تامین نماید و پیامدهای تورمی این روش را به ســـایر نقاط دنیا صادر کند و تا هنگامی که این منبع پولی کارآور باشد، دولت می‌تواند بدون درگیری‌های منتج به تقسیم بودجه که در همه دولتها امری کاملاً عادی می‌باشد، به‌سادگی بودجه عظیم نظامی را حتی در اکثر موارد با افزایش ضریب بالا تصویب نماید. آمار رســـمی، کاملاً در تایید چنین روندی است. برای نمونه از سال ۲۰۰۰ به بعد، یعنی پس از پیروزی انتخاباتی جرج دبلیو بوش پسر و ورود تهاجمی نئوکانها به صحنه، بودجه دفاعی تا سال ۲۰۰۸ از رقم ۴۰۰ به رقم ۸۰ میلیارد دلار یعنی با ضریب رشد متوسط سالانه ۱۳ درصـــد، افزایـــش داده شـــد و در همین زمان هم بدهکاری دولت از مبلغ ٦۰۰۰، با رشد تصاعدی به ۱۳ هزار میلیارد دلار رسید. در هر صورت در وابستگی بودجه نظامی آمریکا و رشد آن، به سیاست «دولت بدهکار» نمی‌توان شک داشت.

بدین ترتیب، بشریت با دایره شیطانی و بسیار خطرناکی مواجه اســـت که این دایره شـــامل سلطه‌گری با تکیه به قدرت نظامی، جنگ و ارعاب در مناطق حساس دنیا برای دفاع از ادامه حیـــات دلار بعنـــوان پول جهانی، تثبیت تجارت نفت به دلار و تمامی سیاست‌های دخالت محور و جنگ افروز لازم برای این هدف و چپاول دنیا با این هدف اســـت که دولت آمریکا بتواند منابع مالی لازم برای ادامه حیات شـــبکه صنعتی نظامی‌اش را بدون دغدغه و مخمصه تهیه کند. این دایره شـــیطانی پدیده‌ای است که با بحران تغذیه می‌شود و زمانی که جنگ سرد به پایان می‌رسد، تز «جنگ تمدن‌ها» را به میان می‌آورد و سپس «جنگ با تروریسم» به آن اضافه می‌کند.

از موقعیت اسرائیل به‌عنوان تنها کشور مسلح به تسلیحات هســـته‌ای دفاع می‌کند، اما اگر سایر کشورهای منطقه که مورد تهدید قرار می‌گیرند، به فکر سیاست مقابله به مثل بیفتند، با آنها دشمنی می‌ورزد جهان را در بی‌امنیتی و وحشت نگه می‌دارد و هر آن ممکن است آتش جدیدی را به پا کند و کشور جدیدی را به فروپاشی بکشاند. تصور کنیم دلار دیگر تنها پول جهانی نیست و الزاماً ثبات خود را از دست داده و در تلاطم نوسانات در رقابت با یورو یا واحد پول چین قرار گرفته و لذا سرمایه‌های دنیا دیگر به آمریکا سرازیر نمی‌شوند و دولت هم دیگر قادر به ادامه «سیاســـت بدهکاری» نیست که بتواند با چاپ پول بانک مرکزی، بودجه خود را تامین کند و لذا اجباراً باید سیاست توازن بودجه‌ای را در دستور کار خود قرار دهد. در این صورت توافق ضمنی فراجناحی آمریکا بر تابوی بودجه دفاعی، دیگر ممکن نیســـت و لذا دولت چاره‌ای ندارد بجز اینکه این بودجه را در فرصت کوتاه نصف کند. در این حالت که قدرتمندترین شبکه صنعتی ـ نظامی جهان که موجودیتش مورد سؤال قرار گرفته، چه رفتاری را در پیش خواهد گرفت و دولت آمریکا با چگونه بحرانهایی روبرو خواهد شد؟ درست به همین دلیل است که «ان.اس.ای» را به‌وجود آوردند که دنیا را زیر ذره بین جاسوسی الکترونیکی خود بگذارند و بر پیش‌بینی آیزنهاور که «شـــبکه صنعتی ـ نظامی، دمکراســـی را به مخاطره خواهد کشـــید» مهر تاییدبزنند. به‌دلیل سناریوی احتمالی کوتاه‌کردن رادیکال بودجه نظامی آمریکا، نئوکانها مدتهاست تصمیم گرفته‌اند سایر نقاط دنیا و بخصوص خاورمیانه را به تهدید، جنگ و آتش بکشانند که خود در آینده با چنین چالش بزرگی روبرو نشوند.

و بهمیـــن دلیـــل اینان از هیچ اقدامی بـــرای جلوگیری از اعتدال‌گرایی در روابط آمریکا با ایران ابا ندارند و از هر فرصتی برای اینکه اوباما را به دام رفتارهای جنگ‌افروزانه خود بیاندازند، استفاده می‌کنند. اینها بعدازنازی‌های آلمانی واستالینیست‌روسی، جزو بی‌رحم‌ترین موجودات جهانند و حتی همانطوری که در حـــال حاضر با جلوگیری از تصویب بودجه دولت شـــاهد آن هســـتیم، هیچ ابایی از گروگان گرفتن دولت، برای رسیدن به اهداف خود ندارند. لذا نمی‌توان و نباید به تعدیل روابط سیاسی ایران با آمریکا و حل صلح‌آمیز مناقشـــه هسته‌ای، بیش از حد خوشبین بود. به‌نظر نویسنده، دولت رئیس جمهور جدید، آقای روحانی، لازم اســـت ضمن ادامه کوشـــش‌های خود در ایجاد روابط ســـالم و منطقی سیاسی با آمریکا، گزینه‌های دیگری را نیز برای حل مناقشـــه هسته‌ای مدنظر خود قرار دهد. از جمله پافشاری به شروع کنفرانس سازمان ملل برای خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی و جلب افکار عمومی جامعه جهانی به این گزینه، می‌تواند به اهرم برنده و سیاست صلح جویانه و تهاجمی تبدیل شـــود و نئوکانها دولت آمریکا و اســـرائیل را با ایـــن چالـــش درگیر کند که چرا اینان با برپایی یک کنفرانس در ســـازمان ملل که از منظر حقـــوق بین‌الملل بهترین مکان برای حل مشکلات در زمینه سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی و دیگر ســـلاح‌های کشتار جمعی در پرحادثه‌ترین منطقه جهان است، سرسختانه مخالفت می‌ورزند؟

پی نویس:

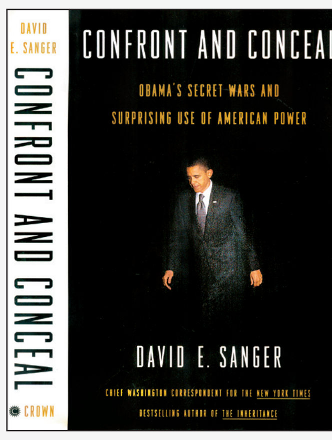
۱۲ـ مراجعـــه کنیـــد بـــه اصل اســـناد پروژه قـــرن جدید آمریکایی
http://www.newamericancentury.org/statementofprinciples.htm

۱۳ـ ســـخن خداحافظی رئیس جمهـــور ایالات متحده «دوایت د ایزنهاور» در تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱

۱٤ـ این رقم به‌جز در مورد کشورهای رانتی خاورمیانه و همچنین اسرائیل با بین ۷ تا ۱۰ درصد، بالاترین رقم سهم مخارج نظامی در دنیاست. این واقعیت نیز دلیل دیگری برای شباهت داشتن ســـاختار رانتی آمریکاست، زیرا کشورهای رانتی نفتی نیز مخارجی نظامی هنگفت خود را مانند آمریکا از درآمدهای بادآورده تامین می‌کنند، نه از درآمدهای مالیاتی، این مسئله در مورد اســـرائیل هم صادق اســـت، زیرا این کشور بخش مهمی از مخـــارج نظامـــی خود را بلاعوض از آمریکا، آلمان و ســـایر کشورهای غربی دریافت می‌کند.

۱۵ـ NSA (National Security Agency)

رویارویی و پنهانکاری



نوشته: ■ دیوید سَنگِر
مترجم: ■ منوچهر بیگدلی خمسه
۱۶۶

همین نطق پریشان و پیچ و خم‌دار بود که کاسه صبر ارتش مصر را، که اکنون یقین داشت در صورت اقدام علیه مبارک از پشتیبانی واشنگتن برخوردار خواهد شد، لبریز کرد. چنان می‌نمود که افسران بلند مرتبه مصر به همان نتیجه‌ای رسیده‌اند که افســـران کره‌جنوبی در دهه ۸۰ و افســـران اندونزی در دهه ۹۰ رسیده بودند: رهبر کشـــور از دارایی به بدهی تبدیل شده است.

روز بعـــد، مبـــارک، که ارتش خود او ترکش گفته بود و ده‌ها هزار نفر در میدان تحریر انبوه شده بودند، عازم خانه خویش در شهر استراحتگاهی شرم‌الشیخ شد.

همین که عمر سلیمان این خبر را اعلام کرد که مرد نیرومند مصر رسماً استعفا کرده است، غوغای شادی از میدان تحریر به آسمان برخاست. آن‌ها موفق شده بودند بعد از کمتر از سه هفته اعتراضات عمدتاً مسالمت‌آمیز، توانسته بودند یک دیکتاتور را سرنگون کنند.

از سقوط یک متحد آمریکا درباره اوباما چه آموختیم؟ یکی از راه‌های فهـــم اقدامات او این اســـت کـــه وی به مراتب کمتر از آنچه ارتدوکســـی دیپلماتیک حکم می‌کرد که ایالات متحده نمی‌تواند بدون اتحادهای دیرپا زندگـــی کنـــد، نگران حفظ این اتحادها بود. به موجب این تفســـیر، اوباما به برخی ریســـک‌های مهم تن در می‌دهد، و دارای تمایلاتی برای ترمیم نظم موجود اســـت. این تعبیر اســـرائیل و عربستانِ سعودی بود. یک مقام ارشـــد دولتـــی به من گفـــت: «بعد از این ما احتمالاً به مدت چهل ســـال با ســـعودی‌ها روابط تنش‌آمیزی خواهیم داشـــت. هنوز داریم این روابط را بازسازی می‌کنیم.»

اما تفسیر دیگر این است که اوباما تشخیص داده بود که چندان تفاوتی نمی‌کرد که به مبارک فشار بیاورد تا کنار رود، یا او را نجات دهد ـ مبارک به هر حال رفتنی بود.

اوباما بعد از مکالمه تلفنی تشـــنج‌آمیز ش با مبارک، به دستیاران خود گفـــت کـــه نمی‌خواهد به امید کمرنگ حفظ دو، ســـه ســـال ثبات، از یک دیکتاتور مشـــرف به موت پشـــتیبانی کند او گفت که چنین کاری [نجات مبارک.م] فقط به دایمی گشـــتن رویکرد شکست خورده آمریکا خواهد انجامید، رویکردی که مصری‌ها را منطقاً تلخکام خواهد کرد.

بـــا ایـــن همه این پیام که ایالات متحده طرف معترضان را می‌گیرد، به وضوح منتقل نشد، به ویژه در مصر.

در قاهره در روزهای منتهی به نخستین سالگرد قیام، بسیاری از جوانان مصری به من گفتند که اوباما موج سواری است که با وضوح کامل اعلام نکـــرد کـــه مبارک باید برود. یکی از فعالان سیاســـی به مـــن گفت: «اوباما تصمیمش را تغییر می‌داد و به محض این که دانست انقلاب پیروز می‌شود، طرف انقلاب را گرفت. من به چنین شخصی اعتماد نمی‌کنم.»

واکنـــش غریبـــی بـــود ـ مصری‌هـــا ســـال‌ها از مداخلـــه آمریکا در سیاست‌هاشان شکوه می‌کردند؛ این بار شکایت داشتند که به اندازه کافی دخالت نمی‌کند. اما گوشزد می‌کرد که این انقلاب به مصر مربوط می‌شود، نه به آمریکا. و اوباما نمی‌خواست صاحب این انقلاب باشد، همان‌طور که نمی‌خواست صاحب عراق و افغانستان باشد.

فصل سیزدهم

معمای اخوت

در روزگار آفتابی‌تر روابط مصر با ایالات متحده ژاکلین کندی کنگره را ترغیب کرد که میلیون‌ها دلار صرف نجات یکی از بزرگترین یادمان‌های مصر کند: معبدهای ابوسمبل، که در ایام پرشکوه رامسس دوم به مثابه نماد قدرت مصر ساخته شده بود.

ادامه دارد

ضرورت هماهنگی بین‌المللی برای از بین بردن ریزگردها

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: طرح ریزگردها با توجه به اینکه کشورهای منطقه را در بر می‌گیرد باید با هماهنگی‌های لازم در سطح بین‌المللی پیگیری شود.

دکتر معصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با بیان مطلب بالا در جلسه شورای حفاظت کیفی رودخانه کارون و کار گروه آلودگی هوا در اهواز با اشاره به اقدام‌های انجام شده در این زمینه افزود:

با انجام برخی مدیریت‌ها در سطح تالاب‌ها و برگشت آب به سمت تالاب‌های عراق مقداری در وضع غلظت ریزگردها و آلودگی هوا تغییراتی ایجاد شده است. وی با اشاره به اینکه برای رفع این مشکلات به یک اراده ملی نیاز است، گفت: در اجرای همه برنامه باید براساس سیاست تدبیر پیش رفت.

در این جلسه استاندار خوزستان عده‌ای از نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای اسلامی شهر اهواز و استادان دانشگاه دیدگاه‌ها، نظرات و توقع‌های مردم خوزستان را در حل و فصل مسائل زیست محیطی بویژه حفظ و احیای رودخانه کارون و سایر موارد دیگر ناشی از آلایندگی‌ها و ریزگردها را بیان کردند.

والدین شهدا اسوه‌های صبر و بردباری هستند

ساوجبلاغ: نماینده رئیس جمهوری با گرامیداشت یاد و خاطره مرحوم حاج عباسعلی نژادفلاح پدرچهار شهید دفاع مقدس، گفت: پدران و مادران شهدا، اسوه‌های صبر، بردباری و استقامت در جامعه اسلامی هستند.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی صدقی در آیین سومین روز درگذشت پدر گرانقدر شهیدان نژاد فلاح در مسجد جامع روستای خور شهرستان ساوجبلاغ افزود: خانواده‌های معظم شهدا با ایثار و اخلاص خود همواره به استحکام پایه‌های نظام اسلامی کمک کرده‌اند تا درخت انقلاب اسلامی تنومند شود.

وی اظهارداشت: مرحوم حاج عباسعلی نژاد فلاح با تربیت فرزندانی مومن و ایثارگر در جامعه اسلامی به خوبی نقش آفرینی کرد. این پدر گرانقدر همواره ولایتمدار و پرمهرومحبت بود و وجودش به همگان روحیه معنوی می بخشید. در این آیین پیام تسلیت رئیس جمهوری اسلامی ایران به خانواده شهیدان نژاد فلاح قرائت شد. نایب رئیس مجلس شورای اسلامی نیز دراین مراسم گفت: مهمترین خواست خانواده‌های معظم شهدا از مردم و مسئولان حرکت در مسیر خط ولایت فقیه است.

حجت‌الاسلام والمسلمین ابوترابی فرد افزود: امروز باید آینده سازان ایران اسلامی به گونه‌ای تربیت شوند که در مسیرنورانی شهدای ۸ سال دفاع مقدس حرکت کنند.

مخالفت کانون سردفتران با تک‌برگی شدن سند ازدواج

ایرنا: دبیر کانون سردفتران ازدواج و طلاق با بیان این که کانون موافق ثبت صیغه در دفاتر ازدواج و طلاق در چارچوب قانون است، افزود: در صورتی که همسر اول زوج رضایت داشته باشد، صیغه در دفاتر ثبت می‌شود.

«سیدابوالقاسم حسینی» اضافه کرد: تک برگی شدن یا به شکل پاسپورتی درآمدن سندهای ازدواج در جلسه اعضای کانون سردفتران مورد بررسی قرار گرفت که اعضای کانون باید نظر مشورتی خود را برای تصمیم گیری نهایی در شورای عالی ثبت ارائه کنند.

حسینی گفت: در این جلسه اعضای کانون سردفتران با تک برگی شدن اسناد ازدواج مخالفت کردند و موافق به شکل پاسپورتی درآمدن اسناد با محتویات سندهای فعلی بودند. وی هزینه ثبت ازدواج را ۱۱۰ هزار تومان اعلام کرد و افزود: سردفتران ازدواج و طلاق خواهان افزایش این رقم بودند که رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با آن مخالفت کرد.

به گفته حسینی هزینه اوراق اسناد ازدواج و اتاق عقد، جداگانه از زوجین دریافت می‌شود. وی درباره کاهش تعداد این دفاتر در سال‌های اخیر نیز گفت: تعداد دفاتر کاهش نیافته است بلکه برخی آقایان به دلیل دو شغله بودن، از مسئولیت سردفتری ازدواج و طلاق استعفا داده‌اند.

توقیف روزنامه بهار

سرویس خبر: هیأت نظارت بر مطبوعات، روزنامه بهار را توقیف کرد.

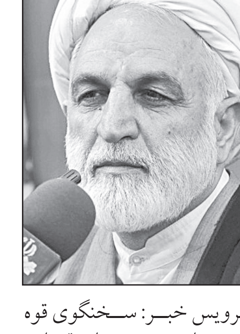
دبیرخانه هیات نظارت بر مطبوعات اعلام کرد: روزنامه بهار با استناد به تبصره ذیل ماده ۱۲ قانون مطبوعات توقیف شده است و پرونده برای رسیدگی به دادگاه ارجاع می‌شود.

روزنامه «بهار» چهارشنبه گذشته (یکم آبان) مقاله‌ای با عنوان «امام؛ پیشوای سیاسی یا الگوی ایمانی» منتشر کرد که در شماره بعد از خوانندگان عذرخواهی کرد و مسئولان روزنامه، با انتشار یک نامه از توقف انتشار «بهار» تا اطلاع ثانوی خبر دادند.

زلزله حوالی سرایان را لرزاند

سرویس حوادث ـ زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ٤/١ در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) حوالی سرایان در استان خراسان‌جنوبی را لرزاند.

دادستان کل کشور: برخی لوایح قوه قضائیه در دولت قبلی بایگانی شده است



سرویس خبر: سخنگوی قوه قضائیه درباره پرونده‌های قضایی شامل مجازات یا عفو اعدامی نجات یافته، فعالیت مجدد یک حزب، اطاله دادرسی و... به سؤالات خبرنگاران پاسخ داد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در پنجاه و چهارمین نشست خبری خود با خبرنگاران با تسلیت شهادت شماری از مرزبانان به خانواده شهدا، مرزبانانی و نیروی انتظامی گفت: امیدواریم هر چه زودتر عوامل این حادثه با کمک کشورهای همسایه شناسایی و دستگیر شوند و به مجازات عمل خود برسند.

وی با اشاره به این‌که کشف علائم حیات در اعدامی نجات‌یافته ۲ ساعت بعد از اجرای حکم اعدام صورت گرفته است، افزود: رئیس قوه قضائیه پیشنهاد عفو محکوم اعدامی را مطرح خواهد کرد و در صورت پذیرش مقام معظم رهبری این فرد مشمول عفو می‌شود.

دادستان کل کشور گفت: در این ماجرا یک بحث حقوقی و شرعی مطرح است که رئیس قوه قضائیه هم در جلسه مسئولان عالی قضایی به آن اشاره داشته و از لحاظ حقوقی و شرعی مسأله پیچیده نیست. فردی که اعدام شده اما سلب حیات نشده و به بیمارستان منتقل شده است آیا باید او را اعدام کرد؟

او افزود: رئیس قوه قضائیه گفته است که برای عفو وی پیشنهاد می‌کند و در صورتی که مقام معظم رهبری با این درخواست موافقت کنند، اجرای حکم منتفی می‌شود و فرد مورد عفو قرار می‌گیرد.

پرونده یک مقام دولتی

سخنگوی قوه قضائیه از مفتوح بودن پرونده یکی از مقامات دولت قبل در موضوع بیمه ایران خبر داد و گفت: پرونده او در موضوع بیمه مفتوح است و تحقیقاتی در این مورد انجام شده و در حال انجام است. اما هنوز به دادگاه ارسال نشده است.

وی درباره فعالیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران گفت: هر مؤسسه، نهاد، حزب، گروه و جمعیتی که به حکم دادگاه تعطیل شده است، تا زمانی که آن حکم پابرجا باشد، نمی‌تواند به فعالیت بپردازد. در غیر این صورت دادستان متعرض می‌شود و با آنها برخورد می‌کند. در موضوع انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تصمیم همان تصمیم قبلی است و آنها حق فعالیت ندارند و اگر فعالیتی کنند دادستان با آنها برخورد می‌کند.

سخنگوی قوه قضائیه درمورد لایحه افزایش اختیارات رئیس قوه قضائیه گفت: مشکل قوه قضائیه این است که لوایحی را تهیه می‌کند و برای ارسال به مجلس در اختیار دولت می‌گذارد. در دولت قبلی بعضی لوایح نه تنها دیر به مجلس ارائه شده بلکه تعدادی از آنها بایگانی شده و اصلا به مجلس ارسال نشده است. از نظر قوه قضائیه این طرح مشکل گشا است و لوایح در دولت معطل نمی‌ماند. بنا بر تصویب مجلس اگر ظرف مدت ٦ ماه دولت لایحه‌ای را ارسال نکرد، رئیس قوه قضائیه شخصاً آن لایحه را به مجلس ارسال می‌کند. وی تأکید کرد: خلاف قانون اساسی بودن یا نبودن طرح افزایش اختیارات رئیس قوه قضائیه را شورای نگهبان تشخیص خواهد داد. وی درباره نارضایتی مردم از اطلاله دادرسی گفت: ما تمام تلاشمان را می‌کنیم که به پرونده‌ها زود رسیدگی شود اما با توجه به کمبودها نتوانستیم انتظار مردم را برآورده کنیم. امیدواریم با جذب قاضی‌های جدید در این امر موفق‌تر باشیم.

او درباره اظهارات رئیس کل بانک مرکزی دریک مصاحبه درخصوص نرخ ارز، گفت: در این مورد دادستانی به‌عنوان مدعی‌العموم وارد نشده است چرا که این موضوع از جمله مسائلی است که خود دولت و سایر افرادی که به این حوزه مربوط می‌شوند باید پیگیری کنند.

یکی از خبرنگاران در خصوص تبرئه یک اخلالگر ارزی پرسید که سخنگو گفت: از تبرئه اوخبری ندارم، یک بخش پرونده به دادگاه رفته است و عده‌ای محکوم شدند و پرونده دیگری نیز تشکیل شده که چند نفری هم بازداشت شده‌اند.

حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای درباره پرونده دانشگاه ایرانیان گفت: ما به اسم دانشگاه ایرانیان پرونده‌ای نداشته‌ایم اما در بحث ١٦ میلیارد تومان حساب مسدود شده و طرفین هم گفته‌اند که نسبت به اصل پول ادعایی ندارند و پول را باز می گردانند. موضوع در حال بررسی این است که آیا در نحوه برداشت خلافی صورت گرفته یا خیر؟

وی پیرامون پرونده حادثه بزرگراه تهران ـ قم گفت: این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار بود چرا که حادثه ناگواری رخ داد و جمعی از هموطنان ما در آتش سوختند. دایره تقصیر گسترده است، در این‌که راننده مقصر بوده شکی نیست اما بحث بر سر مقصر بودن دیگران است. در حال حاضر هیأت هفت نفری تعیین شده که این هیات طبق نظرات کارشناسی در پرونده نظر خود را اعلام کرد و اگر ایرادی از سوی دادستان و یا طرفین نباشد این موضوع به سرعت به نتیجه خواهد رسید. من نمی توانم رای هیات هفت نفری را اعلام کنم چرا که هنوز قطعی نشده است.

او بازنگری در شوراهای حل اختلاف را یکی دیگر از اقدامات قوه قضائیه برشمرد و گفت: خیلی از مسائلی که با صلح و سازش حل می‌شود به دستگاه قضایی کشیده می‌شود در صورتیکه شوراهای حل اختلاف می توانند با ایجاد صلح و سازش حجم پرونده‌های قضایی را کم کنند. وی قضا زدایی را یکی دیگر از برنامه‌های قوه قضائیه برای تسریع در روند دادرسی دانست و ادامه داد: بسیاری از مسائل می تواند به‌عنوان کار غیر قضایی در دستگاه‌های دیگر رسیدگی شود.

پرونده سنگین گمرک

سخنگوی قوه قضائیه در پاسخ به سؤالی درباره وضع پرونده گمرک گفت: این پرونده هنوز به دادگاه ارسال نشده است و باید گفت که یک پرونده بسیار سنگین به شمار می‌رود. در این پرونده عده زیادی از افراد دستگیر شده‌اند و عده‌ای نیز با قرار وثیقه موقتاً آزاد شده‌اند.

وی درباره آخرین وضع رسیدگی به پرونده ترور دانشمندان هسته‌ای افزود: مرحله دوم این پرونده که مربوط به ۳۹ نفر بود، دادگاه نواقصی در مورد پرونده گرفت و پرونده هم‌اکنون در مرحله رفع نواقص در دادسرا به سر می‌برد.

محسنی اژه‌ای درباره طرح اعلام اموال مسئولین دولتی گفت: من به طور کلی مخالف رسیدگی به اموال مسئولین نیستیم و همچنین موافق علنی بودن تمام دادگاه‌ها هستم. این‌که اطلاعات دارایی مسئولان به مردم اعلام شود کار خوبی است اما اگر طرح مجلس ضمانت اجرایی نداشته باشد و قرار نباشد که به اطلاع مردم برسد طرح بی فایده است.

سخنگوی دستگاه قضا درباره این‌که آیا استفاده از فیلترشکن جرم است یا خیر گفت: لازم نیست که ما در هر موردی مصداقی بگوییم که قانون چه می گوید هر تصمیمی که یک مرجع صلاحیت‌دار قضایی بگیرد و اگر شخصی بخواهد خلاف آن عمل کند مجرم است و تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. وی در مورد آخرین وضع رسیدگی به پرونده ستار بهشتی گفت: این پرونده به دادگاه ارسال شده بود اما به دلیل نواقص مجدداً در اختیار دادسرا قرار گرفت و پس از رفع نواقص دوباره به دادگاه ارسال شد.

حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر این‌که برخی کشورهای خارجی تمایل به سرمایه‌گذاری در ایران را دارند آیا این امر درست است، گفت: کشور ما نه در منطقه بلکه در تمام دنیا یک کشور امن و قابل سرمایه‌گذاری است.

وداع با پیکر ١٤ مرزبان شهید در زادگاهشان

سرویس خبر: پیکر مطهر ۹ شهید مرزبان ناجا که محل سکونت آنان استان خراسان رضوی بود. پس از طواف در حرم مطهر امام رضا (ع) به زادگاهشان منتقل و به خاک سپرده شد.

پیکر مطهر شهیدان محمد صادق نژاد، امین آبراش، محمد سلیمانی، سعید فتنقری و احمد لنگری برای تشییع و تدفین به تحت جلگه نیشابور، سبزوار، قوچان و بجنورد انتقال یافت و پیکرهای مطهر سه شهید دیگر به شهرهای خلیل آباد، تربت حیدریه و رشتخوار منتقل شد.

پیکر یک شهید دیگر هم که از اهالی خراسان شمالی بود به بیرجند انتقال یافت.

پیکر مطهر استوار یکم «پژمان شاهونوند» نیز که در درگیری با تروریست‌ها در منطقه مرزی سراوان به شهادت رسید، دیروز در محل فرماندهی انتظامی خوزستان تشییع شد. در مراسم تشییع پیکر پاک این شهید والامقام، کارکنان و مرزبانان ناجا، خانواده‌های شهدا، فرماندهان انتظامی استان و فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز حضور داشتند.

فرمانده انتظامی خوزستان در این مراسم با تجلیل از مقام شهدای عزیز بویژه ١٤ شهید حادثه تروریستی سراوان اظهار داشت: بدون شک شهدا پایه گذار امنیت در کشور هستند و ما راه شهدای عزیز را ادامه خواهیم داد و انتقام خون شهدا را از اشرار و برهم زنندگان امنیت مرزها که مورد حمایت دشمنان ایران و اسلام هستند، خواهیم گرفت.

پیکر این شهید به زادگاهش شهر اندیمشک انتقال یافت و با حضور مردم شهیدپرور تشییع و به خاک سپرده شد.

محکومیت جنایت تروریستی سراوان

علما و امامان جمعه اهل سنت تایباد عملیات تروریستی سراوان واقع در جنوب شرق سیستان و بلوچستان را که به شهادت ١٤ نفر از مرزبانان جمهوری اسلامی بویژه سربازان وظیفه استان انجامید، محکوم کردند.

مولوی غلام نبی توکلی امام جمعه اهل سنت تایباد گفت: بی تردید دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی و کسانی که به امنیت و آرامش در این کشور رشک می‌برند مسبب ناامنی و به شهادت رساندن مرزبانان غیور ملت هستند و تنها جواب دندان شکن به عاملان حمله تروریستی سراوان و دیگر جنایات تروریستی دیگر در سیستان و بلوچستان، تحکیم وحدت بین شیعه و سنی و پرهیز از پرداختن به اختلافات جزیی است. مولوی عبدالله حیدری امام جمعه مسجد اهل سنت مالک الملک تایباد نیز گفت: امروز بزرگترین نعمت خداوند متعال که به این مردم ارزانی داشته، نعمت جمهوری اسلامی و نظام اسلامی است که همه باید قدرآن را بدانند.

شماری از ریش سفیدان، معتمدین و روسای طوایف و عشایر اهل سنت بخش ساربوک از توابع شهرستان نیکشهر در جنوب سیستان و بلوچستان هم ترور مرزبانان کشورمان در نقطه صفر مرزی سراوان را محکوم کردند.

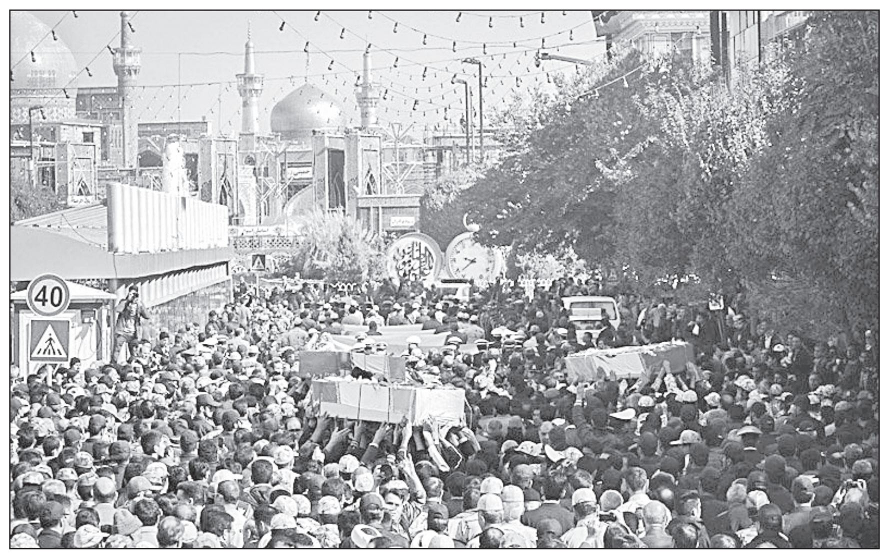
ریش سفیدان و معتمدین طایفه‌های رئیسی، بلوچ، بلیده، بلوچ زهی، درزاده و داودی بخش ساربوک دربیانیه‌هایی با محکوم کردن این اقدام اضافه کردند: حادثه سراوان بیانگر این واقعیت است که دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی از اتحاد و دوستی برادران اهل تشیع و تسنن و پیشرفت و اعتلای ایران به هیچ وجه خرسند نیستند. در بخش دیگری از بیانیه‌های اهل سنت جنوب سیستان و بلوچستان آمده است: اینگونه اقدامات سخیف و پروژه‌های شکست خورده دشمن نه فقط هیچ خللی در اتحاد و دوستی اقوام و طوایف ما ایجاد نخواهد کرد بلکه مردم و مرزبانان ما را در تداوم اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی مصمم‌تر خواهد کرد.

اعلام عزای عمومی

نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان، استاندار و مجمع نمایندگان این استان در مجلس شورای اسلامی با صدور بیانیه‌ای مشترک به مناسبت حادثه تروریستی سراوان امروز را در این خطه عزای عمومی اعلام کردند.

در بیانیه مشترک آیت‌الله عباسعلی سلیمانی و حاتم نارویی و نمایندگان مردم شهرستان‌های سیستان و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی آمده است: بار دیگر دست استکبار جهانی و ایادی‌اش از آستین تروریست‌ها و اشرار معاند نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران آشکار شد و عده‌ای از مرزبانان غیور و جان بر کف را که در حال حراست و پاسداری از مرزهای این کشور عزیز در منطقه مرزی سراوان بودند به شهادت رساند.

در ادامه بیانیه ضمن تبریک و تسلیت به خانواده‌های معظم شهدا و امت شهید پرور، امروز در سیستان و بلوچستان روز عزای عمومی اعلام و از عموم مردم این خطه دعوت شده است تا با حضور در مراسمی به همین منظور در مسجد جامع زاهدان علاوه بر فراهم کردن موجبات تسلای خاطر بازماندگان، حمایتشان را از مسیر حق و حقیقت و ولایت اعلام کنند.



خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
- موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

«با پارازیت‌ها مقابله می کنیم»

اقدام روزنامه اطلاعات در انعکاس سخنان دکتر ابتکار با عنوان «با پارازیت‌ها مقابله می‌کنیم» در صفحه اول و با تیتری درشت، از توجه مسئولان این روزنامه به سلامت مردم و پیگیری خواست‌های آنان حکایت دارد. رئیس سازمان حفاظت از محیط‌زیست در این خبر از لزوم حداقل فاصله بین دکل‌های مخابراتی و سیستم‌های بانکی سخن گفته‌اند. اما به طور دقیق از پارازیت‌هایی که برای دریافت نشدن برنامه‌های ماهواره ارسال می‌شود و بیشترین زیان را متوجه شهروندان می‌کند، سخنی نگفته‌اند. همچنان هموطنان منتظر اقدامات ایشان در قطع این نوع پارازیت‌ها هستند.

خواننده روزنامه اطلاعات

احتمال تصادفات شدید در بزرگراه صدر

عدم نظارت کافی شهرداری بر فعالیت برخی پیمانکاران در لزوم همسطح سازی دریچه‌های تاسیسات زیرزمینی با روکش آسفالت مانند آنچه اخیراً در بزرگراه تازه آسفالت شده صدر رخ داده است، باعث وجود ناهمواری‌های پراکنده، گودال‌های عمیق و زیادی در کف خیابان‌ها و بزرگراه‌ها می‌شود که در نهایت آسیب دیدگی جدی خودروهای در حال حرکت و وقوع تصادفات شدید ناشی از ترمز و یا انحراف ناگهانی خودروها در مسیر حرکت را به دنبال دارد ضروری است شهرداری نسبت به رفع این نقض هرچه سریعتر اقدام کند.

دکتر بشیری بُد ـ استاد دانشگاه

شناور شدن ساعت کاری، راهکار نیست

شناورسازی ساعت کاری بانک‌ها، مدارس، ادارات و سایر مشاغل در تهران برای کاهش ترافیک، هرگز راهکار اصلی سر و سامان دادن به شلوغی خیابان‌های تهران نیست. مسئولان ذی‌ربط بهتر می‌دانند که ساخت صدها هزار واحدهای مسکن مهر در اطراف تهران که به وضوح از روستائیان و ساکنان شهرستان‌ها دعوت می کند تا در این واحدها ساکن شوند و از آن به عنوان خوابگاهی برای بازگشت از کار روزانه در تهران استفاده کنند و یا طرح بازسازی خانه‌های قدیمی که جمعیت یک کوچه ٤٠نفری را تا ٤٠٠ نفر بالا می‌برد؛ از عمده دلایل شلوغی پایتختی است که ساکنانش نمی‌دانند درآینده چه بر سر آن خواهد آمد؟

شهروند تهرانی

قشر ضعیف، فقط حقوق بگیران نیستند

چرا رسانه‌ها فقط از حقوق‌بگیران شاغل و بازنشسته به عنوان قشر ضعیف یاد می کنند؟ به عنوان یک کاسب با وجود ۲ فرزند در خرابه‌های خانه پدری زندگی می‌کنم که مجبورم از شیر خشک فرزندم بزنم تا بتوانم گذران زندگی کنم و با مبلغ یارانه به زحمت اقساط خود را می‌پردازم. اکنون با اخبار قطع یارانه دهک‌های پردرآمد، نگرانم که کاسبان در این دهک‌ها قرار گیرند و فقط حقوق‌بگیران به عنوان اقشار ضعیف مستحق دریافت یارانه باشند!

یک کاسب

شیادان به کودکان سرطانی هم رحم نمی کنند

سال‌ها است که در صندوقی متعلق به یکی از مؤسسات خیریه حمایت از کودکان سرطانی پول پس‌انداز می‌کنم و به هنگام مراجعه مسئول مربوطه، صندوق را به آنان تحویل می‌دهم. اخیراً دوبار متوالی وجه قابل توجه این صندوق را به فردی که خود را از کارکنان این موسسه معرفی کرد، تحویل داده‌ام که بعد متوجه شده‌ام او از شیادانی است که به کودکان سرطانی هم رحم نمی‌کنند! سوالم از مسئولانی که وظیفه ساماندهی و نظارت بر این مؤسسات را برعهده دارند، این است که چگونه این قبیل سودجویان به اطلاعات افرادی که این صندوق‌ها را در اختیار دارند، دست می‌یابند و آیا احتمال دارد که از طریق برخی کارکنان مؤسسات خیریه این اطلاعات در اختیار آنان قرار گیرد و آیا نباید اطلاع‌رسانی و اقدامات موثری برای جلوگیری از گسترش این نوع سودجویی‌ها صورت گیرد؟

هموطن نیکوکار

می توانیم از مخارج غیرالزامی بکاهیم

با بازگشت زائران خانه خدا به کشور و آوردن سوغاتی‌های آنچنانی و ولیمه‌های پرهزینه، همچنان جای فرهنگ‌سازی در مورد کاستن از خرج‌های غیرلزوم زائران، خالی است. کما اینکه این روزها بهای خرید یک گوسفند برای قربانی فقط به اندازه یارانه یک سال فرد تهی دستی است که با این مبلغ امرار معاش می‌کند.

تلفن به خط ارتباطی

استفاده رایگان ایثارگران از حمل و نقل درون شهری

طبق قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران، استفاده از حمل و نقل درون‌شهری مانند اتوبوس و مترو باید برای‌آنان رایگان باشد. اما همچنان کارت‌های مترو به صورت نیم‌بهاء در اختیار ایثارگران و جانبازان قرار می گیرد. انتظارمی رودشهرداری نسبت‌به‌رایگان‌شدن‌این‌خدمات‌اقدام‌کند.

از ایثارگران جنگ تحمیلی

خیابان، شب‌ها تاریک است

خیابان آرش نسب واقع در خیابان ولیعصر روبروی زعفرانیه، فاقد روشنایی و شب‌ها تاریک است. امیدواریم اداره برق منطقه مربوط نسبت به تأمین روشنایی این خیابان اقدام کند.

از ساکنان خیابان آرش‌نسب

٤٠ هزار تومان برای تعویض شناسنامه

متقاضیان تعویض یک جلد شناسنامه باید مبلغ ٤٠ هزار تومان به اداره ثبت احوال بپردازند. لطفا مسئولان ذی‌ربط پاسخ دهند آیا اخذ این مبلغ قانونی است؟

از مراجعان به ثبت احوال

رانندگان، زود دست از کار می کشند

از زمانی که مسئولیت خط اتوبوسرانی میدان نوبنیاد ـ هفت‌تیر و بالعکس به شرکت خصوصی واگذار شده است، رانندگان اتوبوس‌ها تا ساعت ٦ بعدازظهر فعالیت می‌کنند و پس از آن دست از کار می‌کشند. ضمن آنکه مانند سابق و به طور منظم حرکت نمی‌کنند.

مسافر اتوبوس

درآمد دولت از گرانی حامل‌های انرژی

براساس آمار ارائه شده از سوی دولت، ١٢هزار میلیارد تومان بین درآمد حاصل از افزایش قیمت‌ها پس از هدفمندی یارانه‌ها و کل مبلغ پرداختی به عنوان یارانه به مردم، اختلاف وجود دارد که دولت برای جبران آن باید یارانه‌دهک‌های پردرآمد را قطع کند. حال آنکه تمرکز دولت بر بازپس گیری مبالغی که از صندوق بیت‌المال در چندمورد اختلاس شده است، می‌تواند این کسری را جبران کند! همچنین انتظار می‌رود که مسئولان ذی‌ربط اعلام کنند که میزان واقعی درآمد دولت از گران شدن گاز، برق، بنزین و سایر حامل‌های انرژی به چه میزان است که مبلغ ناچیز ٤٥ هزار تومان این چنین بردوش دولت سنگینی می‌کند؟

شهروند تهرانی

برنامه سراسری ساماندهی معتادان

اجرای برنامه‌ای سراسری برای اصلاح و ساماندهی معتادان و کارتن خواب‌ها، ایجاد شغل برای آنان و نجات این بندگان خدا از اوضاع فلاکت بار، دلسوزی و همت تمامی مسئولان ذی‌ربط در هیات دولت، سازمان اوقاف و امور خیریه و سایر نهادهای مرتبط را می‌طلبد.

قم ـ یک هموطن

رادیو، تلویزیون مستقل تاسیس شود

یکی از مناسب‌ترین راه‌های اطلاع‌رسانی و تنویر افکار عمومی و ایجاد ثبات لازم در کشور، تاسیس شبکه‌های رادیو، تلویزیون‌های مستقل و خصوصی براساس قانون اساسی و تحت نظارت نهادهای ذی‌صلاح است. زیرا یکی از آفت‌های اساسی فعالیت انحصاری رسانه‌های دولتی در هر کشوری تضعیف اعتماد مردم به برخی مسئولان است. متاسفانه در صدا و سیما برنامه‌هایی که با بینشی خاص بر جامعه در آن جریان دارد، برای استفاده میلیون‌ها نفر از مخاطبانی پخش می‌شود که در تفکری نو و مترقی، خواهان پخش برنامه‌هایی در چارچوب موازین اسلامی و متناسب با سلیقه خود هستند.

قم ـ از مخاطبان صدا و سیما

اتصال به ١١٩ در خوزستان

در حالی که از همه جای کشور با گرفتن شماره ١١٩ می توان به این سامانه برای کسب اطلاع از ساعت و اوقات شرعی متصل شد، هموطنان خوزستانی باید در تماس با شماره‌ای شهری به سامانه ١١٩ متصل شوند. امیدواریم شرکت مخابرات استان این مشکل را برای استفاده‌کنندگان از این سامانه مرتفع کند.

اهواز ـ یک شهروند

بقیه در صفحه ۹

روی خط بازی های پارا آسیایی جوانان ۲۰۱۳ مالزی

۳ طلای دیگر برای دوومیدانی

نمایندگان دو و میدانی ایران ۳ مدال طلای دیگر را در بازی‌های پاراآسیایی جوانان بدست آوردند.

رقابت های دوومیدانی روز سوم در شرایطی به پایان رسید که نمایندگان ایران، بازهم درخشیدند. مرادی، نظم‌خواه و پرورده ۳ مدال طلای دیگر در دوومیدانی برای ایران کسب کردند. سعید نظم‌خواه در دو ۲۰۰ متر جوانان، طلا گرفت. مهدی مرادی در دو ۲۰۰ متر نوجوانان کلاس T۱۳ مدال طلا بدست آورد و امیرحسین پرورده در ماده پرتاب وزنه نوجوانان با رکورد ۹ متر و ۹۲ سانتی متر، مدال طلا را از آن خود کرد. نمایندگان دوومیدانی ایران در نوبت صبح، موفق به کسب ۱۱ مدال طلا و یک نقره شده بودند. در حالی که مسابقات چند ماده دیگر باید برگزار می شد، بارش شدید باران، مانع از ادامه مسابقات شد. سومین دوره بازی‌های پاراآسیایی جوانان تا هشتم آبان در مالزی، ادامه دارد.

۲ طلا و یک نقره برای پولاد مردان جوان ایران

پولاد مردان جوان ایران در نخستین روز از رقابت های وزنه برداری بازی‌های پاراآسیایی جوانان - ۲۰۱۳ مالزی با کسب ۲ مدال طلا و یک نقره درخشیدند.

در ادامه رقابت های وزنه برداری بازی‌های پاراآسیایی جوانان، نمایندگان ایران درخشیدند. احمد دوستار در دسته ۵۹ کیلوگرم، وزنه ۱۳۰ کیلویی را روی سینه نگهداشت و به مدال طلا رسید. او، علاوه بر کسب مدال طلا، رکورد جهان را ارتقا داد.

محسن بختیار نیز در دسته ۵۴ کیلوگرم با مهار وزنه ۱۲۰ کیلوگرمی، قهرمان بازی‌های پاراآسیایی جوانان شد و مدال طلا گرفت. پیش از او، علی سیفی در دسته ۴۹ کیلوگرم با ثبت رکورد ۹۲ کیلوگرم، بعد از ورزشکار عراقی به مدال نقره رسیده بود. روز نخست رقابت های وزنه برداری با کسب ۳ مدال برای ایران به پایان رسید؛ ورزشکاران دسته های سنگین و فوق سنگین وزن، امروز رقابت خواهند کرد.

۲ مدال برنز برای شناگران

نخستین روز مسابقات شنا بازی‌های پاراآسیایی جوانان با کسب ۲ مدال برنز، برای نمایندگان کشورمان همراه بود.

دیروز در نخستین روز از مسابقات شنا، امیرمحمد توحیدنژاد با ثبت رکورد یک دقیقه و ۵۶ ثانیه و ۱۹ صدم ثانیه موفق به کسب مدال برنز ماده ۱۰۰ متر آزاد کلاس S6 شد. رضا جوادی نیز در ماده ۱۰۰ متر آزاد، کلاس S7 به مدال برنز دست یافت. محمدرضا نکویی، در کلاس S9 به مقام سوم رسید، ولی به دلیل اینکه در رده سنی نوجوانان، شناگران به حد نصاب نرسیده بودند، وی با گروه سنی جوانان مسابقه داد و مقام او، محاسبه نشد. در بخش شناگران نابینا و کم بینا، محمد حسین کریمی و سعید منتظری در کلاس S12 و S13 ماده ۱۰۰ متر قورباغه به مقام سوم رسیدند. این دو شناگر نیز به دلیل حد نصاب نرسیدن شناگران در رده سنی جوانان، در گروه نوجوانان مسابقه دادند و مقام آنها محاسبه نشد و مدالی به آنها تعلق نگرفت. سیدمهدی میردهقان نیز در ماده ۱۰۰ متر کرال پشت، کلاس S11 به عنوان چهارم بسنده کرد.

جایگاه دوم کاروان غدیر در جدول توزیع مدال

کاروان ورزشی ایران، بعد از ورزشکاران ژاپن در رده دوم جدول توزیع مدال بازی‌های پاراآسیایی - ۲۰۱۳ مالزی قرار دارد.

در سومین دوره از بازی‌های پاراآسیایی جوانان، کاروان ایران تاکنون در رده دوم جدول رده بندی مدالی قرار دارد. کاروان غدیر که در دوره گذشته، بعد از ژاپن در مکان دوم قرار گرفته بود، اکنون نیز با کسب ۱۶ مدال طلا، ۵ نقره و ۹ برنز در رده دوم قرار دارد. البته هنوز مدال‌های وزنه برداری و دو و میدانی به رده بندی جدول توزیع مدال ها، اضافه نشده است.

محمد شریعتمداری، سرپرست جدید وزارت ورزش و جوانان



حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی، رییس جمهوری در حکمی محمد شریعتمداری را با حفظ سمت به عنوان سرپرست وزارت ورزش و جوانان، منصوب کرد.

در حکم دکتر روحانی به محمد شریعتمداری آمده است: بر اساس اصل ۱۳۵ قانون اساسی و نظر به مراتب تعهد و سوابق علمی و مدیریتی جنابعالی، به موجب این حکم، شما را با حفظ سمت به سرپرستی وزارت ورزش و جوانان برمی گزینم. امید است با عنایات الهی و همکاری همه همکاران آن وزارت، در خدمت به ملت شریف ایران و نظام جمهوری اسلامی با رعایت اصول قانونمداری، اعتدال گرایی و منشور اخلاقی دولت تدبیر و امید، موفق باشید.

ایران - نیجریه؛ ثبت بزرگترین افتخار فوتبالی نوجوانان



تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران، امروز در آخرین دیدار مرحله یک‌هشتم نهایی جام جهانی نوجوانان - ۲۰۱۳ امارات، مقابل نیجریه به میدان می رود که در صورت پیروزی بر این حریف آفریقایی، بزرگترین افتخار تاریخ فوتبال ایران، رقم خواهد خورد.

مرحله یک‌هشتم نهایی پانزدهمین دوره جام جهانی نوجوانان - ۲۰۱۳ امارات، دیروز و امروز پیگیری شد تا چهره ۸ تیم برتر این دوره از مسابقات، مشخص شود؛ امروز در یکی از این دیدارها، نوجوانان ایران مقابل نیجریه به میدان می‌روند.

شاگردان علی دوستی مهر، جام جهانی نوجوانان را با توقف آرژانتین و خلق شگفتی آغاز کردند. دیداری که می‌توانست با پیروزی ملی پوشان کشورمان پایان یابد. نوجوانان ایران در دومین بازی خود مقابل کانادا، انتظارات را برآورده نکردند و به تساوی رضایت دادند. هر چند آنها در آخرین بازی مرحله مقدماتی، اتریش را شکست دادند، ولی اگر یکی از ۱۲ موقعیت آنها مقابل کانادا به گل تبدیل می‌شد به عنوان صدرنشین صعود می کردند و در مرحله دوم، شرایط بهتری داشتند.

ملی پوشان نوجوان کشورمان در حالی به عنوان تیم دوم گروه E به جمع شانزدهم تیم برتر جام جهانی نوجوانان صعود کردند که طبق جدول مسابقات، در این مرحله باید مقابل تیم نخست گروه F به میدان بروند؛ این بازی، آخرین دیدار مرحله یک‌هشتم نهایی خواهد بود.

البته جدولی که تیم ایران در آن قرار گرفته است، به غیر از نیجریه و اروگوئه، تیم‌های مدعی و صاحبنام دیگری ندارند و تیم‌های مکزیک (قهرمان دوره گذشته)، برزیل، آرژانتین، ایتالیا، روسیه و ساحل عاج در آن سوی جدول قرار گرفته‌اند. با نگاهی گذرا به جدول مذکور، می توان گفت که نیجریه، قویترین تیم در این سوی جدول است و اگر نوجوانان کشورمان این تیم را شکست دهند، برای رسیدن به فینال، راه سختی را پیش رو ندارند.

ایران - نیجریه، در حالی مقابل هم صف آرایی می کنند که حریف مطرح آفریقایی، بعد از برزیل، بهترین خط حمله را در مرحله مقدماتی داشته است.

پیروزی ۶ بر یک مقابل مکزیک (قهرمان دور گذشته)، تساوی ۳ بر ۳ با سوئد و پیروزی ۵ بر صفر مقابل عراق، نتایجی است که نشان می دهد، این تیم با آمادگی کامل به میدان آمده است. تیم نیجریه در آغاز جام به علت بالا بودن گرید استخوانی ۱۱ بازیکن خود، آنان را از دست داد؛ با این حال، عملکرد خوبی را از خود به نمایش گذاشت.

شاگردان علی دوستی‌مهر که در سه بازی مرحله مقدماتی، بیش از ۲۵ موقعیت گلزنی را به راحتی از دست دادند، با ۲ گل خورده یکی از بهترین خطوط دفاعی این دوره از رقابت ها را در اختیار دارند. بازی ایران - نیجریه، تقابل بهترین خط دفاع و حمله جام خواهد بود.

ادامه یا پایان افتخار آفرینی

تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران در جام جهانی ۲۰۰۹ نیجریه با هدایت علی دوستی‌مهر به عنوان نخستین تیم ملی فوتبال کشورمان در رده‌های مختلف سنی، از مرحله گروهی به مرحله دوم، صعود کرد و با شکست از اروگوئه به جمع ۸ تیم برتر آن دوره از رقابت ها راه نیافت.

اما اگر در این دوره از مسابقات، نوجوانان کشورمان نیجریه را شکست دهند و به مرحله یک‌چهارم نهایی راه یابند، بزرگترین افتخار تاریخ فوتبال ملی ایران، رقم خواهد خورد که بسیار ارزشمند است؛ افتخاری که با هدایت علی دوستی‌مهر، کادر فنی و مهدی مهدوی‌کیا بدست می آید و رکوردی قابل توجه، برای فوتبال ایران خواهد بود.

باید منتظر ماند و دید که شاگردان علی دوستی‌مهر، این کار بزرگ و افتخار ارزشمند را رقم می‌زنند و به جمع ۸ تیم برتر جام راه می یابند یا با شکست از نیجریه و افتخاری که تا به امروز بدست آورده‌اند - که موفقیت کمی هم نیست - به ایران باز خواهند گشت.

پرافتخارترین تیم نوجوانان

اگرچه تیم ملی فوتبال نوجوانان نیجریه، پس از یک دوره غیبت در این دوره از جام جهانی حضور یافته، ولی با ۳ قهرمانی و ۳ نایب قهرمانی، موفقترین تیم در این رده سنی محسوب می‌شود. این تیم آفریقایی - که تا سال ۲۰۰۹ از نظر کسب افتخار - پائین تر از برزیل قرار داشت، آنهم در شرایطی که دو تیم، سه قهرمانی و دو نایب قهرمانی داشتند، (البته برزیلی‌ها، عناوین سومی بیشتری را کسب کرده بودند) در بازی فینال سال ۲۰۰۹ مغلوب سوئیس شدند. آن نایب قهرمانی، باعث شد که عنوان بهترین و پرافتخارترین تیم رده سنی نوجوانان را کسب کنند.

بر اساس آمار، نیجریه با ۳ قهرمانی و ۳ نایب قهرمانی، پرافتخارترین تیم نوجوانان جهان است. برزیل با ۳ قهرمانی، ۲ نایب قهرمانی، یک سومی و ۲ چهارمی، دومین تیم پرافتخار جهان محسوب می‌شود. غنا با ۲ قهرمانی، ۲ نایب قهرمانی، یک سومی و یک چهارمی، سومین تیم پرافتخار جهان است. مکزیک با ۲ قهرمانی، چهارم است و تیم‌های شوروی سابق، عربستان، فرانسه و سوئیس با یک قهرمانی، مشترکا در رده پنجم هستند.

آنچه در فوتبال جهان معروف است، اینکه تیم‌های آفریقایی از جمله نیجریه و غنا، بازیکنان صغر سن بسیاری داشته‌اند و همه قهرمانی‌ها و عناوینی که در این رده بدست آورده‌اند، غیر واقعی است.

حذف ۱۱ بازیکن این تیم در آغاز رقابت های این دوره به علت بالا بودن شرایط سنی، این مساله را تا حدود زیادی ثابت می کند.

البته هنوز شک و شبهه بسیاری در تیمی که قرار است، امروز مقابل نوجوانان ایران به میدان روند، وجود دارد؛ بازیکنانی که اگر به چهره آنان نگاه کنید، هرگز باور نمی کنید که سن آنان زیر ۱۷ سال است!

دیدارهای امروز

اروگوئه - اسلواکی، ساعت ۱۷ در ورزشگاه شهر راس الخمیه

مراکش - ساحل عاج، ساعت ۱۷ در ورزشگاه شهر فجیره

آرژانتین - تونس، ساعت ۲۰ در ورزشگاه الرشید شهر دوبی

نیجریه - ایران، ساعت ۲۰ در ورزشگاه شیخ خلیفه شهر العین

ایران، سفید می پوشد

تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران در مصاف با نیجریه در مرحله یک‌هشتم نهایی جام جهانی، پیراهن سفید می پوشد.

نوجوانان ایران با پیراهن، شورت و جوراب یکدست سفید به میدان می روند. تیم فوتبال نوجوانان نیجریه با پیراهن، شورت و جوراب سبز بازی می کند. دروازه‌بان ایران، آبی‌پوش و دروازه‌بان نیجریه، سبزپوش هستند.

آخرین تمرین تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران، ساعت ۱۸ دیروز در زمین شماره ۲ ورزشگاه العین امارات برگزار شد.

فینال زودرس

سرمربی تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران، اعلام کرد که بازی تیمش مقابل نیجریه، فینال زودرس جام جهانی نوجوانان است.

علی دوستی مهر، گفت: نیجریه، تیم بزرگی است که نفراتش از نظر فیزیکی، تکنیکی و تاکتیکی در وضع فوق‌العاده‌ای هستند.

وی با بیان اینکه تیم نیجریه برای دفاع از عناوین قهرمانی خود در این مسابقات حضور یافته است، تاکید کرد: نیجریه، همیشه جزو چهار برتر جام جهانی نوجوانان بوده است و رویارویی با آنها، مسابقه ای سخت و سنگین برای ایران است. البته ما به جام جهانی نیامده‌ایم تا دست خالی بر گردیم؛ به همین دلیل، همه تلاشمان را برای پیروزی به کار می‌بندیم.

دوستی‌مهر با تاکید بر اینکه نباید برای بازیکنان تیمش فرقی داشته باشد که مقابل چه تیمی به میدان می‌رود، گفت: مطمئن باشید که ۹۰ دقیقه بازی پر قدرت و با کیفیت را به نمایش می گذاریم و امیدواریم با کمک خداوند یکتا، بازی خوبی را ارائه کنیم. به مردم ایران، قول می‌دهم که شاگردانم طوری در میدان زحمت بکشند که همه آنها و همین طور فیفا، از تلاش بازیکنان ایران راضی باشند و تیم ایران را تحسین کنند.

بازی بدون وقت اضافه

بر اساس اعلام کمیته برگزاری جام جهانی نوجوانان، بازیهایی که در وقت معمول ۹۰ دقیقه‌ای به تساوی برسد، وقت اضافه ۳۰ دقیقه‌ای نخواهد داشت.

به گزارش سایت فدراسیون فوتبال، بر اساس تصمیم کمیته برگزاری مسابقات و طبق ابلاغ کمیته اجرایی فیفا، بازی های جام جهانی نوجوانان در مراحل حذفی (شامل یک هشتم نهایی، یک چهارم نهایی، نیمه‌نهایی و فینال) در صورت تساوی در وقت معمول ۹۰ دقیقه ای به ضربات پنالتی کشیده می‌شود و وقت اضافه نخواهد داشت.

کمیته اجرایی فیفا، این تصمیم را پس از بررسی بازی های جام جهانی نوجوانان قبلی در نظر گرفته و گفته است که بازیکنان در سنین زیر ۱۷ سال، زمانیکه بیش از ۹۰ دقیقه بازی کنند، احتمال دارد با مشکلات جسمی مواجه شوند و به همین دلیل، تصمیم گرفته شده تا بازی ها، پس از پایان ۹۰ دقیقه در صورت تساوی به وقت اضافه کشیده نشود و برنده بازی دو تیم با ضربات پنالتی تعیین شود.

پیش از تصویب این قانون، گزینه «گل طلایی» بررسی شد، ولی گزینه ضربات پنالتی رای آورد. این قانون در جام جهانی جوانان اجرا نشد، چون در کمیته اجرایی، رای نیاورده بود.

۸ اتوبوس برای ایرانیان

هشت دستگاه اتوبوس، تماشاگران ایرانی را برای تماشای بازی تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران مقابل نیجریه، از دوبی و ابوظبی به العین منتقل می کند.

این اتوبوس‌ها، ساعت ۱۵ امروز از مقابل باشگاه ایرانیان حرکت خواهند کرد. همچنین دو دستگاه اتوبوس، برای جابجایی ایرانی‌های مقیم ابوظبی به العین در نظر گرفته شده است.

دیدار تیم‌های ایران - نیجریه، ساعت ۲۰ به وقت محلی در ورزشگاه العین انجام می‌شود.

استقلال - مس؛ آغاز سه گانه صدرنشینی آبی پوشان در لیگ برتر فوتبال

استقلال که برای رسیدن به صدر جدول رده‌بندی لیگ برتر فوتبال، باید هر سه بازی معوقه خود را ببرد، امروز نخستین سه گانه را با مس کرمان شروع می کند؛ تیمی که پرویز مظلومی، مربی آن است.

لیگ برتر فوتبال، امروز با برگزاری بازی معوقه تیم‌های استقلال و مس کرمان پی گرفته می‌شود. این دیدار در چارچوب بازی های هفته دهم لیگ برتر است که از ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه به قضاوت سعید مظفری‌زاده در ورزشگاه آزادی تهران برگزار می‌شود.

استقلال - مس در شرایطی متفاوت به مصاف هم می‌روند. آبی پوشان، بعد از برد مقابل فولاد خوزستان که به باور قلعه‌نویی، کلید قهرمانی این تیم در لیگ برتر بود، انگیزه‌های زیادی دارند که هر سه بازی معوقه خود را با برد پشت سر بگذارند تا صدرنشینی را از پرسپولیس بگیرند. این در حالی است که مس کرمان در قعر جدول رده‌بندی با چالش های زیادی، برای فرار از این منطقه مواجه است.

مس که تنها تیم بدون برد فصل جاری لیگ برتر محسوب می‌شود با هشت گل زده، ضعیف‌ترین خط حمله لیگ را در اختیار دارد و با وجود در اختیار داشتن «ادینیو»، هنوز این مشکل را حل نکرده است. کویرنشینان در خط دفاعی با ۱۶ گل خورده، اوضاع مناسبی ندارند و باید دید مقابل بازیکنان با تجربه استقلال، چه نتیجه ای را رقم خواهند زد.



استقلال با وجود انگیزه‌های فراوان با مشکلات عدیده، برای این دیدار مواجه است. محمد قاضی، خسرو حیدری، حنیف عمران‌زاده و هاشم بیک‌زاده مصدوم هستند و محمدمهدی نظری به دلیل محرومیت، این بازی را از دست داده است. آرش برهانی که چند روزی به خاطر مشغله کاری در دوبی به سر می‌برد، این دیدار را از دست داده است تا قلعه‌نویی با تیمی نصفه و نیمه به مصاف حریف برود. جدال استقلال - مس، علاوه بر مسایل فنی، یک نکته حاشیه‌ای را در خود جای داده و آن تقابل قلعه‌نویی - مظلومی است. سرمربیان کنونی و پیشین تیم استقلال، در حالی رود روی هم می‌ایستند که هیچکدام دوست ندارند در این بازی بازنده باشند. جنگ‌های لفظی که همواره قلعه‌نویی و مظلومی داشته‌اند، انگیزه آنان را برای پیروزی در این دیدار، دو چندان کرده است. استقلال در صورت پیروزی دراین بازی ۲۲ امتیازی می‌شود و جای سایپا را در رده ششم جدول رده‌بندی می گیرد. مس، فقط با برتری با اختلاف بیش از ۳ گل، از قعر جدول رده‌بندی لیگ برتر، جدا می شود.

استعفای کوروش باقری از سرمربیگری تیم ملی وزنه‌برداری



کوروش باقری، سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری ایران پس از کسب عنوان سومی تیم ملی وزنه‌برداری ایران در رقابت های قهرمانی جهان - ۲۰۱۳ لهستان، از سمت خود استعفا داد.

باقری، پس از کسب عنوان سومی تیم ملی که برای دومین بار در طول تاریخ وزنه‌برداری ایران به دست آمد، گفت: از اینکه بچه‌ها در این سالها، من را در اردوها تحمل کردند، متشکرم. اما دیگر نمی توانم در وزنه‌برداری بمانم. از رضازاده که بدون کوچکترین مشکلی، مرا تحمل کرد، تشکر می کنم و از مسئولان وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک هم ممنونم.

سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری ایران، تأکید کرد: دیگر سرمربی تیم ملی نیستم و رسما کناره گیری می کنم و برای نفرات جدید، آرزوی موفقیت دارم.

شیوه کنونی اجرای هدفمندی یارانه‌ها مخرب است

تدوین و تصویب طرح هدفمندی یارانه‌ها بدون توجه به تجربه موفق کشورهای پیشرفته درخصوص حذف جدی اما تدریجی و بلندمدت یارانه انرژی صورت گرفت.

به گزارش ایرنا، علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مراسم آغاز به کار همایش علمی امکان سنجی شناسایی گروه های درآمدی مشمول یارانه در ایران در محل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: حذف یکباره و شتابزده یارانه ها همراه با پرداخت یارانه سراسری به کل جمعیت کشور، دو خطای عمده این طرح بود که آسیب ها و پیامدهای آن برای جامعه و اقتصاد ایران تا سال ها و شاید دهه ها برجای خواهد ماند.

وی افزود: تجربه کشورهای غربی نشان می دهد که در برخی از آنها یارانه حامل های انرژی طی دوره بلندی، گاه تا ۱۵ سال به تدریج حذف شده است. تجربه کشورهای در حال توسعه هم حاکی از آن است که اگر حذف یارانه ها همراه با شناسایی و پرداخت یارانه نقدی صرفاً به فقرا باشد و با روستاها و شهرها به گونه ای متفاوت برخورد شود و درآمدهای حاصله صرف گسترش نظام تأمین اجتماعی شود و برای برخی بخش های آسیب پذیر تولیدی، سیاست های جبرانی ویژه طراحی و اجرا شود، سیاست اصلاحات یارانه ای می تواند موفق باشد. متاسفانه نمی دانیم چرا طرح هدفمندسازی یارانه ها بدون توجه به تجربه‌های عظیم سایر کشورها، بدون شناسایی گروه های هدف و به شیوه ای شتابزده تصویب شد و به اجرا درآمد.

ربیعی تصریح کرد: یکی از نقاط ضعف جدی این قانون آن بود که نه تنها برای اجرای یکجا و سراسری در کل بخش های اقتصاد و جامعه ایران تصویب شد، بلکه فاقد طراحی یک مرحله آزمایشی کوتاه مدت برای درک خطاها و آزمون مشکلات اجرایی و احتمالی آن بود.

وی افزود: شکافی که ناشی از اجرای طرح هدفمندی یارانه هاست و لاجرم پوشش آن مستلزم ایجاد کسری بودجه، استقراض از بانک مرکزی و نهایتاً افزایش نقدینگی است، بی گمان دود انتخاب چنین مسیری سرانجام و به شکل افزایش نرخ تورم به چشم قشرهای آسیب پذیر خواهد رفت.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: بر این اساس و با عنایت به نبودتناسب منابع و مصارف قانون هدفمندسازی، بدون شناسایی و تفکیک مرحله ای و تدریجی گروه های کم‌درآمد و حذف تدریجی و مرحله ای گروه‌های پردرآمد، تداوم طرح هدفمندسازی به شکل کنونی هم امکان پذیر نیست و هم پیامدهای مخربی برای اقتصاد ایران در پی خواهد داشت.

وی افزود: گرچه هم شیوه پرداخت یارانه‌ها و هم فقدان تناسب منابع و مصارف آن دو معضلی است که از همان آغاز تصویب و اجرای این قانون توسط بسیاری از کارشناسان و اقتصاددانان نسبت به آن هشدار داده شده بود. اما به علت شتاب در اجرای طرح هدفمندی، این هشدارها مورد توجه مسئولین وقت قرار نگرفت.

این وزیر کابینه تاکید کرد: اکنون نباید بگذاریم این خطا بیش از این استمرار یابد. در واقع مساله پرداخت یارانه و شیوه های آن و شناسایی گروه های هدف، تنها مسأله دیروز و امروز دولت ها نیست. بلکه مسأله جدی دولت‌های آینده هم هست که از اکنون باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

وی گفت: فراموش نکنیم منابع یارانه، یکی از منابع رانت است و هرجا رانتی هست، افراد و گروه های سودجو به وسوسه و تحرک واداشته می شوند و البته معمولاً این وسوسه و تحرک محصولی جز فساد نخواهد داشت. بنابراین برای پرهیز از گسترش مناسبات فسادآمیز، چاره ای نداریم جز آن که در مسیر شناسایی قشرهای نیازمند و گروه های آسیب‌پذیر از شتابزدگی بپرهیزیم و با بهره گیری از خرد جمعی و نظام کارشناسی کشور، به تدریج به سوی یافتن راهکارهایی سالم و کارآمد رهنمون شویم.

ربیعی گفت: تلاش ها در جهت اصلاح طرح هدفمندی یارانه ها با اهداف انقلاب اسلامی ایران کاملاً سازگار است و رهبر معظم انقلاب در مناسبت های مختلف بر لزوم تأمین عدالت تأکید کرده اند.

رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس هم با بیان اینکه دولت به دنبال این است که ۳۰ درصد یارانه بگیران از دریافت یارانه حذف شوند نه اینکه ۳ دهک یارانه نگیرند، گفت: ایرانیان مقیم خارج، افغانی های ساکن ایران، ملاکین بزرگ و مالکان خودروهای گران قیمت باید از دریافت یارانه نقدی حذف شوند.

به گزارش مهر، غلامرضا مصباحی مقدم با بیان اینکه در زمان تصویب لایحه دولت ۷ دهک را مشمول دریافت یارانه می کرد، افزود: در آن زمان دولت گزارشی تهیه کرده بود که ۴ دهک اول به عنوان گروه کم درآمد، سه دهک گروه میانی و سه دهک گروه ثروتمند جامعه مشخص شده بودند. سه دهک پائین با یکدیگر قرابت داشتند و با یک شیفت در نمودار به سمت سه دهک میانی از نظر وضع درآمدی متمایل بودند و تمایز کمی با گروه میانی داشتند. اما دهک هفتم فاصله معناداری با دهک هشتم داشت و نمودار آن نشان می داد که سه دهک بالا که طبقات مرفه جامعه بودند، وضع متفاوت و متمایزی با ۷ دهک دیگر داشتند.

وی ادامه داد: بر اساس این گزارش دولت، کمیسیون ویژه هدفمندی در مجلس به دولت پیشنهاد کرد که تنها دو دهک اول را مشمول دریافت یارانه کند. در نهایت کمیسیون ویژه به دو دهک رای داد و این طرح را به رئیس جمهوری وقت احمدی نژاد ارائه کرد. البته رئیس جمهوری وقت عنوان کرد که دو دهک مصوب مجلس را به ۷ دهک تغییر دهیم و در مورد تامین قیمت آن و حامل های انرژی اختیار بر عهده دولت باشد، چون ممکن است عده ای نسبت به ذخیره حاملها اقدام کرده و خطراتی را ایجاد کنند، بنابراین کمیسیون دو اصلاحیه را در راستای آن انجام داد و در نهایت به جای ۷ دهک، ۵ دهک مورد حمایت یارانه ای قرار گرفتند.

وی با بیان اینکه دولت پایگاه‌های اطلاعاتی دارد که اگر آنها را تجهیز کند، اطلاعات دقیق‌تری در مورد شناسایی وضع درآمدی افراد می تواند بدست آورد، گفت: دولت بیش از ۲۰ پایگاه اطلاعاتی برای شناسایی وضع درآمدی افراد دارد که می تواند به ۶ پایگاه بسنده کند. امکان شناسایی خانوارهایی که قابل حذف هستند از طریق اطلاعات پایگاه‌های اطلاعاتی وجود دارد.

وزیر نیرو خواستار تشکیل سازمان مدیریت مصرف و بهره وری آب شد

وزیر نیرو خواستار تشکیل سازمان مدیریت مصرف و بهره‌وری آب در سال ۹۳ شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو (پاون) حاکی است: مهندس حمید چیت چیان در نشست شورای آب وزارت نیرو با بیان اینکه باید برای مدیریت مصرف و بهره وری آب سازمان مستقل و ساختار مستقلی مانند سازمان بهره وری تشکیل شود، گفت: باید همه ابعاد حقوقی، اقدام های قانونی و منابع این سازمان و کلیات کار تا پایان امسال مشخص شود و این سازمان در سال ۹۳ تحقق یابد.

وی تشکیل این سازمان را از جمله کارها در جهت مدیریت مصرف دانست که نباید از آن غافل شد و در ادامه بر لزوم تعیین برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مدیریت ریسک در آبرسانی شهری تاکید کرد و گفت: این برنامه باید از بحرانی ترین شهرها آغاز شده و در دسترس همه مدیران ارشد وزارت نیرو قرار گیرد.

نامبرده موضوع تهیه دیسپاچینگ ملی آب را موضوعی مهم در جمع آوری اطلاعات بخش آب ارزیابی کرد و گفت: این اطلاعات مانند دیسپاچینگ برق می تواند در مواقع ضروری در زمینه های آب شرب، کشاورزی و صنعت به موقع و به صورت آنلاین کمک موثری باشد.

وی بحث اطلاع رسانی وضع آب کشور را بسیار مهم دانست و گفت: باید همچنین اعتبارات کافی درخصوص کاهش هدر رفت آب و زوم بندی فشاری در بودجه ۹۳ دیده شود.

چیت چیان درخصوص خصوصی سازی شرکت های آب و برق در دنیا گفت: با تحقیقات گسترده ای که در این زمینه انجام داده ایم، به این نتیجه رسیدیم که به غیر از انگلستان که شرکت های آب خصوصی هستند، خصوصی سازی شرکت های آب به معنای واقعی در دنیا وجود ندارد.

وی ادامه داد: شرکت تپکو که بزرگ ترین شرکت برق در ژاپن است، در سال ۲۰۱۱ از خصوصی تبدیل به دولتی شده است و در فرانسه، چین، روسیه و عربستان هم شرکت های توزیع برق ۱۰۰ درصد دولتی هستند.

وزیر نیرو افزود: در هند بیش از ۹۵ درصد، در ترکیه همه به غیر از یک ناحیه، در کانادا ۱۰۰ درصد و در آمریکا غالب شرکت‌های توزیع برق متعلق به دولت های محلی یا موسسات عمومی هستند.

وی اضافه کرد: در مورد خدمات عمومی و مواردی که با انحصار طبیعی مواجه است، در دنیا روند خصوصی سازی ندارد.

چیت‌چیان گفت: در صورتی که صنعت برق انتظار حمایت یکسره از دولت و بستن چشم از رقابت پذیری را داشته باشد، این صنعت به صنعت خودرو دوم کشور تبدیل می شود.

به گزارش مهر، وی دیروز در جمع مدیران صنعت برق با اشاره به برنامه ریزی وزارت نیرو برای تولید توربین های برق با راندمان بالاتر گفت: باید همچون بسیاری از کشورهای پیشرفته طراحی و ساخت توربین هایی با راندمان و بهره وری بالاتر را در دستور کار قرار دهیم.

وزیر نیرو همچنین با تاکید بر این‌که باید به بازارهای جدید توجه کرد، گفت: نیروگاه های مقیاس کوچک و تولید پراکنده جزو محورهای اصلی وزارت نیرو هستند و نباید به تولید توربین‌های ۲۵ مگاواتی اکتفا کرد. چون بازار توربین‌های کوچکتر به مراتب بزرگتر است.

وی‌بااشاره‌به‌ضرورت‌افزایش سهم باد در سبد انرژی کشور و توسعه ساخت نیروگاه‌های برق بادی، بیان کرد: یکی از کلیدهای توسعه دائم صنعت برق بهبود استانداردها است.

چیت چیان گفت: اگر کار تبدیل به سری سازی شود، صنعت برق سقوط می کند.

از این رو نیروگاهی که امروز ساخته می‌شود با توربینی که در سایت دیگر نصب می‌شود باید متفاوت باشد؛ چرا که در غیر این صورت عقب گرد حاصل می‌شود.

وی با اشاره به اینکه تحقیق و توسعه باید سهم قابل توجهی از درآمدهای صنعت برق را به خود اختصاص دهد، خطاب به مسئولان گروه مپنا تصریح کرد: مپنا باید محور تجارت خود را درست مشخص کند تا رقابت پذیر باشد. اگر بخواهیم هم نیروگاه ساز و هم تولیدکننده برق باشیم، موفقیت‌مان کاهش پیدا می کند.

این وزیر کابینه با اشاره به واگذاری سه نیروگاه به مپنا به ازای طلبی که این شرکت از وزارت نیرو داشت، خاطرنشان ساخت: مپنا باید نیروگاه‌ها را واگذار کند و به محور تجارت و فعالیت اصلی خود بپردازد.

روند رو به افزایش صادرات برق ایران

وزیر نیرو در حاشیه این مراسم با اشاره به روند افزایشی صادرات برق ایران به کشورهای همسایه، گفت: به تازگی کشورعراق هم تماس‌هایی برای افزایش صادرات برق ایران به این کشور داشته است.

چیت‌چیان‌در مرکز تست بنچ توربین ۲۵ مگاواتی گروه مپنا اظهارداشت: درآمد خوبی از صادرات برق به کشورهای همسایه حاصل می‌شود که همین موضوع زمینه‌های ارتباط صنعت برق با کشورهای همسایه را هموار می‌کند.

وی در خصوص احیای دریاچه ارومیه گفت: دو هفته است که ۱۹ اقدام دارای اولویت برای احیای دریاچه ارومیه در کارگروه تشکیل شده در این خصوص تصویب شده که به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ شده است.

نامبرده در خصوص افزایش انشعاب برق گفت: انشعاب برق افزایش نیافته است، بلکه هزینه‌های انشعاب برق یکپارچه شده است.

به عنوان مثال قبلا هزینه‌های نیروی انسانی توسط مشترکان به پیمانکاران پرداخت می‌شد، اما با این مصوبه این هزینه‌ها یکپارچه شده تا هزینه انشعاب شفاف شود.

برگزاری مراسم ختم همسر آیت‌الله حائری شیرازی در تهران

سرویس سیاسی - اجتماعی: مراسم ختم همسر آیت‌الله حائری شیرازی عصر دیروز با حضور شماری از شخصیت‌های سیاسی در مسجد نور تهران برگزار شد.

در این مراسم شخصیت‌هایی همچون حجت‌الاسلام والمسلمین گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری، حجت‌الاسلام والمسلمین علوی وزیر اطلاعات، حجت‌الاسلام والمسلمین پورمحمدی وزیر دادگستری، سرلشکر صفوی مشاور عالی مقام معظم رهبری، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا تقوی رئیس شورای سیاست گذاری ائمه جمعه سراسر کشور و آیت‌الله امامی کاشانی امام جمعه موقت تهران حضور داشتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین صدیقی امام جمعه موقت تهران در این مراسم به سخنرانی پرداخت.

انتقاد وزیر بهداشت از رفتار نامناسب عده ای قلیل از جامعه پزشکی

وزیر بهداشت با انتقاد از پدیده زیرمیزی در بازار سلامت، گفت: رفتار نامناسب عده ای قلیل از جامعه پزشکی باعث شده که به کل جامعه پزشکی نگاه مثبتی وجود نداشته باشد.

به گزارش مهر، دکتر سیدحسن هاشمی افزود: همان طور که ما از بقیه صنوف از جمله مهندسین، روحانیت و بازاریان و دیگر اقشار جامعه انتظار عملکرد مناسب داریم از جامعه پزشکی نیز انتظار داریم نسبت به این پدیده مذموم که با اعتبار جامعه پزشکی مرتبط است، حساس باشند.

وزیر بهداشت با یادآوری اینکه پدیده زیرمیزی تنها در عده قلیلی از جامعه پزشکی اتفاق می افتد، گفت: متأسفانه وجود این پدیده در بین این عده قلیل باعث شده است که نگاه بخش هایی از جامعه به جامعه پزشکی و پزشکان نگاه مثبتی نباشد.

هاشمی گفت: پدیده زیرمیزی با توجه به محرومیت هایی که در جامعه وجود دارد، ظلم مضاعف به مردم است.

طرح عضویت و لغوعضویت نمایندگان دربرخی شوراها رد شد

شورای نگهبان طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در برخی از شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر هیأت ها مغایر با برخی از اصول قانون اساسی تشخیص داد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی شورای نگهبان، طرح عضویت و لغو عضویت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در برخی از شوراهای عالی، شوراها، مجامع و سایر هیأت ها مصوب جلسه مورخ هفدهم مهر ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۹۲/۸/۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

۱- تعیین عضو ناظر در ستاد و شورای مذکور در جزء ۹ بند (الف) و جزء ۷ بند (ب) ماده یک، به منزله اصلاح تصویب‌نامه هیأت وزیران و مغایر اصول ۵۷، ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی شناخته شد.

۲- جزء ۲ بند (ب) ماده یک در مقام اصلاح مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و با توجه به نظر تفسیری این شورا، مغایر اصل ۱۱۲ قانون اساسی شناخته شد.

۳- از آنجا که در قانون اساسی جایگاهی به عنوان «معاونت نظارت مجلس شورای اسلامی» بر دستگاه‌های اجرایی پیش بینی نشده است، الزام دستگاه‌ها به اطلاع رسانی به معاون نظارت مجلس با این عموم مواجه با ایراد بوده و مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۴- در ماده ۷ تشکیل شورای دستگاه‌های نظارتی، همان گونه که قبلا از جمله در خصوص ماده ۱۹۶ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه اعلام شده، مغایر اصول ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۷۶، ۸۷، ۹۰ و بند ۳ اصل ۱۵۶ و اصول ۱۶۱، ۱۷۳، و ۱۷۴ قانون اساسی شناخته شد.

تذکر:

- با توجه به تعیین تکلیف نسبت به مواردی نظیر بندهای یک، ۷ و ۱۲ ماده ۲، عبارت «عنوان» صدر این ماده نیازمند اصلاح عبارتی است.

رد طرح استفساریه تبصره ماده ۷۷ قانون تامین اجتماعی

شورای نگهبان طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی را مغایر قانون اساسی اعلام کرد. به گزارش اداره کل روابط عمومی شورای نگهبان، طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب چهاردهم مهرامسال مجلس شورای اسلامی در جلسه اول آبان شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

بر این اساس، شورای نگهبان اعلام نظر کرد که با توجه به نظریه تفسیری شماره ۵۸۳/۲۱/۷۶ مورخ دهم خرداد ۱۳۷۶ شورای نگهبان از اصل ۷۳ قانون اساسی، طرح فوق الذکر تفسیر نیست بلکه قانونگذاری است، لذا مغایر اصل مذکور شناخته شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی در ۲۱ مهرامسال طرح استفساریه ماده ۷۷ قانون تامین اجتماعی را به شورای نگهبان ارسال کرد.

در این طرح موضوع استفساریه این گونه بیان شده است: با این که حقوق و حق بیمه سنوات ارفاقی بازنشستگان پیش از موعد مذکور به سازمان تامین اجتماعی پرداخت شده است، آیا مستمری بازنشستگان موضوع ذیل ماده ۷۷ قانون تامین اجتماعی باید بر اساس میانگین بیمه پردازی دو سال آخر (سال ۲۹ و ۳۰) محاسبه گردد یا خیر؟

در نامه رئیس مجلس به شورای نگهبان نظر مجلس شورای اسلامی که در جلسه یکشنبه چهاردهم مهر ۱۳۹۲ به تصویب رسیده هم اعلام شده است که "بلی، باید بر اساس میانگین دو سال آخر محاسبه شود." ازسوی دیگرمعاون فنی و درآمد سازمان تأمین‌اجتماعی از آمادگی این سازمان برای اجرای مصوبه مجلس در ارتباط با پرداخت مستمری به بازماندگان افراد فوت‌شده دارای کمتر از ۱۰ سال سابقه پرداخت حق‌بیمه متناسب با تأمین اعتبار از محل مقرر در قانون خبر داد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان تأمین‌اجتماعی، محمدحسن زدا با بیان این که پرداخت مستمری به بازماندگان بیمه‌شدگان تأمین‌اجتماعی براساس ماده ۸۰ قانون تأمین‌اجتماعی انجام می‌شود، گفت: براساس این قانون، پرداخت مستمری به بازماندگان، نیازمند دو شرط توأمان است.

اول این که فرد متوفی در ۱۰ سال منتهی به فوت حداقل یکسال سابقه پرداخت حق‌بیمه داشته باشد و شرط دوم این که در یکسال منتهی به فوت ۹۰ روز سابقه پرداخت حق‌بیمه داشته باشد. مستمری پرداختی به این دسته از بازماندگان متناسب با دستمزد مبنای کسر حق‌بیمه است و در هرحال کمتر از حداقل حقوق ماهانه قانون کار هم نخواهد بود.

وی ادامه داد: براساس مصوبات قبلی مجلس بازماندگان افراد فاقد این دو شرط درصورت دارا بودن حداقل ۱۰ سال سابقه پرداخت حق‌بیمه از مستمری برخوردار می‌شوند و با مصوبه اخیر، افراد دارای کمتر از ۱۰ سال سابقه پرداخت حق‌بیمه هم متناسب با سنوات بیمه‌پردازی از مستمری بازماندگان بهره‌مند می‌شوند.

معاون فنی و درآمد سازمان تأمین‌اجتماعی در ادامه با بیان این که این مصوبه هنوز به تأمین‌اجتماعی ابلاغ نشده است، اظهار داشت: اجرای مصوبه از سوی تأمین‌اجتماعی پس از ابلاغ و تأمین بارمالی آن انجام می‌شود.

جایزه بزرگ شهید آوینی اهدا می‌شود

مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در آستانه برگزاری جایزه بزرگ آوینی به ضرورت ایجادنگاه مستقل در برگزاری این جشنواره تاکید کرد و گفت: شهید آوینی تنها یک اسم نیست بلکه یک رسم است.

به گزارش مهر، مهدی طباطبایی نژاد مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی با بیان این مطلب در نخستین نشست رسانه ای خود پس از انتصاب به عنوان مدیرعامل این مرکز، درباره تعداد آثار ارسال شده به چهارمین جایزه بزرگ شهید آوینی گفت: مجموع آثار ارسال شده به چهارمین جایزه بزرگ شهید آوینی ۳۹۳ فیلم مستند در حوزه های اجتماعی آسیب نگارانه، پرتره و آیینی و مستندهای سیاسی بوده است. از این تعداد ۴۵ فیلم در بخش بیداری اسلامی و بقیه فیلم ها در بخش اصلی این جشنواره حضور دارند.

وی ادامه‌داد: همچنین قرار است در این جایزه از محمد یوسف‌زاده از فیلمبرداران قدیمی سینمای دفاع مقدس تقدیر شود. همچنین قرار است نکوداشتی برای طاها کریمی مستندسازی که چندی پیش درگذشت و شهید هادی باغبانی تصویربردار صدا و سیما که در سوریه به شهادت رسید نیز برگزار شود.

طباطبایی نژاد در پاسخ به سئوال مهر، مبنی بر اینکه آیا با حضور سینمای مستند در جشنواره فیلم فجر موافق است، یادآور شد: معتبرترین جشنواره‌های سینمایی دنیا هم بخش ویژه ای را به آثار سینمای مستند اختصاص می دهند و بهترین مستندهای خود را در دل سانس های اصلی سینمای داستانی به نمایش می گذارند. بالطبع در جشنواره فیلم فجر نیز که معتبرترین ویترین سینمای ایران است و باید از ظرفیت های سینمای مستند در آن استفاده شود، متاسفانه شاهد قرار گرفتن سینمای مستند در حاشیه سینمای داستانی هستیم. بیشتر به عنوان وظیفه اداری و از سر تکلیف به حضور بخش سینمای مستند در جشنواره فیلم فجر نگاه می شود.

سخنگوی وزارت کشور: چند استاندار جدید تا پایان هفته معرفی می شوند

سخنگوی وزارت کشور اعلام کرد: تعدادی از استانداران جدید کشور تا پایان هفته برای انتصاب به هیات دولت معرفی می شوند.

حسینعلی امیری، روز گذشته در گفتگو با ایرنا بر تکمیل پرونده استانداران کشور تاکید کرد و گفت: وزارت کشور گزینه‌های موردنظر برای تصدی تعدادی دیگر از استانداری ها را مشخص کرده است. امیری اظهارداشت: این افراد تا پایان هفته به هیات دولت معرفی می شوند که پس از گرفتن رای اعتماد از هیات وزیران به عنوان استاندار منصوب خواهند شد.

قائم مقام وزیر کشور در امور مجلس گفت: تعیین استانداران جدید متناسب با شاخص های مورد نظر دولت تدبیر و امید در دستور کار وزارت کشور قرار دارد. امیری با اشاره به شاخص های مورد نظر وزارت کشور برای تعیین استانداران جدید، اظهارداشت: مهمترین معیارهایی که باید برای انتخاب استانداران مورد توجه قرار گیرد، برخورداری از مشی اعتدالی، نگاه توسعه محور و سابقه مفید مدیریتی است.

ذخایر خونی تهران درمرحله هشدار قرار گرفت

ذخایر خونی در تهران به حدود سه روز رسید در حالی که باید حدود پنج تا هفت روز ذخیره روزانه خون داشته باشیم بنابراین در مرحله هشدار قرار داریم و از مردم درخواست می کنیم برای نجات جان بیماران به پایگاه‌های انتقال خون مراجعه کنند.

این مطلب را دکتر قاسم اسلامی مدیرکل انتقال خون استان تهران به ایسنا اعلام کرد و افزود: در مهر امسال ۳۳ هزار نفر به پایگاه‌های انتقال خون استان مراجعه کردند و از این تعداد ۲۸ هزار کیسه خون تهیه و به مراکز درمانی ارسال شد.

به گفته او، ۴۶ درصد از اهداکنندگان خون اهداکنندگان مستمر بوده‌اند که بیش از دو بار سابقه اهدای خون در سال را دارند. ۹۳ تیم سیار خون‌گیری هم به ادارات و مراکز مختلف مراجعه و برای اهدای خون اقدام کرده‌اند اما انتقال خون در این فصل که هوا رو به سردی می رود، بیش از ماه های گذشته به اهدای خون نیاز دارد. اسلامی تاکید کرد: مشکلات اقتصادی مردم، بروز سرما و تبلیغات اندک انتقال خون، اهدای خون را کاهش داده است. ما در تهران به حدود روزانه سه تا ۳۶۰۰ واحد خونی برای مراکز درمانی نیازمند هستیم که اکنون این میزان به روزانه حدود ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ واحد خونی کاهش یافته و نشانه کمبود خون در تهران است. وضع سایر فرآورده‌ها مانند پلاکت هم این گونه است، اما به طور کلی، نیاز به گلبول قرمز فشرده بیش از سایر فرآورده‌ها احساس می شود. مدیرکل انتقال خون استان تهران با اشاره به مشکل تغییر قیمت‌ها، بودجه کم سازمان انتقال خون و افزایش نرخ ارز برای خرید مواد مصرفی، ادامه داد: فشار زیادی به سازمان انتقال خون تحمیل می شود و این باعث نارضایتی مراجعین ما شده است، زیرا نمی توانیم به ارائه خدمات مناسب بپردازیم. اسلامی در پاسخ به پرسشی در باره حذف تست سنجش کم خونی (هموگلوبین) در پایگاه‌های انتقال خون تاکید کرد: قیمت ماده مصرفی این تست چند برابر و امکان تامین این تجهیزات برای سازمان مشکل شده است. به همین علت سعی می کنیم از روش های دیگری کم‌خونی مراجعه کنندگان را بسنجیم.

ترحیم

هوالباقی

آنکه ما را تکیه گاهی بود رفت
جمع ما را پایگاهی بود رفت
آنکه چون شمع وجودش پرتویی از نور بود
با سفر از بین ما تا عالم معبود رفت
آن روح بزرگ و تکیه گاه زندگیمان
به ملکوت اعلی پیوست.



با اندوه فراوان درگذشت آقای بزرگ دریاباری، شخصیتی محترم و بافضیلت و عضو عالی رتبه دادگستری و بازرس اداری بازنشسته در سازمان بازرسی کل کشور و کارشناس در رشته خط و جعل امضاء و مدیر سابق روزنامه «**ندای کوهستان**» را به اطلاع کلیه اقوام و بستگان و دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ختمی روز چهارشنبه ۹۲/۸/۸ از ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ در مسجد نور واقع در میدان دکتر فاطمی منعقد می گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
دکتر سیده پرنیان دریاباری ـ دکتر علی‌اصغر باباسالار

هوالباقی

بانهایت تأثر و تأسف درگذشت همکار گرامی جناب آقای **بزرگ دریاباری** کارشناس محترم رسمی دادگستری رشته تشخیص اصالت خط، امضاء و اثر انگشت را ضمن عرض تسلیت به اطلاع همکاران گرامی می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ترحیمی روز چهارشنبه ۹۲/۸/۸ از ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ در مسجد نور واقع در خیابان دکتر فاطمی میدان جهاد (میدان فاطمی) منعقد می‌باشد.
حضور سروران گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران و هیئت‌رئیسه گروه ۸ ـ رشته تشخیص اصالت خط، امضاء و اثر انگشت

به روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۲/۸/۷ از ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجد نور میدان فاطمی تهران در سوگ مادر و بزرگ بانوی خاندان **حاجیه خانم مهری پاک نیت (خلج امیرحسینی)** خواهیم نشست ما را در این مراسم یاری دهید.
پرویز خلج امیرحسینی ـ ناصر و منصور خلج امیرحسینی ـ خسرو و حسین خلج امیر حسینی

بازگشت همه به سوی اوست

باکمال تأسف درگذشت **دکتر اکبر اسلامی** که خاکسپاری و بزرگداشت وی در آمریکا صورت گرفت را به آگاهی می‌رسانیم.
برای شادی و آمرزش آن پزشک دلسوز و دردآشنا بر پایه اندیشه‌های انساندوستانه‌اش، هزینه‌های بزرگداشت وی را در ایران برای درمان کودکان بیمار سرطانی اختصاص می‌دهیم.
روانش شاد و یادش گرامی باد.
از سوی خانواده‌های: اسلامی ـ نقشینه وابستگان و آشنایان به‌ویژه دوستان همدوره و همکاران آن شادروان

به نام اهورامزدا

پرسه

بااندوه فراوان درگذشت **فرامرز فریدون دُری** را به آگاهی خویشاوندان، دوستان و آشنایان گرامی می‌رساند.
آئین پرسه آن بهشتی روان روز گوش ایزد و آبان ماه ۳۷۵۱ دینی زرتشتی برابر با چهارشنبه ۹۲/۸/۸ از ساعت ۴ تا ۶ پسین در تالار ایرج واقع در خیابان جمهوری اسلامی، خیابان میرزاکوچک‌خان، کوچه زرتشتیان، شماره ۶ برگزار می گردد.
خانواده‌های: دُری ـ نمیرانیان ـ باستانی ـ دستان ـ خردادی ـ نمیری ـ فرزاد ـ بهجت ـ خانواده‌های وابسته و پیوسته.

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت عموی عزیز و بزرگوارم جناب آقای **جلال روحانی‌زاده** بزرگ خاندان روحانی‌زاده را به اطلاع دوستان و آشنایان محترم می‌رسانم.
بدین مناسبت مراسم ترحیم و یادبود آن مرحوم روز ۹۲/۸/۸ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجدالرضا(ع) واقع در خ خرمشهر ـ میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.
حضور سروران گرامی موجبات آرامش روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
ضمناً نظر به ناراحتی جسمی و شدت تألمات روحی خود، قادر به مسافرت و پرواز از خارج نمی‌باشم با پوزش فراوان و درخواست عفو از همسر ارجمندش سرکار خانم پروین مقصود بیک و فرزندان عزیزش دکتر رامین و رویا روحانی‌زاده بدینوسیله تسلیت عمیق و ابراز همدردی خود را تقدیم می‌دارم و بقای عمر آنها را از خداوند بزرگ مسئلت می‌نمایم.
پاریس: دکتر ناصر روحانی‌زاده

تسلیت

همکاران محترم و گرامی
آقایان عزیزاله علی (بازنشسته) و آقای رضاعلی

با غم و اندوه فراوان مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان از صمیم قلب تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
امور توزیع و فروش ـ سازمان شهرستان‌ها ـ تهران و حومه ـ امور مشترکین ـ آبونمان ـ شبکه اطلاع‌رسانی ـ امور توزیع و فروش کتاب ـ انبار کتاب ـ ساعت کنترل ـ حمل و نقل ـ تعمیرگاه ـ سازمان پخش ـ انبار برگشتی ـ انتظامات

جناب آقای غلامرضا شاه‌حسینی

مصیبت وارده را تسلیت می گوییم.
دکتر داریوش راوری

درگذشت دوست فرزانه، شادروان **محمدعلی شکوهیان** راکه سالیانی بس طولانی با وی مأنوس و محشور بودم و از خصایل والای انسانیش بهره‌ها بردم به حضور همسر شایسته و فرزندان صالحش تسلیت می گوییم.
فریدون زندفرد

جناب آقای مهندس مرتضی توجه
مدیریت محترم عامل شرکت میراب

با ابراز همدردی و اظهار تأسف درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو می‌نماییم.
مدیریت و هیأت مدیره شرکت فولادریزان

همکار محترم
جناب آقای مهندس محمود ناصری آقباش

با تأسف فراوان درگذشت پدر بزرگ گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن شادروان رحمت واسعه و برای جنابعالی و سایر بازماندگان محترم صبر و سلامتی مسئلت می‌نمائیم.
شرکت شن دژ

جناب آقای دکتر حمید کریمی

بانهایت تأثر و تأسف درگذشت پدر همسر گرامیتان راصمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم، برای آن مرحوم از درگاه الهی طلب علو درجات و برای بازماندگان و مصیبت‌دیدگان آرزوی صبر و اجر داریم.
از طرف ریاست، مدیریت و کارکنان مرکز آموزشی درمانی حضرت فاطمه(س)

جناب آقای حاجی آقامحمد تقی مس‌فروش

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت خواهر عزیزتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، ازخداوند منان برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواستاریم.
هیأت‌مدیره ـ پزشکان و پرسنل بیمارستان مدائن

جناب آقای دکتر غلامرضا شاه‌حسینی
ریاست محترم دانشکده پزشکی
دانشگاه علوم پزشکی ایران

درگذشت پدر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم مغفور آرامش ابدی و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.
ریاست و پزشکان مرکز آموزشی درمانی شهید اکبرآبادی

جناب آقای مهندس طاهری

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **دکتر حسین طاهری** را تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
مدیریت شرکت پارس تکنو

دوست ارجمند جناب آقای مهندس جعفر شهلائی

مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده و خود را در غم بزرگ شما شریک می‌دانم، از خداوند بزرگ برای آن مرحومه طلب مغفرت و برای همه بازماندگان محترم صبر و بردباری مسئلت دارم.
علیمردان شیبانی

سرکار خانم فاطمه قزوینیان

مادر؛ همه عشق جهان هستی است.
او که به سوی خداوند خود بال گشود، همه عشق را با خود برد.
شانه‌های من برای هم دردی با شما آماده است.
احمد حلّت

خاندان محترم حجت

عروج روح انسان فرزانه فرهیخته **استاد رضا حجت** به ملکوت اعلی را حضور همسر گرامی و فرزندان ایشان و خانواده معزز حجت و همچنین به خودم و دیگر دانش‌آموختگان دبیرستان رازی که از محضر آن بزرگوار درس انسان بودن آموختیم تسلیت می گوییم.
مرتضی بازرگان

همکار عزیز جناب آقای امیر زیادلو

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت عموی عزیزتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماییم. از خداوند متعال برای جنابعالی صبر و سلامتی و برای آن مرحوم رحمت واسعه خواستاریم.
همکاران شما در قسمت تصحیح، تصحیح آگهی‌ها و اطلاعات بین‌الملل

همکار عزیز جناب آقای علی رحمتی

بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای شما و خانواده محترم صبر و سلامتی و برای آن مرحوم رحمت واسعه خواستاریم.
همکاران شما در قسمت تصحیح، تصحیح آگهی‌ها و اطلاعات بین‌الملل

سپاسگزاری

از تمام اعضای محترم فامیل سمیعی، دوستان و آشنایان که در مراسم سوگواری شادروان **محمدرضا ابتهاج سمیعی** برادر عزیزم شرکت نمودند و اظهار همدردی کردند کمال تشکر و سپاس را دارم.
سیمین سمیعی

آگهی تغییرات شرکت تولیدی پرچ‌ساز سهامی خاص به‌شماره ثبت ۴۷۲۵۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۲۴۶۷۱

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه و هیات مدیره مورخ ۹۲/۴/۱۷ که در تاریخ ۹۲/۵/۲ به این اداره واصل گردید تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
اعضاء هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند:
محمود ترابی به‌شماره ملی ۰۷۹۰۲۱۷۰۹۰ به‌سمت رئیس هیات مدیره، محمد تقی طبسی به‌شماره ملی ۰۷۹۳۱۴۲۹۱۱ به‌سمت نایب رئیس هیات مدیره غلامعلی اسکندری به شماره ملی ۰۰۴۶۳۳۵۸۷۹، به‌سمت عضو هیات مدیره، بهرام ترابی به شماره ملی ۰۰۴۰۸۱۳۲۲۱ به‌سمت عضو هیات مدیره، ابراهیم سعیدفر به‌شماره ملی ۱۲۸۶۲۲۹۹۴۴ به‌سمت مدیرعامل و عضو هیات مدیره. بازرسین به‌مدت یک‌سال به‌قرار ذیل انتخاب گردیدند: موسسه حسابرسی و بهبود سیستمهای مدیریت فرانگر حساب خبره به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۵۷۵۵۶ به‌سمت بازرس اصلی و سید مصطفی موسوی به‌شماره ملی ۰۰۶۵۲۱۴۲۳۴ به‌سمت بازرس علی‌البدل. روزنامه اطلاعات به‌عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۱ به‌تصویب رسید. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و چکها و سفته و اسناد تعهدآور و رسمی با امضاء مدیرعامل و رئیس هیات مدیره متفقا به مهر شرکت و اوراق عادی با امضاء هر یک از اعضاء هیات مدیره و یا مدیرعامل بتنهایی معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۷۰-۰۶۷۳۳۴۱/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت مجتمع صنایع آلومینیوم جنوب سهامی خاص به‌شماره ثبت ۲۱۵۳۲۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۶۷۰۷۴

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- موسسه حسابرسی آزموده کاران به‌شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به‌سمت بازرس اصلی و اصغر قرخ به ش‌م ۰۰۴۸۶۵۰۰۱۳ به‌سمت بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.۲- ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۱/۶/۳۱ به‌تصویب رسید.۳- روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. شرکت سرمایه‌گذاری غدیر به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۰۶۲۳۴ و سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۵۸۰۲۲ و شرکت صنعتی و بازرگانی غدیر ۱۰۱۰۱۳۶۴۲۹۷ به‌سمت اعضا هیات مدیره برای مدت دو سال تعیین شدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۸۰-۰۶۹۰۹۶۸/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت ساختمانی ساید بتن شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۶۴۲۱۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۹۱۹۹۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۴/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۳۵ _ ۰۷۱۵۶۳۷/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت تلمبه ایران شرکت سهامی خاص به‌شماره ثبت ۱۷۱۸۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۰۶۴۷۰

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ به‌تصویب رسید. موسسه حسابرسی بهراد مشار شناسه ملی ۱۰۸۴۰۰۱۷۹۹۹ به‌سمت بازرس اصلی و آقای مهربان پروز کدملی ۱۳۷۵۴۹۴۵۶۲ به‌سمت بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۷۷-۰۶۸۸۹۸۸/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت توسعه فرآورده‌های گازی سهامی خاص به‌شماره ثبت ۲۱۲۰۸۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۳۵۱۴۲

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ به‌تصویب رسید. آقایان عبدالرضا غیاثوندی به‌شماره ملی ۴۱۳۰۵۰۵۱۱۴ و محمدرضا حسنی کبوتر خانی به‌شماره ملی ۰۰۳۵۲۵۶۸۵۰ به ترتیب به‌سمت بازرس اصلی و علی‌البدل برای یک‌سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۶۵-۰۶۸۶۶۶۸/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت صنایع رنگ و رزین طیف سایپا سهامی عام به‌شماره ثبت ۱۳۹۰۵۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۲۱۲۵۰

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی رهیافت و همکاران به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰ را به عنوان حسابرس و بازرس اصلی و موسسه حسابرسی ژرف بین نیکو روش به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۰۹۰۶۰ به‌عنوان حسابرس و بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی ۱۳۹۲ انتخاب نمود.روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.
ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به اسفند ۹۱ به‌تصویب رسید.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۷۵-۰۶۸۰۷۵۵/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت مهندسی آرمان سازه اقلیما سهامی خاص به شماره ثبت ۳۳۵۱۹۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۶۴۰۶۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۶ که در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۸ واصل شد تصمیمات ذیل اتخاذ گردید: ماده ۳۱ اساسنامه به شرح صورتجلسه اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۵۷_۰۶۷۷۲۴۹/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت تولید آب پارس دماوند سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۴۹۵۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۵۰۳۳۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ بتصویب رسید.مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی عامر مشاور تهران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۶۲۹۸ به عنوان بازرس اصلی و مرتضی نوبخت به ش.م ۳۲۵۵۱۴۲۳۵۰ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۳۸ _ ۰۷۱۸۱۲۳/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت گلدسته بافت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۴۵۸۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۷۸۰۳۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ به تصویب رسید.
عباس جواهری به کدملی ۰۴۸۰۸۰۴۸۲۶ به سمت بازرس اصلی عادل بنگل به ش.م ۰۴۸۱۵۹۲۰۷۵ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند.اعضا هیأت‌مدیره به قرار ذیل برای مدت ۲ سال تعیین گردیدند.
جعفر بلال به ش.م ۴۷۲۰۴۶۲۴۶۴ و نصیر بلال به ش.م ۰۰۵۸۱۷۷۹۷۳ و فرید بلال به ش.م ۰۰۲۱۹۷۲۷۴۵ سمت اعضا هیأت‌مدیره به قرار ذیل تعیین گردید:جعفر بلال به ش.م ۴۷۲۰۴۶۲۴۶۴ به سمت مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره. نصیر بلال به ش.م ۰۰۵۸۱۷۷۹۷۳ به سمت نائب رئیس هیئت‌مدیره. فرید بلال به ش.م ۰۰۲۱۹۷۲۷۴۵ به سمت عضو هیئت‌مدیره به سمت اعضای هیئت‌مدیره برای مدت دو سال تعیین شدند.کلیه اوراق و اسناد تعهدآور با امضاء مدیرعامل یا نائب رئیس هیئت‌مدیره هر یک منفردا همراه با مهر شرکت و اوراق عادی با امضاء نائب رئیس هیئت‌مدیره به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۳۷ _ ۰۷۱۶۶۴۰/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت پلیکان ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۸۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۵۶۷۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سامان پندار به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۵۰۶۹ به سمت بازرس اصلی و ایوب انصاری به شماره ملی ۶۳۵۹۳۷۵۵۲۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۰۷/۳۰ به تصویب رسید. مسعود قائمی به شماره ملی ۱۰۶۲۵۶۲۳۵۶ و بهادر قائمی به شماره ملی ۰۴۵۲۵۷۱۸۰۴ و پرستو قائمی به شماره ملی ۰۴۵۰۵۶۵۸۷۲ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۳۴۸۷_۰۴۳۹۰۵۷/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت آتی طرح‌شهر سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۵۰۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۸۶۵۷۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:اعضای هیئت‌مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقایان بابک ولی‌زاده دلاور به شماره ملی ۲۰۶۳۶۷۹۵۸۴ به سمت مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره و آقای هوشنگ زندی به شماره ملی ۰۰۳۹۰۹۷۸۱۱ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره.کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته و بروات و قراردادها و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل منفردا همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۳۶ _ ۰۷۱۵۹۵۰/م‌الف

آگهی تصمیمات شرکت جوی گستر نفت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۵۹۶۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۸۵۱۶۲

باستناد صورتجلسه هیأت‌مدیره مورخ ۹۲/۲/۱۷ حسین مهدوی به شماره ملی ۰۰۵۶۳۴۲۳۶۵ به نمایندگی از شرکت بازرگانی نیک‌نفت به سمت رئیس هیئت‌مدیره، شهراد اعتمادی به شماره ملی ۰۰۵۵۱۰۲۸۰۸ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری صنعت نفت به سمت نایب رئیس هیأت‌مدیره و سیدحسن حسینی نسب محمودآبادی به شماره ملی ۴۴۸۹۳۶۳۱۶۸ به نمایندگی از شرکت بازرگانی نفت‌یاب به سمت عضو هیأت‌مدیره و فریبرز پورحدادی به شماره ملی ۰۰۴۷۴۰۰۷۵۷ به عنوان مدیرعامل خارج از اعضاء تعیین گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات و قراردادها و عقود اسلامی و غیره با امضاء متفق مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت‌مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضای متفق رئیس هیئت‌مدیره و یکی از اعضای هیأت‌مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق و مکاتبات عادی و روزمره و اداری با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است. اختیارات هیأت‌مدیره به شرح صورتجلسه به مدیرعامل تفویض گردید.
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۶۶۳۴ _ ۰۷۴۶۳۴۰/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت پلیکان ایران شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۸۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۵۶۷۵

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:مسعود قائمی به شماره ملی ۱۰۶۲۵۶۲۳۵۶ به سمت مدیرعامل و رئیس هیأت‌مدیره و بهادر قائمی به شماره ملی ۴۵۰۵۶۵۸۷۲ به سمت نایب‌رئیس هیأت‌مدیره و پرستو قائمی به شماره ملی ۰۴۵۰۵۶۵۸۷۴ به سمت عضو هیئت‌مدیره.امضای کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از قبیل چک، سفته و برات و قراردادها و عقود اسلامی با امضای مدیرعامل یا یکی از اعضای هیأت‌مدیره منفرداً با مهر شرکت و سایر مکاتبات با امضای مدیرعامل به تنهایی با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۳۴۸۸_۰۴۳۹۱۶۲/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری آتی نگر سپهر ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۰۹۷۱۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۰۱۲۵۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:صورت‌های مالی شرکت برای سال مالی ۱۳۹۱ مورد تصویب قرار گرفت.مؤسسه بهراد مشار به شناسه ملی ۱۰۸۴۰۰۱۷۹۹۹ به عنوان بازرس اصلی و فریده شیرازی با کدملی ۱۸۱۶۶۹۲۸۵۹ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۳۴۹۲_۰۴۱۳۲۳۹ /م‌الف

آگهی تغییرات شرکت صنایع لنت پارسیان پیشرو سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۶۱۷۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۷۳۴۲۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:۱ـ تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۳۰ اسفند ۱۳۹۱ به تصویب رسید.۲ـ مؤسسه حسابرسی ژرف‌بین نیکو روش حسابداران رسمی با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۰۹۰۶۰ به سمت حسابرس و بازرس اصلی مؤسسه حسابرسی آروین ارقام پارس حسابداران رسمی با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۳۸۹۵۳ به سمت بازرس علی‌البدل شرکت برای یک سال مالی انتخاب شد.۳ـ روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۳۴۹۱_۰۴۱۲۳۴۱/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت فنی مهندسی نوین نت پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۸۸۳۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۰۶۵۷۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس خ شهید بهشتی ابتدای خ صابونچی کوچه مبینی پ ۳۴ ط ۲ کدپستی ۱۵۳۳۶۶۴۳۶۳ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۳۴۹۰_۰۴۳۹۹۹۸/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت کرمانیت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۳۷۱۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۸۸۳۹۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:۱ـ صورت سود و زیان سال منتهی به سال ۹۱ به تصویب رسید.۲ـ تعیین بازرس: مؤسسه حسابرسی و بهبود سیستم‌های مدیریت حسابرسین ش‌ملی ۱۰۱۰۰۳۱۶۹۹۱ به عنوان بازرس اصلی و آقای منوچهر زندی به ش‌ملی ۴۳۲۱۸۸۶۴۲۲ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت تعیین گردید.۳ـ روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۵۳۴۸۹_۰۴۳۹۳۷۱/م‌الف

اطلاعات

سال هشتاد و هشتم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

سه‌شنبه ۷ آبان ۱۳۹۲
۲۳ ذیحجه ۱۴۳۴ - ۲۹ اکتبر ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۱ و ۴۸ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۱۲ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۳۱ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۰۶ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۰۰ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۲۴ دقیقه

سیدحسن نصرالله: پرونده ٤ دیپلمات ربوده شده ایرانی باید گشوده شود



سرویس خارجی: دبیرکل حزب الله لبنان گفت: باید همه پرونده های انسانی لاینحل با دشمن اسرائیلی و برادران سوری در داخل لبنان گشوده شود که یکی از این پرونده ها، پرونده چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی است که در خاک لبنان مفقود شده اند.

سید حسن نصرالله در مراسمی که به مناسبت بیست و پنجمین سالروز تاسیس بیمارستان رسول اعظم(ص) در حومه جنوبی بیروت برگزار شد، افزود: رژیم اسرائیل مسئول همه شهروندان لبنانی است که در دوره یورش به این کشور مفقود شده‌اند. وی با اشاره به پرونده امام موسی صدر نیز گفت: پرونده امام موسی صدر و همراهانش یکی از حساسترین و مهمترین پرونده‌های اشخاص ربوده شده است.

دبیرکل حزب الله تاکید کرد نامه هایی برای برادران ایرانی فرستاده‌ایم تا بار دیگر در زمینه پرونده امام موسی صدر با مسئولان لیبی وارد گفت‌وگو شوند. وی گفت: موسی کوسا و السنوسی در دستگاه اطلاعاتی قذافی کار کردند و می توانند ما را به محل نگهداری امام موسی صدر راهنمایی کنند اما دولت لیبی تحقیقات از السنوسی درخصوص پرونده امام موسی صدر را نمی پذیرد. نصرالله افزود: کشورهای مدعی دوستی با لبنان که میزبان موسی کوسا هستند می توانند در زمینه امام موسی صدر کمک کنند. دبیرکل حزب الله لبنان تاکید کرد باید مسئله ربوده شدگان عزیز بررسی و علت اصلی ربوده شدن آنها روشن شود. وی در بخش دیگری از سخنانش با تمجید از اقدامات موسسه رسول اعظم(ص) در بیروت آن را یکی از نهادهای مقاومت دانست و تاکید کرد این موسسه، مقاومت و درد و رنج آن را همراهی کرد. سید حسن نصرالله همچنین از ملت و مقاومت لبنان و خانواده شهدا و مجروحان و ایثارگران ستایش کرد.

وی همچنین به آزادی ۹ اسیر لبنانی در سوریه اشاره کرد و گفت: پرونده شهروندان لبنانی ختم به خیر شد و بازگشت آنها به آغوش خانواده‌هایشان را تبریک می گویم و از کسانی که در ختم به خیر شدن پرونده آنها سهیم بودند، تشکر می کنم. وی افزود: ما درقبال شهروندان لبنانی ربوده شده در جریان حوادث سوریه احساس مسئولیت و با برادران سوری خود در خصوص ربوده شدن اسقف‌های مسیحی همراهی می کنیم. وی افزود: به جای ورود به بحث و کلی گویی ها درخصوص موضوع مفقودان و ربوده شدگان باید یک طرف مامور این مسئله شود. پیگیری مسئله ربوده شدگان عزیز و آزادی آنها دلالت می کند که کشوری هستیم که به شهروندان خود احترام می گذاریم. نصرالله گفت: مکتب مقاومت هرگز نخواهد پذیرفت که مسئله زندانیان و حتی پیکرهای شهدا به حال خود رها شود.

دبیرکل حزب الله در بخش دیگری از سخنانش به تحولات سوریه اشاره کرد و گفت: رویدادهای سوریه تاثیر مستقیمی در همه زمینه‌ها در لبنان دارد. یک گروه در لبنان همه چیز را در انتظار رویدادهای سوریه و اینکه نظام آن سقوط خواهد کرد به تعطیلی کشانده است اما تحولات اخیر ثابت کرد که سوریه راه حل نظامی ندارد. وی افزود: گروههای مسلح از ایجاد تغییر در موازنه قوا در سوریه ناتوان شده‌اند بنابراین راه حل مقبول راه حل سیاسی است و راه رسیدن به این راه حل سیاسی همان گفت‌وگو اما بدون پیش شرط است. نصرالله ادامه داد: تحولات میدان نبرد به نفع ارتش سوریه و همه نیروهای مردمی است که در کنار آن است.

همه باید در راستای راهکار سیاسی در سوریه حرکت کنند اما عربستان به علت تحقق نیافتن اهدافش در سوریه بسیار ناراحت است. جبهه‌ای که بدنبال سرنگون کردن نظام سوریه بود همه کار کرد اما موفق نشد و خشمگین است و برای جلوگیری از رسیدن به هرگونه راه حل سیاسی در سوریه تلاش می کند و نتیجه مانع تراشی برای رسیدن به راه حل سیاسی به معنای کشتار و قربانی شدن و ویرانی بیشتر سوریه و تبعات بیشتر بر کشورهای همجوار است. نصرالله در سخنرانی خود گذری نیز به تحولات داخلی لبنان زد و اضافه کرد: منطقه نمی تواند به علت خشم یک کشور شعله ور باقی بماند. به کسانی که ارکان کشور لبنان را به تعطیلی کشانده‌اند می گویم ادامه دادن به این کار شرایط و موضع و جایگاه گروه مقابل شما را بهبود خواهد بخشید. وی تاکید کرد، تنها راه پایان توقف و تعطیلی امور لبنان از نظر گروه ١٤ مارس در لبنان همان تشکیل دولت است.

دبیرکل حزب الله با اشاره به مانع تراشی جریان ١٤مارس در تشکیل دولت لبنان گفت: ما خواهان تشکیل دولت بر مبنای ۹+۹+٦ برای جلوگیری از توقف و تعطیل شدن امور دولت شدیم. وی گفت: پیش روی ما دو گزینه است: یکی ادامه توقف و تعطیلی امور و دیگری تشکیل دولتی بر مبنای ۹+۹+٦ است. نصرالله افزود: گروه ١٤ مارس به دلایل سیاسی فعالیت مجلس لبنان را به تعطیلی کشانده است

درحالی که می توان تصمیماتی را که ممکن است باعث توقف و تعطیلی امور کشور شود، مورد بحث قرار داد و درباره آن به تفاهم رسید. فشار سیاسی زیادی بر رئیس دولت پیشبرد امور برای عدم برگزاری جلسه دولت وجود دارد از جمله از طرف عربستان یا گروه المستقبل. دبیرکل حزب الله به درگیری های اخیر در طرابلس لبنان نیز اشاره کرد و اظهار داشت: تحویل مسئولیت امنیت طرابلس به ارتش لبنان و کمک به آن تنها راه حل است نه فراخواندن جبهه النصره یا گروه داعش وابسته به القاعده. وی گفت ما همه انفجارها در حومه جنوبی بیروت یا طرابلس را محکوم می کنیم.

هواپیماهای رژیم صهیونیستی نوار غزه را بمباران کردند



سرویس خارجی: منابع فلسطینی از حمله جنگنده‌های رژیم صهیونیستی به مناطقی در شمال نوار غزه خبر دادند. درپی این بمباران، نیروهای امنیتی حماس نیز مقرهای خود در غزه را تخلیه کردند. گفته می‌شود این اقدام رژیم صهیونیستی در واکنش به پرتاب موشک از نوار غزه به سوی سرزمین‌های اشغالی صورت گرفت. این اقدام صهیونیست‌ها در حالی انجام می‌شود که مذاکرات به اصطلاح صلح هنوز در جریان است و اسرائیل متعهد شده ۲۶ اسیر فلسطینی دیگر را در چارچوب توافق با گروه‌های فلسطینی آزاد کند. ازسویی روزنامه صهیونیستی یدیوت آهارانوت از شلیک چهار فروند موشک از غزه به شهرک صهیونیست نشین عسقلان خبر داد. این روزنامه نوشت: بر اساس اطلاعات اولیه که از منابع ارتش بدست آمده است، یکی از این موشک‌ها توسط سامانه گنبد آهنین رهگیری و ساقط شد اما بقیه موشک‌ها در زمین‌های خالی از سکنه فرود آمد و هیچ گونه تلفات و خسارتی دربر نداشت.

آزادی اسرا

رژیم صهیونیستی قرار است ۲٦ اسیر فلسطینی دیگر را بر اساس توافق خود با آمریکا در راستای مذاکرات سازش با تشکیلات خودگردان آزاد کند. رژیم صهیونیستی در ماه اوت گذشته اعلام کرد ١٠٤ اسیر فلسطینی را طی چهار مرحله و در راستای شروع مجدد مذاکرات سازش با تشکیلات خودگردان فلسطین آزاد خواهد کرد. موضوع آزادی اسرای فلسطینی انتقادات زیادی را در محافل صهیونیستی علیه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به راه انداخته است. نتانیاهو در جلسه کابینه خود اظهار داشت: با وجود این که آزادی اسیران فلسطینی دردآور است، اما اسرائیل به تعهدات خود درخصوص آزادی اسیران پایبند خواهد بود. بر اساس بیانیه‌ای که دفتر نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی منتشر کرده است، ۲٦ اسیر فلسطینی که از قبل از سال ۱۹۹۳ بازداشت شده بودند، آزاد خواهند شد.

پیش از این نیز ۲٦ تن دیگر از اسرای فلسطینی در چارچوب مذاکرات سازش آزاد شده بودند. اسرایی که قرار است در مرحله دوم آزاد شوند، هرکدام بین ۱۹ تا ۲۸ سال در زندان بوده‌اند که ۲۱ تن از آن‌ها از کرانه باختری و پنج تن دیگر از نوار غزه هستند. درچنین شرایطی زیپی لیونی، وزیر دادگستری رژیم صهیونیستی و مذاکره کننده طرف اسرائیلی در مذاکرات صلح، پس از آن‌که با آزادی سری دوم اسیران فلسطینی موافقت کرد، از سوی برخی فعالان جریان‌های چپ‌گرای رژیم صهیونیستی تهدید به مرگ شد. لیونی در صفحه شخصی‌اش در پایگاه اجتماعی فیس‌بوک با عباراتی از جمله «امیدوارم یکی از جوانان شهرک نشین تو را به قتل برساند»، تهدید به قتل شده است. این درحالی است که کم سن و سال‌ترین اسیر فلسطینی که به اتهام پرتاب سنگ به سمت سربازان اسرائیلی در زندان به سر می‌برد، در انتظار صدور حکم حبس ابد است. محمد مهدی سلیمان ١٦ ساله به عنوان کم سن و سال‌ترین اسیر فلسطینی است که پیش‌بینی می‌شود محاکمه وی ظرف روزهای آتی صورت گیرد، محاکمه‌ای که بنا به گفته جمعیت اسیران و آزادگان فلسطینی در نوع خود بی‌سابقه است.

محمد مهدی سلیمان مارس گذشته بازداشت شد و دادستانی کل رژیم صهیونیستی صدور حکم حبس بین ۲۵ سال تا حبس ابد را برای وی به اتهام پرتاب سنگ به سمت سربازان اسرائیلی را خواستار شد.

خبر دیگر اینکه نخست وزیر رژیم صهیونیستی با بیان این که تل آویو در تلاش برای برقراری صلح با فلسطینی ها است، اعلام کرد فلسطینی‌ها باید برای تحقق صلح از تمامی خواست های ملی خود چشم پوشی کنند و حقوق اسرائیل را به رسمیت بشناسند. بنیامین نتانیاهو ضمن اعلام مخالفتش با تقسیم قدس و بازگشت آوارگان فلسطینی گفت: فلسطینی‌ها باید تا پایان مذاکرات صلح از تمامی خواست های خود از جمله خواست های ملی‌شان چشم پوشی کنند و حقوق یهودیان را برای تشکیل کشور اسرائیل به رسمیت بشناسند.

ازسویی روزنامه‌ هاآرتص مدعی شد، هیات مذاکره‌کننده فلسطین در مذاکرات صلح، آمادگی خود را برای تبادل اراضی با رژیم صهیونیستی اعلام کرده است. هاآرتص مدعی شد هیات مذاکره‌کننده فلسطین برای تبادل اراضی در مقیاس کوچک اعلام آمادگی کرده است، به نحوی که این تبادل اراضی از حدود ۱/۹ درصد از اراضی کرانه باختری تجاوز نمی‌کند. این روزنامه نوشت: این رقم یک رقم معنادار است، به این معنا که در صورت عملی شدن تبادل اراضی، نزدیک به ٦٥ درصد از شهرک‌نشینان در اراضی اشغالی تحت کنترل اسرائیل باقی خواهند ماند. دراین حال وزیر خارجه اسبق انگلیس اعلام کرد لابی صهیونیست‌ها در آمریکا (آیپک) مهمترین مانع رسیدن به صلح در خاورمیانه و به نتیجه نرسیدن مذاکرات سازش میان فلسطینیان و رژیم صهیونیستی است. «جک استراو» در نشستی که در مجلس عوام انگلیس برگزار شد، همچنین حمایت های آلمان از رژیم صهیونیستی را یکی دیگر از موانع موجود برای رسیدن به صلح درخاورمیانه دانست.

درخواست دیدبان حقوق بشر

دیدبان حقوق بشر از ارتش رژیم صهیونیستی خواست بدرفتاری با اسرای فلسطینی و همچنین گروه «آدامیر» (گروه امداد رسانی به اسرای فلسطینی) را متوقف کند. گزارش دیدبان حقوق بشر در واکنش به شکایت گروه آدامیر از رژیم اسرائیل، منتشر شده است.

آدامیر یک گروه حقوق بشری است که در امر امداد رسانی به فلسطینیان بازداشت شده توسط رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فعالیت دارد. یکی از فعالیت های این گروه، ارائه کمک های قانونی به اسرای فلسطینی و همکاری با وکلای این اسرا برای رهایی از زندان است. در ماه های گذشته تعدادی از اعضای این گروه توسط ارتش رژیم صهیونیستی بازداشت شده و مورد شکنجه قرار گرفته بودند که این موضوع منجر به شکایت این گروه از تل آویو شد.

خبر دیگر اینکه پس از گذشت بیش از یک سال از اقدام رژیم صهیونیستی در تحریم نشست‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل، یکی از مسئولان این رژیم اعلام کرد مقامات صهیونیستی در نشست امروز (سه شنبه) این شورا شرکت می کنند. این تصمیم مقامات صهیونیستی در حالی اتخاذ شد که این رژیم از ماه مارس ۲۰۱۲ که تصمیم آغاز اولین تحقیقات بین‌المللی درباره تاثیر شهرک‌سازی‌ها در اراضی اشغالی فلسطین اتخاذ شد، نشست‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل را تحریم کرد.

بازداشت گسترده اعضای حماس

نظامیان رژیم صهیونیستی در آستانه آزادی ۲٦ اسیر از اسرای قدیمی فلسطین، شمار زیادی از اعضا و نمایندگان پارلمانی حماس در کرانه باختری را بازداشت کردند. بیشتر بازداشت‌ها در شهر نابلس بود به گونه‌ای که بیش از ۱۳ دانشجوی دانشگاه ملی النجاح از جمله «امجد بشکار» نماینده فراکسیون اسلامی، «عبدالرحمن اشتیه» نماینده سابق فراکسیون اسلامی و «عونی الشخشیر» و «امیر اشتیه» از اعضای شورای اتحاد دانشجویی بازداشت شدند. نیروهای اشغالگر در شهر الخلیل نیز «نزار رمضان» و «ماهر بدر» از نمایندگان پارلمانی حماس و «عدنان أبو تبانه»، «مصعب قفیشه» و «مصعب الزغیر» از رهبران این جنبش را بازداشت کردند.

سازمان منع گسترش تسلیحات شیمیایی: سوریه به تعهداتش عمل کرد

سرویس خارجی: سازمان منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی اعلام کرد، مسئولان سوری گزارش خود را در خصوص امحای زرادخانه شیمیایی این کشور بر اساس زمان توافق شده ارائه دادند. این سازمان تاکید کرد: دولت سوریه در ۲٤ اکتبر ۲۰۱۳ گزارش رسمی خود را در خصوص امحای سلاح‌های شیمیایی ارائه داد که این گزارش شامل طرحی کلی در خصوص امحای این سلاح‌ها بود که به شورای اجرایی این سازمان ارائه شد. سازمان منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی با بیان اینکه این گزارش شرایطی را برای امحای سیستماتیک و کامل این تسلیحات فراهم می کند، اعلام کرد: دمشق گزارشی در خصوص فعالیت تاسیسات خود که شامل معاهده منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی نمی شد و از سوی بازرسان سازمان ملل مورد بازرسی قرار گرفته بود، به این سازمان ارائه داد. خبر دیگر اینکه وزیر خارجه روسیه با بیان این که همه تنها در حرف از برگزاری نشست «ژنو ۲» حمایت می کنند، گفت: برخی گروه‌های مخالف در سوریه شرکت‌کنندگان احتمالی در نشست «ژنو۲» را تهدید می کنند. سرگئی لاوروف اظهار داشت: هر یک از گروه‌های مخالف در سوریه حامی مالی یا یک ناظر در منطقه یا خارج از آن دارند و همگان از جمله آمریکا این مسئله را به خوبی می‌دانند. وی اعلام کرد: برخی از حامیان مالی گروه‌های مخالف در سوریه مستقیما درصدد هستند تا تلاش‌ها برای برگزاری نشست ژنو را از بین ببرند. وزیر خارجه روسیه افزود: حامیان گروه‌های مسلح در سوریه مسئول سرنوشت حل و فصل سیاسی بحران این کشور هستند. وی خشم خود را نسبت به مورد تهدید قرار گرفتن برخی شرکت‌کنندگان احتمالی در «ژنو ۲» از سوی برخی گروه‌های مخالف اظهار و تاکید کرد: این اقدام قابل قبول نیست. وی با اشاره به چند دستگی میان گروه‌های مخالف در سوریه تاکید کرد: برگزاری «ژنو ۲» ایجاب می کند طرف‌های تاثیر گذار بر مخالفان سوریه که اکنون از چنددستگی رنج می‌برند، وارد عمل شوند.

سیطره بر شهرک تاریخی

ارتش سوریه پس از چندین روز نبرد، شهرک تاریخی و راهبردی «صدد» را از کنترل مخالفان مسلح خارج کرد. شهرک صدد در ریف حمص در کنترل تروریست‌های داعش قرار داشت. شهرک صدد به دلیل نزدیکی به القلمون دارای اهمیت فوق العاده‌ای است چرا که با کنترل این شهرک ارتش سوریه لحظه به لحظه به هدفش برای محاصره تروریست‌ها در القلمون نزدیک خواهد شد. کارشناسان مسائل نظامی در سوریه تاکید دارند که نبرد القلمون از جنگ در القصیر هم برای ارتش دارای اهمیت بیشتری است چرا که یکی از اصلی ترین پایگاه‌های لجستیکی تروریست‌های داعش است. شهرک صدد با ۵۰۰۰ نفر جمعیت که اغلب ساکنان آن مسیحی هستند به دلیل داشتن کلیساهای تاریخی دارای اهمیت است.

حمله توپخانه ای ارتش

توپخانه ارتش سوریه تعدادی از مقرهای تجمع تروریست‌های مسلح را در مناطق «جسر العب» و «الشیفونیه» هدف قرار داد. این عملیات بعد از دریافت اطلاعاتی مبنی بر عزم تروریست‌ها برای حرکت به سمت «دوما» آغاز شد. در مناطق «حرستا»، «بساتین برزه» و خیابان «حنبلی» ریف دمشق نیز نیروهای ارتش سوریه با افراد مسلح به شدت درگیر شدند. ازسویی ارتش سوریه در حمله به مخفیگاههای گروههای تروریستی در مناطق یبرود و حومه دمشق ٤۲ تروریست را کشت. در این عملیات «احمدعنقا» سرکرده یکی از گروههای تروریستی نیز کشته شد. دراین حال تروریستهای وابسته به گروه داعش کلیسای الاستقلال در شهر تل ابیض در حومه الرقه را به آتش کشیدند.

درتحولی دیگر یک روزنامه انگلیسی از فعالیت گروه‌های تبهکار که در ازای دریافت مبالغ هنگفت از پناهندگان سوری آن‌ها را به انگلیس قاچاق می کنند، پرده برداشت. روزنامه «دیلی میرور» از فعالیت گروه تبهکاری که در ازای دریافت مبالغ زیاد، صدها پناهنده سوری را به انگلیس برده است، پرده برداشت. فعالیت باندهای تبهکار سبب شده نگرانی‌ها مبنی بر اینکه سازمان‌های تروریستی همچون القاعده از چنین تاکتیکی برای نفوذ به اروپا استفاده کنند، افزایش یابد. این گروه که در استانبول مستقر است اعلام کرد در ازای ۳٤ هزار پوند سه نفر را با استفاده از گذرنامه جعلی از سوریه بیرون برده است و معمولاً هزینه ۱۱ هزار پوند از هر فرد دریافت می‌شود. به گفته یکی از عوامل این گروه، آن‌ها سوری‌ها را از طریق ترکیه به ایتالیا، هلند و کشورهای اسکاندیناوی می‌برند، اما انگلیس گرانتر از همه است و پس از ورود به انگلیس، سوری‌ها درخواست پناهندگی می‌دهند. هفته گذشته گزارش شد که بیش از ٦۰۰ هزار آواره سوری در ترکیه به سر می‌برند.

جاسوسی آمریکا از ۱۲۵ میلیارد تماس تلفنی در یک ماه

سرویس خارجی: طبق جدیدترین گزارش‌ها، آژانس امنیت ملی آمریکا ظرف یک ماه ۱۲۵ میلیارد تماس تلفنی را در سراسر جهان از جمله افغانستان، پاکستان، اردن و ایران مورد شنود قرار داده است. بر اساس مجموعه‌ای از گزارش ها و فایل‌های محرمانه دولتی فاش شده، شنود این تماس‌ها در کل ماه ژانویه ۲۰۱۳ صورت گرفته است و به ۱۲٤/۸ میلیارد تماس تلفنی می‌رسد. بر اساس این گزارش، در حالی که اکثر شنود این تماس‌ها در خاورمیانه بوده، حدود ۳ میلیارد نیز در خود آمریکا صورت گرفته است. «کریپتوم» سایتی که اسناد دولتی و شرکت‌ها را پست می‌کند، اسناد گوناگونی را ترکیب کرده و گزارش می‌دهد که آژانس امنیت ملی آمریکا، ۲۱/۹۸ میلیارد تماس تلفنی را در کشور افغانستان، ۱۲/۷٦ میلیارد تماس تلفنی در پاکستان، ۷/۸ میلیارد تماس تلفنی در عراق، ۷/۸ میلیارد تماس تلفنی در عربستان سعودی، ۱/۹ میلیارد تماس تلفنی در مصر، ۱/۷۳ میلیارد تماس تلفنی در ایران و ۱/٦ میلیارد تماس تلفنی در اردن را به صورت مخفیانه مورد شنود قرار داده است.

مورد اسپانیا

همچنین سازمان امنیت ملی آمریکا به تازگی و تنها در یک ماه، ٦۰ میلیون تماس تلفنی در اسپانیا را زیر نظر داشته است. این گزارش را روزنامه اسپانیایی «الموندو» براساس مدارک «ادوارد اسنودن» مامور پیشین سازمان جاسوسی آمریکا منتشر کرده است. مدارک جدید نشان می دهد که آمریکایی ها، طول زمان هر تماس تلفنی، شماره تماس گیرنده و شماره کسی که با او تماس گرفته شده را ثبت کرده اند. درچنین شرایطی «مایک راجرز» سناتور جمهوریخواه و رئیس کمیسیون دائمی سرویس امنیتی در مجلس نمایندگان به صراحت گفت: اگر فرانسوی‌ها واقعا می‌دانستند که ما چه خدمتی به آنها کرده‌ایم، جشن می گرفتند. وی گفت که این اقدامات به نفع ایالات متحده، فرانسه و متحدان اروپایی است. راجرز حتی پا را فراتر گذاشت و مدعی شد که گسترش فاشیسم در نیمه اول قرن بیستم در اروپا تا حدی به این دلیل بود که در آن زمان آمریکا عملیات وسیع جاسوسی را پیگیری نمی کرد.

جاسوسی آسیایی

در این حال، خبرگزاری «کیودو» ژاپن فاش کرد که آژانس امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۱ از ژاپن درخواست کرد برای شنود اطلاعات فیبرهای نوری که از این کشور می گذرند، همکاری کند.

جمع آوری ۱۵ میلیون امضا در حمایت از «السیسی» برای ریاست جمهوری مصر



تظاهرات حامیان مرسی

شماری از حامیان محمد مرسی، رئیس جمهوری برکنار شده مصر زنجیره ای انسانی در مناطق الصباح و الایمان تشکیل دادند و خواستار پایان حکومت نظامیان بر مصر شدند.

شهرسوئز شاهد تظاهرات‌های شبانه‌ای بود که بر ادامه حمایت از مشروعیت تاکید کردند. میدان «طلعت حرب» در قاهره شاهد تظاهرات «جبهه استمرار انقلاب» بود. این تجمع در اعتراض به پیش نویس قانون وضع فوق‌العاده و قانون مبارزه با تروریسم برگزار شد.

سرویس خارجی: همزمان با ادامه تظاهرات حامیان محمد مرسی در سراسر مصر، رئیس کمپین حمایت از نامزدی عبدالفتاح السیسی در انتخابات ریاست جمهوری، از جمع آوری ۱۵ میلیون امضا در حمایت از وی خبر داد.

از سوی دیگر، رفاعی نصرالله، موسس کمپین کار زیبایت را کامل کن، در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد که این کمپین ۱۵ میلیون امضا برای حمایت از نامزد شدن عبدالفتاح السیسی، وزیر دفاع مصر در انتخابات ریاست جمهوری جمع‌آوری کرده است. وی تاکید کرد: اهمیت مشارکت السیسی در انتخابات ریاست جمهوری در این امر نهفته است که وی برای وطن ما خالصانه فعالیت می کند و قدر مردم مصر را می داند. عبدالنبی عبدالستار، سخنگوی کمپین «کار زیبایت را کامل کن» نیز تصریح کرد: تعداد نهایی امضاهای جمع شده برای حمایت از عبدالفتاح السیسی در ۲٥ ژانویه ۲۰١٤ و همزمان با سومین سالگرد انقلاب ژانویه اعلام می‌شود. این در حالی است که عبدالعزیز عبدالله، موسس کمپین «مامی خواهیم السیسی رئیس‌جمهور شود»، اظهار داشت که این جنبش یکشنبه شب در منطقه "شبرا" در قاهره ۳۰۰ هزار امضا برای تعیین عبدالفتاح السیسی به عنوان رئیس جمهور بدون برگزاری انتخابات جمع‌آوری کرده است.

بازداشت تروریست ها

دستگاه امنیتی مصر از دستگیری هسته‌ای تروریستی در استان دمیاط این کشور خبر داد. نیروهای امنیتی مصر اعضای یک گروه تروریستی تکفیری را در استان دمیاط این کشور بازداشت کردند. اعضای این گروه تروریستی برای عملیات خرابکارانه در مصر آماده می شدند. یک منبع امنیتی در مصر اعلام کرد: ۱۰ عضو این گروه تروریستی برای ساختن مواد منفجره آموزش می‌دیدند و مقداری سلاح هم از آنها کشف و توقیف شد. اعضای این گروه همچنین قصد داشتند به مراکز تجاری متعلق به مسیحیان مصر در استان دمیاط حمله کنند. در این حال، در پی حمله گروه‌های مسلح در جنوب قاهره پایتخت مصر ۳ نیروی پلیس کشته و یک نفر دیگر زخمی شد.

از سوی دیگر، کمیته ۵۰ نفره مسئول اصلاح قانون اساسی مصر، چهار بند در خصوص کرامت، شکنجه، برابری و آزادی شخصی تصویب کرد. محمد سلماوی، سخنگوی این کمیته اظهار کرد: این چهار بند با توافق اعضا تصویب شده و نیازی به رای‌گیری ندارد. از طرفی، کاترین اشتون، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا نسبت به درخواست مسئولان مصری برای نظارت اتحادیه اروپا بر رفراندوم پیش‌نویس قانون اساسی اظهار امیدواری کرد. وی از دولت مصر خواست تا هر چه سریعتر به وضعیت فوق‌العاده پایان دهند.

اظهارات ببلاوی

نخست وزیر دولت موقت مصر که به امارات سفر کرده در نشستی خبری تأکید کرد که هیچ میانجیگری با اخوان المسلمین وجود ندارد و هرگونه ارتباط با ایران بر اساس منافع کشورهای عربی حوزه خلیج فارس خواهد بود. حازم الببلاوی، نخست وزیر دولت موقت مصر که به امارات سفر کرده در یک نشست خبری در ابوظبی تأکید کرد که دولت اخوانی‌ها در یک سال موفق نبوده و آنها به خودشان بد کردند. وی افزود که کنترل دولت بر اوضاع امنیتی افزایش پیدا کرده و نقش طبیعی ارتش دفاع از مرزهای کشور است به همین دلیل مهم ترین نتایج انقلاب ۲۵ ژانویه پایان دادن به ایده دولت نظامی بود. وی همچنین درباره قانون ساماندهی تظاهرات گفت: دولت می‌تواند تظاهرات را ممنوع کند ولی این کار را نخواهد کرد و انتقادهای شدیدی متوجه دولت نیست با وجود اینکه تظاهرات از حقوق اولیه شهروندان است اما باید بر اساس اصول و ضوابط بین المللی این مسئله صورت بگیرد. ببلاوی در ارتباط با ایران بعد از تحولات ۳۰ ژوئن نیز گفت: کانال‌های ارتباطی که مصر با ایران باز خواهد کرد بر اساس منافع کشورهای عربی و کشورهای حاشیه خلیج فارس خواهد بود و ارتباط با ایران به صورت مستقیم با امنیت و منافع کشورهای عربی مرتبط است.

خبر دیگر اینکه، روزنامه مصری الوفد به نقل از منابع آگاه گزارش داد که ۲۵ وکیل مصری مسئولیت دفاع از رئیس جمهوری این کشور را در جریان محاکمه وی به عهده خواهند داشت. یک منبع آگاه مصری تأکید کرده که «علی کمال» عضو سابق شورای کانون وکلا و رئیس کمیته حقوقی گروه اخوان المسلمین، به عنوان هماهنگ کننده کل هیأت دفاع «محمد مرسی» رئیس جمهور برکنار شده این کشور شامل حدود ۲۵ وکیل وابسته به جریان های سیاسی مختلف خواهد بود.

از دیگر سو، وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی اعلام کرد: این وزارتخانه یک کارشناس مسائل خاورمیانه را به عنوان سفیر جدید اسرائیل در مصر منصوب کرده است. سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی اعلام کرد این وزارتخانه «حیم کورن» کارشناس مسائل خاورمیانه را به عنوان سفیر جدید اسرائیل در مصر منصوب کرده است.

***تونس**

روزنامه الشروق تونس در گزارشی فاش کرد: گروه انصار الشریعه در تونس توانسته است با نفوذ در دستگاه امنیتی این کشور برخی نیروهای آن را برای کسب اطلاعات امنیتی و کمک به قاچاق سلاح و قاچاق سیف الله بن حسین معروف به ابو عیاض به لیبی به خدمت بگیرد. این روزنامه در گزارش خود به نقل از منابعی امنیتی تاکید کرد: فرار ابو عیاض به خارج از مرزهای تونس از طریق یک افسر گارد ملی صورت گرفت که اخیرا بازداشت شده و از سوی قاضی تحقیق حکم حبس برای وی صادر شده است. از طرفی، رئیس جنبش النهضه تونس با بیان اینکه اوضاع وخیم تونس اجازه تعلل و از دست دادن فرصت را نمی‌دهد، تاکید کرد که این جنبش از دولت دست کشیده نه از حکمرانی و قدرت. راشد الغنوشی، رئیس جنبش النهضه تونس در گفتگوی تلویزیونی اعلام کرد: اوضاع کشور طوری نیست که بتواند بار طولانی تر شدن تدوین قانون اساسی و نبود قانون را به دوش بکشد و دولت و نمایندگان باید به عهدشان پایبند باشند. از طرفی، رئیس مجلس ملی موسسان تونس اعلام کرد که با تعهد دولت به استعفا ظرف سه هفته آتی، ٤۲ نماینده مستعفی مجلس تونس به مجلس بازگشتند. مصطفی بن جعفر، رئیس مجلس ملی موسسان تونس اعلام کرد: نمایندگان مجلس که در پی ترور یکی از همکاران خود حضور خود را در مجلس به حال تعلیق درآوردند به مجلس بازگشتند.

***لیبی**

هشتاد نماینده کنگره ملی لیبی در اعتراض به بی‌توجهی کنگره به خواسته‌هایشان درباره روند کار کنگره و دولت این کشور جلسه امروز کنگره را ترک کردند. ۸۰ نماینده کنگره ملی لیبی نشست کنگره را در اعتراض به بی توجهی کنگره به خواسته هایشان در اصلاح روند کار کنگره و کار سیاسی دولت لیبی تحریم کردند.

نمایندگان جمهوریخواه آمریکا خواستار بهبود روابط واشنگتن - ریاض شدند

سرویس خارجی: به دنبال اعتراض عربستان به سیاست آمریکا در مورد سوریه، قانونگذاران جمهوری‌خواه از باراک اوباما خواستند تا روابط واشنگتن با ریاض را بهبود ببخشد. مایک راجرز، رئیس کمیته اطلاعات مجلس نمایندگان آمریکا با اشاره به تصمیم واشنگتن برای توقف جنگ داخلی سوریه و شتاب برای مذاکرات دلگرم کننده با ایران در ماه‌های اخیر گفت، اختلافات واشنگتن با عربستان سعودی در دو سال اخیر افزایش یافته است.

وی به شبکه خبری سی‌ان‌ان گفت: این‌ها مسائل حساس و مهمی برای سعودی‌ها، قطری‌ها، اردنی‌ها و دیگر اعضای لیگ عرب محسوب می‌شود که به نظر من توانایی این دولت‌ها برای حفاظت از خودشان را در یک جهان بسیار خطرناک به لرزه درآورده است. راجرز در ادامه گفت: بنابراین شاهد هستید که اختلاف میان آمریکا و عربستان در حال افزایش است و باید هرچه سریعتر آن را رفع کنیم. آنها به دنبال پیدا کردن دوستانی دیگر هستند و این مساله به نفع آمریکا نیست. جان مک‌کین و لیندزی گراهام، سناتورهای جمهوری‌خواه آمریکا نیز به طور جداگانه کاهش نقش رهبری باراک اوباما، رئیس جمهوری این کشور در خاورمیانه را به باد انتقاد گرفته و گفتند، اوباما منافع ما در خاورمیانه را از دست می‌دهد. از طرفی، بر اساس پیام‌هایی که مقامات عربستانی به همپیمانان خود در غرب ارسال کرده‌اند وضعیت جسمی پادشاه عربستان وخیم شده و او با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند به همین دلیل همه خاندان آل سعود در حالت آمادگی کامل به سر می‌برند. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه خبری «المنار»، «عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود» که در آستانه نود سالگی قرار دارد با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند.

***بحرین**

ماموران امنیتی آل خلیفه منزل یکی از معترضان در منطقه شهرکان را هدف شلیک گسترده گاز اشک‌آور قرار دادند و در همین حال دو نیروی پلیس نیز در انفجار بمبی دست ساز در روستایی در بحرین به شدت زخمی شدند. تصویر ویدیویی که در اینترنت منتشر شد نشان می دهد نیروهای امنیتی بحرینی منزلی را در منطقه شهرکان به صورت گسترده هدف شلیک گازهای سمی قرار دادند. از طرفی وزارت کشور بحرین اعلام کرد، بر اثر انفجار بمب دست سازی که شنبه شب در این کشور منفجر شد، دو نیروی پلیس به شدت زخمی شدند.



اشغال برخی مناطق جنوب یمن توسط القاعده

القاعده یمن با بیان این که سربازان یمنی بهای هماهنگی امنیتی میان صنعاء و واشنگتن را می‌پردازند، از اشغال برخی از مناطق شهر البیضاء در جنوب این کشور خبر داد. گروه "القاعده در شبه جزیره عرب"، شاخه القاعده در یمن از اشغال برخی از مناطق شهر البیضاء در جنوب این کشور خبر داد. القاعده یمن همچنین مسئولیت ترور افسران و مسئولان ارتش و پلیس و دستگاه اطلاعاتی یمن در چند استان این کشور را بر عهده گرفت.

ورود ۱۰۰ عامل انتحاری به عراق برای اقدامات تروریستی در ماه محرم

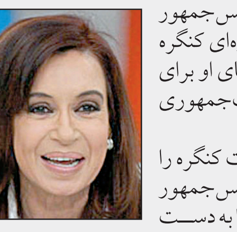
سرویس خارجی: منابع آگاه از ورود ۱۰۰ عامل انتحاری القاعده برای انجام حملات تروریستی در ماه محرم در عراق خبر دادند. یک مقام امنیتی خبر داد که گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام، وابسته به القاعده، صد عنصر انتحاری را از کشورهای عربی و آسیایی برای اجرای عملیات تروریستی در مراسم ماه محرم وارد عراق کرده است.

به گفته این مقام آگاه این نیروها در اردوگاه‌هایی در استان‌های نینوا و انبار آموزش می‌بینند. این در حالی است که دولت عراق عملیات گسترده‌ای را برای جنگ با نیروهای تروریستی در مناطق بیابانی استانهای انبار و نینوا آغاز کرده است.

در این حال منابع آگاه اعلام کردند که شمار قربانیان سلسله انفجارهای تروریستی دیروز عراق به ۷۰ کشته و ١٤٥ زخمی رسید.

کوتاه از سراسر جهان

شکست حزب رئیس جمهور آرژانتین در انتخابات پارلمانی



فارس: «کریستینا فرناندز» رئیس جمهور آرژانتین در انتخابات میان دوره‌ای کنگره شکست بزرگی خورد و به آرزوهای او برای انتخاب مجدد در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۵ آرژانتین پایان داد.

علیرغم آنکه فرناندز اکثریت کنگره را از دست نداد، اما ائتلاف حاکم رئیس جمهور تنها ۳۲٫۸ درصد از آرای انتخاباتی را به دست آورد و این در حالی است که فرناندز در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۱ کشورش ٥٤ درصد آرای انتخاباتی را به دست آورده بود. حزب فرناندز موفق نشد در انتخابات، دو سوم اکثریت کنگره را به منظور اصلاح قانون اساسی به دست آورد تاوی بتواند برای سومین بار نامزد انتخابات ریاست جمهوری آرژانتین شود.

ناآرامی های بنگلادش همچنان قربانی می گیرد

فارس: شمار کشته های درگیری مخالفان دولت با پلیس بنگلادش به ۱۵ تن رسید. مخالفان دولت بنگلادش از روز یکشنبه اعتصاب را آغاز کرده و خواستار استعفای «شیخ حسینه» نخست وزیر و برگزاری انتخابات زودهنگام هستند. به گفته پلیس، تنها در یک روز، چهار نفر از جمله یک جوان، یک راننده کامیون و یک فعال سیاسی کشته و صدها تن دیگر زخمی شدند. حزب مخالف ملی گرای بنگلادش به رهبری «خالده ضیا» اعلام کرده است که به حزب حاکم برای برگزاری انتخابات اعتماد ندارد. خالده ضیا درخواست شیخ حسینه را برای پایان دادن به اعتصاب رد کرده است و مخالفان خواستار استعفای شیخ حسینه پیش از انتخابات عمومی ژانویه ۲۰١٤ هستند.

«گئورگی مارگولاشویلی» رئیس جمهوری گرجستان شد

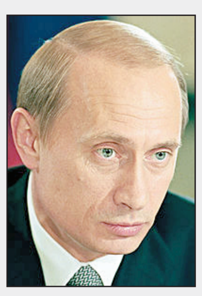


فارس: کمیته مرکزی انتخابات گرجستان اعلام کرد که پس از شمارش آرا، «گئورگی مارگولاشویلی» نامزد ائتلاف حاکم «رویای گرجستان» توانست با کسب ٦۲٫١٣ درصد کل آرا، پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور شود. «داوید باکرادزه» نامزد حزب «جنبش واحد ملی» که طرفدار رئیس جمهوری کنونی «ساکاشویلی» است، ۲١٫٨٨ درصد و «نینو بوردجانادزه» نامزد حزب «جنبش دموکراتیک - گرجستان واحد» که رئیس سابق پارلمان گرجستان است، ١٠٫٠٧ درصد آراء را بدست آوردند. «میخائیل ساکاشویلی» رئیس جمهوری کنونی گرجستان در سخنانی که از شبکه تلویزیون این کشور پخش شد، به پیروزی حزب مخالف خود، اعتراف کرد و گفت: مردم گرجستان رئیس جمهوری جدید خود را برگزیدند و ما به رای آنها احترام می گذاریم. رئیس جمهوری گرجستان گفت: من خسته نشده‌ام، اما به لحاظ احساسی فشار زیادی را تحمل می کنم و در نظر دارم بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری از عرصه سیاست کنار بروم و استراحت کنم.

۱۲ کشته در درگیری‌های آفریقای مرکزی

ایسنا: درگیری میان شورشیان نزدیک به دولت و نیروهای محلی در شهر «بوار» در غرب جمهوری آفریقای مرکزی، ١٢ کشته داشت. این درگیری‌ها میان گروه‌های مسلح محلی که برای دفاع از خود دست به سلاح شده‌اند و شورشیان سابق که اینک قدرت را در آفریقای مرکزی به دست گرفته‌اند، صورت گرفت. یک منبع نظامی اعلام کرد در این درگیری‌ها هفت نفر از شبه نظامیان محلی و پنج نفر از شورشیان «سلکا» کشته و شمار زیادی زخمی شدند.

تظاهرات علیه پوتین



ایرنا: هزاران نفر از مردم مسکو علیه ولادیمیر پوتین و زندانی شدن فعالان سیاسی مخالف دولت، تظاهرات کردند. معترضان در حالی که تظاهرات می کردند، علیه پوتین شعار دادند و خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند. پلیس شمار معترضان را ٤٥٠٠ نفر تخمین زد، اما بعضی رسانه‌ها گزارش دادند که دستکم ٦٠٠٠ نفر به خیابان ها آمدند. «الکسی ناوالنی» رهبر مخالفان باحضور دراین راهپیمایی گفت: دلیل اصلی تظاهرات، تقاضا برای آزادی زندانیانی است که در اعتراضات ماه مه در زمان مراسم تحلیف ریاست جمهوری پوتین دستگیر شدند.

انفجار مین در «غزنی» ۱۸ قربانی گرفت

ایرنا: ١٨ غیرنظامی افغان بر اثر برخورد خودرو با یک مین کنار جاده‌ای در منطقه «اندر» ولایت غزنی، کشته شدند. در این حادثه ١٤ زن، ۳ مرد و یک کودک کشته و پنج تن دیگر زخمی شدند. دفتر ریاست جمهوری افغانستان درواکنش به این حادثه اعلام کرد که بمب گذاری در مسیرهای عمومی، کار دشمنان مردم افغانستان است.

«شینزو آبه» و مقابله با توان نظامی چین



مهر: نخست وزیر ژاپن با اشاره به رشد قدرت نظامی چین گفت که کشورش با طرح چین برای تغییر وضع موجود در منطقه، مقابله می کند. «شینزو آبه» گفت که کشورهای دیگر خواستار افزایش نقش توکیو در آسیا برای مقابله با رشد توان نظامی چین هستند. «آبه» گفت: این نگرانی وجود دارد که چین بخواهد شرایط منطقه را با زور تغییر دهد. روابط بین چین و ژاپن طی سال‌های اخیر به تیرگی گراییده است.

نمایندگان محجبه به پارلمان ترکیه می‌روند

فارس: قانونگذاران زن ترکیه قرار است برای شرکت در نشست مجمع عمومی پارلمان این کشور با روسری حاضر شوند. «سوده بایزید قاجار» نماینده استان «قهرمان ماراش» از حزب حاکم عدالت و توسعه و «گولای سامانجی» نماینده همین حزب از استان «قونیه» در بیانیه‌های جداگانه این مساله را اعلام کردند که بزودی برای حضور در جلسه نشست‌های مجمع عمومی پارلمان ترکیه با روسری حاضر می‌شوند. نماینده حزب حاکم از استان قهرمان ماراش حتی در گفتگو با وب سایت خبری «صباح» گفت که ۳۱ اکتبر، زمان دقیق ورودشان به پارلمان با روسری است. این دو زن نماینده پارلمان ترکیه در میان نمایندگان زنی هستند که اخیرا به مراسم حج رفته بودند.

ادب و هنر

۲۴۸

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات

سه شنبه ۷ آبان ۱۳۹۲
شماره ۲۵۷۲۵

پیوست



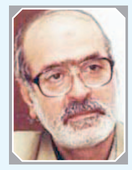
جایی نمی روی که دل بدگمان من
تا بازگشتن تو به صدجا نمی رود

اول دفتر

مروری بر یادهای از یاد رفته

پاورقی‌نویس‌های مجلات قدیمی

محمدجواد محبت



نوشتن، از آنچه سالها پیش رخداده ـ و حسرت بعضی از آنها هنوز بر دلهای به یاد داران و یادآورندگان سنگینی می کند ـ واقعاً جرأت می‌خواهد! جرأتی آمیخته با حوصله، برای اینکه خاطره‌ها مثل حلقه‌های زنجیر، به هم پیوسته‌اند و این زنجیر، بر پای ذهن سنگینی می کند.

دبستانی که برای من هیچ خاطره خوشی به بار نیاورد، باعث شد تا در حساب و هندسه یا به قول امروزی‌ها «ریاضیات»، ضعیف بمانم، خوش انصاف‌ها حتی نتوانستند جدول ضرب را هم به من یاد بدهند! آنچه بعدها در دوران آموزگاری‌ام به بچّه‌ها یاد دادم، آموخته‌هایم در بزرگسالی بود. در عوض، چون داشتن خودنویس آرزویی دست نیافتنی بود، قلم نیش و دوات مرکّب، خطمان را اجباراً خوانا کرده بود.

در آن روزگار، خودکار چیزی غیرقابل تصوّر بود. در میان همکلاسی‌های من، تاجرزاده‌ای بود بزرگسال و خوش پوش. کتابخوان و خوشبخت. چون ارّه کمانی داشت و زنگ کاردستی، با کاربن و تخته سه‌لایی چیزهایی می‌ساخت که هوش از سر ما می‌پرید. گفتم این همکلاسی، کتابخوان خوبی بود. برادر بزرگ من که در دست به قلم بودنم ذیحق بود، چندین عنوان مجلّه را که پر از پاورقی‌های خواندنی بودند[1] و کتاب‌های رمانی که جذابیتشان، هوش از سر آدم می‌برد، با پول تو جیبی و پس‌اندازهایی که از بازی‌های بین بچه‌های کوچه به دست می‌آورد، تهیه می‌کرد و البته مشتری اول او من بودم. بینوایان ویکتور هوگو را آن روزگار، دو مترجم همزمان از دو بنگاه مطبوعاتی که رقبای سخت یکدیگر بودند، به دست طالبان مشتاق می‌رساندند. آن دو مترجم، «حسینقلی مستعان» و «عنایت‌الله شکیباپور» بودند و این قضیه مربوط به بیش از پنجاه سال پیش است.

قصه جزوه‌ای «دلشاد خاتون» هم یکی از آثار منتشره آن زمان‌ها بود. این جزوه‌ها چند سال بعد، نام دیگری یافت؛ «زیبای مخوف» زمان انتشار این رمان، شش سالی به صورت مداوم و تعطیل‌ناپذیر، یعنی تا آخر سیکل اول دبیرستان ادامه داشت. انصافاً نویسنده چیره‌دست و پرحوصله آن، سزاوار هزار آفرین بود. چه، این قلم پرکار، گذشته از این داستان، هشت صفحه قصه با حال و هوایی خاص در مجله ترقی داشت که می‌شد این صفحات را درآورد و جلد کرد و صاحب کتاب شد. نام داستان «به سوی روم» بود.

چندسال پیش، کتاب دست‌دومی از فروشنده‌ای خیابانی به دستم رسید و بعد از عمری با نویسنده «دلشاد خاتون» آشنا شدم. نام کامل ایشان «ابراهیم مدرسی زمانی آشتیانی» بود. حکایت دلشاد خاتون، در اواخر حکومت مغولان و فرمانروایی سلطان ابوسعید بهادرخان اتفاق افتاده و ادامه ماجراها به سلسله «چوپانیان» می‌رسد.

بقیه در صفحه۲

نوبل برای ملکهٔ داستان کوتاه

محمدرضا حیدرزاده



«آلیس مونرو» نویسنده ۸۲ ساله داستان‌های کوتاه و مشهور به ملکه داستان کوتاه جهان، برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۳ شد.

در دهم اکتبر ۲۰۱۳ آکادمی سوئد اعلام کرد که جایزه نوبل ادبیات به آلیس مونرو، نویسنده نام آور کانادایی تعلق می گیرد. او در زمان اعلام این خبر، یکصد و دهمین برنده جایزه ادبی نوبل، اولین کانادایی برنده این جایزه و سیزدهمین زنی بود که از ۱۹۰۱ تا کنون موفق به گرفتن این جایزه معتبر ادبی شد. پیش تر از این، در یک دهه اخیر، زنانی چون «هرتا مولر» و «دوریس لسینگ» این عنوان را از آن خود کرده بودند.

داستان‌های این نویسنده، اغلب حول محور شرایط و روابط انسانی و در میان زندگی روزمره افراد روایت می‌شود و پیچیدگی‌های شخصیت‌های انسانی را نشان می‌دهد. مونرو در سال ۲۰۰۹ توانست عنوان برگزیده جایزه ادبی بوکر را برای خود به ثبت برساند. از این نویسنده صاحب‌نام کانادایی تاکنون آثاری با عنوان رؤیای مادرم، فرار، پاییز داغ ، گریزپا، و خوشبختی در راه است، به فارسی ترجمه شده است.



آلیس مونرو در مجموعه داستان «خوشبختی در راه است» که در ایران توسط مهری شرفی ترجمه و منتشر شده است، می نویسد:

«... مردم همه جا در پی راه حل هستند. مغز هایشان(از نگاه دیگران) درد می کند. چیزهای بسیاری از اطراف به آنان فشار می آورد و صدمه شان می زند. می توانی کوفتگی ها و دردهایشان را در چشمانشان ببینی. آنان مشکل دارند .... فقرا باید به دنبال صدقه باشند و اغنیا بکوشند بهتر راه پول خرج کردن را پیدا کنند. این هم خودش کار است...»

آلیس مونرو با این کلمات است که می خواهد زاویه درد جامعه را از نگاه فقرا و اغنیا نشان دهد. او سعی می کند با واکاوی مشکلات و مسائل زنان جامعه، از حقوق آنان ، نه فقط در برابر مردان، بلکه در برابر تمامی جهان دفاع کند. به همین دلیل در تمامی آثارش ، زن نقش محوری داستان را دارد و در نهایت هم پیروزی با اوست...

همچنین مجموعه داستان رؤیای مادرم با ترجمه ترانه علیدوستی که در سال ۱۳۹۰ توسط نشر مرکزروانه بازار کتاب شده بود، در نوزدهمین دوره کتاب فصل ایران دربخش ادبیات و زبان‌های دیگر، به عنوان شایسته تقدیر دست یافت.

این مجموعه داستان، چهارمین اثر مستقل مونرو است که در ایران منتشرشده و مشتمل بر پنج داستان کوتاه با عناوین رؤیای مادرم، صورت، کوئینی، تیر و ستون و نفرت، دوستی، خواستگاری، عشق و ازدواج است که به همراه مقدمه‌ای درباره نویسنده به نقل از روزنامه گاردین منتشر شده است.

در بخشی از داستان صورت که روایت تحسین شده علیدوستی از زبان اصلی داستان است، چنین می خوانیم:

«با صدایی که تا به حال از او نشنیده بودم، صدایی بلند و وحشی و لرزان سر نانسی فریاد کشید: توله سگ کثافت. جلو نیا.نبینم جرات کنی. تو دختر خیلی خیلی بدی هستی. یک ذره عاطفه نداری، نه؟ هیچوقت بهت یاد ندادن... اینجا بود که مادر نانسی با موهای خیسی که توی صورتش ریخته بود از کلبه بیرون آمد. حوله ای به دست داشت. خدایا، من اینجا موهامو هم نمی تونم بشورم... مادرم سر او هم فریاد کشید.حق نداری با این لحن جلوی من و پسرم حرف بزنی. مادر نانسی بلافاصله گفت:برو بابا، خودتو ببین چطور صداتو انداختی سرت...

مادرم نفس عمیقی کشید. صدامو نیانداختم سرم. فقط می خوام به بچه رذلت بگم که دیگه جاش تو خونه ما نیست.

بقیه در صفحه ۲

نگاهی به سریال «پژمان» به کارگردانی سروش صحت

در آفساید

فاطمه فریدن



طنز در ذات خود تفکر برانگیز است و اگر قرار است که مسأله خاصی را در طبقات مختلف اجتماع مورد بررسی قرار دهد، باید بخشی از این تفکر را به مخاطب تحویل بدهد؛ چون در غیر این صورت از معنای اصلی خود فاصله می گیرد.

سریال «پژمان» یک سوژه اجتماعی و در کنار آن زندگی یک شخصیت واقعی را دستمایه خود قرارداده است.

سوژه ای که اگر چه در ابتدا جذاب به رخ کشیده می شود، ولی در عمل قدرت پرداخت هیچ یک از شخصیت ها را ندارد.

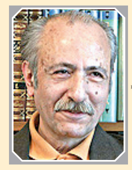
در همین ابتدا این پرسش نیز به وجود می آید که هدف نویسنده یا کارگردان از پرداختن به چنین سوژه ای چیست؟چون جریان کلی داستان در مسیری بین واقعیت های زندگی یک فوتبالیست و آنچه که قرار بوده در قصه یک درام جای گیرد، باقی مانده است.

نگفتن جزئیات و رفتن به سمت حواشی، یکی از مشکلات روایت در این سریال است و پررنگ شدن شخصیت های فرعی و داستان های مربوط به آنان،قصه را از روند عادی خود خارج کرده است.

بقیه در صفحه ۵

کژتابی‌های ذهن و زبان

استاد بهاءالدین خرمشاهی



۹۲

فرزند وسطی‌ام معروف به درویش خان عصرها، هر روز کفش و کلاه می‌کند و می‌رود دنبال خرید روزنامه‌ها و از ۱۲ تا ۱۸ روزنامه می‌خرد و چون وقت ندارد که حتی تیترهای درشت آنها را بخواند، هری آنها را هل می‌دهد طرف من و حق به جانب ـ از ترس مادر ملامتگرش که این فرهنگ‌دوستی را حمل بر نوعی جنون جوانی و جوانی جنون می‌کند ـ می‌گوید: «بابا بفرما، این هم روزنامه‌هات!» یا گاهی می‌گوید: «این هم روزنامه‌هایی که خواسته بودی!» می‌گویم (پنهان از مادرش) که: «پدر ناخوش، من کی یک دکّه روزنامه خواسته بودم؟ پس کژتابی‌هایی را که این همه خوانندهٔ مشتاق پیدا کرده است و هفته‌ای نیست که تاج و سبد و دسته گل برای نویسنده و ناشر و حروف‌نگار باوفا و با صفایش نفرستند، کی بنویسم؟

درویش خان که بر اثر سرکوفت‌های بی‌پایان مادرش دنده پهن شده و حتی کتک‌خورش ملس است، باز حق به جانب‌تر می‌گوید: «بابا، خودمانیم، مگر این روزنامه‌ها شکارگاه اصلی صید کژتابی نیست؟ چرا بخت خودت را به لگد می‌زنی؟»

مادرش که این بار حرف او را که از سر بی‌احتیاطی بلندتر زده است، توی آشپزخانه می‌شنود، می‌گوید: «کاش تو بخت پدرت بودی درویش خان]منظورش این است که یکی از آن لگدهای پیش گفته می‌خورد توی آبگاهت و ملاجت را علاج می‌کرد![بچه، این چه جنونی است که تو داری؟ از شرق تا غرب و از همبستگی تا همدستگی و از جام جم تا جام کیخسرو و از اعتماد تا انتقاد، و از اقبال تا ادبار و از اطلاعات تا ضداطلاعات، همهٔ روزنامه‌ها را می‌خری.» غافل از آن که درویش خان با ذوق‌تر از آن است که بعضی از این «روزی ـ نامه‌ها»! شکرستان را نخرد. مخصوصاً پس از تعطیلی گل‌آقای هفتگی، عطش خود را با شوکران، یا شربت این نمکدان ـ نامه‌ها فرو می‌نشاند.

راستی، یکی از نویسندگان این «روزی ـ نامه‌ها»! بود که اینجانب و زندگینامهٔ خودنوشت مرا دست انداخته بود که باعث باد کردن آن شمارهٔ خودش و به سرعت نایاب شدن زندگینامهٔ خودنوشت من (=فرا راز فلسفه) شد.

در آنجا داستان گمشدن گربهٔ خانگی ما را که خانمی نام داشت و بر اثر حادثه‌ای عمرش را داد به منتقدان خودش و دار فانی را برای این سه طلاقه کنندگان دنیا باقی گذاشت، دست انداخته بود که در جهانی که هر روز و هفته‌ای از هفت تا هفتاد نفر ترور می‌شوند ـ یا شاید نوشته بودند هزاران آدم از جنگ و قحطی و بلایای طبیعی می‌میرند ـ نویسنده (یعنی بنده) و خانواده‌اش برای مردن یک گربه ساعت‌ها و روزها عزاداری کرده‌اند/ می‌کنند.

و خلاصه آنچه لیچار که در چنته داشتند، برای این حیوان‌نوازی ما به ما بار کرده بود که ما خودمان را زدیم به کوچهٔ علی چپ و به روی مبارک خودمان نیاوردیم که این حرفها خطاب به ماست.

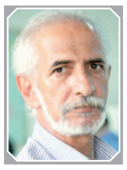
خواستم در پاسخشان فقط یک جمله بنویسم، دیدم عمق معنایش را در نمی‌یابند. می‌گویید کدام جمله، شاید ما از معنایش سر در آوردیم؛ باشد حالا که اصرار بیشتر از این نمی‌شود، می‌گویم:

«در بعضی کشورهای خارجه، حیوانات در حد انسان ارزش دارند و در بعضی کشورهای خوارجه، انسان‌ها حتی در حد گربه هم ارزشی ندارند».

ادامه دارد

نوبل برای ملکهٔ داستان کوتاه

محمدرضا حیدرزاده





بقیه از صفحه اول

اون بچه رذل، رذل بدجنس که پسر منو به خاطر یه اتفاق که دست خودش نیست مسخره می کنه. هیچوقت چیزی یادش ندادی، ادب سرش نمی شه...حتی بلد نیست کی بگه لطفا. کی بگه ممنون. تعجبی هم نداره ...»

آلیس مونرو بارها به عنوان بهترین نویسنده داستان کوتاه در زبان انگلیسی شناخته شده است. بسیاری او را مدت‌ها با چخوف مقایسه می کردند. جان آپدایک اما تولستوی را هم اضافه می‌کند، و ای. اس. بایات از گی دو موپاسان و فلوبر در کنار نام او، یاد می کند.

آلیس مونرو را که آکادمی سوئد او را استاد داستان کوتاه معاصر توصیف کرده است،یکی از تواناترین نویسندگان داستان کوتاه امروز می دانند. بسیاری بر این عقیده اند که مونرو، جامعه کتابخوان آمریکای شمالی را با داستان کوتاه آشتی داده است. البته خودش می گوید که هرگز قصد نداشته صرفاً نویسنده داستان کوتاه باشد؛ فکر می کرده مثل همه رمان خواهد نوشت. ولی حالا دیگر می داند نگاهش به مسائل برای نوشتن رمان مناسب نیست. دوست دارد پایان داستان را در ذهنش مجسم کند، و مطمئن باشد مثلاً تا کریسمس آن را تمام خواهد کرد، و نمی‌داند نویسنده ها چطور روی پروژه های طولانی مثل رمان با پایان باز کار می کنند.

آلیس مونرو ۱۰ ژوئیه ۱۹۳۱ در کانادا به دنیا آمد. پدرش کشاورز و مادرش معلم مدرسه بود.او نویسندگی را از نوجوانی شروع کرد و اولین داستانش به نام «ابعاد یک سایه» در سال ۱۹۵۰ ـ زمانی که هنوز دانشجو بود ـ منتشر شد. او تا پیش از انتخاب نویسندگی به عنوان یک حرفه، مشاغلی چون پیشخدمتی و تصدی کتابخانه را تجربه کرده بود و حتی مدتی در مزارع تنباکو مشغول به کار بود. با این حال، او سال ۱۹۵۱ دانشگاه را ترک کرد تا ازدواج کند. در سال ۱۹۶۳ به ویکتوریا نقل مکان و کتابفروشی «کتاب مونرو» را افتتاح کرد که هنوز مشغول به کار است.

مونرو به ویژه در داستان‌های اولیه‌اش به مضامینی چون بلوغ و کنار آمدن با خانواده پرداخته است؛ اما با گذر سن، توجه او به میانسالی و تنهایی بیشتر شده است. زادگاه مونرو شهر کوچک وینگم در ایالت انتاریوی کاناداست و فضای داستان هایش هم غالباً شهرهای کوچک این ایالت است. داستان هایش معمولاً روندی آرام دارند، ولی حادثه ای در زیر این سطح آرام جریان دارد که مونرو در طول داستان با ظرافت از آن رازگشایی می کند و در پایان خواننده را شگفت زده برجا می گذارد.

او مضامین خود را از زندگی روزمره مردم انتخاب می کند و نگاه ویژه ای به مسائل و جزئیات زندگی زنان دارد. اگرچه به مشکلات و دغدغه های دختران جوان علاقه دارد، در کتاب های اخیرش به مسائل زنان میانسال و سالمند توجه بیشتری نشان داده است. خاطره در داستان هایش نقش مهمی دارد. شخصیت هایش را عمیقاً می شناسد و درباره زندگی آنها تأمل می کند و دیالوگ ها را با مهارت به کار می گیرد. صداقت در بیان، زبان شفاف و روان و دقت در جزئیات، از ویژگی های داستان های اوست. زندگی زنان در روستاها و شهرهای کانادا از درونمایه های آثار اوست.

مارگارت آتوود،دیگر نویسنده نامدار کانادایی، آلیس مونرو را یکی از مقدسات ادبیات جهان نام داده است. منتقدان و نویسندگان، سبک ساده و بی پیرایه و پیرنگ های چند لایه و شخصیت های ساده و دیالوگ های مناسبش را ستوده اند.

سبک و شیوه نویسندگی ویژگی اصلی نثر مونرو، تأکید او بر محل وقوع داستان و شخصیت‌های زن پیچیده هستند. آثار او اغلب با آثار بزرگان ادبیات مقایسه شده و گفته می‌شود در آثار او، مثل آثار چخوف، خط داستانی درجه دوم اهمیت را دارد و تقریباً اتفاق خاصی در داستان‌ها رخ نمی دهد و اغلب تلنگری موجب دگرگونی زندگی شخصیت‌ها می‌شود.

مونرو پس از دریافت جایزه ادبی تریلیوم،برای مجموعه داستان زندگی عزیز، عنوان کرد که از دنیای نویسندگی خداحافظی می کند و گفت:«نه اینکه نوشتن را دوست نداشته باشم، اما به نظرم موقعی می‌رسد که حس می‌کنی به جایی رسیدی که دیگر می‌خواهی به زندگی‌ات به شکل دیگری نگاه کنی. و شاید وقتی به سن من برسید، دیگر دلتان نخواهد آن‌قدر تنها باشید که یک نویسنده تنهاست. انگار حس کنی به پایان درستی در زندگی‌ات نرسیدی و بخواهی بیشتر اجتماعی شوی.»

مونرو دربارهٔ شیوه نویسندگی خود نیز گفته است:«اغلب پیش از شروع نوشتن داستانی، کلی با آن نشست و برخاست می‌کنم. وقتی به طور مرتب وقت نوشتن ندارم، داستان‌ها مدام در ذهنم رژه می‌روند؛ تا جایی که وقتی می‌نشینم به نشستن، کاملاً در آن غرق شده‌ام. این روزها این غرق شدن را با یادداشت برداشتن انجام می‌دهم. چندین و چند دفترچه یادداشت دارم که با خط خرچنگ قورباغه پر شده‌اند، همه چیز را در آن می‌نویسم. گاهی وقتی به این نسخه‌های اولیه نگاه می‌کنم با خودم می گویم واقعاً سودی هم دارند؟ می‌دانید من از آن نویسندگانی نیستم که از موهبت سرعت برخوردار هستند و سریع می‌نویسند.»

بیشتر داستان‌های مونرو برای اولین بار در نشریه معتبر نیویورکر منتشر شده‌اند. آخرین داستانی که از مونرو در نیویورکر منتشر شد،«آموندسن» بود که اوت سال ۲۰۱۲ چاپ و داستان زندگی عزیز، آخرین مجموعه داستان مونرو هم پاییز گذشته منتشر شد.

درمجموع، از مونرو ۱۴ مجموعه داستان و پنج مجلد گزیده داستان منتشر شده است. از طرفی دختر او شیلا مونرو سال ۲۰۰۲ کتابی با عنوان «زندگی‌های مادران و دختران: بزرگ شدن با آلیس مونرو» را نوشت و منتشر کرد و در آن از خاطرات کودکی‌اش با مادر نویسنده‌اش نوشت.

اول دفتر

مروری بر یادهای از یاد رفته

پاورقی‌نویس‌های مجلات قدیمی

محمدجواد محبت

بقیه از صفحه اول

جزوه‌های دلشاد خاتون، روی کاغذ کاهی در ۴۰ صفحه به قطع نزدیک به جیبی و به بهای ۵ ریال منتشر می‌شد و من که تشنهٔ آشنایی با نویسنده بودم، فهمیدم که آقای ابراهیم مدرسی، پدری دلسوز، مهربان و نمونه بوده و هزینه تحصیل دانشگاهی تنها دخترش را از این راه فراهم کرده و دستش مریزاد که هنر و عاطفه و کوشش را باهم به کار بسته بود.

بد نیست یادآور شوم که در آن سالها جزوه‌های دیگری با نام «آتیلا» و «سلطانهٔ جنگل» به همان شکل و به همان قیمت درمی‌آمد که نمی‌دانم چه سرنوشتی یافتند. «آشفته» نام مجله‌ای بود که آن دوران منتشر می‌شد. کلمه آشفته را با تصویرهای نقاشی آدمیان، به صورت ایستاده، خوابیده و چمباتمه زده کشیده بودند. یکی از نویسندگان آن مجله، داستانی را قلم می‌زد به نام «باشرفها» و با امضای «ع.راصع» که بعداً فهمیدم ایشان همان «عماد عصّار» مدیر مجله بوده است. کتاب، بیانگر مفاسد اجتماعی آن روزگار و پولدارها و بند و بست‌چی‌ها بود. از مرحوم استاد سعید نفیسی نیز دو رمّان سیاسی ـ اجتماعی درآمده بود با نام‌های «پرده‌ها کنار می‌روند» و «آتش‌های نهفته» که ظاهراً این دو کتاب هرگز به چاپ دوم نرسیدند.



گذشته از این نویسندگان، باید از مرحوم «جواد فاضل» هم نام برد. داستان‌نویسی پرکار که کوششی شایان توجه در ترجمه کلمات قصّار حضرت امیرالمؤمنین علی ـ علیه‌السلام ـ نشان داد. مجله رادیو، هر شماره در پشت جلد، نقاشی مینیاتوری از تجویدی داشت و دو صفحه شعر در وسط مجله که از کارهای ادبی شادروان رهی معیری بود و بطور مرتب، قصه‌ای «ح.م.حمید»، یعنی حسینقلی مستعان داشت. با قدری تأمل، نام «حمزه سردادور» هم به یادمان می‌آید. سردادور، حکایت زندگی یکی از شاهان قاجار را به گونه‌ای دور از انتظار تاریخ‌دانان به قلم آورده بود که انسان را متعجب می‌کرد.

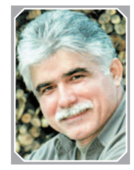
آقای دکتر صدرالدین الهی، پاورقی حیرت‌برانگیزی می‌نوشت با نام «تابوت حسد» و شاپور آرین‌نژاد، تاریخ‌نویس بود. کتاب «دَه مرد رشید» از اوست.از آقای ارونقی کرمانی هم باید ذکر خیری کرد. ایشان بعدها تمایلی به مطالب روحی پیدا کرد. نویسنده‌ای که به دستور دربار ترور شد و در نشریه مرد امروز ـ که امتیازش با او بود ـ مقالاتی آتشین می‌نوشت، «محمد مسعود»* بود. از او چند کتاب به یادگار مانده است؛ از جمله کتاب: اشرف مخلوقات، تفریحات شب، و گلهایی که در جهنم می‌رویند.

وقتی داشتم این مقاله را بازنویسی می‌کردم، ناگهان دیروقت شبی، نامی در ذهنم جرقه زد: «منوچهر مطیعی». در آن زمان جزوه‌ای خواندنی، شیرین و جذاب از ایشان منتشر شد با نام: «یک ایرانی در قطب شمال». نمی‌دانم ترجمه او بود یا به قلم خودش. هرچه بود، پرکشش بود و مطلوب.در پایان، بد نیست یادآور شوم که نخستین رمان ایرانی را نویسنده کرمانشاهی، زنده‌یاد «میرزا باقر خسروی» نوشته است که در سالهای انقلاب، چاپ دوم این کتاب منتشر شد.

---

* سالها بعد ، اسناد دیگری عرضه شد که نشان می داد محمد مسعود (اگرچه مغضوب دربار بود و در نظر درباریان هم واجب القتل) در واقع به وسیله خسرو روزبه وابسته به کادر نظامی حزب توده ترور شده است.

نقدینه



اکبر اکسیر

معرفی مجموعه شعر «دمان شهریور کودکی» بهنام زندی/ نشر نگیما/ ۱۳۹۱

گزارهٔ پنهان از آواز ماهیان سپید

متولدین پنجاه و هفت، امروزه شاعران میانسال ما تلقی می‌شوند. با انقلاب رشد کرده‌اند و سرودن شعر را از کتاب‌های شعر شاعران پیش از انقلاب آموخته‌اند. از نیمایی به سپید رسیده‌اند و در این راه تجربه‌ها کسب کرده‌اند و خود را شاعر می‌شناسند و مرتکب کتاب شده‌اند تا دین خود را به ادبیات سرزمین مادری ادا نمایند. اما چون در بحبوحهٔ انقلاب و جنگ و مشکلات اجتماعی، فرصتی برای کشف و معرفی آنها نبوده، گمنام مانده‌اند و شعرشان نتوانسته خود را به جامعه ادبی نشان دهد. لذا هر دلنوشته‌ای در دفتر و دستکی پنهان مانده و مجال نقد نیافته است.

شاعر جوان شهرستانی، بی‌سرپرست و استاد، راه خود را ادامه داده و حالا که با سکهٔ شعر وارد بازار می‌شود، از خریدار خبری نیست. چرا که از شعر محبوب او سی سال گذشته است و مؤلفه‌های شعر امروز، فاصله عظیمی را طی نموده است. باید به معرفی این شاعران و شعر و دلنوشته‌های آنها اقدام کرد و آنها را با واقعیت و موقعیت شعر روز آشنا نمود و تجربهٔ گرانقدر آنها را جهت بخشید تا در کتاب دوم حرف اول را بزنند و از این مرحله به سلامت بگذرند و از راهیان شعر امروز شوند.

«بهنام زندی» شاعر جوان سنندجی، یکی از این نمونه‌هاست که می خواهد شاعر معاصر باشد و به شعر امروز رونق و جلایی شایسته بدهد. «دمان شهریور کودکی» حاصل دورهٔ پر تب و تاب جوانسالی بهنام زندی است، با شعری آرمانی و تا حدودی نوستالژیک، با زبانی خاص و معلق در دیروز و امروز شعر سپید. بهنام بعد از چند سال، شعرهای این دفتر را فراموش خواهد کرد. نقدپذیری او را می‌ستایم و موقعیت جغرافیایی او را در شعر امروز او برای من یادآور مسعود زندی دهه پنجاه است، از سنندج. شاعری پرشور و گرم و آتشناک. بهنام زندی، بی‌شک از زبان این مجموعه گذر خواهد کرد و حرف سادهٔ دل خود را خواهد زد:

تدریج حرارت/ تحریق تبی است/ که شمارگانش طبیبان را/ نه نسخه پاشویه/ گمان درد عشق دانستند/ و هذیانت را ساحران رموزخوان/ حرفی که سالها سودای گفتنش را داشتی/ دوستم داری.

زندی در شعر اول کتاب به عینیت خاص امروز رسیده است که متأسفانه در شعرهای بعدی تکرار نشده:

زمین گرد است، به هر کجا روی آغوشم را باز خواهی یافت/ این را کوپرنیک خوب می‌دانست/ پیش از سوخته شدن/ میان وعده‌های اسقف‌های دروغین/ گلستان کن دور و برت را/ به سحر عشقی که میانمان است.

**

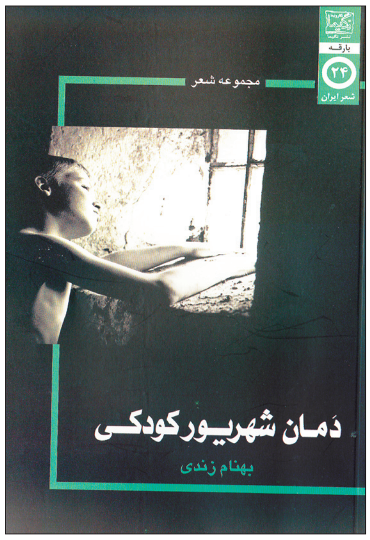
دمان شهریور کودکی به عنوان مجموعهٔ اول شاعر شهرستانی قابل تأمل است. باید به او فرصت بازیافت تجربه‌های نو را داد و در کتاب دوم به نقد فنی شعرهایش پرداخت. باید او را تشویق کرد که به روال شعر امروز بیندیشد. تن به پوست افکنی معتدلی بدهد، زبان ساده‌اش را به کار اندازد و مثل مردم این حوالی حرف بزند. او بی‌شک از شاعران خوب امروز خواهد بود:

قلاب ماهیگیر/ دار مکافات ماهیانی است/ که سرخوشانه آواز می‌خوانند/ گودال صیاد/ سیاه‌چال آهوانی است که مستانه/ دویدن آغاز می‌کنند/ آغوش ناکسان تبعیدگاه عاشقانی است/ که کورکورانه عشق را ابراز می‌کنند.

**

بهنام زندی، شاعر خوشفکر و دردآشنای ماست. شعرهای او فلسفهٔ زیبایی در کشتن تنهایی است. او لحن باد را می‌شناسد، دلش آتشکده‌ای است سرشار از شاخه‌های نارس اندوه در مزارع خشخاش و شعرش غریزهٔ کلمات بر احساس لطیف کاغذ است. پهنای آسمان، مجال پرواز کبوتران شعر اوست. باید از تناول خود دست بردارد و در میان قبیلهٔ آدم‌خواران، شعر امروز را اهلی خود نماید. او فعل خواستن را با توانستن پیوند داده است:

می‌خواهم تمام اشعار جهان را فراگیرم/ تا کسی نباشد مشق مدح را/ ترفند گزاره پنهان کلماتش کند/ می‌خواهم تمام بلندی‌ها را هموار کنم/ تا تیشهٔ هیچ فرهادی/ به بهانه شیرین‌اش نکوبد...

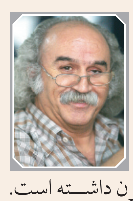


**

برای بهنام زندی عزیز که می‌خواهد در شعر امروز، شاعر دردآشنای محبوبی باشد؛ کوتاهی کلام، ساده‌نویسی مدام و روانی بیان آرزومندم. امید که مجموعهٔ بعدی او از مطرح‌ترین‌های شعر امروز ما باشد.

واکاوی ترانه های قدیمی - ۳

شد خزان- گلشن آشنایی



حسن فرازمند

آن طور که مرحوم استاد جواد بدیع‌زاده در بخشی از خاطراتش آورده، ضبط و پخش ترانه معروف «شد خزان» او قسمتی از انجام یک پروژه و قراردادی بوده که با کمپانی آلمانی صفحه پرکنی ادئون داشته است.

خانم الهه بدیع‌زاده، دختر آن مرحوم، در صفحاتی از کتاب «گلبانگ محراب تا بانگ مضراب»، به شرح بخش‌هایی از خاطرات ارزشمند پدرش پرداخته و از زبان گویا و دستنوشته‌های آن مرحوم مطالبی آورده است:

«... در سالهای ۱۳۱۵-۱۳۱۴ خانه پدری ما در جنوب تهران- کوچه غریبان- گذرباشی- بسیار محله بدآب‌وهوا و پرجمعیت با ساکنان بسیار ناجور و نامناسب بود و بدبختانه ما گرفتار چنان منطقه از هر حیث مخالف روحیات خود بودیم.»

در این کتاب که به کوشش نشر نی و در سال ۱۳۸۳ منتشر و تجدید چاپ شده است، استاد جواد بدیع‌زاده به شرح وضع بد روزگار خود پرداخته و یادآور شده است: «برای راحت شدن از آن وضع و پیدا کردن سلامتی و آسودگی بهتر، آنجا را به مبلغ دو هزار و چهارصد تومان فروختیم. پانصد تومان از این مبلغ را پدرم بدهکار بود، من قرض‌های پدر را پرداختم و از آخرین نقطه جنوب تهران در آن زمان به اولین نقطه شمالی تهران در آن روزگار که آخر خیابان دوشان‌تپه قدیم یا خیابان ژاله فعلی (پیروزی بعد از انقلاب) بود، کوچ کردیم.

خانه‌ای که در کوچه غریبان در جنوب تهران داشتیم، حدود دویست متر بود و خانه‌ای که در خیابان دوشان‌تپه خریدم، ششصدمتر بود و دو دست حیاط داشت. آنجا را به مبلغ چهار هزار تومان خریدم؛ دو هزار تومان کمبود پول داشتم، از بانک ملی تهران که آن زمان آقای محمدعلی خان فرزین رئیس آن بود، به وساطت یکی از دوستانم اسماعیل پنبه‌چی که از تجار بازار و یکی از دوستان محرم من بود، قرض کردم که چند ماهه بپردازم. این قرض مرا ناراحت کرد و برای پرداخت آن لازم بود به تقلا بیفتم؛ زیرا این مبلغ به عنوان قرض‌الحسنه به من داده شده بود. چون هیچ گونه نزول و مقررات بانکی در آن رعایت نشده بود و مبلغی بود که به اعتبار یک فرد معتبر به من داده شده بود.»

استاد بدیع‌زاده در شرح چگونگی اجرا و ضبط ترانهٔ «شد خزان» و چند ترانهٔ دیگر در سفرش به هندوستان و شهر حلب سوریه نیز خاطراتی را جسته گریخته تعریف کرده است؛ اما گویا این‌بار مسئله برای او فرق کرده است و او حاضر شده تا این ترانه را به همراه چند ترانهٔ دیگر اجرا و ضبط کند و در اختیار یک کمپانی صفحه‌پرکنی آلمانی بگذارد که در ازای آن بتواند مبلغی دریافت کرده و ۲ هزار تومان بدهی منزل مسکونی‌اش در خیابان دوشان‌تپه (یا خیابان پیروزی فعلی) را بپردازد.

خانم الهه‌بدیع‌زاده در ادامه از زبان پدرش نوشته است: «در همان روزها بود که نماینده کمپانی ادئون آلمان، اتفاقاً به سراغ من آمد و پس از مقداری بحث، من متعهد شدم که چند صفحه برای کمپانی ادئون در برلین بخوانم. برای آن صفحات قرار شد پنج هزار تومان به من بدهند. خوشحال و



امیدوار شدم که خداوند مدد کرد و بزودی از زیر خجالت دوستم بیرون می آیم. با امیدواری تمام به دنبال تهیه مقدمات حرکت به طرف برلین رفتم. این‌بار برای آن که در سفرهای اول و دوم به طرف بیروت- از طرف افرادی که با من همراه بودند ناراضی بودم- مصمم شدم تنها و بدون این که ارکستری همراه با من باشد، به آلمان بروم.»

***

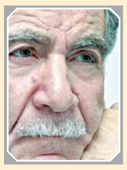
ماجرای رفتن و رسیدن استاد جواد بدیع‌زاده و یکی از دوستانش به نام اسماعیل ساتری به برلین آلمان و اقامت آنها و ضبط چند ترانه، از جمله شد خزان هم قصه‌ای خواندنی دارد که آن را در شماره‌های بعد در همین صفحه می خوانید.

اما نکته جالبی که استاد بدیع‌زاده در خاطرات خود آورده است، همراه شدن او با شخصی به نام اسماعیل ساتری است که آن روزگار گویا رئیس صندوق (معاون مالی اداری) مجلس شورای ملی بوده و از دوستان و محرمان استاد جواد بدیع‌زاده به شمار می رفته است و به رغم رئیس بودنش در مجلس، از افراد تحصیل کرده در رشته موسیقی و نوازندهٔ چند ساز از جمله تار و ویولن بود. وی چند وقتی نیز به بیماری زخم روده مبتلا شده و نیازمند سفری به اروپا برای معالجه زخم روده‌اش می شود و این سفر و همراهی اسماعیل ساتری با او، در واقع یک سفر هنری ـ پزشکی بود.

ادامه دارد

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»

رازِ راز



گفتگو از: کریم فیضی

۳۹

پایان تفکر

*** حرف بر سر یک پایان نیست بلکه بحث چندین پایان است و پایان‌ها...**

* من این حرف شما را که می گویید: تفکری تمام می شود ولی دوباره شروع می‌شود، می‌فهمم و از شما می‌پذیرم ولی سؤال اصلی در جای خودش باقی است که فکر در نهایت پایان دارد یا ندارد؟ حرف من این است که تفکر باید به پایان برسد. تفکر تا چه زمانی تفکر است و تا کی ادامه دارد؟

*** اگر قائل به پایان برای تفکّر باشیم، باید بپذیریم که تفکّر، روزی نباید باشد. آیا ممکن است که تفکّر یک روز نباشد؟**

* نه، تفکر هست و خواهد بود. بحث در پایان تفکر است. من نظریه شما را پذیرفته‌ام ولی شما باید به من بگویید که آیا تفکر به پایان می‌رسد یا نمی‌رسد؟ باید بگویید: آری یا نه!

*** به لحاظ منطقی باید گفت آری، ولی نمی‌دانم پایان تفکّر چگونه ممکن است؟**

* اگر تفکّر آغاز دارد، چرا نباید پایان داشته باشد؟ پایان تفکّر، همان بازگشت به آغاز تفکّر است.

*** این همان تلقی عرفاست که: از وحدت آغاز و پایان حرف می‌زنند.**

* این حرف کاملاً درست است، چون در سرانجام آغاز و پایان یکی می‌شوند. پس اگر چیزی آغاز دارد، پایان هم دارد و اگر چیزی بی‌پایان است، آغاز هم ندارد.

*** به قول حافظ: آنچه آغاز ندارد، نپذیرد انجام. به نظر می‌رسد ریشه برخی از حرف‌های کلان حافظ شیرازی را باید در گذشتگان یا پیشینیان جستجو کرد، از جمله شیخ محمود شبستری.**

* اجازه بدهید وارد این بحث نشویم و مقصود بیت را تشریح کنیم که: اگر کسی دنبال پایان تفکر می گردد، باید دنبال آغازش هم بگردد. چگونه ممکن است برای چیزی آغاز قائل باشیم ولی برای آن پایان در نظر نگیریم؟ پس اگر تفکر آغاز دارد، پایان هم دارد، منتها شما می توانید بگویید که پایان تفکر بازگشت به آغاز تفکّر است.

*** بازگشت موضوع به قوس صعود و نزول است. تا اینجا، سؤال طرح شد. در واقع، شبستری، سؤال پرسشگر را طرح کرد و حالا باید به آن جواب بدهد که در ادامهٔ ابیات می‌رسیم به این جواب:**

مرا گفتی بگو چه بود تفکّر
کزین معنی، بماندم در تحیّر
تفکّر رفتن از باطل سوی حق
به جزو اندر بریدن، کل مطلق

* شبستری می گوید: از من پرسیدند تفکر چیست؟ بعد می گوید: من در معنای تفکّر حیرانم. با این حال، شیخ جوابی برای پرسش «تفکّر چیست» دارد و آن این است که: رفتن از باطل به طرف حق، عبارت است از تفکر. اینکه از باطل به سوی حق برویم، جوابی مختصر و مجمل به این پرسش است که: تفکر چیست. با این حال، در همین جواب سؤال‌های دیگری طرح می‌شود، از جمله اینکه: حق کیست و باطل چیست و چگونه باید از باطل به حق رفت؟

*** اگر به لوازم این سخن ملتزم باشیم، باید بگوییم که جواب شیخ، پاسخ از سؤال «تفکّر چیست» نیست.**

* جواب هست ولی مجمل و مشروط است. اول باید بدانیم که حق و باطل چیست. اگر ضرورت حرکت از باطل به سوی حق و چگونگی این حرکت را ندانیم، به حاق معنای تفکر دست پیدا نخواهیم کرد.

ادامه دارد

طنز در گلستان سعدی

بخش سوم



محمدعلی علومی

گرچــه اینک بــه جای شمشـیر آختـه مغـول بـا شــبه‌فرهنگی غیرانســانی و وارداتــی مواجه شــده‌ایم که ریشــه‌های درخـت پربـار فرهنگ ما را در معرض خطر قرار داده است پس، نظر و بررسی این نوع از مباحث در آثار سعدی باز از جمله ضرورت‌هاست.

ن ـ باب ششم از گلستان، بسیار کوتاه است و در همان حال، نه آنکه یکســره از طنز بی‌بهره باشد، باری طنز در این باب، نسبت به دیگر ابواب گلستان کمرنگ‌تر و کمتر اســت. به ناگزیر از آن گذشــتیم؛ زیــرا آن مقــدار طنز در این بــاب، در حد باب‌های دیگر نبود.

باب اول

در سیرت پادشاهان

حکایت

پادشــاهی را شنیدم به کشــتن اسیری اشارت کــرد. بیچاره در آن حالت نومیدی، مَلِک را دشــنام دادن گرفت و سَقَط[1] گفتن؛ که گفته‌اند: هر که دست از جان بشوید هر چه در دل دارد بگوید.

وقــت ضرورت چــو نماند گریز
دسـت بگیرد ســر شمشــیر تیز
إذا یئِسَ الانســانُ طــالَ لســانُهُ
کسِنَّورٍمَغلوب‌یصولُ‌عَلَی‌الکلب.[2]

ملک پرسید: چه می گوید؟ یکی از وزرای نیک محضــر گفت: ای خداوند همی گوید: وَالکاظمینَ الغَیــظِ وَالعافینَ عَنِ النّــاس.[3] ملک را رحمت آمد و از ســر خون او درگذشــت. وزیــر دیگر که ضد او بــود گفت: ابنای[4] جنس ما را نشــاید در حضرت[5] پادشــاهان جز به راستی ســخن گفتن؛ این ملک را دشنام داد و ناسزا گفت. ملک روی ازین سخن درهم کشید و گفت: آن دروغ وی پسندیده‌تر آمد مرا زین راســت که تو گفتی، که روی آن در مصلحتی بود و بنــای این بر خُبثــی،[6] و خردمندان گفته‌اند: دروغی مصلحت‌آمیز به که راستی فتنه‌انگیز.

هر که شاه آن کند که او گوید
حیف[7] باشد که جز نکو گوید

بر طاق ایوان فریدون نبشته بود:

جهــان ای بــرادر نمانــد بــه کــس
دل انــدر جهــان آفریــن بنــد و بــس
مکــن تکیــه بــر ملــک دنیا و پشــت
که بســیار کس چون تو پرورد و کشت
چــو آهنــگ رفتــن کنــد جــان پاک
چــه بر تخت مُردن چه بــر روی خاک

شرح طنز

الــف ـ از نظریاتی که نــوع طنز در این حکایت را توضیح می‌دهد و آشــکار می‌ســازد، نظریهٔ آلن رینولد تامپســون اســت که معتقد اســت در «طنز نمایشی» با «کمدی اندیشــه‌ها» مواجه هســتیم که در آن انســان به خودش و به همه چیز... خندیده است. به باور تامپسون، این نوع خنده لطفی است در حق انسان که قادرش ساخته است تا با اموری که بسیار جدی هستند، شوخی کند.

در حکایــت مذکور با امری بســیار جدی ـ یعنی کشــتن اســیر ـ مواجه هستیم، اما عاملی دیگر به کمک می‌آید تا «طنز پنهان» در این حکایت را بسازد. این عامل، به قول سعدی، «یکی از وزرای نیک محضر» است.

ادامه دارد

پی نویس:
۱ـ فحش و ناسزا
۲ـ هر گاه آدمی نومید شــود زبانش دراز گردد، مانند گربهٔ شکست خورده که به سگ حمله می‌برد.
۳ـ ســورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۳۴: «و خشــم را فرو خورند، و از مردم درگذرند».
۴ـ پسران، فرزندان
۵ـ حضور
۶ـ ناپاکی
۷ـ افسوس و دریغ، و در عربی به معنی ستم است.

سه نگاه به «سیاه قلم های هانی نجم»



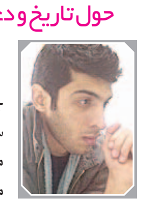
«ســیاه قلم های هانی نجم»، عنوان کتابی است که اوایل سال جاری از سوی انتشارات «رسم» منتشر شد. این کتاب در ۱۳۰ صفحه، طراحی پرتره هایی از شخصیت های درجهٔ ســه رجال دورهٔ قاجار تا دورهٔ معاصر را شــامل می شــود که توســط «هانی نجم» بــا ماژیک طراحی شــده اند. بنا به گفتهٔ نجم، او این طراحــی هــا از روی عکــس های بر جــای مانده از چهــره های دوره قاجار تا کنون و با مطالعه روی آنها ظرف یک ســال انجام داده اســت .او در طراحی این آثار از ماژیک استفاده کرده است تا با تکیه بر ویژگی «به مرور زمان کم رنگ شــدن خطوط ماژیک»، حس فراموش شدن آدمها در گذر زمان را به مخاطب آثار خود انتقال دهد.

«هانی نجم» متولد ۱۳٦٤ و کارشــناس نقاشــی است. او عضو انجمن هنرمندان نقاش و عضو انجمن تصویرگران کتاب کودک و نوجوان و همچنین عضو انجمن مؤسســه توسعه هنرهای تجســمی است. در زیر ســه دیدگاه را دربارهٔ کتاب منتشــر شــده از او را می خوانیم.

مریم نظری

***

حول تاریخ و دغدغه های هستی شناختی



امیر آقاجانی

بیشــتر آنها نگاهت می کنند، چشــم در چشــم. همانجا در قاب ســیاه خود محصورند و به تو خیره می شــوند. انگار که می گویند: این مائیــم، خوب نگاه کــن، ما تاریخ معاصریم، و کسانی که آمدیم،ساختیم،رفتیم!

ورق به ورق در تاریخ ، در عصری که پر از تلاطم و فرازونشیب وانسان های بزرگ بوده، جلو می رویم. سیاه و هاشور خورده، با چشم هایی گیرا که در زمینهٔ سفید و ناب آن – مثل روح یک دوشــیزه – کره ای در ســیاهی سره، آدم را بــه یــاد تیره گونی زمین در عصر حاضر می اندازد .عصری که دغدغهٔ هستی در آن موج می زند.

ویژگی های سبکی هانی نجم در این مجموعه هم تداوم می یابد. همان کژدیســی های همیشگی و همان تحریــف های شــخصیت پردازانه که حتــی در اینجا هم باکی از شــخصیت های تثبیت شــده تاریخی ندارد و گویی اصلاً این تحریف یک لزوم فرهنگی اســت در ایجاد نوعی تصویر و برداشت تناقض آمیز. هانی نجم در اغلب نقاشــی های گذشته اش که همچون یک سیستم معنایی یکپارچه با هم مرتبط اند؛ با بهره گیری از سبک نقاشی اکسپرسیونیستی، شکل های دفرمه و کاربری رنگ های خاص و کسالت بار و در آثاری با ایجاد فضاهای یکسان اتوبوسی یا وسائط نقلیه عمومی دیگر، سعی در نمایش وضعیتی دارد که مســلماً خوب نبــوده و حتی دفرمه و ناهنجار است و انتقال حس و دردی انسانی –ارتباطی را در نظر دارد. دردی ناشی از خلائی از ارتباطات انسانی – عاطفی که خود شکلی از نیستی می تواند باشد.

در این اثر جدید نیز پرتره ها ازاکسپرسیونی قوی برخوردارند و در عین حال با نوعی شوخ طبعی لطیف اما تلخ گونه ومنجمد همراه هستند. شبیه به نیشخندی جرح زننده وانتقادی به بخشــی از بودن خود که شــاید می توانست با بودن درشرایطی دیگر، بهتر از آنچه که هست باشد. نیشخندی به زندگی و زیستن در این جامعه و شاید نیشخندی به هویتی پر فراز و نشیب که نهایتاً به ســوی مرگ و نیســتی می رود و آنچه باقی می ماند، تنها ردی از خاطرات و یادگارهاست .

هانی نجم که در آثار گذشــته اش – همچون آثار نمایش داده شــده در نمایشــگاه «من» در ســال گذشته ــ نشــان داده که خواســتار نفوذ در لایه های تودرتوی احساســات و درونیات انسانهاست، در اینجا نه به شکل اشکال طبقه ای و خطوط شکسته، بلکه با خطوط دورانی و به صورت کلوز آپ و موردی، زمان معاصر کنونی را از درون گذشته کالبدشکافی می کند.

استفادهٔ هانی نجم از ماژیک که ماندگاری کمتری نســبت به دیگر ابزار های نقاشی دارد و به مرور زمان از رنگ و اثرش کاســته می شــود، خود دلالت بر گذشت زمان و فراموشــی غبار گونهٔ خاطرات و عناصر دارد. و آنچــه برای هانی نجم از اهمیت اول برخوردار اســت، همان انتقال حس اشــخاص اســت که مقدم بر شباهت شکلی در طراحی است .

دغدغــه های هانی نجم در کشــیدن این پرتره ها بیشتر یک دغدغهٔ روانشناختی و اگزیستانسیالیستی است. دغدغه ای در قبال مرگ و نیستی؛ و این مجموعه گویی واکنشــی به اضطراب وی نسبت به نیستی و فراموشی اســت، در وجهی نمادین وســمبلیک. او به مســئولیت اجتماعــی و اخلاقــی خود به عنوان عضوی از شــبکهٔ اجتماعی – انسانی واقف است و آزادی خود را در ادای این مسئولیت از طریق هنر می داند و نیز آزادی خود در برابر حصار سیاه نیستی را در تداوم خویش در آثاری می داند که بر جای می گذارد. و این ســیاه قلم ها خود نشــانه و نمادی از همین امر می توانند باشند که نه تنها به صورت ترتیبی، مروری بر گذر زمانند، بلکه پرتره هایی هستند در حصار سیاه نیستی . هانی نجم خود اشاره می کند که :

« و صد سال بعد را می دیدم که آیندگان چگونه به مــن مــی نگرند و اینکه آیا برای آنها مفید بوده ام؟ زمانی که دیگر چیزی از من باقی نیست، جز آثاری که بر جای خواهم گذاشت .» بر همین اساس می توان او را نقاشی با تفکرات هستی گرایانه دانست.

***

فرصت تازه ای برای گفت وگو



کیوان خلیل نژاد

(دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر)

پیش از آن که به این پرســش بیندیشیم که لزوم چاپ مجموعه ای از پرتره های طراحی شده با ماژیک چیســت و فارغ از این که کتاب «اثر هنری در دوران تکثیر مکانیکی » والتر بنیامین را خوانده باشیم یا نه؛ چهره ای از روی جلد کتاب «سیاه قلم های هانــی نجم» به ما خیره شــده اســت و دقیــق تر که می شویم، چشمانش روی جلد برق می زند.

این نگاه، تخت تر از آن است که راوی داستانی برای مخاطب باشد. دفرمگی محور چشم ها و حرکت پرتره به سمت استیلیزه شدن از طریق کم کردن و افزودن های هنرمند بر واقعیت، باعث شده تا مخاطب دغدغهٔ یافتن شباهت این چهره را با فردی خارجی نداشته باشد .

در اینجا آنچه اهمیت دارد تیرگی مرکز چشــمان چهره است که به پلی میدان گونه می ماند و دو پلکش را به هم متصل ساخته است.

پلــی که تیرگی هــا را به هم پیوند داده و قاعده ای است برای چشمان بیشتر پرتره های کتاب. خطوط پلک ها اما در بیشتر این آثار، خطوطی بسته، تیره و ضخیم اند که سفیدی چشم ها را چنان محصور خود کرده اند و تو گویی هیچ راه گریزی از آنها نیست.

خطوط آثار «هانی نجم» بیانگر او اکسپرسیو هستند، اما طراح این آزادی را به خطوطش نمی دهد که به هر کجا می خواهند سرک کشند و به طور کلی از نظمی هاشور گونه تبعیت می کنند.

این نظم در بخشی از آثار به سمت هاشورهای حجم پردازانه حرکت می کند که به نظر در جهت ساخت و ساز به کار برده شده اند. این شکل حجم پردازی و ساخت و سازها با روح کلی آثار که تخت و نائیف هستند، در تعارض قرار می گیرد. این مورد وقتی بیشتر به چشم می آید که این آثار در کنار آثاری قرار می گیرند که به سمت انتزاع، اغراق و استیلیزه شدن در حرکت اند و مخاطب را به این فکر فرو می برند که آثار کتاب از چه رو این گونه در کتاب، نظم و ترتیب یافته اند .

چشــمان پرتره های «نجم» درشت و گرد هستند. این فرم چشم ها بیننده را در عمق تاریخ تا دوران سومر پیش می برد و او را به یاد اســلوب بازنمایی ســومریان



در چشــم های مجســمه های «تل اسمر» می اندازد. این اسلوب بازنمایی بعد ها به یکی از مشخص ترین ویژگی های آثار بین النهرین مبدل شد. مورخین مسیحی هنر در تفسیر حالت چشم های مجسمه های بین النهرین تحت تأثیر تفکر مسیحی، آنها را دریچهٔ روح دانسته اند اما کتاب «تاریخ هنر جَنسُــن» با در نظر گرفتن بافت فرهنگی آن دوران اســتنباط کرده اســت که:« ماجرای مهم ارتباط با خدایان بوده و مجسمه ها تحسین خود نسبت به خدایان را با چشمانی باز نشان داده اند».

حال پرســش اینجاست که چشــمان پرتره های «نجــم» بــه چه چیز خیره شــده اند و درگیــر ارتباط با چه کســی هستند؟ بدیهی اســت که هنر امروز که بستر به وجود آمدن آثار «نجم» اســت، دیگر همانند ســلف باستانی اش دغدغه‌های آیینی آشکار رانداردـ پس چشمان این پرتره ها دیگر خیره و مبهوت خدایی نیستند، بلکه آنها مخاطب را می نگرند؛ با نگاهی منجمد و تخت و لب هایی همواره ساکت که گویی آماده اند تا مخاطب لب بگشاید و راوی داستان خود باشد تا آنها بشنوند.

پرداختن به مســئلهٔ مخاطب، یکی از دغدغه های مهم هنر روزگار ماست. روزگاری که آدم ها را به سرعت از کنار هم عبور می دهد و فرصت گفت وگو را اندک و انگشت شمار می کند. هنر امروز در مواجه با دنیای از هم گسیخته و پیچ و تاب خوردهٔ مدرن به سمت سادگی در بیان رفته اســت. این هنر ساده و بی پیرایه، کم گوست و دغدغهٔ امر والا در آن کمتر به چشــم می خورد؛ پس این فرصت را به مخاطب می دهد تا سخن بگوید.

کتاب حاضر، فرصتی پیش روی مخاطب می نهد تا او لب به ســخن بگشــاید و راوی داســتان خود برای پرتره های کتاب باشد. چرا که این چهره های ساکت و صلب با چشمانی درشت و لب هایی خاموش، انتظار ما را می کشند تا بلکه سنگ صبور ما باشند.

***

خط خطی های زندگی



فوادعلیجانی

زمیــن بــه فراخــور حالش همواره در تغییر اســت؛ انســان نیز هم . انســان بر زمین قدم می گذارد و با او معاشــرت می کند. گاهی هم زمین بر گردهٔ انســان سوار است و او را اســباب تاخت و تاز می کند. تغییر نوعی از رویش اســت. البته نقاب حتمی خوش بینــی را اینجا از چهرهٔ رویش برمی داریم. این شکلِ تغییر، مدام در حال تبدیل است.

کنش های حاصل، رفت و آمد مفاهیم در دل هم را سبب می شوند. آنگاه انسان مجدداً به بنیادها رجوع می کند و این سیر دائماً جاری است. حال، گذرگاهی خلق می شــود که مجرای تحقق باطن تغییر است. گذرگاهی برای بودن، برای زیســتن و مهمتر از همه، اندیشــیدن و رفتن.

این تفســیری از انسان معاصر است.سیاه قلم های اکسپرســیونی هانی نجم، ســعی در بیانِ انسان مدام در تغییر را دارد.کنش های خطی نزدیک که زمان را روایت می کند.روایتی مستقیم از آنچه هنرمند می بیند و حس می کند.

سینما

درباره‌ٔ «مالیخولیا» در گفتگو با «شارلوته گینسبورگ»

آشنایی با موسیقیدان و بازیگر اروپایی



ترجمه و تدوین: هومن ظریف

این روزها «شارلوته گینسبورگ» (Charlotte Lucy Gainsbourg)، مشغول نقش آفرینی در فیلم دیگری درام ــ روانشناسانه از «لارس فون تریه» (Lars von Trier) است. این سومین همکاری شارلوته، بعد از فیلم های ضد مسیح و مالیخولیا با لارس فون تریه است.

شارلوته گینسبورگ، بازیگر انگلیسی فرانسوی است. پدر او سرژ گینسبورگ، خواننده و ترانه سرای فرانسوی است و مادرش جین بریکین، هنرپیشه انگلیسی است.

شارلوته، علاوه بر بازیگری، خواننده حرفه ای نیز هست. تاکنون ترانه های نجوای صحنه (Stage Whisper)، بهشت می تواند منتظر بماند (Heaven Can)، ترانه هایی که می خوانیم (The Songs That We Sing)، ترانه صبحگاهی و هرچه نمی توانم دید، از او با استقبال موسیقی دوستان قرار گرفته است. او هم ترانه های فرانسوی می خواند و هم ترانه های انگلیسی. او در فیلم های مشهور «من اینجا نیستم» (I'm Not There) که درباره باب دیلان بود، نیز بازی کرده است. شارلوته علاوه بر جایزه بهترین بازیگر زن جشنوارهٔ کن، جایزه سزار را نیز مشترکاً با لارس فون تریه، از آن خود کرده است. همچنین در سال آینده از او فیلمی با عنوان «همه چیز درست میشه» (Every Thing Will Be Fine) بـه کارگردانی ویم وندرس، اکران خواهد شد. بخشی از گفت وگوی او با سایت «Salon»، درباره فیلم مالیخولیا، نکاتی را بازگو کرده است:

«می دانید چیست؛ من دردسر زیادی برای بیان حسم نسبت به این فیلم برای مردم دارم. منظورم این است که در این فیلم من داشتم عروسی می کردم، درحالی که پایان دنیا را حس می کردم و نمی توانستم راهی برای بیان آن پیدا کنم. سخت است که بتوان این دو حس را با هم جمع کرد. و البته من هم نباید چنین کاری را می کردم. این را فهمیدم که همه فیلم های فون تریه کاملاً شخصی است. فیلمنامه را که خواندم، واقعاً نمی دانستم او به کجا می خواهد برود و چه چیزی پشت بازی های ما هست؟ یعنی شما همیشه می خواهید بدانید که پشت گفته های کارگردان، چه فریبی نهفته و چگونه داستان پیش می رود، ولی فون تریه، هرگز به هیچ کدام از پرسش های من جواب نمی داد.

خب، هرکسی می توانست ببیند و هرچیزی را برای خودش آنالیز کند، اما من در این میان هیچ تحلیلی بر داستان نداشتم. فقط می بایست بخشی که در آن بازی می کردم را درک می کردم و آن گونه که کافی و لازم بود، ظاهر می شدم.

تو نباید چیزی می فهمیدی. برای «ضد مسیح»، چنین چیزی اتفاق افتاد. من پرسش های بی پاسخ زیادی داشتم، اما بازهم می توانستم نقشی را که از من توقع می رفت، بازی کنم.



*** نقش شما در «مالیخولیا»، با آنچه در «ضد مسیح» داشتید، کاملاً متفاوت بود.**

– بله، کاملاً متفاوت است. من واقعاً یک گمانی داشتم و شاید این گونه بود که کارم ساده ترشد؛ یعنی درواقع، در این فیلم، من نقش لارس فون تریه را در فیلم بازی می کردم و «دافائو»، حکم پرستاری برای منی را داشت که در حقیقت، فون تریه بود! اما در این فیلم، انگار «کریستن» (Kristen Dunst) نقش لارس را بازی می کرد و من نقش پرستار را داشتم! شاید باور نکنید، اما در سکانسی که من می خواهم کریستن را به حمام ببرم، همسر فون تریه می گفت خودش و لارس را دیده!... تلقی من از این فیلم، واقعاً این گونه است. این فیلم کاملاً شخصی است. اگرچه به زنها برمی گردد، اما بیشتر متوجه خود لارس فون تریه است.

*** این چیزی که الان می گویم شاید کمی کلیشه به نظر برسد، اما شما و کریستن، در این فیلم، انگار در دو نقطه مقابلِ هم بازی می کنید. کریستن، موطلایی است و اصولاً ستاره هالیوودی است و او نقش یکی از دو نفر شما را بازی می کند که دپرس و افسرده است و شما سبزه هستید و مومشکی اروپایی و هنری که نقش مرسوم خود را بازی می کنید.**

– بله، این درست است. کاراکتر من، واقعی به نظر نمی آید. او از یک جهت خیلی انسانی است و مضطرب و البته قدرت مواجهه با بدبختی خود را ندارد. اما برای اولین بار است که می گویم من به این نقشم افتخار نمی کنم. ضعف او برای من خوشایند نیست. او نمی تواند یک چیزی را درست کند.

قیافه شکست خورده ای دارد. حتی به عنوان یک مادر، همسر، از هر منظری، او شکست خورده است. منظورم این است که غم، چیزی نبود که او باید انتخاب می کرد. برخلاف کاراکترهایی که قهرمانان فیلم هستند.

*** لارس فون تریه، چگونه با بازیگران تعامل می کند؟**

– اجازه می دهد که بازیگر خودش با صحنه کنار بیاید. برای من چنین چیزی خیلی سخت است. چون در فیلمنامه درباره اینکه در زمانی که بازیگران حرف می زنند، چه باید بکنند؛ چیزی نوشته نشده است. من آنچه را که کاراکترم باید انجام بدهد، خودم خلق می کنم.

نگاهی به سریال «پژمان» به کارگردانی سروش صحت

در آفساید



فاطمه فریدن

بقیه از صفحه اول

حضور بی وقفه شخصیت ها در کنار یکدیگر و در یک فضای بسته آپارتمانی و گفتن حرف هایی که فقط به بیهوده طولانی تر شدن سکانس ها کمک کرده است، همان اندازه بدون معنا از آب در آمده که شناختن پژمان جمشیدی در جامعه مطرح می شود. چطور امکان دارد که یک فوتبالیست با سادگی تمام فراموش شود و در یک مقطع زمانی، هیچکس او را نشناسد؟ همین نکته سیال بودن فضا را افزایش می دهد و در آخر هم تشخیص داده نمی شود که جریان خیالی است یا واقعی؛ در حالی که اساس روایت این سریال باید به سمت بیان واقعیت های زندگی یک فرد پیش می رفت.

قصه سریال «پژمان» جریان پیچیده ای ندارد و قرار است بخشی از زندگی پژمان جمشیدی، یکی از فوتبالیست های کشور را به تصویر بکشد. در این میان اما مشخص نشده که چه اندازه از این اتفاقات به واقعیت نزدیک است و تا چه اندازه از گفتن مسائل اساسی فاصله گرفته است؟ اگرچه پژمان جمشیدی به عنوان نخستین بازی خود مقابل دوربین، موفق تر از سایر بازیگران عمل کرده است، ولی پردازش شخصیت او به عنوان یک مهره اصلی و تأثیر گذار در کل داستان، به درستی انجام نشده و با بازی واقع گرای او در این نقش مطابقت ندارد.

این تصور به وجود می آید که ماهیت اصلی این سریال بر خنده استوار است، اما خنده را تنها وسیله‌ای گذرا برای رسیدن به لحظه های آتی در سریال قرار داده است. این وضعیت زمانی آشکار تر می شود که بعضی دیالوگ ها و یا به اصطلاح تکه پرانی ها که برخاسته از معضلات اجتماعی حال حاضر است، از زبان شخصیت ها بیان می شود. حضور صدای آن روانشناس نیز کمک ویژه ای به پیشبرد داستان نکرده است و گویا او نیز باید در یک بخش جداگانه داستانی مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به موضوع داستان سریال، یعنی فوتبال و هیاهوی فوتبالی، نگاهها به انتظار هیجان و جذابیت های خاص موجود در این حرفه نشسته است که اتفاقاً داستان این بخش را کنار گذاشته و تلاش می کند تا با گفتن یک جمله، قضیه را به سمت و سوی دیگری بکشاند.

این که نویسنده و یا کارگردان تا چه حد اجازهٔ پرداختن به چنین موضوعاتی را داشته اند؛ در طرف دیگر این ماجرا قرار می گیرد. چون روایت تا به همین جا نیز



لنگیده است. به نظر می رسد فوتبال و حاشیه های مربوط به آن، مملو از حرف و حدیث هایی است که هر کدام می تواند ایده اصلی یک سریال باشد ولی آن طور که به نظر می رسد، در این مجموعه که حتی عنوان بندی آن نیز با تصاویر فوتبالی همراه بوده، این قسمت ها به فراموشی سپرده شده است.

بر اساس تعاریف علمی ارائه شده می توان ادعا کرد که یکی از مهمترین ویژگی های طنز، پیام رسانی به مخاطب است و شاید از همین طریق باشد که تلخی های موجود در جامعه می توانند خودنمایی مضاعفی داشته باشند. مسئله اینجاست که چنین تعریفی بیشتر در حوزه ادبیات مفهوم پیدا می کند تا در حوزه تلویزیون و سینما.

بنابراین، آنچه که در رسانه های جمعی و یا سینما مشاهده می شود، بیشتر به کمدی شباهت دارد و در این زمینه باید آگاهی صحیح تری به مخاطب داده شود. سریال «پژمان» نیز بیشتر در حوزهٔ کمدی جای می گیرد و بداهه پردازی های بیش از حد در آن، نتوانسته جذابیت قصه را دوچندان کند.

بازشناسی افکار و اشعار «سیمرغ خراسان»

دفاعیّات ناصرخسرو



دکتر نورالدین قاضی

۲۰

این شده مرطبع تو را بنده شعر
طبع تو افزوده جمال و بهاش
شعر شدی گر بشنیدی ز شرم
شعر تو بر پشت کسایی کساش

شعر: مو، جامهٔ ابریشم.

(دیوان، ص۴۲۳، ابیات ۵۳ و ۵۴)

(برای مطالعهٔ بیشتر در این مورد، ر.ک: دیوان اشعار ناصر خسرو، صص: ۹۲، ۱۰۱، ۲۶۵، ۳۲۲، ۴۳۰، ۴۸۷، ۴۹۷).

تفاخر بر افلاطون و سقراط

چنانچه می خواهی جان و دل مرهون دین کنی، شعر «حجّت» را بخوان و به سوی دانش راه جوی. اگر از سخنان ناصرخسرو گشایش‌هایی در کار دین حاصل شود، آنگاه بر گشایش‌های افلاطون در امور دنیا ریشخند می‌زنی! اگر خاطرت از نور آفتاب وجود «حجّت» بهره گیرد، ماه تابان پیش خاطر روشنت چیزی به نظر نمی‌رسد... ای حجت جزیرهٔ خراسان، اگر به سقراط حکیم، درجه و مرتبه «مأذون» [از مراتب هفتگانه اسماعیلیه] را عطا فرمایی، بر همه حکیمان افتخار می کند.

شعر حجت را بخوان و سوی دانش راه‌جوی
گر همی خواهی که جان و دل به دین مرهون کنی
چون گشایش‌های دینی تو ز لطفش بشنوی
سخره زان پس بر گشایش‌های افلاطون کنی
ور ز نور آفتابش بهره گیرد خاطرت
پیش روشن خاطرت مر ماه را عُرجون کنی
از تو خواهند آب از آن پس کاروان تشنگان
خوار و تشنه گر ازینان روی زی جیحون کنی

(دیوان، ص۲۷، ابیات ۳۷ـ۴۱)

عُرجون: «چوب خوشه خرما»

غلو در تفاخر

هرکس با من در علم و حکمت برابری جوید، مثل این است که خورشید تابان را به گل بیندازید! چنین فردی اگر در حدّ و اندازه مقام من است، چگونه است که چون من بر صدر نمی‌نشیند و قدر نمی‌بیند و اگر در حدّ مقام بلند من نیست؟ برود برای لقمه‌ای نان مداحی کند و ژاژ بخاید.

کسی کو با من اندر علم و حکمت همبری جوید
همی خواهد که گِل بر آفتاب روشن انداید
چرا گر چون من است او همچو من بر صدر ننشیند
و گر نی چون بجوید نان و خیره ژاژ بدراید؟

(دیوان، ص ۴۰، ابیات ۲۱ و ۲۲)

افتخار به چیست؟

ای که فریفته و مغرور مال و ثروت و جوانی و زیبایی ظاهری و زر و سیم شده‌ای؛ به اینها هیچ افتخاری نیست، بلکه افتخار اصلی به علم و اندیشه است. اگر دیگران به خاندان و تبار خویش فخر می‌ورزند، منِ ناصرخسرو، اصل و اساس افتخار آل و تبار خویشم. سوار حقیقی آن است که بر مرکب رهوار سخن سوار باشد. شعر من درختی شهره است که میوه‌اش نکته‌ها و معانی بلند است ... مادام که مدح خاندان رسول، خمیرمایه سخن من است، شاعرانی چون نابغه ذبیانی (از سرایندگان معلقات سبع)، مطیع و فرمانبردار طبع بلند من است.

ادامه دارد

۳

کارگاه شعر کوتاه



عبدالصابر کاکایی

شعر در شبکه های مجازی

سالهای اخیر، دوران سلطهٔ شبکه‌های مجازی است. چه انواع ایرانی‌اش و چه شبکه‌های گستردهٔ بین‌المللی. شبکه‌هایی نظیر: فیس‌بوک، تویتر و ... بسیاری از ایرانی‌های مقیم وطن یا سفر کرده به دیار غربت، با عضویت در این شبکه‌های مجازی انگار پشت یک میز، رو در روی هم نشسته‌اند و به گپ و گفت مشغول اند. به اندازه‌ای این شبکه‌ها فراگیر شده که در فیس‌بوک می توان سراغ صفحهٔ وزیر خارجهٔ خوش خنده و خبرساز خودمان را گرفت و در تویتر نیز می شود رئیس جمهور منتخب را پیدا کرد، حالا تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

شاید چندان بیراه نباشد اگر بگوییم که در این شبکه‌های مجازی می توان لایهٔ عریان‌تر جوامع را دید و زوایای مختلف آن را رصد کرد. هرچند قصد این یادداشت مختصر، بررسی مفصل این شبکه‌ها نیست اما چیزی که برای نگارنده جلب توجه می کند این است که شبکهٔ مجازی فیس‌بوک، یکی از جاهایی است که به سادگی یک کلیک می توان به بسیاری از شاعران و تازه‌ترین سروده‌هایشان، دغدغه‌هایشان و ... دست یافت. هر جا هم که شاعران باشند، بی‌شک می توان به نقد و بررسی شعر و کشف ابعاد سر و بدنهٔ شعر امروز نیز پرداخت. و شاید بتوان گفت که پیوندهای گستردهٔ شاعران فارسی زبان در شبکهٔ مجازی به ویترین بخشی از شعر امروز بدل شده است.

اما موضوعی که منجر به نوشتن این یادداشت شده است و برخی از صاحب‌نظران و محققان ادبی نیز در این مسأله اشتراک نظر دارند؛ تمایل شاعران به کوتاه‌نویسی در این شبکهٔ مجازی است. حال شاعران یا اشعار کوتاه خود را در معرض نگاه دیگران قرار می‌دهند و یا حتی اگر کوتاه‌سرا نباشند، بخش‌ها و فرازهایی از اشعار بلند خود را برای اکران بر دیوار این شبکهٔ مجازی انتخاب می کنند. حتی برخی از شاعران کلاسیک‌سرا به درج تک‌بیت‌هایشان در صفحات خود قناعت می کنند.

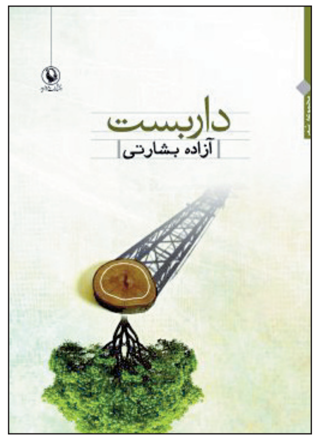
این تمایل به عرضهٔ کوتاه‌سروده‌ها یا برش‌های کوتاه از اشعار بلند، شاید ریشه در تقاضای کاربران این شبکهٔ مجازی داشته باشد. کاربرانی که همانگونه که در جهان واقعی دچار شتاب روزافزون زندگی معاصر هستند، این شتاب را به جهان مجازی نیز با خود همراه کرده‌اند و برای ماندن و خواندن در ایستگاه یک نوشته، چندان وقت زیادی صرف نمی‌کنند و شتابان به سراغ متن و صفحه‌ای دیگر می‌روند.

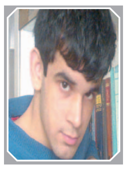
در جایی، فیس‌بوک را همچون خیابانی طولانی مانند دانستم که هر عابری، خواه سواره و خواه پیاده، به ویترین‌ها و تابلوهای مغازه‌ها نظری می‌اندازد. تنها در حد همان نظر گذرا و گاه سطحی.

به نظر می‌رسد که این شتاب مخاطبان و کم‌حوصلگی آنها به اکران کوتاه‌سروده‌های شاعران در این شبکهٔ مجازی منجر شده است و به نوعی بخش قابل توجهی از شاعران امروز نیز برای عرضهٔ کالاهایشان در این بازار مکاره به کوتاه‌نویسی روی آورده‌اند، که این مسأله به نوبهٔ خود هم دارای مزیت‌هایی است و هم منجر به آسیب‌هایی می‌شود که در شماره‌های آتی به این مسائل خواهیم پرداخت.

نگاهی به مجموعه‌شعر «داربست»، سرودهٔ آزاده بشارتی

آنها که پشت لب‌های بسته به ما می خندیدند





ماهان سیارمنش

شعر امروز، شاعران بزرگی را پیش از خود دارد که هر کدام گوشه‌ای از شعر ایران را نمایانده‌اند. از فروغ فرخزاد و نصرت رحمانی و منوچهر شیبانی تا نیما و شاملو و اخوان. شعر امروز بنا بر ظرفیت‌هایی که بدان دست یافته است، نوآوری‌هایی را چه از نظر محتوا و صورت بندی و چه از نظر کلامی ابراز داشته است.

آزاده بشارتی با کتاب «داربست» به نوبهٔ خود، هم برخی مفاهیم را عمومیت بخشیده و هم کمال‌گرایی محض را با صورت شعری در هم آمیخته و پس از آن، تجربه را در سطح شعری به نوسان در آورده است. این نوجویی را چه در اشعاری که به یک تفکر ختم می‌شوند و چه در اشعاری که ضرب‌المثلی را به حیطهٔ زبان شعری وارد می کنند، شاهدیم. می‌بینیم که اندوه شاعر، مجال نهان شدن در کلام نامکتوب را نداشته و گاه به شیوه‌ای صریح، معنای شعری را فدای بیان تفکر کرده است. با این حال جست وجوی انگیزه‌ای که در اشعار موج می‌زند، خوانندهٔ فعال را تا پایان شعر همراه خود نگاه می‌دارد تا خواننده اسیر مسائل انتزاعی که به وجوه فرعی مضمون مربوط اند، نشود.

«همیشه فکر کردم/برگی که رفت/با بادی که نیامده است برمی گردد/ فکر کردم نگاهم/مسیر پرستویی را عوض خواهد کرد!/ما مزد زخم‌هایمان را/با زخمی دیگر گرفتیم/تا از خود انسان تازه‌ای بسازیم/انسانی که کاشت، داشت و برنداشت./بار دیگر در مزارع سوخته بذر نو می پاشد/ به همسایگان‌مان بگو مادر/داس‌هایشان را در رود بیندازند/به باغ‌هایشان پشت کنند/و به خانه‌هایشان برگردند/سلاح سرد چشم‌های تو بود/که هر روز خاموش و خاموش و خاموش‌تر می‌شد/با این بهانه می‌توانم/جنگ جهانی دیگری به راه بیندازم».

تکرار اسامی یی که گاه شعر را از وزن درونی‌اش خارج می کند، در چندین شعر به چشم می‌خورد؛ مانند: دانه دانه–درخت درخت درخت–مادر مادر مادر–آنها آنها–خاموش و خاموش و خاموش‌تر–من من من.

کلام را درجست وجوی هدفی دنبال کردن و حتی هدف را بر زمینهٔ اندیشه درگیر ساختن، سازوکار شعر را از بیان احساس به اعلام خبر بدل می‌کند و شعر تبدیل به بازاندیشی مضمون می‌شود. این عمل، هم شعر را از ورود به عالم تصورات خارج می‌سازد و هم امکان تلاقی عین و ذهن را از زبان سلب می‌کند. شعر می‌بایست هم به کارکردهای زبانی وفادار بماند و هم وجه زیبایی‌شناختی‌اش را عاملی زمینه‌ساز برای گسترش محتوا بداند. عوامل محدود کننده‌ای که تناسب عناصر را بر هم بزنند، شاعر را به نظریه‌سازی بدل می‌کند که علاوه بر ازدیاد بندهای شعری، راه را برای هرچه بیشتر پیشروی کردن مفاهیمش باز می‌کند.

شعری دیگر از این کتاب را با هم می‌خوانیم:

«نشسته‌ام/و به موهای تو فکر می‌کنم/که چگونه زمستان/خود را روی آن کشیده است/مادر/مادر/مادر/تمام آن شب که من بودم/تو بودی/گرسنگی/و سکوت/آنها، آنها که پشت لب‌های بسته به ما می‌خندیدند/درخت درخت میوه می‌فروختند/ من درد را می‌شناسم/و رد دندان‌های گرگ را/گوسفندی که کنار گرگ‌ها می‌نشیند/ گوسفندی که کنار گرگ‌ها می‌خوابد/و صبح به گله بازمی گردد/ دیگر گوسفند نیست...»

با این حال در برخی اشعار، وجهی را که در دیگر اشعار نادیده گرفته شده است، جاری در شعر می‌بینیم:

«این‌بار شاید بلند شوم/نه مانند گنجشک لرزان/نه برگ افتاده.../بعید نیست بلند شوم/تبر بر کمربت‌ها بکوبم/برگردم/و به پل‌های شکسته از دور/ بخندم!/به من بگویید مرغابی‌ها/چگونه فراموش کردید/مرغابی مرده‌ای را/ که در کنار شما روزی/ آبتنی کرده بود،/ایستاده بود/ زمین خورده بود...»

تمیز عناصر عینیت یافته از یکدیگر و جانشینی اشیائی که واجد تفکر منطقی باشند، یکی دیگر از کارکردهای زبانی این اشعار است. پدیدارهای عام مانند: بادکنک، زنبیل، ساز دهنی، شناسنامه، تله‌موش، تور، آینه، چمدان و ... چون در قالب شعری که در آن قرار گرفته‌اند، کاملاً وجه دائمی‌شان را نشان می دهند، نتوانسته‌اند انگیزهٔ بی‌طرفانهٔ شاعر را توجیه کنند.

ولی غیر از این، ساختار پر شتاب و گاه معنی‌گریزی که افادهٔ معنا در آن گاهی پنهان است، اشعار را قابلیتی فرامعنایی می‌بخشد که محتوا در آن، جوانب تحلیل را خاموش نگاه نمی‌دارد. اگرچه هیچ تأویلی مجموع قابلیت‌ها را فرا نمی‌خواند.

بنابراین ما از هر حیث، تداوم مضمون را در حال عقب‌نشینی می‌بینیم که چیزی جز ته‌نشین شدن افکار شاعر در شعر نیست. این اصول گاه صیقل نیافته، اگر شعر را تاریک نسازد، خواننده را به اشتباه می‌اندازد. خواننده می‌اندیشد که آیا او از درک شعر ناتوان بوده که شاعر قلت کلام را تاب نیاورده و هر جمله‌ای را که دم دستش یافته، به کار برده است؟

«مانند چمدانی که در سفر جا مانده باشد/در آغوشت جا ماندم/مانند چمدانی که از سفر جا مانده باشد/در آغوش دیگری، جا گرفتی/لب هایت را نبند/ ... پشت در است/همچونان آهو/که به صحرا بازگردد.»

کتاب «داربست» با پستی و بلندی‌هایش، شاعری را نشان می‌دهد که در کنار نوجویی، قائل به تفاوت نهادن میان حال و آینده است. می‌داند که شکل را جدا از محتوا نمی‌تواند در نظر بگیرد و به نوعی قائل به پیش فرض نهادن معنا قبل از در نظر گرفتنش است. از نظر نگارنده، هنگامی تداعی‌ها از پس معنا سربر می‌زنند که شاعر مفاهیم درونی شده‌اش را به کردار پیشین منتقل نکند.

پلنگ

صدیقه مرادزاده

آنقدر وحشی هستم
که با آمدن به پشت ویترین
جنگل را ازیاد نبرم
این را
پالتوی پوست پلنگی گفته بود
که هرکس
قصد خریدش را داشت
چندروز بعد
جنازه اش در جنگل پیدا می شد
فروشنده
ترسیده بود
و هرشب خواب می دید
تخت خواب چوبی اش
درختی ست که روی آن
به خواب رفته
و پایین آن
پلنگی
کمین کرده است

دست‌ها

راضیه بهرامی

به دقیقه های مجروح گل دادند

دست ساعت های فلج را فشردند

و از جنازهٔ سال های بی سر، سان دیدند

من ایستاده ام از زندگی

با دو پایِ دل دل کنِ رفتن لای لولای

در ماندگی

مثل چند ثانیه انگشت های پرنده

لای چرخ دندهٔ بی خواب شماطه دار

همیشه دست های تو در کار است

و دست های دیگری از این دست

اگر گذاشته بودند

امید چاووشی

اگر گذاشته بودند پروازکنم
می توانستی درچشم هایم بایستی ودست تکان دهی
ومن
آویزان از ابرها ببینم
دنیا آنقدربزرگ نیست
که نگران گم شدنت باشم.
می شودهرجایی دستت رارهاکرد
ومطمئن ازگردبودن زمین منتظرت ماند.
می توانستم
پاهایم را ازماه آویزان کنم و
سر به سر برکه ها بگذارم
یا
خورشید را طوری سنجاق کنم
که بهارتکان نخورد.
اگرگذاشته بودند پرواز کنم
اگرگذاشته بودند.

به مناسبت طرح موضوع ممیزی کتاب و حواشی آن

طنزستان

اعلام نظر



محمود سلطانی

پنج شش سالی بود که آقای «م ـ س» یک نسخه از کتاب خود با عنوان «حسن آباد، چی بود؟ چی شد؟» را برای گرفتن اجازهٔ چاپ دوم به مقامات مسئول تحویل داده بود؛ اما جوابی دریافت نکرده بود.

این کتاب، داستان جاری شدن سیل در روستایی به نام حسن آباد و شرح پایمردی مردم در رویارویی با جریان سیل و همچنین تلاش و مشارکت خودجوش آنان در بازسازی روستا در سالهای پیش بود که تاکنون در چندین جشنواره نیز مطرح و نویسندهٔ آن مورد تقدیر قرار گرفته بود.

آقای «م ـ س» از جمله دبیران بازنشسته‌ای بود که دستی هم بر قلم داشت و پنج شش سال پیش به‌دعوت یکی از ناشران، توصیهٔ اهل فن و همچنین درخواست تعدادی از علاقه مندان، تصمیم به تجدید چاپ کتاب خود گرفته بود. ضمن این که طی این مدت، دو سه کتاب دیگر هم نوشته و منتظر بود تا پس از چاپ دوم کتاب حسن آباد، آنها را هم یکی پس از دیگری به‌چاپ برساند.

سرانجام انتظار به‌پایان رسید و یک روز پیش از ظهر که آقای «م ـ س» برای انجام کاری داشت از خانه بیرون می آمد، مأمور پست آمد و پاکت بزرگ و قلمبیده‌ای را به دستش داد. با دیدن نشانی فرستنده که نوشته شده بود:« دفتر ممیزی کتاب»، نوری از امید در دل آقای م ـ س درخشید. از انجام کاری که داشت صرف‌نظر کرد. به خانه برگشت. عینک خود را برداشت. کنار اتاق نشست. پاکت را بازکرد. نامهٔ بلندبالایی را بیرون آورد و شروع کرد به خواندن:

جناب آقای م. س

مؤلف و متقاضی محترم چاپ یک جلد کتاب داستان با عنوان : «حسن آباد، چی بود ؟ چی شد ؟»

سلام علیکم ـ عطف به درخواست پنج سال پیش جنابعالی برای چاپ دوم یک جلد کتاب داستان در ۲۲۰ صفحه و با عنوان«حسن آباد، چی بود؟ چی شد؟»؛ اعلام می‌دارد که یک صفحه از متن داستان دریافتی توسط اعضای محترم هیأت ممیزی کتاب این وزارت مورد بررسی قرار گرفت که بدینوسیله اعلام نظر هیأت مزبور به‌شرح زیر اعلام می گردد:

۱ـ در این داستان باید مشخص شود که آیا پیش از وقوع سیل، گناه یا خطایی از مردم روستا سر زده یا این‌که آنان واقعاً گرفتار بلای طبیعی شده‌اند ؟

۲ـ با توجه به خدمات گستردهٔ دولت محترم طی سالهای اخیر در روستاهای کشور، در این داستان لازم است تا نام روستا از « حسن آباد » به « دولت‌آباد » تغییر یابد.

۳ـ عبارت «مردم روستا برای جبران خرابی‌های ناشی از سیل دست در دست یکدیگر نهادند» به این صورت اصلاح گردد که:«مردان دست در دست مردان و زنان نیز دست در دست زنان» اقدام به این کار کردند. ضمناً توصیه می‌شود که دربارهٔ مردم این روستا توضیح داده شود که همه، مؤمن و ملتزم به رعایت مسائل لازم بوده و خودشان حواسشان کلاً جمع کار بوده و هست.

۴ـ در عبارت «جعفرآقا به مردی که در راه رسیدن به روستا دچار مشکل شده بود کمک کرد»، باید مشخص شود که شخص در راه‌مانده، خودی بوده است. در غیر این صورت موضوع کمک به این شخص حذف گردد.

۵ـ در همین صفحه و در توضیح عبارت « حاج صادق در برابر دیدگان مردم سیل‌زده به میان سیلاب رفت تا وسایلی را که آب با خود می‌برد از آب بگیرد»، کاملاً توضیح داده شود که پیش از انجام این کار، از خواهران محترمه خواسته شده بود تا محل را ترک کنند. ضمن این‌که حاج صادق با لباس کامل و گشاد به آب زده است.

۶ـ در عبارت « مردم در میدان روستا جمع شدند»، به جای میدان روستا، نوشته شود مسجد روستا.

۷ـ در کل داستان، هر جا صحبت از «مردم» می شود، با صفت «شریف و همیشه در صحنه» از آنان نام برده شود.

۸ـ عبارت « حاج صادق نگاهی به جمعیت انداخت» به صورت: «حاج صادق نگاهی به مردان حاضر در جمع انداخت» اصلاح گردد.

۹ـ عبارت«حاج باقر رو به مردم کرد و گفت» به این صورت اصلاح و تکمیل گردد که:«حاج باقر سخنان خود را با نام خدا و آرزوی طول عمر برای بخشدار و نابودی دشمنانش آغاز کرد و گفت».

۱۰ـ در توضیح این عبارت که:«حاج باقر به مردم قول داد خرابی‌ها به‌زودی جبران می شود»، باید مشخص شود که او از طرف چه شخص یا سازمانی قول داده است؟ اگر از طرف خود قول داده، این سؤال مطرح می‌شود که او توانایی جبران خسارات وارده به روستا را از کجا آورده است؟ نکند جزو کسانی است که نامش در لیست مفسدان اقتصادی قرار دارد ؟ اگر هم از طرف سازمان‌ها یا مقامات محترم قول داده که باید گفت او چنین حقی را نداشته است.

۱۱ـ عبارت«من خودم کمک می کنم تا روستا را بازسازی کنیم»که از قول حاج باقر گفته شده،از مصادیق بارز بی‌اعتنایی به دولت و کمک های آن به بازسازی و بهبود روستاهاست. ضمن این که همانطور که قبلاً نیز عنوان گردید، باید مشخص شود که این حاج باقر اگر تمکن مالی دارد، این مال را از کجا آورده است؟

۱۲ـ در عبارت«این درختان پیش از این که سیل بیاید همه، سبز و شاداب بودند» به جای واژهٔ سبز، رنگ دیگری منظور گردد.

۱۳ـ به جای عبارت«لامپ‌های سمت راست کوچه سوخته بود» نوشته شود:«لامپ‌های سمت چپ کوچه سوخته و به کلی از بین رفته بود».



۱۴ـ عبارت«صدای اذان از رادیو شنیده می شد»به این ترتیب اصلاح شود که:« نوای ملکوتی و روح‌بخش اذان از رسانهٔ ملی پخش می شد».

۱۵ـ عبارت«یک وانت پیکان از راه رسید»به این صورت اصلاح شود که:«یک وانت که مشخص نبود متعلق به کدام یک از دو شرکت انحصاری تولید خودرو در کشور بود، از راه رسید».

۱۶ـ در ادامهٔ عبارت«مردم در میدان روستا جمع شدند » اضافه شود که برادران خودجوش روستا هم بدون این که چیزی بخورند، از اول تا آخر کار، برقراری نظم عمومی را برعهده داشتند.

۱۷ـ عبارت«حاج صادق عادت داشت هر روز بعد از خوردن صبحانه به مزرعه برود» بدین ترتیب اصلاح شود که:«حاج صادق عادت داشت در ماه رمضان پس از خوردن سحری و خواندن نماز صبح، و در بقیهٔ ماهها پس از خوردن صبحانه به مزرعه برود».

۱۸ـ به دنبال عبارت« اکبرآقا، سوار بر موتور عازم حسن آباد شد » اضافه شود که وی علاوه بر داشتن کلاه ایمنی، در طول راه هم، قوانین و مقررات راهنمایی رانندگی ناجا را کاملاً رعایت کرد.

۱۹ـ در عبارت«جمیله خانم کیسه را از دست خدیجه خانم گرفت»، به جای دو اسم مزبور، خواهر جمیله و خواهر خدیجه نوشته شود و یا اینکه کلاً زنان روستا با عنوان همسر شوهران یا مادر پسران بزرگتر خود معرفی شوند(مانند عیال قربانعلی یا مادر جعفرقلی).

۲۰ـ به جای عبارت:«جمیله خانم هسته‌های زردآلو را پس داد »،نوشته شود:«خواهر جمیله، هسته‌های زردآلو را با اشتیاق فراوان گرفت و گفت اینها حق مسلم ماست».

۲۱ـ عبارت « مردم روستا، مردم فقیری بودند » به این صورت اصلاح شود که « مردم روستا پیش از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مردم فقیری بودند اما بعد از اجرای این قانون دیگر هیچ فقیری در روستا نبود».

۲۲ـ عبارت«کربلایی کاظم گفت قیمت‌ها روز به روز بالا می‌رود. بهتر است ما هم هر چه نیاز داریم همین امروز بخریم بهتر از فرداست»؛ در متن این داستان شائبهٔ وجود گرانی در کشور را به وجود می‌آورد. این جمله به این صورت اصلاح شود که:«حاج کاظم گفت بهتر است هر چه را می خواهیم، دیرتر بخریم».

۲۳ـ در پاراگراف بعدی به جای خسرو، یک اسم مناسب‌تر انتخاب شود. برای انجام این کار می توانید از ادارهٔ ثبت احوال محل کمک بگیرید.

۲۴ـ کلاً جای یک شخص ریش سفید در داستان خالی است. یک شخصیت معنوی برای داستان در نظر گرفته شود که از اول تا آخر داستان، مردم را هدایت نموده و کلیهٔ کارها زیر نظر ایشان انجام شود.

با توجه به موارد فوق، چنانچه مؤلف محترم واقعاً در صدد تجدید چاپ و انتشار کتاب خود هستند؛ لازم است بقیهٔ داستان را حداکثر طی دو روز آینده، مطابق با نکاتی که از سوی هیأت محترم ممیزی و به شرح فوق اعلام گردیده، اصلاح و تکمیل نموده و متن نهایی را همراه با مدارک زیر برای تجدید ممیزی و اعلام نظر مجدد به این دفتر تحویل نمایند. بدیهی است تأخیر در تحویل مدارک خواسته شده، به منزلهٔ انصراف شما از دریافت اجازهٔ تجدید چاپ تلقی شده و مسؤلیتی متوجه این دفتر نخواهد بود.

مدارک مورد نیاز عبارت است از :

تصویر پشت و روی کارت ملی

تصویر تمام صفحات شناسنامهٔ متقاضی و اعضای خانواده

تصویر مدرک تحصیلی همراه با تأییدیهٔ آن

چهار قطعه عکس تمام رنگی و تمام رخ که در ماه جاری گرفته شده باشد.

فهرست کارها و اقدامات فرهنگی مؤلف

معرفی چهار نفر از چهره‌های شاخص فرهنگی کشور به عنوان معرف

کروکی محل سکونت

لوح فشرده حاوی تصاویر مدارک فوق

مدیر کل دفتر ممیزی کتاب

گیرندگان رونوشت :

۱ـ دبیرخانه محترم هیأت دولت، با تشکر فراوان از خدمات گستردهٔ دولت محترم در روستاها

۲ـ مقام عالی وزارت

۳ـ معاونت محترم فرهنگی

۴ـ مدیر کل محترم حوزهٔ وزارت

۵ـ مدیر کل محترم حراست

۶ـ مدیرکل محترم امور مالی برای دستور پرداخت بموقع حق‌الزحمهٔ اعضای محترم هیأت ممیزی

۷ـ مدیرکل محترم خدمات برای قرار دادن وسیله نقلیه در اختیار اعضای محترم هیأت ممیزی

۸ـ وزارت محترم کشور به لحاظ تغییر نام روستا

۹ـ سازمان ثبت احوال کشور با توجه به ضرورت تغییر نام و عنوان بعضی شخصیت‌های داستان

۱۰ـ وزارت نیرو به لحاظ وقوع سیل در روستا

۱۱ـ جمعیت هلال احمر به لحاظ وقوع سیل در روستا

۱۲ـ سازمان حج و زیارت به لحاظ حاجی بودن دو نفر از شخصیت‌های داستان

۱۳ـ وزارت کشاورزی جهت اطلاع از چگونگی مصرف هسته‌های زردآلو

۱۴ـ راهنمایی و رانندگی ناجا باتوجه به وجود یک دستگاه وانت و همچنین یک دستگاه موتورسیکلت در داستان

۱۵ـ ستاد هدفمندسازی یارانه‌ها

۱۶ـ بنیاد مسکن

۱۷ـ ستاد مدیریت مساجد

۱۸ـ سازمان صدا و سیما به لحاظ پخش اذان در داستان

۱۹ـ مدیران عامل شرکت های سازندهٔ خودرو با توجه به وجود یک دستگاه وانت در داستان

۲۰ـ وزارت محترم دفاع به لحاظ احتمال ارتباط موضوع

۲۱ـ شرکت راه آهن به لحاظ احتمال نزدیک بودن روستا به خط آهن

۲۲ـ سایر سازمان ها و دستگاه های اجرایی

۲۳ـ بایگانی هیأت ممیزی کتب و نشریات

ساعت، کمی از یازده شب گذشته بود که زنگ در خانه به‌صدا در آمد. آقای م ـ س، که از ظهر تا حالا سَردردِ شدیدی رهایش نمی کرد، به‌ناچار از جای خود بلند شد و آمد دَم در. رفتگر محله بود.

سَلام کرد و با اشاره به یک کیسهٔ پر از کاغذ که پشت در خانه گذاشته شده بود به ایشان تذکر داد که اینها زباله نیست و باید پس فردا به ماشین مخصوص جمع‌آوری مواد بازیافتی تحویل داده شود.

آقای م ـ س از تذکر بجای رفتگر تشکر کرد و با عذرخواهی از او، کیسهٔ کاغذ را برداشت که با خود به خانه ببرد که رفتگر ناگهان و با مهربانی هر چه تمام، کیسه را از دست او گرفت و پرت کرد روی انبوه زباله‌ها و گفت:«این بار اشکالی ندارد.

برای بار دیگر کاغذها را تحویل ماشین بازیافت بدهید.»...

از فرمایشات ما

نرم نرمک می شود یارانه قطع؟



رضا رفیع

نترسید، هوایی است!... اجازه بدهید سریع السیر این توضیح لازم را بدهم که منظور از قطع یارانه ها،به طور قطع، بشارتی بر قطع کلی تمامی یارانه های جمیع اقشار ملت نیست. کسی سکته فوری ـ فوتی نکند. منظور، قطع همان دهک های پردرآمد جامعه است که از همان دولت جرقه اش خورد،منتهی نتوانستند پیاده اش کنند. شاید ترسیدند که خودشان پیاده شوند؛یعنی که در انتخابات بعدی،رأی شهرستان ها و روستاهای هوشمند را نتوانند جمع کنند؛ که در عین حال اشتباه می کردند. هم این طرح لازم الاجرا را پیاده نکردند، و هم خودشان از مرکب دولت پیاده شدند و آن را تحویل دولت یازدهم دادند.

–از قدیم گفتند که بر مرکب دولت به حالت یکور بنشین که راحت بتوانی بپری پایین!(این را یکی از دوستان تیزبین ما که نگاهی فراتر از این دولت و آن دولت دارد و معتقد است که سعدی درست گفته که گفته:«هر کسی پنج روزه نوبت اوست»؛بر زبان مبارک آورد که تا آمدیم بپرسیم حالا چه ربطی به عرایض ما داشت، چند کوچه آن طرف تر رفته بود. همیشه اخلاقش همین بوده. یک حرفی را می زند و می رود. کاری به عکس العمل بقیه ندارد. کلا راحت است.)

اصل خبر وارده:«رئیس کل بانک مرکزی از توافق دولت و مجلس برای حذف یارانهٔ بعضی از دهک های ثروتمند و مرفه جامعه تا پایان سال خبرداد و گفت:شفاف سازی از مسائل و مشکلات کشور،بزرگترین مزیت و امتیاز دولت تدبیر و امید است.»– به نقل از جمیع جراید

نکات جالب: سوای بسیاری از بزرگان دیگر ممکن است در جاهای دیگر گفته باشند؛حقیر نیز ـ که البته ادعایی هم ندارد ـ کرارا در همین ستون «بزن در رو» مکتوب،یا «پاتوکفش اخبار» مصور، بر این دو نکتهٔ اساسی انگشت تأکید گذاشتیم و تکرارکردیم که حتماً دولت تدبیر و امید، لازم است ـ و بلکه مجبور است – که این دو نکته را حتماً و حکماً در سیاست هایش مد نظر قرار دهد:



نکتهٔ اول: حتماً با ملتش شفاف باشد و به خصوص در حوزهٔ اقتصادی،خیلی صاف و شفاف از داشته ها و نداشته هایش با ملت سخن بگوید تا در جریان باشند که ته خزانه را چقدر جارو کردند؟(که اکنون همین عرایض سابق ما را در سخنان اکنون رئیس بانک مرکزی ملاحظه می کنید.)

نکتهٔ دوم: بارها گفته ایم که بی مقدمه،اقدام به قطع یارانهٔ مردم نکنند. بی مقدمه واکنش نشان می دهند. اول نرم نرمک با کارهای فرهنگی و خبری و رسانه ای زمینه های قبول اتفاق را به وجود آورند؛ بعدش اقدام کنند.(و شما این رهنمود چندوقت پیش ما را نیز در سخنان اخیر رئیس بانک مرکزی مشاهده می کنید که آقای سیف گفتند:«زمینهٔ اجتماعی حذف یارانهٔ ثروتمندان فراهم آمده است.»....)

مراتب قدردانی: نه،خداوکیلی حال کردید. هرچه ما به طنز می گوییم،مسؤولان عزیز،چندی بعد،آن را به صورت جدی مطرح می کنند و ما همینجا بر خود لازم می دانیم که از تواضع و توجه قابل تقدیر مسؤولان این دولت،کمال امتنان و تشکر را داشته باشیم. ولو تشکر خشک و خالی باشد. خب باشد؛ بالاخره کاچی که به از هیچی است. نیست؟...

محض نمونه: از آنجا که خیلی خیال نکنید الکی می گوییم و خالی می بندیم؛ این یک مورد را عرض می کنیم که چندی پیش در راستای آماده سازی سه دهک جامعه برای قطع یارانه شان،از مسؤولان فرهنگی ـ هنری و رسانه ای درخواست کردیم که کار فرهنگی بکنند. مثلاً چه اشکال دارد ترانه هایی در طول روز(و بلکه به صورت شبانه روزی) از رادیو ـ تلویزیون پخش و پلا شود که با اثرگذاری های عاطفی و احساسی،باعث شود که دهک های ثروتمند جامعه،خودشان به زبان خوش از خیر گرفتن یارانه شان که ممکن است پول توجیبی بچه شان هم نشود،بگذرند. فی المثل ترانه هایی با این مضامین:«از برت دامن کشان،رفتم ای یارانه جان....رفتم که رفتم....جانم، رفتم که رفتم.....»؛ یا مثلاً:«شد خزانه خالی از ریالی /بُرد هرچه بود آن که بود خیالی /آفت خرمن ارز و دلار بود/نوبر گلشن شعر و شعار بود /از دل تنگم آه....چه بگویم چون کرده/دل ما را خون کرده....» که اشاره به تحریم ها و سیاست های اقتصادی جهانی دارد، ولاغیر!

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۷ آبان ۱۳۵۲، (برابر با ۲ شوال ۱۳۹۷، ۲۹ اکتبر ۱۹۷۲) نقل شده است

سرما از شوروی وارد ایران شد

هوای شهرستانهای ایران بتدریج رو به سردی می گذارد، در غرب و در بعضی از نقاط شمال ایران زمستان فرا رسیده است و مردم از لباسهای گرم زمستانی استفاده می نمایند و بخاریها را کار گذاشته و کرسی ها را برپا کرده اند.

بر اساس گزارش خبرنگاران اطلاعات از شهرستانهای شمال غرب و شمال کشور، زمستان و سرمای زودرس این مناطق را فرا گرفته است.

هواشناسی اعلام کرد ریزش یک سیستم هوای سرد از شوروی موجب کاهش درجه حرارت شمال کشور و مرکز ایران و شهرستان‌های آذربایجان گردید.

نفوذ این موج در آسمان ایران میزان سرما را در پاره‌ای از نقاط ایران بزیر صفر تقلیل داد و در استان مرکزی و خراسان هوا کاملا زمستانی و سرد شده است.

نیوزویک: تلفات جنگ اسرائیل را بحال مرگ انداخته بود

نیویورک ـ آسوشیتدپرس ـ مجله نیوزویک در یک گزارش ۹ صفحه‌ای تحت عنوان «جنگی که هیچکس در آن پیروز نشد» پیشگویی کرده است که جنگ اخیر خاورمیانه ممکن است آخرین جنگ این منطقه باشد چون ممکن است دیگر هیچیک از طرفین یعنی اعراب و اسرائیل توانایی درگیر شدن در جنگ دیگری را بدست نیاورند.

نیوزویک پیشگویی کرده است که رهبران سیاسی هر دو طرف جنگ یعنی اسرائیل و کشورهای مصر و سوریه ممکن است بعد از این جنگ سرنگون شوند. نیوزویک ضمناً نوشته است که دولت آمریکا مخصوصاً از دو متحد خود یونان و ترکیه که حاضر نشدند به آمریکا کمک کنند تا از راه هوا به اسرائیل اسلحه و مهمات برساند عصبانی و ناراضی است.

نیوزویک خاطرنشان کرده است که مهمترین عواملی که منجر به آتش بس شد قبل از هر چیز تلفات وحشتناک اسرائیل بود که این کشور را تقریباً بحال فلج و مرگ درآورد.

بودجه ضد تورمی ولی پرخرج

آخرین بررسی های سازمان برنامه در تدوین بودجه سال آینده در هفته جاری پایان خواهد یافت و حداکثر تا هفته آینده بودجه برای طرح در مجلس شورای ملی آماده خواهد شد.

بهمین جهت نخست وزیر قسمتی از وقت خود را در روزهای آینده اختصاص بهمین کار خواهد داد، و تعطیلات و مرخصی کارشناسان بودجه هم تا تنظیم نهایی بودجه لغو شده است. پیش بینی می شود که بودجه سال آینده بالای ۹۰۰ و نزدیک به ۹۵۰ میلیارد ریال باشد اما کارشناسان اقتصادی معتقدند. به احتمالی تا پایان سال جاری و به احتمال نزدیک به یقین در طول سال آینده قیمت نفت یک یا چند بار دیگر ترقی کند.

در نتیجه رقم بودجه سال آینده برای اولین بار به ریال ۱۳ رقمی «تریلیون» و به تومان ۱۲ رقمی و به دلار ۱۱ رقمی خوهد رسید. همین کارشناسان منتظرند تا بودجه ضد تورمی ولی پرخرج دولت منتشر شود.

دو کارخانه کاغذسازی جدید احداث می‌شود

دو کارخانه کاغذسازی جدید در استان‌های گیلان و مازندران احداث خواهد شد و باین ترتیب قسمت زیادی از احتیاجات کاغذ ایران در داخل کشور تامین خواهد گردید.

اولین کارخانه کاغذسازی ایران در هفت‌تپه خوزستان به تولید کاغذ اشتغال دارد غلامحسین معصومی معاون وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و سرپرست سازمان جنگل‌ها و مراتع که در رأس هیأتی از مقامات و کارشناسان برجسته سازمان مذکور به فنلاند و کانادا سفر کرده بود به تهران بازگشت.

هیأت مذکور در این سفر از صنایع جنگلی و کارخانه‌های تولید کاغذ و خمیر کاغذ دیدن کرد و در مورد امکانات همکاری‌های بیشتر بین کشورهای مذکور با ایران مذاکراتی انجام داد.

۱۲۰ کشور در کنفرانس صلیب سرخ تهران شرکت می کنند

شب گذشته شاهزاده خانم مارگارت، دختر علیاحضرت ملکه هلند بهمراه هیئتی برای شرکت در بیست و دومین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ با هواپیما وارد تهران شدند و از طرف آقایان اکمل رئیس تشریفات دربار دکتر خطیبی مدیرعامل و دکتر خدابنده‌لو معاون مدیرعامل جمعیت شیر و خورشید سرخ مورد استقبال قرار گرفتند.

دکتر خدابنده‌لو معاون جمعیت شیر و خورشید سرخ در فرودگاه ضمن گفتگوئی با خبرنگاران اظهار داشت در کنفرانس صلیب سرخ تهران نمایندگان دولت‌ها و صلیب سرخ و هلال‌احمرهای یکصدو بیست و یک کشور شرکت خواهند جست و تاکنون هیئت نمایندگی پنجاه کشور به تهران وارد شده‌اند.

در میان اعضای هیئت‌های شرکت کننده در کنفرانس صلیب سرخ تهران گروه کثیری از شخصیت‌های برجسته بین‌المللی از جمله شاهزاده و شاهزاده خانم کنت و کنتس شرکت دارند.

قاب امروز



پارک آبی کابل /منبع: msnbc

داستان کوتاه

مرگ بر آپارتاید

روزی یک مکزیکی سرخ‌پوست، یک سیاهپوست و یک سفیدپوست با کشتی در حال سفر بودند. خبر رسید که کشتی در حال غرق شدن است.

سرخ‌پوست، ساندویچ تاکو خود را به دریا انداخت. سیاهپوست جوجه سرخ کرده‌ای را که در دست داشت، به دریا انداخت.

سفیدپوست دور و برش را نگاه کرد و سرخ‌پوست و سیاهپوست را به دریا انداخت!

* مترجم: آرش میری خانی
* منبع: kickhumor.com

سُرایه

برای نوشیدن یک فنجان چای
از پاییز
از خیابان‌های پربرگ
از کوچه‌های تنگ و تاریک
از میدان‌های پرهیاهو
از پله‌های نمور
از اتاق‌های متروک
گذشتند
به فنجان چای
رسیدند
چای سرد شده‌بود

احمدرضا احمدی

امروز در تاریخ

روز جهانی کوروش

بیست و نهم اکتبر روز جهانی کوروش (Cyrus Day) نام گذاری شده است که از دیرباز پارسیان، یهودیان، دوستداران حقوق بشر و هواداران اداره جهان به صورت ملل مشترک المنافع آن را گرامی داشته و رعایت می کنند.

این روز به مناسبت تکمیل تصرف امپراتوری بابل به دست ارتش پارسیان (۲۹ اکتبر سال ۵۳۹ پیش از میلاد) و پایان دوران ستمگری در دنیای باستان برقرار شده است. دو هزار و ۵۵۰ سال پیش در همین ماه اعلامیه تاریخی کوروش بزرگ در تعریف حقوق افراد و ملل و چگونگی تامین آن انتشار یافت که پایه و نخستین سنگ بنای یک دولت مشترک المنافع جهانی و هر سازمان بین المللی بشمار می آید.

قلع و قمع هواداران کلنل پسیان در خراسان

در دومین هفته ماه آبان سال ۱۳۰۰ خورشیدی حسین آقا میرپنج (سرلشکر حسین خزاعی) فرمانده نیروهای قزاق اعزامی از تهران به مشهد، یک ماه پس از مرگ کلنل محمد تقی خان پسیان هواداران قیام او را در خراسان شدیدا سرکوب کرد. گروهی اعدام و ده ها تن دیگر از آنان نیز زندانی شدند. حسین آقا میرپنج بقیه هواداران قیام کلنل را تهدید کرده بود که اگر از ادامه انقلاب دست بر ندارند و سلاح های خود را تحویل ندهند بی رحمانه قلع و قمع خواهند شد.

دو سوء قصد در تهران

هفتم آبان ۱۳۰٤ خورشیدی واعظ قزوینی روحانی چپگرا و ضد سرمایه داری را که ناشر روزنامه «نصیحت» بود در ساختمان مجلس در بهارستان کشتند. وی مقالات تندی بر ضد فساد مالی، اجحاف و احتکار و نبود مروت و انصاف در ثروتمندان و آزمندی آنان منتشر می کرد.

در همین روز در سال بعد (۱۳۰۵) آیت الله سید حسن مدرس نماینده مجلس در تهران مورد سوء قصد قرار گرفت، مجروح و در مریضخانه دولتی (بیمارستان سینا) تحت عمل جراحی قرار گرفت.

برکناری مقامات نظامی و غیر نظامی به دستور متفقین

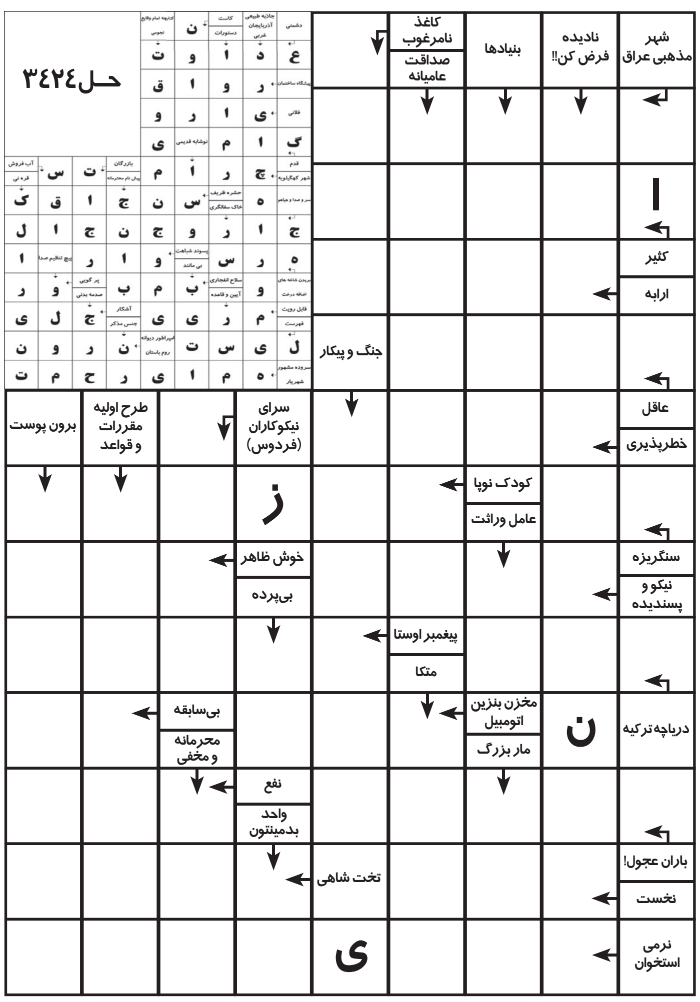
از هفتم آبان ۱۳۲۰، دوماه پس از اشغال نظامی ایران کار برکناری، بازنشستگی و انتقال مقامات نظامی و غیر نظامی ایران طبق فهرست متفقین آغاز شد. دراین تصفیه دامنه دار بسیاری از افسران ارتش نیز به کارهای غیرنظامی گمارده شدند.

مروری بر فهرست مقامات تصفیه شده و سوابق آنان نشان می دهد که عمدتا از میان میهندوستان و مخالفان سلطه اجنبی انتخاب شده بودند.

www.iranianshistoryonthisday.com

۳۴۲۵ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان



سودوکو ۹۱۲

	۸					۳	۱	
	۱			۸	۶	۴		
۴		۲	۳			۹		
		۸	۲	۵		۷		
			۶		۱			
		۱		۳	۷			
		۹			۸	۵		۳
		۴	۵	۶			۲	
	۲	۷					۶	

۵	۴	۸	۷	۱	۶	۲	۹	۳
۲	۹	۳	۵	۴	۸	۷	۱	۶
۷	۱	۶	۲	۹	۳	۵	۴	۸
۸	۵	۴	۶	۳	۷	۱	۲	۹
۱	۷	۲	۸	۵	۹	۶	۳	۴
۶	۳	۹	۴	۲	۱	۸	۵	۷
۹	۸	۵	۱	۶	۴	۳	۷	۲
۴	۲	۷	۳	۸	۵	۹	۶	۱
۳	۶	۱	۹	۷	۲	۴	۸	۵

حل ۹۱۱